



هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

ارتش در فاو

« عملیات والفجر ۸ »

سرهنگ هیبت الله اسدی

آموزش معارف جنگ

ویژه دانشجویان دانشگاه‌های افسری، مقدماتی، عالی و دافوس

ارتش جمهوری اسلامی ایران

پژوهش و تدوین: سرهنگ هیبت الله اسدی

چاپ اول: ۱۳۸۷

چاپ دوم: ۱۳۹۱؛ با ویرایش مجدد و افزایش مطالب تکمیلی به ویژه در بخش های هوانیروز و نهاجا

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است.

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند .

امام خمینی «رحمت الله علیه»

می‌خواهم بگویم که این جنگ، یک گنج است. آیا خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه کند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت ا... خامنه‌ای

همکاران

سر تپ ۲ استاد سید محسن شاهان بهبهانی
سر تپ ۲ استاد سعید پورداراب
سر تپ ۲ استاد علی نیکفرد
سر تپ ۲ استاد نجاتعلی صادقی گویا
سر هنگ فنی هوایی محمد اکبری

بررسی تخصصی چاپ اول
بررسی تخصصی چاپ اول
بررسی تخصصی چاپ اول
بررسی تخصصی چاپ اول و دوم، امور فنی و آماده سازی
ویرایش و بررسی چاپ اول

حمیدرضا خزاعی
حامد خدمتی

طرح جلد
صفحه آرایی چاپ دوم

سر هنگ هیبت‌الله اسدی

پژوهش و تدوین

فهرست مطالب

۱۰	معارف جنگ
۱۱	آشنایی با مؤلف
۱۳	پیشگفتار
۱۴	سخنی با خوانندگان
۱۷	فصل یکم : طرح اولیه عملیات والفجر ۸
۱۹	مقدمه
۲۴	نگاه اجمالی به بعضی از عوامل مهم تأثیرگذار در عملیاتها
۲۴	۱. اصل وحدت فرماندهی
۳۰	۲. ادغام نیروها
۳۱	۳. جدایی نیروها
۳۲	۴. وضعیت ارتش
۳۹	۵. وضعیت سپاه پاسداران
۴۳	۶. نتیجه
۴۵	
	فصل دوم : ارتش در عملیات والفجر ۸
۴۷	آغاز عملیات
۵۰	بخش یکم : نیروی زمینی در عملیات والفجر ۸
۴۳	۱. شرکت در طراحی
۴۶	۲. رها کردن یگانهای سپاه پاسداران
۴۹	۳. شرکت در طرح پوشش و فریب تاکتیکی
۶۶	۴. شرکت به عنوان تک پشتیبانی
۸۷	۵. تقویت تک اصلی (سپاه پاسداران)
۹۸	۶. ششساندهای آمادی (لجستیکی)
۱۰۹	نهای توپخانه پدافند هوایی
۱۱۳	۸. شرکت مؤثر یگانهای توپخانه صحرائی

۱۴۳	۹. هوانیروز در عملیات والفجر ۸
۱۶۹	بخش دوم : نیروی هوایی در عملیات والفجر ۸
۱۷۱	کلیات
۱۷۱	۱. شرکت در عملیات هوایی
۱۷۷	۲. شرکت یگانهای پدافند هوایی در عملیات والفجر ۸
۱۷۷	الف - کلیات
۱۷۸	ب - جنگ افزارهای شرکت کننده در عملیات
۱۷۹	ج - چگونگی عملیات
۱۸۲	د - چند سند و مصاحبه
۱۹۵	عملیات شفق؛ پشتیبانی هوایی از عملیات والفجر ۸
۲۱۰	روزشمار عملیات هوایی شفق
۲۲۵	عوامل موثر در موفقیت نهاجا در عملیات والفجر ۸
۲۳۱	بخش سوم : نیروی دریایی ارتش در عملیات والفجر ۸
۲۳۱	پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ توسط نداجا با بکارگیری ۴ فروند هوانا
۲۳۳	نصب توپخانه سنگین دریایی
۲۳۳	پشتیبانی و شناسایی توسط هوادریا (بالگرد)
۲۳۵	فصل سوم : دستاوردهای آموزشی
۲۳۷	دستاوردهای آموزشی
۲۴۱	۱. نکات مثبت
۲۶۱	۲. نکات منفی
۲۷۸	۳. سخن پایانی
۲۹۳	پیوست : نگرشی بر مجروحین عملیات والفجر ۸
۲۹۹	منابع
۳۰۳	نمایه

- ۳۴ آمار پرسنلی نیروهای سه گانه در هشت سال دفاع مقدس
- ۹۶ آمار تلفات بعضی از یگانهای مهندسی شرکت کننده در عملیات والفجر ۸
(۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۲/۱۲)
- ۱۲۱ صورت یگانهای توپخانه شرکت کننده در پشتیبانی از تلاش اصلی
- ۱۲۲ آمار تلفات رزمی گردانهای توپخانه زیر نظر سپاه (۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۲/۱۲)
- ۱۲۷ مشخصات یگانهای توپخانه شرکت کننده در عملیات والفجر ۸
- ۱۳۵ فهرست شهدای عملیات والفجر ۸ (پرسنل کادر)
- ۱۳۹ فهرست شهدای عملیات والفجر ۸ (پرسنل وظیفه)
- ۱۴۸ فعالیت هوانیروز (۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۱/۳۰) خلاصه جداول
- ۲۵۲ روز آماد و مهمات برای بیست روز اول عملیات والفجر ۸
- ۲۵۳ آمار مهمات مصرفی ماه اول در عملیات والفجر ۸ (۶۴/۱۲/۱۹ الی ۶۴/۱۱/۲۰)
- ۲۵۴ آمار مهمات مصرفی ماه دوم در عملیات والفجر ۸ (۶۴/۱۲/۲۰ الی ۶۵/۱/۱۹)
- ۲۵۵ آمار مهمات مصرفی ماه سوم در عملیات والفجر ۸ (۶۵/۱/۳۰ الی ۶۵/۱/۲۰)
- ۲۵۵ شرح مهمات مصرفی برابر روز آماد و تعداد لوله‌های شرکت کننده در عملیات
- ۲۵۶ شرح مهمات تحویلی به یگانهای مستقر در جنوب (۶۴/۱۰/۱ الی ۶۵/۶/۱)
- ۲۵۶ وزن مهمات مصرفی

فهرست اسناد

- ۶۸ .۱ از معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به ستاد مشترک ارتش؛ موضوع: تعویض نام قرارگاه عملیاتی جنوب به قرارگاه عملیاتی کربلا (۶۴/۱۱/۲۰)
- ۷۰ .۲ از قرارگاه عملیاتی جنوب به قرارگاه خاتم ۲؛ موضوع: اعلام ساعت تک لشکر ۲۱ در نهرخین (۶۴/۱۱/۲۱)
- ۷۲ .۳ از قرارگاه عملیاتی کربلا به فرمانده عملیاتی خاتم ۲؛ موضوع: اعلام آخرین وضعیت یگانهای درگیر (۶۴/۱۱/۲۱)
- ۷۳ .۴ از معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به ستاد مشترک ارتش؛ موضوع: اعلام آخرین وضعیت یگانهای درگیر (۶۴/۱۱/۲۱)
- ۷۴ .۵ از قرارگاه عملیاتی کربلا به فرمانده قرارگاه خاتم ۲؛ موضوع: اعلام ساعت تک و اسم رمز جهت ادامه عملیات والفجر ۸ (۶۴/۱۱/۲۲)
- ۷۵ .۶ از قرارگاه عملیاتی جنوب به فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ موضوع: اعلام تک دشمن به لشکر ۹۲ زرهی در جزیره جنوبی (۶۴/۱۱/۲۵)
- ۷۶ .۷ از معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به ستاد مشترک ارتش؛ موضوع: عملیات والفجر ۸ (۶۴/۱۱/۲۴)
- ۷۸ .۸ از قرارگاه عملیاتی جنوب به گیرندگان مراجعه شود؛ موضوع: دستور جزء به جزء ۵ (۶۴/۱۱/۲۴)
- ۸۲ .۹ نتیجه عملیات انجام شده در منطقه جنوب (والفجر ۸) تا مورخ ۶۴/۱۱/۲۳
- ۹۰ .۱۰ از قرارگاه خاتم ۲ به قرارگاه کربلا؛ موضوع: ابلاغ دستورات قرارگاه خاتم الانبیاء به قرارگاه کربلا (۶۴/۱۱/۲۴)
- ۹۲ .۱۱ از معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به قرارگاه عملیاتی جنوب؛ موضوع: توصیه‌های عملیاتی به یگانهای تابعه قرارگاه جنوب (۶۴/۱۲/۱۲)
- ۹۷ .۱۲ از قرارگاه عملیاتی جنوب به رکن سوم مهندسی به قرارگاه گروه ۴۱۱ مهندس؛ موضوع: ابلاغ اوامر فرماندهی نزاجا (۶۴/۱۱/۲۴)

- معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛
موضوع: پشتیبانی لجستیکی عملیات والفجر ۸ (۶۴/۱۲/۲۷)
۱۰۱. ۱۴. از قرارگاه عملیاتی جنوب به فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛
موضوع: مهمات و اگذاری به یگانهای مامور به سپاه (۶۵/۱/۵)
۱۰۲. ۱۵. از معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به
ستاد مشترک ارتش اداره سوم؛ موضوع: اقدامات انجام شده در رابطه با پشتیبانی
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه فاو (۶۴/۱۲/۱۵)
۱۰۴. ۱۶. از معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران
به معاونت لجستیکی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ موضوع:
مهمات (۶۴/۱۱/۲۳)
۱۰۵. ۱۷. از معاونت لجستیکی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به معاونت
عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ موضوع: پشتیبانی
تعمیراتی یگانها نیروی زمینی سپاه پاسداران (۶۴/۱۲/۱۱)
۱۰۶. ۱۸. از قرارگاه عملیاتی جنوب به معاونت لجستیکی نیروی زمینی ارتش جمهوری
اسلامی ایران؛ موضوع: پشتیبانی لجستیکی یگانهای مستقر در بندر فاو (۶۴/۱۲/۲۰)
۱۳۰. ۱۹. از قرارگاه عملیاتی جنوب به گیرندگان مراجعه شود؛ موضوع:
دستورالعمل تعویض یگانهای توپخانه در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی (۶۴/۱۲/۲۸)
۱۳۳. ۲۰. از قرارگاه عملیاتی جنوب (کربلا) به فرمانده گروه ۳۳ توپخانه؛ موضوع: دستورات
تکمیلی به دستور جزء به جزء شماره: ۱۱ (۶۴/۱۱/۲۵)

فهرست نقشه‌ها

۱۱۲. ۱. شماتیک عملیات والفجر ۸
۱۶۶. ۲. شماتیک عملیات والفجر ۸

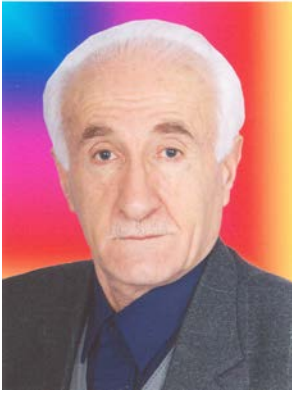
«معارف جنگ» مجموعه ای از باز یافته‌ها ، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاریها ، ایثارگریها و برکت خون شهدای والامقام ، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری «هیئت معارف جنگ» که از پاییز سال ۱۳۷۳، با بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام شهید سپهبد علی صیاد شیرازی و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا ، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی بر عهده گرفته، مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خدای متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش « پژوهشی - آموزشی » شکل گرفته است، ادامه دهد و در این راه، امید به لطف و یاری خدا دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را بر عهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشتهای تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیتهای تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار می‌دهند .

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

آشنایی با مؤلف



در سال ۱۳۲۳ در شهر کرد غرب (شهرستان دالاهو) متولد شدم . تا مقطع دبیرستان در همانجا تحصیل نمودم . سال آخر را در دبیرستان نظام گذراندم، سپس به عنوان معلم در یک روستا به کار مشغول شدم .

در سال ۱۳۴۳ به دانشکده افسری آمدم و پس از فارغ‌التحصیلی، با درجه ستواندومی در رسته توپخانه خدمت خود را ابتدا در کرمانشاه و سپس به عنوان مربی در دانشکده

توپخانه صحرایی شروع نمودم . پس از طی دوره عالی بار دیگر به کرمانشاه برگشتم و ایام جنگ را در گردانهای توپخانه و قرارگاههای توپخانه لشکر، ستاد لشکر و مقدم نزا، کار خود را پی گرفتم . پس از جنگ تحمیلی به مرکز توپخانه منتقل و تا هنگام بازنشستگی در سال ۱۳۷۳ به تدریس اشتغال داشتم . از آن تاریخ تاکنون در دانشگاه‌های وزارت دفاع، افسری امام علی (ع)، شهید ستاری نیروی هوایی، نیروی انتظامی و علمی کاربردی تدریس می‌کنم .

آنچه می‌ماند این است که در سایه آموزه های همکاران اندیشمند خود توانسته‌ام تألیفاتی از خود به یادگار بگذارم. امیدوارم به عنوان هدیه‌ای مناسب مورد قبول جوانان ارتش قرار گیرد. پیام روشن اقدامات انجام شده این است که بازنشستگی مرگ خدمتی نیست؛ بلکه می‌توان آن را به تداوم فرهنگی دوران خدمت مبدل کرد، امید است چنین شود.

سایر تالیفات و آثار سرهنگ هیبت‌اله اسدی

ردیف	عنوان	نوع اثر	سال انتشار
۱	زاویه یاب پ آب ۲	ترجمه	۱۳۵۸
۲	تاکتیک نقشه برداری	تالیف	۱۳۶۷
۳	روش اندازه‌گیری مسافت	تالیف	۱۳۶۷
۴	ماشین محاسبه SR-۵۸	ترجمه	۱۳۶۷
۵	شناخت علمی نقشه برداری	تالیف	۱۳۶۸
۶	نشریه ضد آتش	تالیف	۱۳۶۸
۷	روشنایی میدان رزم	تالیف	۱۳۷۱
۸	رکن سوم توپخانه	تالیف	۱۳۷۲
۹	عوامل موثر در انگیزه افسران ----	پژوهش	۱۳۷۵ ۱۳۷۷
۱۰	تبدیل مختصات قائم‌الزاویه به جغرافیایی و برعکس	برنامه رایانه ای	۱۳۷۸
۱۱	اندیشه‌های خوب برای همه	ترجمه	۱۳۸۱
۱۲	نقشه برداری مختصاتی	تالیف	۱۳۸۲
۱۳	یاد یار	تالیف	۱۳۸۲
۱۴	هرچند دیر (ویراست دوم یاد یار) باتغییرات کلی در خصوص شهید صیاد شیرازی	تالیف	۱۳۸۴
۱۵	فرماندهی در چشم‌انداز ۱۴۰۰	تألیف	۱۳۸۶
۱۶	نقشه‌خوانی و نقشه‌برداری کاربردی	تألیف	۱۳۸۷
۱۷	سامانه تعیین موقعیت جهانی (G.P.S) شناخت و مختصات	تألیف	۱۳۸۹
۱۸	روزشمار جنگ (سال ۱۳۶۱) - ۴ جلد	جمع‌آوری	۱۳۸۸

پیشگفتار نویسنده

در آذر ماه ۱۳۸۰ از طرف هیئت معارف جنگ « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی » مأموریت یافتیم، فعالیت‌های توپخانه در عملیات والفجر ۸ را تدوین نمایم، که برابر یک برنامه مدون شده، کار خود را با جمع آوری مدارک آغاز کردم، خیلی زود دریافتم اسناد موجود (که در کتاب آمده است) کمک قابل توجهی در تدوین یک کتاب جامع نخواهد کرد، اما همین اسناد محدود، نشانه خوبی برای شروع و تعیین روش تحقیق در عملیات به حساب می‌آیند. بنابراین کار را ابتدا با مراجعه به یگانهای توپخانه و سپس به قرارگاههای درگیر پی گیری نمودم و از طریق گفتگو با همکاران به این واقعیت کاربردی رسیدم که دامنه شرکت یگانها فراتر از آن است که فقط توپخانه را شامل شود. به همین انگیزه دامنه فعالیت خود را توسعه دادم و تحقیق را با عنوان « ارتش در فاو » پی گرفتم. در عمل متوجه شدم به علت گذشت زمان، بسیاری از پرسنل آگاه و مؤثر، بازنشسته و در سراسر کشور پراکنده شده اند و این مهم، تلاش افزون تر و مسافرت‌های طولانی تری را سبب گردید، اما در نهایت خداوند را سپاس می‌گوییم که توانستم تحقیق خود را بعد از ۱۸ ماه در فروردین ماه ۱۳۸۲ به هیئت معارف جنگ تقدیم کنم.

و در پایان قابل ذکر آنکه :

۱. سعی گردیده است با استفاده از ادبیاتی متفاوت و آوردن نشانه های جاذب، فضای مناسبی برای خوانندگان ایجاد گردد که در آن با اشتیاق کامل مطالب را پی گیری نمایند.
۲. با افزودن یک فصل با عنوان « دستاوردهای آموزشی » تلاش شده است مسائل توپخانه به خوبی و به وسیله پرسنل توپخانه از زبان دست‌اندرکاران در حد توان تجزیه و تحلیل گردد، تا جایی که نتیجه مطلوب این اقدام را می توان یک منبع غنی آموزشی برای طرح در کلاسهای آموزشی به حساب آورد.

هنوز بر سر عهد و وفای خویشتن است

به سوخت حافظ در شرط عشق و جان بازی

سخنی با خوانندگان

زیزدان بود زور ما؛ خود که ایم بدین تیره خاک اندرون ، برچه ایم
(فردوسی)

اگر رزم آوران پیشین نوعی احساس نیاز برای بازگو نمودن ، دانستنیهای زمان نبردشان از خود بروز می‌دهند ، نباید نسبت به آنان دچار این توهم شد که جنگ طلبند، می‌خواهند خودستایی کنند ، بلکه باید توجه داشت که ذهن روشن بین آنان گرایش به این دارد که بیشتر جنبه هائی از تجربیات خود را بیان کنند که نشانه ای از همبستگی ، از خود گذشتگی و جانفشانی برای رفع تجاوز را در خود داشته باشد و پیامی با انرژی مثبت برای جوانان برومند این مرز و بوم را مهیا کنند .

ممکن است خوانندگان غیر نظامی ما اینطور بیاندیشند که ما از بیان خاطرات جنگی خود لذت فراوانی می‌بریم اما این نکته را نباید فراموش کنند که ما از این که در جنگ بسیاری از دوستان و هم‌زمان خوب خود را از دست داده‌ایم ، احساس دلتنگی می‌کنیم و از خرابی و رنجی که جنگ برای میلیونها نفر از هم میهنانمان ببار آورده است در خود احساس تألم و شرمساری داریم ، اما در این میان شاید همه با من هم رای باشند ، چون جنگ در زمان جوانی ما اتفاق افتاده در صورتی باید احساس انزجار می‌کردیم که از آن به دور می‌ماندیم ، اکنون که چنین نبوده و در بطن جنگ بوده ایم پس با احساس سرفرازی به فکر فرزندان رشید خود هستیم که ممکن است روزی بار دیگر گرفتار این مصیبت و شاید به صورت وحشتناکتر ، گردند ، آنان اگر بدانند ما چه کرده ایم با چشمانی باز به استقبال دفاع از خود می‌روند تا کشور اسلامی و خود را ایمن بدارند .

جدای از هدف اصلی این کتاب که اطلاع رسانی درباره موضوعی ویژه است اهداف آرمانی دیگری را که با آن رشد کرده ام و کار را در پناه این اهداف به سرانجام رسانده‌ام در نظر دارم:

ارتقاء فرهنگ سازمانی ، نگاه آموزشی داشتن، و نمایاندن همکاران و البته احترام به پیشکسوتان از جمله پیامهای این نوشتار می باشد که امید است به آنان دست یازیده باشم تا نظر شما خواننده گرامی چه باشد.

فصل يكم
طرح اوليه عمليات والفجر ٨

مقدمه

تاریخ آئینه ای است که تمام قامت جوامع انسانی را در خود منعکس می‌سازد. زشتی-ها، زیبایی‌ها، کامیابی‌ها، ناکامی‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها و عوامل هریک از این امور را. تفسیر نمونه ج ۹ ص ۳۰۴

رزم آوران پرتوان ایران اسلامی در واپسین ماههای سال دوم جنگ، در پناه عزم ملی با وحدت و انسجام کامل که به ترکیب مقدس^۱ معروف شده بود توانستند بخشی از سرزمین از دست رفته خود را از وجود دشمن متجاوز پاک نمایند، اوج این رشد و بالندگی و حماسه آفرینی در عملیات بیت‌المقدس و بازستانی خرمشهر نمایان گردید تا آنجا که امروزه در بازبینی جنگ ناخواسته، خرمشهر نماد مقاومت بی‌مانند و نمونه اراده ملت سرفراز ایران برای کسب پیروزی به شمار می‌آید.

بازنگری نتایج عملیتهای رمضان (۶۱/۴/۲۳) مسلم بن عقیل (۶۱/۷/۹) والفجر مقدماتی (۶۱/۱۱/۱۷) والفجرهای ۱ و ۲ و ۳ در سال ۶۲ و عملیات خیبر (۶۲/۱۲/۳) نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند است که پس از باز پس گیری خرمشهر، تلاشهای بعدی موفقیت آمیز نبوده و یا موفقیت‌ها محدود و تاثیر چندانی در سرنوشت جنگ نداشته اند افزون بر این در این مدت جبهه مقابل با ایجاد یک سیاست کارساز در جلب حمایت تعدادی از کشورها، توان نظامی خود را به طور محسوس افزایش داد، به کلامی دیگر در حالی که ادامه جنگ در سالهای سوم و چهارم برای ایران با بگومگوهای نظامی، انزوای تحمیلی جامعه بین‌المللی، تشدید فشار و در نتیجه بن‌بست جنگ همراه بود. در عراق با تجدید نظر ساختار کلی ارتش، یارگیری سیاسی، کسب امکانات و افزایش

۱. ترکیب مقدس، واژه آشنائی است که فرماندهی وقت نزا - شهید سپهبد صیاد شیرازی در گفته‌های خود برای فراهم نمودن وحدت و همدلی بین نیروهای ارتش و سپاه از آن بهره می‌برد و البته بسیار کارساز افتاد تا جایی که توانست در دورانی از جنگ این وحدت را از قوه به فعل در آورد و عملیتهای موفق را با ترکیب نیروهای مردمی و سپاه و ارتش به سرانجام رساند.

توان رزمی که تمامی ناشی از حمایت استکبار از عراق بود به پایان رسید ، با این وصف در بهار سال ۱۳۶۳ با وجود این که فشارهای سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای توسط حامیان صدام حسین در جهت آتشبس به ایران وارد می شد نظر به نیاز تحرک در میدان نبرد ، راضی نمودن افکار عمومی و ارتقاء سطح روحیه رزمندگان^۱ ، تلاش برای انجام عملیات در مقیاس وسیع شروع گردید.

۱. روحیه (بصورت تخصصی ، روحیه جنگی) در کسب پیروزی همواره مورد تأیید فرماندهان و نظریه پردازان نظامی قرار گرفته و هرکس دستی به قلم داشته در این باره قلم فرسایی کرده است . کزنفون (فرمانده و اندیشمند یونانی پیش از میلاد) در کتاب با ارزش آنایاسیس می گوید : « شما می دانید که تعداد نفرات و قدرت باعث پیروزی در جنگ نمی شود بلکه هر ارتشی که با نیروی روحی قوی تر به میدان نبرد وارد شود ، معمولاً دشمنانش قادر نخواهند بود که در مقابل آن ایستادگی کنند.» و چندین قرن بعد پس از جنگ دوم جهانی فیلد مارشال مونتگمری در تکمیل سخنان کزنفون می گوید : « روحیه سرباز پر اهمیت ترین عامل در جنگ است » و پس از رسیدن به ریاست ستاد کل ارتش سلطنتی انگلستان به دستور او روحیه به عنوان یک موضوع درسی اصلی در آموزش نظامی مورد بحث قرار گرفت و گفته فراگیر (منصوب به ناپلئون) یعنی روحیه ۰/۷۵ قواست از جمله بیاناتی هستند که در اهمیت روحیه نقل شده است . این بزرگان عرصه میدانهای رزم می خواهند بگویند برای جنگیدن نیاز به روحیه می باشد و اگر سرباز فاقد روحیه باشد نمی تواند بجنگد ، لذا از عواملی مانند ، غذای خوب ، بهداشت خوب ، استراحت ، مرخصی ، دور نگهداشتن سرباز از خط مقدم ، مدال ، پاداش ، درجه و فصلی کردن جنگیدن برای ارتقاء سطح روحیه بهره برده اند اما بدون شک در جنگ تحمیلی تعریفی جدا گانه از روحیه به وسیله رزمندگان ما ارائه گردید ، رزمندگان اسلام برای کسب روحیه فشار می آورند که باید جنگید و فرصت نفس کشیدن را از دشمن گرفت و توقف موردی در جبهه ها را از عوامل پائین آمدن روحیه می دانستند ، لذا فرماندهان و دست اندرکاران اداره کننده جنگ بر خلاف آنچه که در گذشته تجربه شده بود ، نیازمند ساز و کار جدیدی بود ، این ساز و کار مورد قبول رزمندگان چیزی جز گرم نگهداشتن جبهه ها با طراحی عملیاتی گوناگون نبود ، نقل نمونه ای تاریخی از زبان پزشکی مجرب شاید تکمیل کننده خوبی برای این سطور باشد.

ژنرال ریچارد سون (رئیس بهداری ارتش بریتانیا در جنگ جهانی دوم) در کتاب خود به نام روحیه جنگی در دستور العملی برای ارتقاء سطح روحیه سربازان چنین می نویسد : با توجه به این که در طول جنگ نمونه های زیادی از ترس ، فرسودگی و فشارهای عصبی ناشی از طولانی شدن جنگ دیده می شود ، لذا اهمیت استراحت و دور ماندن از جبهه به خصوص در شرایط تدافعی مورد تاکید است و برای این منظور ، گردانها مجبور به تهیه یک مرکز برای نگهداری سربازان می گردند، فراموش نکنیم

منظور از این پاورقی طولانی، نفی لزوم ایجاد شرایط رفاهی برای پرسنل درگیر در جنگ نیست بلکه مقایسه اقدامات مورد نیاز فرماندهان در جنگ‌های گذشته و جنگ ناخواسته ایران و عراق برای حفظ روحیه می باشد . و به عنوان حسن ختام مقام معظم رهبری درباره روحیه می‌فرمایند: باید از حماسه‌های بجا مانده از جنگ برای جاری کردن این روحیه در امتداد تاریخ استفاده شود.

طرح اولیه عملیات والفجر ۸ / ۲۱

در بررسیهای همه جانبه ای که به عمل آمد منطقه عمومی فاو به دلیل اهمیت شهر و تاسیسات بندری آن ، تسلط کامل بر اروندرود (آبراهی که صدام به بهانه آزادی آن جنگ را شروع کرد) تسلط بر شمال خلیج فارس و سایر حساسیتهای راهبردی منطقه برای عملیات مناسب تشخیص داده شد و دستور تهیه یک طرح عملیاتی در جهت تصرف بندر فاو صادر گردید که پس از تبادل افکار بین طراحان جنگ در نهایت طرح اولیه عملیات والفجر ۸ از طرف قرارگاه خاتم الانبیا (ص) تهیه و به قرارگاههای سه گانه (کربلا، نجف، ظفر) ابلاغ گردید.

قرارگاه های سه گانه پس از دریافت طرح ، اقدامات گسترده ای در جهت رفع موانع و کسب آمادگی برای اجرا را شروع نمودند ، تا آنجا که غواصان یگانهای تک ور سپاه پاسداران (که قرار بود از اروندرود عبور نمایند) در رودخانه دز و تیپ ۵۵ هوابرد (که قرار بود در غرب فاو هلی برد ۲ شود) در باتلاق گاو خونی تمرینهای آمادگی خود را آغاز نمودند^۳ با این وصف به دلایلی که در بخش دوم همین فصل مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت ، اجرای این عملیات منتفی شد و چندی بعد این طرح به عملیات والفجر ۸ انجام نشده معروف گردید.^۴ این که یک طرح عملیاتی تهیه و انتشار یابد ، سپس اجرای آن به آینده سپرده شود و یا به طور کلی به انجام نرسد ، مطلب جدید و غیرقابل درکی نیست ، بازنگری پیشینه جنگ به ویژه جنگهای طولانی، فراوانی این رخداد را می نمایاند؛ دلایل زیادی را می توان برای طرحهای عملیاتی به سامان نرسیده بر شمرد. گرچه ملاحظات سیاسی در بیشتر موارد

۱. بر مبنای ادغام نیروها و در جهت ایجاد هماهنگی بین نیروهای سپاه و ارتش یک قرارگاه مشترک به نام خاتم الانبیا (ص) در جنوب تشکیل گردید ، این قرارگاه مسئولیتی شبیه ستاد مشترک را بعهده داشت ، فرماندهی این قرارگاه با فرماندهی کل قوا بود که ایشان این مسئولیت را در اوائل جنگ به رئیس جمهور وقت و سپس به آقای هاشمی رفسنجانی تفویض کرده بودند ، این قرارگاه هم اکنون به ستاد کل نیروهای مسلح تبدیل شده است که زیر نظر فرماندهی کل قوا اداره و امور مربوط به نیروهای مسلح را سازماندهی می نماید .

۲. هلی برد یا هلی برن HELIBORNE

جایجائی پرسنل ، تجهیزات ، وسائل و جنگ افزار مورد نیاز یک عملیات از طریق هوا به وسیله بالگرد را هلی برد می نامند ، گفتنی است که هوانیروز در جنگ حدنصاب تازه ای از این نوع عملیات به جای گذاشت .

۳. نقل از سرتیپ ۲ سعید پورداراب (یکی از فرماندهان جبهه جنگ)

۴. درودیان، محمد؛ آغاز تا پایان؛ ص ۹۹ .

عامل باز دارنده به حساب می‌آیند، اما دلایل تاکتیکی و نیازمندیهای آمادی همیشه دستاویز مناسبی برای فرماندهان وادارهکنندگان جنگها در عدم اجرای طرحهای آماده شده بوده و خواهد بود .

برآورده نشدن پیش بینیها ، فراهم نشدن امکانات لازم ، افشای اطلاعات، عوامل آب و هوایی ، اقدامات دشمن و مواردی هستند که در این بخش می‌توان به آن اشاره کرد. آقای هاشمی رفسنجانی^۱ در جلسه ای که با شرکت کلیه فرماندهان ارشد در دزفول تشکیل شده بود پس از شنیدن پیشنهادهاتی که فرماندهان ارتش و سپاه در رابطه با عملیات والفجر ۸ ارائه کردند اظهار می‌دارند:

انجام عملیات با تمام امکانات لازم تا آنجائی که من می‌دانم مقدور نخواهد بود عملیاتی را پیشنهاد کنید تا بتوانیم بپذیریم.^۲

سرتیپ ۲ بهروز صفری کیا، پس از خواندن کتاب طی نامه‌ای می‌نویسد:

اینجانب در آن جلسه حضور داشتم. ایشان (حجت‌الاسلام رفسنجانی) مطالب فرماندهان ارتش و سپاه را که قرار بود در عملیات شرکت نمایند به دقت گوش دادند که بیشتر بلکه در همه موارد بر عدم اجرای این مأموریت با توجه به امکانات و ریسک بالای آن صحبت کردند و برای من جالب بود که فرماندهان سپاه در مخالفت با اجرای طرح پیش‌قدم بودند و تنها کسی که موافق اجرای طرح صحبت کردند جناب سرهنگ عبادت (فرمانده تیپ ۵۵ هوابرد) بود و در نهایت آقای هاشمی فرمودند: صحبت‌های شما را شنیدم . به تهران برمی‌گردم و شما کار خودتان را ادامه بدهید تا پس از طرح مسئله در تهران تصمیم نهایی در خصوص اجرا یا عدم اجرای این مأموریت از طریق سلسله مراتب اعلام می‌شود.

بدون تردید نگاه تحلیلی به این فراز نشان می‌دهد که پیشنهادها خارج از امکانات بوده است ، از طرفی ضمن خود داری از هرگونه اظهار نظر شعار گونه، از بررسی

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی که به فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیا منصوب شده بود ، به طور معمول در منطقه حضور فعال داشت و تلاش می نمود ضمن ایجاد هماهنگی و رفع موانع ، امکانات و تجهیزات لازم را برای اجرای عملیات های در دست اقدام فراهم نماید .

۲. سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی؛ دزفول ۱۳۶۳/۴/۳۰

عملیاتهای سالهای اول و دوم جنگ آشکار می گردد که فرماندهان ما در تلاش خود برای رسیدن به پیروزی ، نه تنها به دنبال بهانه برای ننجگیدن نبوده اند ، بلکه با نادیده گرفتن مسائل و کمبودهای معقول به دنبال سوسویی هر چند کم نور و کم حرارت در جهت گرم نگهداشتن و فعال کردن میدان کارزار بوده اند ، با این وصف مشاهده می گردد، در این برهه از زمان، لیست در خواست امکانات فراتر از تواناییهای کشور است. به طوری که در نهایت نوعی اشتراک نظر در مخالفت با اجرای عملیات به دلیل ظاهری کمبود امکانات به وجود می آید و عملیات غیر قابل اجرا تشخیص داده می شود. اما این دستاویز در مقابل حماسه های کم نظیر و پیروزیهای فخر آفرین کسب شده در گذشته بهانه معقولی به نظر نمی رسد پس بایستی به فکر باور دیگری غیر از مسائل تاکتیکی حاکم بر جبهه ها بود .

در پیگیری دلائل عدم اجرای عملیات والفجر ۸ با یکی از فرماندهان (سرتیپ ۲ سعید پورداراب) مصاحبه ای انجام گرفت ، ایشان که در آن جلسات تصمیم گیری به عنوان افسر عملیات قرارگاه عملیاتی نزاجا حضور داشت، در جواب بیان نمود :

برابر بند مانور عملیات والفجر ۸ که قرار بود به وسیله یگانهای عمده ارتش و سپاه در تابستان سال ۱۳۶۳ اجرا گردد، بایستی تیپ ۵۵ هوابرد ۱ برای ایجاد سر پل مطمئن به پشت فاو (غرب فاو) با استفاده از بالگردهای هوانیروز، هلی برن می گردید و سپس با دو یگان عمده تک ور (یکی با عبور از اروند رود و دیگری از طریق شلمچه) عمل الحاق را انجام می داد تا بدین وسیله محاصره فاو تکمیل و در نتیجه فاو به تصرف در می آمد. تمام یگانها و قرارگاهها برابر طرح به محل عزیمت نمودند و در آخرین جلسه هماهنگی که با شرکت فرماندهان ارشد عملیات تشکیل شده بود فرمانده تیپ ۵۵ هوابرد سؤال نمودند: اگر عمل الحاق انجام نگیرد و یا عملیات عبور از رودخانه خروشان اروند رود با موفقیت همراه

۱. تیپ ۵۵ هوا برد یک یگان پیاده سبک می باشد که به علت آموزشهای ویژه، توانایی عملیاتهای پرش با چتر و جابجائی سریع به وسیله بالگرد برای ایجاد سرپل را دارد این تیپ با توجه به تجهیزات ویژه خود ، بیشتر توان تهاجمی دارد تا دفاعی . با این وصف از این تیپ در تمام سالهای دفاع مقدس در سخت ترین شرایط استفاده شده و موفقیتهای چشمگیری نیز بدست آورده است . فرماندهی تیپ ۵۵ هوابرد در این زمان ، جناب سرهنگ کریم عبادت بودند .

نباشد چگونه می‌توانید تیپ هوابرد را که در پشت جبهه دشمن پیاده شده است نجات دهید؟ با سکوت حاضرین مواجه گردید. در این جلسه همچنین برادر علی تجلائی از سپاه پاسداران که فرماندهی یک تیپ را بعهده داشت، غیر قابل اجرا بودن طرح را تأیید نمود. در نتیجه در پایان جلسه آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) دستور دادند عملیات به تاخیر بیافتد و بررسی بیشتری به عمل آید.

اگر می‌خواهی آینده را پیش‌بینی کنی
به مطالعه گذشته بپرداز. (کنفوسیوس)

نگاه اجمالی به بعضی عوامل مهم تأثیرگذار در عملیات

ارزیابی توقف عملیات والفجر ۸ و یا به طور اساسی تر، توقف گاه و بیگاه در ادامه جنگ با توجه به عدم تغییر در سیاست کلی نظام و اراده سیاسی برای رسیدن به پیروزی قطعی به یک نکته بسیار مهم و تعیین کننده بر می‌خوریم و آن تغییر در روش و شیوه جنگیدن است لذا ملاحظه می‌شود، در هیجده ماه بعد همین طرح با دو فرماندهی (سپاه و ارتش) به اجرا در آمد. این رخداد در شرایطی است که اگر نگوئیم امکانات کاستی یافته بود، به طور یقین چیزی اضافه نشده بود. بررسی دقیق روشهای به کار گرفته شده برای ادامه جنگ، علل افت و خیزها و فرود و فرازهای دوران جنگ را نمایان می‌کند. اما قبل از هر چیز با یاری جستن از گنجینه گلستان استاد سخن «سعدی»، زمینه نسبی مناسبی برای پیگیری تحلیلهای شاید ملال آور را فراهم می‌نماییم.

کس خوشتر از خویشتندار نیست	که با خوب و زشتش کسی کار نیست
تو را دیده در سر نهادند و گوش	دهان جای گفتار و دل جای هوش
مگر باز دانی نشیب از فراز	نگویی که این کوه است؛ آن دراز

۱- اصل وحدت فرماندهی :

در امور جنگ مشورت نما، لیکن آن چه خودتصمیم گرفتی با توکل به خدا
انجام ده

«سوره آل عمران آیه ۱۵۹»

وحدت فرماندهی یعنی وحدت اختیارات به منظور ارائه حداکثر تلاش، وحدت فرماندهی باعث ایجاد وحدت در استفاده بهینه از امکانات و حداکثر قدرت نیروهای موجود برای رسیدن به هدف می شود و چون اصل هدف ایجاب می نماید که تمام تلاشها به سمت یک هدف معین معطوف شود، لذا موثرترین عامل برای رسیدن به وحدت، واگذاری اختیارات به یک فرد واحد است تا بتواند نیروها را هدایت، هماهنگ و کنترل نماید. اهمیت شیوه اداره جنگ همین بس که حضرت امام خمینی(ره) می فرمایند^۱ :

وحدت فرماندهی از مسائل سرنوشت ساز است که بدون آن پیروزی میسر نیست و عدم مراعات آن فاجعه آفرین است^۲.

سرتیپ ۲ نصرت الله معین وزیری (استاد مجرب دانشکده فرماندهی و ستاد) اصل وحدت فرماندهی را برابر آئین نامه ارتش جمهوری اسلامی ایران چنین تعریف و تشریح می نماید:

بر طبق آخرین آئین نامه مصوبه ارتش جمهوری اسلامی ایران به شماره (۱/۲) -۴۳ که در سال ۱۳۷۹ منتشر شده تعریف اصل وحدت فرماندهی به شرح زیر است؛ بدیهی است نباید در کتابها مطلبی مغایر با آن نوشت :

« وحدت فرماندهی یعنی این که در یک سلسله مراتب فرماندهی، همه نیروها تحت امر یک فرمانده مسئول و واجد شرایط با اختیارات کافی قرار گیرند تا وی بتواند در راستای خط مشی کلی با ایجاد وحدت تلاش، کلیه منابع و نیروها را در یک جهت و به سوی هدف مشترک سوق دهد »

« وحدت تلاش از طریق هماهنگی، همکاری، همدلی و اشتراک مساعی بین همه نیروها امکان پذیر می گردد؛ هرچند الزاماً به عنوان جزئی از همان ساختار فرماندهی محسوب نشوند ... »

۱. رهبر انقلاب به طور معمول با توجه به شرایط به وجود آمده در موارد جنگ و در جهت تقویت و انسجام نیروها اظهار نظری نمودند .

۲. صحیفه نور؛ ج ۱۴، ص ۱۰.

« در عملیات مرکب^۳ احتمال دارد وحدت فرماندهی ناممکن باشد، اما حتماً نیازمند وحدت تلاش است که به موجب آن بین نیروهای مختلف با ملیت‌های متنوع، روح همکاری، همدلی و اشتراک مساعی برای رسیدن به منظور مشترک وجود داشته باشد. « ولی در عملیات مشترک ایجاد چنین وحدتی ضروری و ممکن است.»

« در واقع وحدت تلاش به عنوان مکمل اصل وحدت فرماندهی محسوب می‌گردد »

در فرهنگ واژه‌های نظامی در اهمیت رعایت اصل وحدت فرماندهی آمده است:

«داشتن اختیارات لازم و به کار بردن حداکثر تلاش تمام نیروها برای رسیدن به هدف نهایی را اصل وحدت فرماندهی گویند ، اصل هدف ، کلیه تلاشها را متوجه یک هدف عمومی می نماید و برای تکمیل این اصل باید وحدت فرماندهی برای تمرکز کلیه تلاش ها وجود داشته باشد . موثر ترین اقدام جهت وحدت تلاش، وحدت فرماندهی است یعنی باید اختیارات لازم به فرمانده تفویض گردد، اصل وحدت فرماندهی^۱ در تمام وظائف نظامی صدق

۳. عملیات مرکب و مشترک در پاورقی صفحه‌های بعد تشریح شده است.

۱. فرماندهی ، آموزش ، تجهیزات ، روحیه ، انضباط ، سلسله مراتب و از مولفه های یک ارتش کار آمد است، در این میان فرماندهی دارای نقش اول است و در رابطه با نقش و جایگاه فرمانده ، بین صاحب نظران اشتراک نظر وجود دارد و آن قدر مهم تلقی می گردد که در بین تعاریف متفاوت از جنگ ، تعریف جنگ ها را می توان در واقع نبرد میان دو فرماندهی دانست از جمله زبازند ترین تعریف محسوب کرد و اصل وحدت فرماندهی از اصول انکار ناپذیر جنگ است که تمام ارتشهای جهان در پذیرش آن تردید به خود راه نداده اند و باور آشنایان به اصول جنگ این است که در صورت نادیده انگاشته شدن در جنگ ، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را سبب خواهد شد. با نگرش به اهمیت موضوع و کسب اطلاعات بیشتر و تجزیه و تحلیل کارشناسانه اصل وحدت فرماندهی، به دانشکده فرماندهی و ستاد (گروه عملیات مشترک) مراجعه و رئیس گروه سرتیپ ۲ حمدالله جمشیدی که سالهاست در این دانشکده تدریس می کند را چنین مورد سوال قرار دادم:

آیا هدایت عملیات با دو فرماندهی مستقل و ابلاغ طرحها و دستورات عملیاتی با دو امضاء

نادیده گرفتن اصل وحدت فرماندهی نیست ؟

ایشان برابر عادت همیشگی با تأمل و بسیار شمرده جواب گفتند :

شاید آن چه را که انجام گرفته است با توجه به شرایط زمان ، مکان و نیروها ، تنها راه حل در پیش رو بوده است که البته در پاره ای موارد نتایج خوبی هم داشته است. اما جواب من به عنوان یک معلم بایستی با اصول حاکم بر هدایت مشترک نیروها منطبق باشد ، روشن است که هر عملیاتی باید با هماهنگی کامل نیروهای درگیر به انجام برسد تا این که، هم از پراکندگی تلاش ها جلوگیری شود و هم از وسائیل و امکانات و تسهیلات موجود در راه رسیدن به هدف بهره برداری خوبی به عمل آید. ساده بگویم برای رسیدن به هدف معین ، وحدت تلاش نیاز است ، لازمه

می‌نماید ، و وحدت فرماندهی همکاری و اعمال دسته جمعی را موجب می‌شود.^۲»

در کتاب سیری در جنگ ایران و عراق آمده است :

پس از انجام عملیات بدر، شکل جدیدی در سازماندهی نیروها به اجرا در آمد و از سال ۱۳۶۴ نیروهای ارتش و سپاه هر کدام به صورت مستقل نسبت به طراحی و اجرای عملیات اقدام نمودند.^۳

وحدت تلاش ، ایجاد وحدت در فرماندهی است و برای رسیدن به وحدت فرماندهی تشکیل سازمانهای مختلفی پیش بینی شده است که بر اساس آنها یک نفر فرماندهی عملیاتی را که قرار است به وسیله نیروهای مختلفی انجام شود به عهده می‌گیرد .

استاد : تاکید شما روی یک فرمانده است ؟

استاد در حالی که کتاب (نیروهای مشترک و مرکب) را از قفسه بیرون می‌آورد گفتند : شکی نداشته باشید. زیرا تعریف فرماندهی مشترک همین است سپس جملات زیر را از کتاب قرائت نمودند:

فرماندهی مشترک یک فرماندهی است با ماموریت کلی و مداوم که از عناصر عمده واگذاری از دو نیروی مسلح و یا بیشتر ، تحت امر یک فرماندهی واحد تشکیل می‌شود ، فرماندهی مشترک توسط فرمانده کل نیروهای مسلح یک کشور تشکیل می‌شود .

آیا جنگیدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران در کنار یکدیگر را

می‌توانیم به عنوان دو نیروی مسلح که تشکیل یک فرماندهی مشترک داده اند قلمداد کنیم ؟

تعریف فرماندهی مشترک برای دو نیروی مکمل یکدیگر به کار برده می‌شود. مانند نیروی هوایی و نیروی زمینی. گرچه ما عملیاتهای جنگ تحمیلی را همیشه با عنوان عملیات مشترک یاد می‌کنیم ، اما این یک اشتباه مصطلح است. به هر حال چون نیروی هوایی همیشه نیروهای زمینی ارتش و سپاه را پشتیبانی می‌کرده است شاید به نوعی بتوانیم تعریف کلی فرماندهی مشترک را برای مجموعه نیروها صحیح بدانیم .

برای جنگ خلیج فارس بین نیروهای متحد و عراق چه اصطلاحی میتوان استفاده کرد ؟

جنگهایی را که با همکاری چند کشور شکل می‌گیرد، نیروهای مرکب می‌گویند در این تعریف هم همانطوری که شما در متن سؤال به آن اشاره کردید ، یک تعارض وجود دارد؛ آن اصطلاح نیروهای متحد به جای نیروهای مرکب است .

۲. رستمی؛ سرتیپ محمود؛ فرهنگ واژه‌های نظامی؛ ص ۸۷ و ۸۸ .

۳. فاو تا شلمچه؛ ص ۹.

اکنون این سؤال مطرح است ، روش قبلی یعنی هدایت جنگ به طور مشترک و با دو فرماندهی ، روشی که در گذشته در هیچ جنگی دیده نشده است چه مشکل و نارسائی داشته است که باید در این مقطع حساس و در نیمه راه کسب پیروزی قطعی بر خصم زبون، مورد دگرگونی و تغییری اساسی قرار گیرد .

مگر نه این که پیروزیهای افتخارآفرینی همچون فتح المبین و بیت المقدس و در سایه ترکیب مقدس نیروها در میدان عمل رخ داده است؟ اکنون چه شده است که دیگر این ترکیب مقدس جوابگوی نیاز جبهه را فراهم نمی کند و ادامه جنگ با دو فرماندهی مجزا مورد ایراد است؟ و یا آن چه در گذشته اتفاق افتاده است موردی و تحت شرایط ویژه بوده است؟ یا این که در اخلاص و روش فرماندهان شک و تردید ایجاد شده است؟

بدون تردید هیچ گونه نظرمندی در مورد اخلاص و احوال شخصی و اهداف فرماندهان ارشد و اداره کنندگان جنگ مطرح نیست و منیت و خودخواهی و قدرت طلبی را نمی توان به آنان نسبت داد و خوشبختانه بستر چنین افکار نادرستی در مجموعه ای که اصول حاکمیت دارد وجود ندارد . عدم رعایت اصل وحدت فرماندهی و تبعات منفی آن را می توان به طور گسترده از زبان و قلم اظهارنظر کنندگان درباره جبهه و جنگ شنید به عنوان نمونه، در کتاب تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به قلم سرهنگ بازنشسته سید یعقوب حسینی آمده است .

این مسائل موضعی و محلی، سبب بروز مشکلاتی در سیستم فرماندهی می گردید به طور کلی هماهنگی و وحدت فرماندهی بین قرارگاههای هدایت کننده را مختل می ساخت و شکاف بین سیستم فرماندهی را عمیق تر می کرد و قرار گاههای رده بالاتر ارتش و سپاه نیز که در راس ارتش ستاد مشترک بود توانائی بر طرف کردن ناهماهنگی ها را نداشته و فقط به مکاتبه اکتفا می کردند ، چنان که در ۲۵ مرداد ماه ۱۳۶۴ ستاد مشترک طی نامه ای از نیروی زمینی درخواست کرد میزان هماهنگی بین ارتش و سپاه را به ستاد اعلام کند^۱ و

معطل ماندن اصل وحدت فرماندهی و ناهماهنگی بین نیروها در بسیاری از موارد سبب بروز اختلاف نظر، نامه نگاری غیر اصولی ، به خطر افتادن امنیت خطوط دفاعی ،

۱. حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ ج ۷، ص ۵۱۷.

به تعویق افتادن و حتی عدم اجرای عملیاتهای طراحی شده می گردید ، چنان که در همان مدرک در پیش گفته شده می خوانیم :

در هر صورت مسئولین نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برای رفع این معضل (خلل در وحدت فرماندهی) و ضرورت و لزوم بکارگیری تمامی امکانات ملی از جمله نیروی انسانی و تمامی ن.م تصمیم گرفتند وحدت را در عالیترین سطح فرماندهی یا سرفرماندهی کل جنگ حل کنند. بدین ترتیب آیت... هاشمی رفسنجانی به عنوان فرمانده جنگ وارد عمل شدند و قرارگاه خاتم الانبیاء به عنوان ستاد ایشان مأموریت هماهنگی نیروها را به عهده داشت.

مسئله رهایی یگانهای سپاه سبب اختلاف نظر بین نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران شد و بالاخره قرارگاه مرکزی سپاه پاسداران برای حل این مشکل به آقای هاشمی رفسنجانی که فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) را برعهده داشت متوسل گردید. در ۲۶ شهریور ماه ۱۳۶۴ طی نامه‌ای از ایشان درخواست کرد به نیروی زمینی دستور دهد لشگر نصر سپاه را که در منطقه «کانی شیخ» مستقر بود تعویض و آنرا رها سازد.

از طرف آقای هاشمی رفسنجانی به این منظور نامه‌ای به نیروی زمینی نوشته شد. ولی چنین بنظر می‌رسد که فرمانده نیروی زمینی مشکلات آن نیرو را حضوراً به اطلاع آقای رفسنجانی رسانید و در تاریخ اول مهرماه به سپاه پاسداران پاسخ داد که با توجه به مذاکره حضوری با حضرت حجت السلام رفسنجانی، نیروی زمینی ارتش فعلاً از رها کردن لشگر نصر و تحویل گرفتن مسئولیت پدافندی خط اُحد معذور است^۱.

و خطاب به نیروی زمینی، ارتش اعلام می کند:

در اجرای دستور حجت الاسلام رفسنجانی، لازم است نیروی زمینی ارتش خط پدافندی (احد) را تحویل بگیرد، به علت نیاز مبرم به یگانها ، سپاه این خط را به هر حال در ۲۵ آبانماه تخلیه خواهد کرد و در این رابطه هیچ مسئولیتی را متقبل نخواهد شد^۲. فرماندهی نیروی زمینی در ۲۰ آبان ماه به نامه سپاه پاسخ می دهد : امکان اجرای دستور را ندارد^۳.

۱. حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ ج ۷، ص ۵۱۷.

۲. همان؛ ص ۵۲۰.

۳. همان.

با کمال تأسف، از بررسی مدارک در دسترس چنین بر می آید که جابه جایی یگان‌های سپاه و ارتش که نمونه آورده شده یکی از آنها بود تا اوائل ۱۳۶۴ طول کشید.

۲- ادغام نیروها :

با وجود این که تجربه، ادغام، ترکیب و هماهنگی نیروهای، سپاه پاسداران و نیروی زمینی در مقاطعی از جنگ اعجاز آفرین و کار ساز بوده و نتیجه غیر قابل انکاری داشته است اما رویدادهای بعدی به روشنی نشان می‌دهد که این اقدام، موردی، شکننده و غیر قابل اعتماد و تحت شرایط ویژه انجام گرفته و چون هیچ گونه ارتباط تدوین شده ای بین دو نیرو وجود نداشت و نیروهای ادغامی در سلسله مراتب^۱ فرماندهی همدیگر قرار نداشتند. به طور لزوم مسائل، مشکلات و تصمیم‌گیریهای نهایی با دخالت افراد ذی نفوذ^۲ و در پاره ای اوقات با وساطت کسانی خارج از سیستم و به صورت کدخدا منشی حل و فصل می گردید که البته چنین روشهایی در نظام مدیریتی دنیای امروز، آن‌هم در راس هرم و در شرایط بحران که دقایق و ثانیه‌ها در تصمیم‌گیری سرنوشت ساز است نه تنها جایگاه مطلوبی ندارد، بلکه تردید و عدم قاطعیت در نظام تصمیم‌گیری و طولانی شدن خط تصمیم‌گیری، می‌تواند فاجعه آفرین باشد.

بنابراین بسط و توسعه روش هدایت نیروهای رزمی با دو فرماندهی مستقل، و در سازمانهای دولتی با دو مدیریت^۳ به عنوان یک الگو و روش امکان‌پذیر نیست و در میدان

۱. شهید سرلشکر ولی الله فلاحي، پس از شهادت دکتر چمران، چنین نقل می‌کند: هیچگاه او (دکتر چمران) به عنوان وزیر دفاع یا نماینده نخست وزیر در امور انقلاب، در سلسله مراتب فرماندهی دخالت نکرد و باعث تضعیف این سیستم نشد. همیشه روی این سیستم تاکید داشت، حتی بخاطر دارم در ستونی که از بانه به طرف سردشت می‌رفتیم، به اتفاق هم با هماهنگی یکدیگر، در آن زمان که من فرمانده نیروی زمینی و دکتر وزیر دفاع بودند، توافق کردیم تا سرگرد شیبانی فرمانده ستون عملیاتی پذیرفته شود و در کارش مداخله نکردیم.

۲. حضور تقریباً دائمی ریاست محترم جمهور، ریاست محترم مجلس وقت و در پاره‌ای از اوقات حضور آیات عظام و امامان جمعه و در منطقه و شرکت در جلسات مشترک، مواردی بودند که برای ایجاد هماهنگی و رفع اختلاف انجام می‌گرفت. که البته در آن شرایط بهترین و شاید هم تنها راه در پیش رو به حساب می‌آمد.

۳. انجام وظیفه واحد با مدیرتهای جداگانه که با هم ارتباط سازمانی نداشته باشند پس از انقلاب در امنیت

طرح اولیه عملیات والفجر ۸ / ۳۱

عمل مردود شمرده شده است. درک و باور این نتیجه گیری دور از انتظار نیست. زیرا صرف نظر از هر مسئله جانبی دیگر، از دید اقتصادی حذف سازمانهای موازی به عنوان یک راهکار مناسب شناخته شده از وظائف اولیه برنامه ریزان در سطح جامعه می باشد. و رعایت این اصل، بویژه در کشور ما که مجبوریم پول کمتری در امور دفاعی هزینه کنیم باید به طور جدی مورد توجه دست اندر کاران امور دفاعی و امنیتی قرار گیرد .

۳- جدائی نیروها

حجت السلام هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود می نویسد:

در این عملیات (عملیات رمضان) پیشروی محدود داشتیم، خیلی کمتر از اهداف تعیین شده و اولین ضربه به روحیه رزمندگان که فکر می کردند، چیزی نمی تواند مانع پیشرویشان شود، وارد شد . همین تجربه در عملیات والفجر مقدماتی هم تکرار شد، با موانعی از نوع دیگر، البته نباید نقش اختلاف نظر فرماندهان ارتش و سپاه را در نحوه انجام عملیات نادیده بگیریم که یکی بیشتر به شیوه های کلاسیک جنگ می اندیشد و دیگری به شیوه های ابتکاری و انقلابی و شهادت طلبانه پای می فشرد^۱.

مفهوم گفتار آقای هاشمی را به نوعی می توان از بیانات سردار محسن رضایی استنباط کرد^۲

داخلی (شهربانی ، ژاندارمری ، کمیته) و در پشتیبانی دفاعی (وزارت سپاه و وزارت دفاع) و در اقتصاد و تولید (وزارت جهاد، وزارت کشاورزی) مورد تجربه قرار گرفت که به دلایل متفاوت ، در عمل غیر قابل قبول شناخته شد و مورد تجدید نظر جدی قرار گرفت و در نهایت با تصحیح روش ، اصل وحدت سازمانی به مورد اجرا گذارده شد .

۱. پس از بحران ، کارنامه و خاطرات ، هاشمی رفسنجانی ، ص ۱۸

۲. درودیان محمد ، آغاز تا پایان ، ص ۷۸

۴- وضعیت ارتش :

بررسی پیشینه جنگهای قرن اخیر نشان می دهد ، هیچ ارتشی در ایام جنگ نه تنها بی نیاز از حمایتهای ویژه دولتها و کمکهای داوطلبانه مردم نبوده، بلکه پیروزی و یا شکست، همیشه به توانائی استفاده از امکانات نهفته در جامعه و همبستگی و همدلی^۱ نیروهای مسلح و ملت، بستگی مستقیم داشته است. در این راستا ارتش جمهوری اسلامی ایران افزون بر این که از این قاعده نمی تواند متمایز باشد، بلکه از آنجائی که وقوع انقلاب تمام زیر ساختهای آنرا دگرگون کرده بود، به عنوان یک نیاز مضاعف می بایستی مورد حمایت افزونتری قرار می گرفت در صورتی که پشتیبانی از ارتش در زمان جنگ مشکلات عدیده داشت :

به عنوان یک نمونه روشن می توان به افزایش ساختار سازمانی نیروها اشاره کرد که به طور معمول در جنگ با احضار نیروهای ذخیره و احتیاط عملی می شود. اما این اقدام به دلیل گسستگی نظام ارتش ناشی از التهاب اولیه انقلاب نه تنها عملی نگردید بلکه در روند سربازگیری به طور سنتی هم خلل ایجاد گردید و تمام سربازان در اختیار ارتش قرار داده نمی شدند^۲ و در ایام جنگ همواره یکی از مشکلات نیروی زمینی کمبود نیروی انسانی و به

۱. گفته شده است برآستی برای متحد ساختن یک ملت باید جنگی روی دهد ، اما حتی در زمان صلح و شاید مخصوصاً در زمان صلح افزایش درک متقابل بین ملت و نیروهای مسلح آن حائز اهمیت فراوانی است.(روحیه جنگی؛ ص ۵۰).

۲. در یک مورد در ابتدای جنگ اقدام به احضار نیروهای احتیاط موسوم به سربازان سال ۵۶ گردید که موفق نبود البته عدم موفقیت در مدارک منتشر شده ناتوانی ارتش در سازماندهی ذکر گردیده است در حالی که با تمام کمبود وسائل و تجهیزات با استفاده از پرسنل کادر مراکز آموزشی به عنوان پرسنل کلیدی تعداد ۵۴ گردان موسوم به قدس تشکیل گردید و در خطوط جبهه از آنان استفاده گردید اما عدم موفقیت اولیه یگانهای تشکیل شده ناشی از برداشت نادرست پرسنل وظیفه ای بود که انقلابی بودن را با هرج و مرج خواهی و عدم تبعیت از فرماندهان (آنهم در زمان جنگ) اشتباه گرفته بودند در صدی از این پرسنل با تحریک گروهکهای ضد انقلاب خواستار رای گیری و انتخابی بودن فرماندهان بودند که بدون تردید بدعتی ساختارشکن بود که شیرازه تحکیم انضباط را در ارتش سست و رعایت اصل و سلسله مراتب فرماندهی را دچار دگرگونی می کرد در کتاب ارزیابی ثبات در این باره آمده است :

الف: کمبود نیرو و عدم سازماندهی مناسب نیز به چشم می خورد ، ارتش نه تنها فرصت توجه به روند تحولات نظامی دشمن را پس از انقلاب نداشت بلکه در آن شرایط توان لازم را نیز برای سازماندهی نیروهای مردمی نداشت ، لذا پس از شروع جنگ نیروهای منقضی خدمت سالهای قبل جذب شدند و البته با این تعداد نیرو (۸۰ هزار تن) امکان سازماندهی پنج لشکر پیاده وجود داشت ، لیکن اقدام مناسبی در این زمینه انجام نگرفت .

تبع آن یگان مانوری بود. در همین زمینه در کتاب دفاع مقدس آمده است:
عمده ترین مشکلات نیروی زمینی برای اجرای عملیات آفندی گسترده و سرنوشت ساز کمبود یگان مانوری با توجه به عرض جبهه و گسترش یگانها در مواضع پدافندی بود^۱.

به همین دلیل بود که نذاجا در مقاطعی از جنگ برای تحرک در جنگ و انجام عملیات آفندی درخواست واگذاری تعدادی از نیروهای بسیج به این نیرو را داشت که هیچگاه عملی نگردید. سردار محسن رضائی فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می گوید:
عملیات رمضان را که انجام دادیم و عدم الفتح حاصل شد، دیگر همه برادران ارتش آمدند و گفتند که بایستی از اصول جنگ ارتش و جداول کلاسیک استفاده شود و نباید همه نیروهای بسیج را به سپاه بدهند بلکه از نیروهای بسیج به ارتش هم باید بدهند، قبل از عملیات والفجر مقدماتی همین بحثها منجر به تعویق زمان عملیات به مدت یک ماه شد^۲.

نگاه کارشناسانه از منابع مختلف به پاره‌های آمار و ارقام و . . . و مقایسه گسترش سازمان خودی و دشمن در سالهای جنگ، روشنگر محدودیتهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در انجام عملیات مستقل و مداوم می‌باشد.

ب: مجلس محترم شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۹ با تصویب یک لایحه اجازه استفاده از نیروهای وظیفه را به سپاه پاسداران به شرح زیر داد :

به سپاه پاسداران اجازه داده می شود که تعداد نفرات مورد نیاز خود را از میان مشمولین خدمت نظام وظیفه طبق ضوابط و صلاحیت های مقرر در سپاه پاسداران انتخاب کند و آموزش دهد و پس از پایان خدمت وظیفه برگ خاتمه خدمت صادر نماید .

۱. نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس؛ ص، ۱۳

۲. درودیان، محمد؛ آغاز تا پایان؛ ص، ۷۸

(۱)- جدول زیر آمار نیروی انسانی نیروهای سه گانه در ۸ سال دفاع مقدس را نشان می‌دهد^۱:

سال	کل نیروهای نظامی	نیروی زمینی	نیروی هوایی	نیروی دریائی
۱۳۵۹	۲۴۰ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۷۰ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۰	۱۹۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۰ هزار نفر
۱۳۶۱	۱۹۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۰ هزار نفر
۱۳۶۲	۲۰۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۳	۳۰۵ هزار نفر	۲۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۴	۳۰۵ هزار نفر	۲۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۵	۳۵۴/۵ هزار نفر	۳۰۵ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۴/۵ هزار نفر
۱۳۶۶	۳۵۴/۵ هزار نفر	۳۰۵ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۴/۵ هزار نفر

توجه: جدول فوق تقریبی بوده و احتمالاً ۱۰ الی ۱۵ درصد اختلاف دارد.

در رابطه با جدول ارائه شده محدودیتهایی که در افزایش یگانهای رزمی وجود داشت، موارد زیر قابل ذکر هستند:

الف - برابر جدول ارائه شده آمار پرسنلی نیروی هوایی به نصف و نیروی دریائی به ۲/۳ تقلیل پیدا کرده است، استفاده فراوان از هواپیماهای شکاری بمب افکن نیروی هوایی در ۱۲ الی ۳ ماه اول جنگ (شاید هم استفاده بیش از حد برای متوقف کردن هجوم اولیه متجاوز لازم بوده باشد)، عدم امکان پشتیبانی آمادی مؤثر از این نیرو به علت تحریمهای اعمال شده، کاهش توان رزمی و زمینگیر شدن (ground) هواپیما و بالطبع تقلیل نیروی پرسنلی تا حد نصف و همین استدلال در مورد نیروی دریایی، وضعیت این دو نیرو در از دست دادن درصدی از توان رزمی خود را توجیه می‌کند.

ب - نیروی زمینی که بیشترین بار جنگ را بدوش داشت تعداد نیروهایش در چهار سال اول جنگ در حد ۱۵۰ هزار ثابت ماند و تنها در دو سال آخر ۱۵۰ هزار نفر پرسنل وظیفه بآن اضافه گردید.

۱. لطفیان، سعیده؛ ارتش و انقلاب اسلامی؛ ص، ۴۹۷.

ج - نیروی زمینی از همان روزهای آغاز جنگ دست به گسترش سازمان خود زد و چون منابع لازم را در اختیار نداشت با استفاده از نیروی انسانی پشت جبهه (عموماً مراکز آموزشی) و کم و زیاد کردن یگانهای رزمی اقدام به تشکیل چند یگان نمود. (تیپ چهارم چند لشکر) بنابراین همیشه با کمبود پرسنل سازمانی مواجه بود که با واگذاری تعداد بیشتری پرسنل وظیفه در دو سال آخر جنگ ضمن این که کمبود سازمانی یگانهای موجود رزمی را بر طرف نمود البته در حد جایگزین تلفات رزمی اقدام به تشکیل چند تیپ مستقل و تعدادی یگان قدس نمود .

د - درباره اقلام و تجهیزات عمده برای یگانهای جدید التاسیس و جایگزینی اقلام عمده انهدامی و تعمیری، آنقدر شرایط نامطلوب بود که جای هیچگونه تحلیل و تفسیری نمی ماند. با توجه به این که تهیه بیشتر تجهیزات و سلاحهای سنگین از منابع داخلی امکانپذیر نبود و خرید از منابع خارجی با محدودیت شدید همراه بود ، نیروی زمینی مجبور گردید یگانهای خود را با بهره برداری از اقلام آمادی موجود در آمادگاهها تجهیز نماید. که این خود نقض غرض است زیرا این اقلام محدود بطور معمول برای جایگزین کردن اقلام انهدامی پیش بینی شده است. لازم به ذکر است در مواردی با برداشت از اقلام بعضی از یگانهای رزمی، سایر یگانها تجهیز می شدند.

ه - به علت پابندی جمهوری اسلامی ایران به آنچه ارزشهای انقلاب نامیده می شد و غیر قابل انعطاف بودن سیاست خارجی، اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان از فروش تجهیزات مناسب مورد نیاز که به طور اجبار در زمان جنگ افزایش یافته بود، خودداری می کردند. به طوری که هیچگاه نتوانستیم سلاحهای مورد نیاز خود را به میل و اراده خود انتخاب کنیم چون خریدهای محدود انجام شده از مجاری مختلف و از روی اجبار و با واسطه انجام می گرفت در مجموع از کیفیت مطلوب برخوردار نبودند و بهره وری چندانی نداشتند، آماده نگهداشتن این تجهیزات برای نیروها همراه با مشکل و دردسر بود ، در تحلیلی در این باره از کتاب ارتش و انقلاب اسلامی می خوانیم:

ایران با توجه به تحریم تسلیحاتی، از منابع متعددی تسلیحات لازم ارتش را با دشواری بدست می آورد. در بین فراهم آورندگان جدید جنگ افزار برای ایران می توان به کشورهای کره شمالی، چین و برزیل اشاره کرد. گوناگونی تسلیحات خریداری شده از کشورهای مختلف، مسأله آموزش نیروها و تهیه قطعات یدکی را بسیار دشوار ساخته

بود. اما ایران درگیر جنگ تحمیلی فرسایشی دچار کمبودهای دائمی تسلیحات لازم برای نیروهایش، مجبور به خرید اسلحه از تمام منابع موجود بود.^۱

(۲) - شرایط دشمن به طور کامل با ما متفاوت بود. افزایش سازمانی آن، چنان گسترده و به سرعت انجام می‌گرفت که حتی کسب اطلاعات از همهٔ یگانهای تازه تشکیل به طور معمول با تقریب و دیر هنگام امکان پذیر بود.

سرلشکر وفیق سامرائی (رئیس اطلاعات نظامی عراق) که توان ماندن در فضای پر از جور و ستم حکومت حاکم بر عراق را از دست داده و در حال تبعید به سر می‌برد در کتاب دروازه ویرانی شرقی می‌گوید :

نیروهای مسلح عراق در سال ۱۹۸۷ به بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر رسیدند زیرا نیاز دفاع (ساکن) گسترش یکصد و سی تیپ منظم در طول جبهه برای چند سال متمادی بود.^۲

سرتیپ ۲ عبدالحسین مفید از مسئولین معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا، دانسته‌های خود را درباره گسترش و افزایش سازمان رزمی دشمن در طول جنگ، در کلیه مناطق عملیاتی چنین بیان می‌کند :

سازماندهی قرارگاه سپاه ۴ در شهریور ماه ۱۳۶۰

تشکیل لشکرهای ۱۴ و ۱۵ پیاده در سال ۱۳۶۰

تشکیل لشکرهای ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۶ پیاده در سال ۱۳۶۱

تشکیل لشکرهای ۱۷ زرهی و ۱۸ و ۱۹ پیاده در سال ۱۳۶۲

تشکیل لشکرهای ۳۵، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴ پیاده در سال ۱۳۶۳

تشکیل لشکرهای ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۳۲ و ۴۵ پیاده در سال ۱۳۶۴

سازماندهی قرارگاه سپاه ۵ در تیرماه ۱۳۶۴ (این قرارگاه به نام نیروهای عمود تغییر نام داد)

تشکیل قرارگاه سپاه ۶ (بنام نیروهای الحکم) در شهریور ۱۳۶۴

تشکیل قرارگاه سپاه ۷ (بنام نیروهای ذیقار) در شهریور ۱۳۶۴

بدون تردید آنچه را سرتیپ ۲ مفید درباره بزرگ شدن ارتش عراق گفته، مربوط به منطقه مسئولیت ایشان در جنوب می باشد و همهٔ یگانهای جدید التاسیس را

۱. لطفیان ، سعیده ، ارتش و انقلاب اسلامی ، ص ۴۲۵

۲. السامرائی، وفیق؛ ویرانی دروازه شرقی؛ ص. ۱۴۰

طرح اولیه عملیات والفجر ۸ / ۳۷

شامل نمی‌گردد. فراهم کردن امکانات برای حجیم شدن ارتش عراق در حد و اندازه‌های گفته شده نه تنها در توان کشور عراق به رهبری صدام نیست، حتی با استفاده از دلارهای ۴۵ میلیاردی چند کشور عربی هم میسر نمی‌گردد و نیاز به حمایت کشورهای سازنده سلاح و تجهیزات نظامی دارد که به هر طریق به وسیله حکومت بعث جلب شده بودند.

یک مفسر غربی به نام کنت آرتیمین می‌گوید :

جمعاً ۴۴۵ شرکت غربی به صدام کمک میکردند تا ماشین مرگ صدام به حرکت در آید.^۱

علاقه و به کلامی بهتر ، جنون حاکم شرور و جنگ طلب بغداد در تبدیل عراق به یک پادگان نظامی آنچنان است که شخصی به طعنه درباره آن گفته است :

” او آنقدر مردمش را دوست دارد که می خواهد آنها با پای مصنوعی ساخته شده با آخرین و پیشرفته ترین تکنولوژی راه بروند.“

در مقام مقایسه توان جایگزینی ارتشهای ایران و عراق با نگرش به حمایت بی قید و شرط کشورهای ریز و درشت جهانی از عراق ، سرهنگ سید یعقوب حسینی که با نگارش ۷ جلد کتاب، خدمت بزرگی به بازگویی جنگ کرده است می نویسد :

اگر ایران چیزی از دست می‌داد دیگر جایگزین نمی‌شد. درحالی که ارتش عراق هر مقدار وسائل و تجهیزات از دست می داد ، احتمالاً بیش از دو برابر آنها با کمک پشتیبانان همه جانبه بین‌المللی وی تأمین می‌گردید. و هر قدر فشار نظامی ایران بر نیروهای عراق در میدانهای جنگ شدیدتر می شد به نسبت مضاعف، پشتیبانی از حکومت و ارتش عراق بوسیله تقریباً اغلب کشورهای جهان، هر کدام در حد توانائی سیاسی و اقتصادی و نظامی خود افزایش می یافت. و بدین طریق حالت منزوی شدن ایران در مجامع بین المللی قویتر می‌گردید. چنانکه چند کشور معدود عربی که در آغاز جنگ حداقل به ظاهر از حکومت جمهوری اسلامی ایران در مقابل تجاوز نظامی عراق حمایت می‌کردند ، آنها نیز یکی بعد از دیگری رشته های الفت و مودت با جمهوری اسلامی ایران را ضعیفتر کردند و کشورهایی که به ظاهر درباره جنگ ایران و عراق اعلام بیطرفی کرده بودند ، بتدریج طرفداری خود را از حکومت عراق نمایان

۱. تیمرمن، کنت آر؛ سوداگری مرگ؛ ص، ۷۵۳

ساختند. که نتایج نهائی آن در نبرد خلیج فارس و حضور ناوگان جنگی آمریکا و اروپای غربی در آن و همچنین موشک باران تهران ، اصفهان ، شیراز به وسیله موشکهای میان برد ساخت شوروی توسط ارتش عراق کاملاً مشهود گردید.^۱

به هر حال ماشین مرگ صدام (به قول تیمرمن آمریکائی) آنقدر بزرگ و بزرگتر شد که به عنوان خطری برای بزرگ کنندگان آن به حساب آمد تا جائی که از ترس آن بلافاصله پس از جنگ با ایران با دسیسه چینی شرائطی را برای انهدام این ماشین مرگ فراهم کردند، ژنرال اسکاوکرافت (مشاور رئیس جمهور در امور امنیت ملی) پس از جنگ نفت درباره قدرت ارتش عراق گفت :

پنتاگون در خلال جنگ با عراق دریافت که با دشمن بسیار پیچیده و مجهزی روبرو است که هرگز فکرش را نمی کرده است. ما یک مرکز فرماندهی و تسهیلات کنترل را نابود می کردیم ، فردا می دیدیم یکی دیگر جایگزین آن شده است. آنرا هم از بین می بردیم ، اما باز یکی دیگر جایش را می گرفت. هزینه و برنامه ریزی باورنکردنی که (صدام) در ایجاد قابلیت نظامی به کار برده بود وحشتناک است.^۲

اگر در این کتاب از قدرت ارتش دشمن آنهم به اعتراف سیاستمداران غربی که بیشترین حمایت را از آن به عمل آوردند صحبتی به میان می آید برای دادن نوید به رزمندگان ایران است که حریف زمان نبردشان آن چنان قوی بوده است که میلیتاریستهای غربی را به وحشت انداخته بود و این در حالی است که این دشمن جهانی در مقابل ایران، خوار و ذلیل و ناکام از رسیدن به اهداف خود بود. و این افتخاری ماندگار در تاریخ برای نیروهای مسلح سلحشور ایران است که با تمام کمبودها و فشارهای روانی غیر قابل ذکر، با فداکاری و ایثارگری و جانفشانی، بیش از توان خود عمل نمود.

۱. حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ جلد ۷ ص ۴۹۷ و ۴۹۸

۲. تیمرمن، کنت آر؛ سوداگری مرگ؛ ص ۷۴۵

۵- وضعیت سپاه پاسداران

امروزه در بازخوانی توانمندی سپاه پاسداران با سرفرازی می توانیم ادعا کنیم این مهم در سایه هدایت حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و صداقت، گذشت، تلاش، تدبیر و احساس مسئولیت فرماندهان، افسران و درجه داران ارتش به گونه ای انجام گرفت که در هر مورد در کوتاهترین زمان ممکن، تجربه، دانش نظامی و مهارتهای فنی به نیروهای مستعد و علاقمند و با شور سپاه پاسداران منتقل گردید. که آثار و برکات آن در هشت سال دفاع مقدس بر کسی پوشیده نیست. در توجیه این توانمندی در بعد تربیت نیروی انسانی کارآمد و انتقال دانش نظامی، همین بس که اگر نیرویی در یک عملیات به عنوان فرمانده گروهان عمل کرده بود، در عملیات بعدی فرمانده گردان و در عملیات سوم فرماندهی تیپ یا لشکر را عهده دار می گردید و یا در نمونه دیگر با نادیده گرفته شدن مدارج تحصیلی و اساسنامه ها مراکز آموزشی فقط با هدف انتقال دانش نظامی چه بسیار کسانی را بدون گذراندن آموزشهای مقدماتی رسته ای، اجازه ورود به کلاسهای آموزش عالی و حتی ورود به دانشکده فرماندهی و ستاد را می یافتند و از این طریق مجوز احراز مشاغل عمده و به ویژه فرماندهی را دریافت کردند و البته این تلاش دلسوزانه ارتش همراه با انگیزه ایمان و علاقه به فراگیری و روحیه ابتکار و جسارت و خلاقیت در برادران سپاهی از سپاه، یک سازمان مقتدر نظامی و رو به رشد ساخت.

طرح بسیج که نوعی احضار عمومی برای شرکت در جنگ محسوب می گردید با فرمان امام خمینی (ره) به اجرا در آمد و بدینوسیله فرصت بسیار مناسب دیگری در تکمیل نیروی انسانی و تشکیل یگانهای سپاه پاسداران بدست آمد. یگانهای رزمی سپاه با گذشت زمان و جنگیدن در کنار نیروهای سازمان یافته نذاجا و بویژه با تشکیل قرارگاههای مشترک که به ابتکار فرماندهی وقت نذاجا (شهید صیاد شیرازی) تشکیل گردیده بودند، تجربه کافی را کسب نمودند.

با این وصف و با وجود فراهم شدن نیروی انسانی و تشکیل یگانهای متعدد، به دلیل این که تمام مراحل گفته شده در فرصت کوتاه و تحت شرایط اجبار و نیاز و خارج از روشهای معمول عملیاتی شدن یک یگان انجام گرفته بود، از دوام و قوام مناسب برخوردار نبود. و لذا ملاحظه می شود در مواردی حتی برای انتخاب فرمانده

مناسب برای یگانهای تشکیل شده و مهیا کردن سلاحهای سنگین پیاده با مشکل روبرو می‌شدند و نیاز به پشتیبانی جدی بود، در مجموع عدم برخورداری از سلاحهای سنگین پیاده، سلاحهای زرهی، توپخانه، پشتیبانی هوایی، مراکز آموزشی جهت ارائه آموزشهای مناسب، محدود بودن مدت خدمت نیروهای بسیج، جوان بودن^۱، عدم استحکام بنیان-های انضباطی، عدم آگاهی و باور به رعایت اصول جنگ و روشهای کلاسیک^۲ مورد قبول ارتشها در سطح جهان را می‌توان به عنوان مشکلات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اجرای عملیات به طور مستقل مورد نظر قرار داد، لذا توجه به این واقعیات است که یکی از تحلیلگران حقیقت نگر سپاه می‌گوید:

پیشروی توأم با دشواری فوق العاده در عملیات کربلای ۵، ناظر بر این معنا بود که نیروی زمینی سپاه، به رغم در هم شکستن کلیه خطوط و استحکامات دشمن به دلیل در اختیار نداشتن نیروی زرهی و پشتیبانی هوایی مناسب، قادر به پیشروی در عمق مواضع دشمن نبود. این کاستی اساسی در بنیه نظامی رزمندگان اسلام سبب گردید با وجود موفقیت‌های بدست آمده در شرق بصره، تدریجاً دور عملیات کند و متوقف شود و در پی آن امکان ادامه جنگ در منطقه جنوب حداقل برای مدتی غیر ممکن ارزیابی شود و در این مرحله به ابزاری جدید، مانند امکانات زرهی و پشتیبانی قوی هوایی نیاز بود.^۳

۱. با توجه به گستردگی و پیچیدگی امور تاکتیکی و تکنیکی جنگهای امروزی، اکثر کارشناسان امور امنیتی و دفاعی در سطح جهان معتقد هستند که حداقل ۱۵ الی ۲۰ سال وقت لازم است تا یک جوان مستعد با طی مراحل آموزشی مختلف و کسب تجربه بتواند مجوز کسب فرماندهی گردان و تیپ را دریافت نماید و تمام برنامه ریزیها و سرمایه گذاریها دفاعی با توجه به این پندار انجام می‌گیرد.

۲. رعایت اصول جنگ و استفاده از روشهای کلاسیک که مورد تأکید طراحان و فرماندهان ارتش جمهوری در طول جنگ بود بارها به عنوان نکات ضعف از طرف برادران سپاه پاسداران نقد گردیده است با این وجود، فرماندهان و مسئولین ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هر فرصت و بویژه پس از فراغت از جنگ با شرکت در کلاسهای دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا و حتی با دعوت از استادان مجرب این دانشگاه و تشکیل کلاسهای فشرده خود را ملزم به فراگیری اصول جنگ و روشهای کلاسیک نمودند و فراتر از این اقدام اساسی هم اکنون دانشگاه امام حسین (ع) مسئولیت آموزشهای شناخته شده نظامی را بعهده دارد.

۳. شلمچه تا حلبچه؛ ص ۱۴۲

طرح اولیه عملیات والفجر ۸ / ۴۱

موارد مشابه زیادی وجود دارد که مشکلات در انجام عملیات به طور مستقل را به اثبات می‌رساند به عنوان نمونه دیگر در رابطه با سقوط فاو که در اوج سازمان یافتگی سپاه اتفاق افتاده است نویسنده از قول یکی از فرماندهان ارشد سپاهی می‌نویسد :

فرماندهان سپاه تلاشهای زیادی برای دریافت امکانات اعم از نیرو ، هلی کوپتر ، هواپیما و سیستم پدافندی هاگ انجام دادند ، ولی همانند سایر نیازمندیهای سپاه این در خواست ها نیز تأمین نشد و^۱

خواندن این سطور از زبان فرماندهان ارشد سپاهی نشاندهنده احساس نیاز به پشتیبانی مؤثر از طرف بخش دیگری از نیروهای مسلح (ارتش) و گله و شکایت از وضع موجود است لذا با نگرش و اطلاعات کافی از توانائیهای دو نیرو بود که مسئولین ارشد اداره کننده جنگ با مدارا و مصلحت اندیشی به این نتیجه کاربردی رسیده بودند که با وجود اختلاف و مشکلات اساسی ، از دو نیرو در کنارهم برای ادامه جنگ استفاده کنند و این کار سنجیده و حساب شده ای بود که در آن مقطع زمانی بهترین و شاید تنها ترین شیوه برای پیشبرد اهداف جنگ محسوب می شده است و تأکید مسئولین، فرماندهان و به ویژه تأکید حضرت امام (ره) برای ایجاد وحدت در هر فرصت بستگی به ارزیابی دقیق از وضعیت و شرائط موجود بوده است.

حضرت امام (ره) به عنوان فرماندهی کل قوا یکی از عوامل افزایش توان دفاعی را در سایه وحدت ارتش و سپاه تبیین کردند ، تا آنجا که ایجاد اختلاف بین دو نیرو را از اهداف دشمن دانسته و می‌فرمایند :

اگر روزی بین ارتش و سپاه اختلاف ظاهر شود در آن روز آمریکا به هدف خود نزدیک خواهد شد^۲.

و یا در جایی دیگر با اعتقاد به وحدت نیروها خطاب به فرماندهی سپاه می‌فرمایند :
این جور فکر نکنید که شما به تنهایی می‌توانید جنگ را جلو ببرید ، یا ارتش فکر کند ، به تنهایی می‌تواند این کار را به انجام رساند ، با هم این جنگ را جلو ببرید و با هم دفاع کنید^۳.

۱. سند شماره ۶۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش سقوط فاو؛ ص ۱۲۹

۲. روزنامه جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۶۱/۱۲/۱۴

۳. مبلغ، محمد؛ مجموع خاطرات؛ ص ۱۴۲

۲۶ در اهمیت همکاری سپاه و ارتش همین بس که بارها مورد تأیید و تأکید منابع تبلیغاتی در جهان قرار گرفت و خطری را که از این بابت متوجه نیروهای دشمن می گردید گوشزد می کردند. روزنامه لوموند فرانسه در تاریخ ۱۹۸۲/۴/۱ نوشت:

ارتش ایران نه تنها خود را منظم و قانونی جلوه گر ساخته است بلکه خیلی جنگجو و توانا نیز می باشد، همکاری پاسداران با ارتش موجب پدیدار شدن پیروزیها شده است.^۱

اما صد افسوس از این که با تمام سفارشات لازم که در هر فرصت از طرف مسئولین و اداره کنندگان جنگ می شد و از تمام ابزار ممکن برای نزدیک کردن نیروها و رفع اختلاف بهره برده می شد. کماکان بین دو نیرو برای ادامه جنگ و شیوه بکارگیری نیروها و طرح ریزیها اختلاف نظر جدی وجود داشت و اختلاف رأی و عقیده بود که بارها جبهه ها را دچار رکود نمود و بدینوسیله زمان و فرصت از دست می رفت افزون بر این در روحیه پرسنل نیروهای مسلح و حتی مردم در پشت جبهه اثر منفی می گذاشت. در کتاب آغاز تا پایان آمده است:

عملیات والفجر مقدماتی در موقعیتی که بسیاری از مسئولین کشور با امیدواری به صحنه جنگ می نگریستند در تاریخ ۶۱/۱۱/۱۸ آغاز شد، مواجه شدن رزمندگان با خطوط دفاعی جدید عراق و مشکلات ناشی از رمل بودن منطقه عملیات و سایر مشکلات و ناهماهنگیها مانع از دستیابی به اهداف عملیات شد ضمن این که اختلاف نظر ارتش و سپاه در موارد طرح ریزی، فرماندهی و اجرای عملیات برای نخستین بار آشکار گردید.^۲

و در ادامه همین نوشته آمده است:

ناکامی در عملیات (والفجر مقدماتی) دامنه اختلاف نظر ارتش و سپاه را آشکار نموده لکن اندیشه اجرای عملیات به صورت مستقل توسط سپاه و ارتش که عملاً از عملیات خیبر آغاز شده بود در این عملیات ریشه گرفت.^۳

۱. نشریه لوموند، ۱۹۸۲/۴/۱

۲. درودیان، محمد؛ آغاز تا پایان؛ ص ۹۹.

۳. درودیان، محمد؛ آغاز تا پایان؛ ص ۹۹.

طرح اولیه عملیات والفجر ۸ / ۴۳

در سندی دیگر دامنه اختلاف ارتش و سپاه به جایی می‌رسد که فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و مبتکر «ترکیب مقدس» ارتش و سپاه سپهبد شهید صیاد شیرازی که برابر رفتار معمول کمتر دوست داشت از ناکامیها صحبت کند، در تحلیل علت ناکامی عملیات رمضان در کتاب ناگفته‌های جنگ می‌گوید:

هر کدام از این تحلیلها تا اندازه‌ای درست است ولی چون نبرد و رزم ما رزم عقیدتی بود، یعنی بعد عقیده بر ما حاکم بوده، من شخصاً جزو آن دسته هستم که ضمن این که بعضی از ملاکهای دو بعد دیگر را قبول دارم بعد اصلی را در این می‌بینم و می‌گویم اخلاص، توکل و توجه به خدا که در بیت‌المقدس داشتیم، از فتح‌المبین بیشتر نبود ولی به اندازه‌ای بود که خدا به ما نصرت بدهد. ولی در اینجا (رمضان) کم آورده بودیم. حالت غرور به وجود آمده بود و البته یک مقدار هم ارتش و سپاه به طرف خود محوری رفتند، یعنی ارتش برای خودش می‌گفت: من هستم، این دو تا «من‌ها» شروع شد. یعنی احساس موجودیت ارگانی در هر دو شکل گرفت. هیچ کدام زیر بار هم دیگر نمی‌رفتند و خود به خود باید یکی از آنها باقی می‌ماند و آن یکی می‌رفت. آن یکی می‌گفت تو برو برای خودت به جنگ که معلوم بود ضعیف می‌شود، حالا هر کدام می‌خواست باشد^۱.

۶- نتیجه:

اینک بعد از گذشت سالها، این تجربه فراروی ماست که:

الف: تجربه بکارگیری دو نیرو به طور مشترک با فرماندهی مستقل و با نادیده گرفتن اصل وحدت فرماندهی، گرچه در مقاطعی، جواب مثبت داده است ولی تجربه موفقی نبوده و در دراز مدت، شکننده، غیر قابل اعتماد و اختلاف بر انگیز است و نیازمند یک هیأت حل اختلاف در شرایط ویژه و در هر رده فرماندهی می‌باشد. این نوع مدیریت در فضای بحرانی جنگ که لحظه‌ها در تصمیم‌گیری سرنوشت ساز هستند کاربرد مناسبی ندارد.

ب: با توجه به این که اقدام فوق در یک جنگ طولانی و در شرائط انقلابی به وسیله نیروهای مؤمن، فداکار و مسئولینی دلسوز و خیر خواه و با رهبری امام خمینی (ره) به کار

۱. ناگفته‌های جنگ صیاد شیرازی؛ ص ۳۳۲.

گرفته شد و موفقیتها بدلیل این ویژگیها بود اما در عمل و در دراز مدت، با مشکلات و در نهایت ناهماهنگی و تنشهای فراوانی روبرو گردید و آسیبهائی به بار آورد.

ج : گرچه ممکن است افکار سیاسی مانع انتخاب راهکارهای مناسب در شیوه مدیریت دفاعی کشور شود، اما نباید فراموش کرد که تضمین امنیت پایدار برای کشور از هر باور و گمانی مقدمتر است .

والتر لیبمن walterlippman نویسنده و محقق آمریکایی می گوید :

یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزشهای ملی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد، امنیت ملی عاملی برای حفظ ارزشهای ملی یک کشور است^۱.

لذا نیاز امنیتی کشور تکلیف می کند که :

یک گروه کارشناسی با تجربه بدون لحاظ کردن هر ملاحظه ای و فقط با توجه به اهمیت امنیت دفاعی کشور ، راهکار مناسبی را برای بهره برداری از امکانات موجود دفاعی کشور در جهت ایجاد امنیت دفاعی تضمین شده پایدار تدوین و برای تصمیم گیری نهایی تقدیم فرماندهی کل قوا نمایند .

اهمیت این نگرش در کلام رهبر دوراندیش انقلاب امام فرزانه و حکیم نماینده شده است. آقای هاشمی رفسنجانی پس از انتصاب به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا طی یک مصاحبه مطبوعاتی می گویند :

حکم امام دارای دو موضوع اصلی و سه موضوع فرعی است : موضوع اصلی یکی این که باید از امکانات نیروهای مسلح برای جنگ و دفاع بهتر استفاده شود ، که به خاطر چند گانگی نیروهای مسلح از امکانات به خوبی استفاده نمی شود^۱.

۱. روزنامه همشهری، ۲۲/۱۰/۸۱

۱. مصاحبه آقای رفسنجانی، ۱۳/۲/۱۳۶۱

فصل دوم

ارتش در عملیات والفجر ۸

آغاز عملیات

چو از دور خاقان چین بنگرید
سواران ایران بدید
پسند آمد و گفت این است سپاه
مرد افکن رزمخواه

سواران
خروشان

«حکیم فردوسی»

نبرد سرنوشت ساز و افتخار آفرین والفجر ۸ پس از ماهها تفکر ، تلاش و کسب آمادگی در ساعت ۲۲۰۰ روز ۶۴/۱۱/۲۰ با رمز مبارک یا فاطمه الزهراء ، یا فاطمه الزهراء ، یا فاطمه الزهراء ، آغاز و در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۶^۱ با تصرف قسمتی از جزیره فاو با موفقیت به پایان رسید این عملیات نتایج و دستاوردهای فراوانی در هر دو بعد سیاسی و نظامی به ارمغان آورد تا به عنوان لوح افتخار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای همیشه تاریخ ماندگار بماند^۲. نکته قابل ذکر ، نقش ارتش جمهوری

۱. دشمن با از اذ دست دادن فاو حاضر به پذیرش شکست اسفبار خود نشد و در چندین مورد با استفاده از نیروهای احتیاط منطقه ای و یگانهای متحرک زرهی نزدیک به منطقه اقدام به پاتکهای سنگین نمود و هر بار با دادن تلفات و ضایعات مجبور به عقب نشینی شد، در یکی از این پاتک ها با رخنه در خط پدافندی در منطقه دریاچه نمک جا پائی را اشغال نمود تا این که رزمندگان سلحشور در تاریخ ۶۵/۲/۸ بار دیگر و برای آخرین بار اقدام به حمله نمودند و منطقه اشغال شده را باز پس گرفتند و بدینصورت عملیات والفجر ۸ بعد از ۷۸ روز به سرانجام رسید و عملیات پایان یافته تلقی گردید. (از خرمشهر تا فاو؛ ص ۲۰۸)

۲. در طی عملیات والفجر ۸ نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد گردید و تلفات و خساراتی بر دشمن وارد شد که به گوشه ای از آن اشاره می شود. (از خرمشهر تا فاو؛ ص ۲۰۰ و ۲۰۱)

الف - نیرو :

در جریان عملیات دشمن بیش از ۵۰۰۰۰ کشته و زخمی داشت که در میان آنها ، یک فرمانده لشکر و نزدیک به ۵ فرمانده تیپ و ... دیده می شد . همچنین ۷۰۰ نفر اسیر که در میان آنها چندین سرهنگ ستاد سرهنگ دوم ، سرگرد ، افسر جزء ، خلبان هواپیما و هلی کوپتر ، و درجه دار وجود داشت به اسارت گرفته شدند .

ب - تجهیزات :

غنیمتی

منهدم

وسایل

اسلامی ایران در این عملیات می‌باشد که در مدارک منتشر شده ، کم رنگ و در بعضی اسناد بی‌رنگ بیان گردیده است و این در حالی است که اگر با دید تحلیلی و منطقی از نقطه آغاز تا پایان و از جنبه های مختلف به این عملیات بنگریم بدون تردید روشن می‌گردد، به‌راستی اگر از توان ارتش در طرح ریزی اجرا و پشتیبانی بهره برده نمی‌شد ، این مهم نه

تانک و نفر بر	۶۰۰ دستگاه	۱۲۰ دستگاه
خودرو	۵۰۰ دستگاه	۲۵۰ دستگاه
توپخانه	۱۵۰ قبضه	۲۰ دستگاه
هواپیما	۴۵ فروند	—
هلی کوپتر	۱۰ فروند	—
ناوچه جنگی	۳ فروند	—

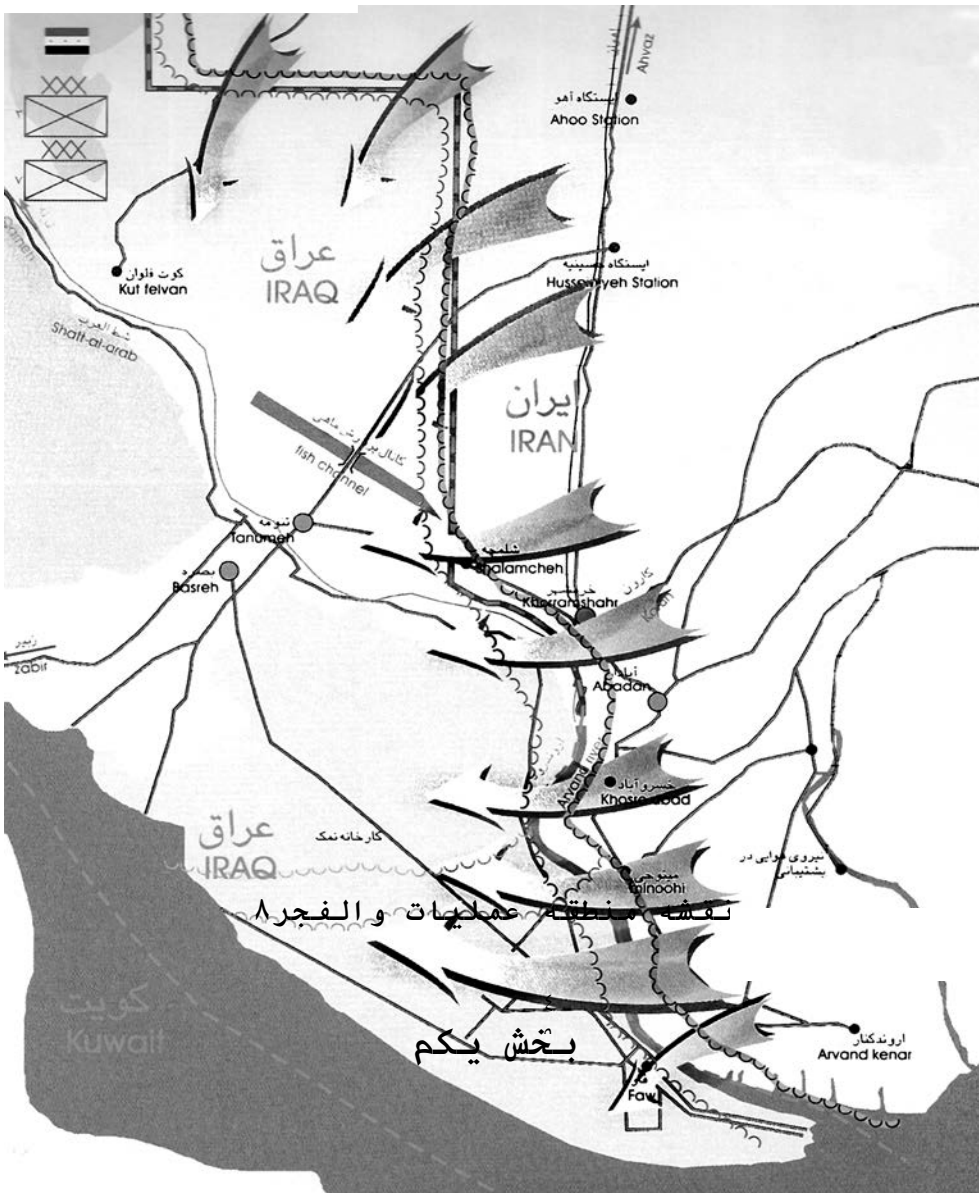
ضمناً مقدار متناهی وسایل مخابراتی ، سلاح های سبک ، رادارهای مختلف و نیز سلاح های ضد هوایی ، در میان وسایل انهدامی دشمن و غنایم بدست آمده مشاهده می‌گردید .

ج - انهدام واحد ها :

در مجموع ۱۰ تیپ پیاده ، کماندویی و نیروی مخصوص ۲ تیپ زرهی ، ۴ گردان ضد هوایی ، ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن به طور ۱۰۰٪ منهدم گردید . از طرف دیگر ۳۳ تیپ پیاده ، کماندو و نیروی مخصوص ، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن بیش از ۶۰٪ منهدم گردید ، که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی ، خارج شدند . همچنین نزدیک به ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندو ، زرهی و مکانیزه دشمن ، ۳۰٪ آسیب دیدند که به دلیل کمبود نیروهای دشمن ، کماکان در منطقه عملیاتی باقی ماندند ، تا پس از تجدید سازمان نیروهای آسیب دیده و جایگزین آنها ، نیروهای مزبور به عقب منتقل شوند . * آمار یاد شده تقریبی بوده و در مدت درگیری با دشمن تحقق یافته است. در بعضی آمارها تا ۷۵ فروند گفته شده است .

طرح اولیه عملیات والفجر ۸ / ۴۹

ممکن و نه موفقیت مورد نظر کسب می گردید . برای اثبات این که مبادا سخنی به گزاف گفته شده باشد ، بر آنیم آن چه را ارتش در عملیات والفجر ۸ در منطقه عمومی شلمچه و فاو انجام داده است در حد توان و مدارک موجودی که در دسترس قرار گرفته است در سه بخش به شرح زیر برای مخاطبین خود تدوین نماییم و قضاوت را به خوانندگان



نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸

ارتش جمهوری اسلامی ایران، بویژه نیروی زمینی همیشه به دو طریق فرهنگی و نظامی در جنگ ظاهر می‌گردید. بخش فرهنگی که با اثر گذاری عمیق حماسی و آرمانی در روح و فکر فرزندان پاکباز و فداکار این مرز و بوم همراه است برای همیشه تاریخ در روشنگری نسلهای آینده ماندگار می‌ماند، تغییر معانی آرمانی واژگان، مرگ و زندگی، گذشت و ایثار، حمیت و همکاری، مردی و مردانگی و در نهایت دین و دینداری از جمله دستاوردهای فرهنگی بجا مانده از جبهه و جنگ است که به وسیله رزمندگان به وقوع پیوسته است نقل گاه و بیگاه آنان در کنار فعالیتهای نظامی و اقدامات فیزیکی لازم و ضروری می‌نمایاند.

از شهید سرلشکر ولی... فلاحی، یا به تعبیری «امیر خستگی ناپذیر» که روزگاری فرماندهی نیروی زمینی را به عهده داشته است در معنی واژه مرگ و زندگی نقل می‌کنند:

در زندگی دو چیز قابل تغییر نیست، یکی تولد و دیگری مرگ ولی اکنون جوانان ما مرگ را به بازی می‌گیرند، آنها نمی‌میرند، بلکه شهید می‌شوند و زندگی ابدی می‌یابند^۱.

شاید چنین بیانات آرمانی از استاد دانشمند، دانشکده فرماندهی و ستاد دور از انتظار نباشد اما چنین تفکرات حماسی منحصر به یک فرد خاص نیست تا جایی که دانشجویی از تبار جوانان دانشگاه افسری، تحت تأثیر آموزشهای معارف جنگ که به وسیله پیشکسوتان و یادگارهای دوران جنگ ارائه گردیده است در مقاله‌ای بسیار آرمانی تحت عنوان نفس جنگ چنین می‌نویسد:

۱. حسینی، احمد، سرهنگ؛ امیر خستگی ناپذیر؛ ص ۶۶

وقتی با کسی دچار اختلاف می شویم و با هم به تفاهم نمی رسیم تنها راه چاره دعوا نیست. زور همه جا کار ساز نیست. عاقل کسی است که گره را با دست باز کند نه دندان. سازش در اینجا معنی پیدا می کند. بتوانیم یکدیگر را درک کنیم و از دید دیگری بنگریم. اگر نشد چه؟ جنگ؟ نه، باز هم نه، حتی با وعده و وعید، حتی با قانع کردن، حتی با دوز و کلک، حيله و سیاست، (که البته بعضی از این راهها چندان هم درست نیست) مشکلی نیست که حل نشود. آخرین راه کار درگیری است. راه آخر ستیز است، قبل از آن بایستی راهی طولانی پیمود. زرنگی، هوش، تدبیر، برنامه ریزی، زهر چشم گرفتن، از پارامترهای جلوگیری از جنگیدن است.

بالاخره موقعی پیش می آید که جنگ اجتناب ناپذیر می شود و به قولی تحمیلی می شود. حال تکلیف چیست؟ در مقابل گلوله نمی شود دلیل آورد، دهان پر از خون می شود و نفس هم نمی توان کشید، برای مقابله با کسی که شمشیر برهنه در دست دارد، با کتاب و نرمش نمی توان پیش رفت که عطای منطق را به لقایش خواهد بخشید. تا قیامت حداقل خنجر باید به همراه داشت. خنجر، شاید مشکل همین است. کسی که شمشیر دارد، بایستی با تفنگ به پیشوازش برویم، چرا عقب باشیم، چه عیبی دارد یک قدم هم جلوتر باشیم، تا طرف جرأت نکند حرف زورآزمایی بزند و از موضع ضعف مجبور به تفاهم بر سر خواسته هایمان شود. به قول معروف: اگر خواهان صلحی، همیشه آماده نبرد باش^۱.

اهمیت شنیدن چنین پیامهای فرهنگی از زبان فرمانده نامدار نیروی زمینی که جنگ را از نزدیک تا مغز استخوانش لمس کرده و یا از زبان دانشجویی که تازه به اردوی نظامیان پیوسته و فقط شنیدنیهایی از جنگ را در ذهن پویای خود دارد

هیچگاه کمتر از فعالیت های نظامی و اقدامات فیزیکی در شوریدن علیه دشمن متجاوز نیست . ضمن این که بایستی باور داشت که رسیدن به چنین فرهنگ والای انسانی ، فقط و فقط در میادین رزم و با انجام رزم آفرینی میسر می‌گردد . اگر مرشد و رهبر فرزانه انقلاب می گویند : «جنگ چیز خوبی است» هدف همین بخش پویایی آن است و نه روح تجاوز گری و میلیتاریستی آن .

شرکت یگانهای مختلف نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر ۸ را که با هماهنگی کامل با سپاه پاسداران در تضعیف دشمن و کشاندن جنگ به خاک دشمن انجام می‌گیرد به شرح زیر ارزیابی می‌کنیم :

ابعاد نظامی شرکت نیروی زمینی ارتش

هدف از عملیات والفجر ۸ تعقیب دشمن و کشاندن جنگ به خاک دشمن به عنوان تنبیه متجاوز بود، لذا یگانهای مختلف و متنوع "نزاجا" با هماهنگی کامل با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و در پشتیبانی از این نیرو به روشهای زیر شرکت فعال داشتند .

- ۱ . شرکت در طراحی عملیات مربوط به تک پشتیبانی
- ۲ . رها کردن یگان های سپاه پاسداران از خطوط پدافندی
- ۳ . شرکت فعال در طرح پوشش و فریب تاکتیکی
- ۴ . شرکت به عنوان تک پشتیبانی
- ۵ . تقویت تک اصلی
- الف - اعزام یگانهای مانوری
- ب - اعزام رسد های ضد تانک
- پ - اعزام یگانهای مهندسی
- ۶ . پشتیبانی آمادی (لجستیکی)

۷. شرکت یگان های پدافند هوایی
۸. شرکت یگان های توپخانه صحرائی
۹. پشتیبانی هوانیروز

شرکت در طراحی^۱

۱. یکی از ویژگی های مثبت شهید سپهبد صیاد شیرازی واقع بینی و عمل مبتنی بر درک حقایق جنگ بود. او که به نیاز علمی و تخصصی یک فرمانده نیرو آن هم در هنگامه جنگ به خوبی اشراف داشت، با برداشت صحیح از تربیت نظامی و باورهای دینی بدون این که گرفتار تکبر و خود بزرگ بینی شده باشد، می دانست به تنهایی و حتی با استفاده از ستاد سازمانی نزاها نمی تواند اداره امور تخصصی جنگ را در جبهه های مختلف به عهده بگیرد. در اولین فرصت با علم به توان فکری و دانش نظامی استادان مجرب دانشکده فرماندهی و ستاد، آنان را به جبهه احضار و به دو گروه طراحی در قرار گاههای جنوب و غرب تقسیم نمود. بدین ترتیب یک ستاد قوی مبتنی بر دانش و تجربه در هر یک از قرارگاهها تشکیل گردید که اثرات اعجاز آفرین آن در طول جنگ با طراحی عملیتهای عمده و امروز با بازنویسی و تحلیل جنگ نمایان گردید. سرتیپ ۲ روح الله سروری که خود یکی از یاران با وفای شهید صیاد شیرازی بوده است، در کتاب صیاد دلها می گوید:

اولین اقدام او در آغاز فرماندهی که حاکی از مدیریت صحیح او بود، انحلال موقت دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) بود. این کار به منظور تقویت ستاد طراحی نیروی زمینی انجام گرفت. او بیان می داشت چنین شرایطی که مردم انقلابی ما داوطلبانه جهت کمک به ارتش در بیرون راندن دشمن تفنگ بدست گرفته و بی صبرانه آماده حمله به دشمن متجاوز می باشند، لازم است در طرح ریزی های عملیاتی از وجود اساتید دانشگاه جنگ بیشترین بهره برده شود. لذا به آنان فرصت داد که نتیجه سالها تجربه خود را در صحنه نبرد به مرحله آزمون در آورند. گرچه در آغاز کار تعطیل دافوس مورد انتقاد تعدادی از دلسوزان قرار گرفت. لیکن ثمره شیرین آن که همانا طراحی عملیتهایی چون کربلای ۱ (آزاد سازی بستان) کربلای ۲ (آزاد سازی غرب کرخه) کربلای ۳ (آزاد سازی خرمشهر) بود تلخی این داوری موقت را بر طرف نمود (صیاد دلها؛ ص ۱۰۰ و ۱۰۱)

لازم است به پاس قدرشناسی از این استادان که موجبات افتخار همکاران خود را فراهم کرده اند نامی برده شود. استادان سرتیپ ۲ غلامحسین قرائی، سرتیپ ۲ ناصر نخعی، سرتیپ ۲ عیسی تفرشی و سرتیپ ۲ شکبیا مقدم در قرارگاه غرب و سرتیپ ۲ غلامحسین امیر بیگی، سرتیپ ۲ محسن شاهان، سرتیپ ۲ نصرت الله معین وزیری، سرتیپ ۲ مسعود بختیاری، سرتیپ ۲ اقبال محمد زاده و سرتیپ ۲ هوشنگ نوابی در

طرح ریزی عملیات والفجره ۸ برای اولین بار در خرداد ۱۳۶۳ در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) با شرکت طراحان ارتش و سپاه انجام و یک طرح تهیه و ابلاغ گردید ، بر مبنای این طرح سه قرارگاه مشترک (کربلا ، نجف و ظفر) می بایستی پس از عبور از رودخانه اروند با اجرای یک عملیات آفندی در شبه جزیره فاو اقدام به تصرف سر پل و تأمین خطی به نام استقامت بنماید .

برای اجرای این عملیات جلسات متعددی تشکیل گردید ، در این جلسات با شور و تبادل نظر ، تمام جوانب و مشکلات که در مسیر انجام مأموریت وجود داشت مشخص و در هر مورد راهکارهای مناسب ارائه و برآوردهای لازم بعمل آمد .

گرچه این عملیات در زمان تعیین شده انجام نگرفت اما بسیاری از موانع بر سر راه عملیات شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل طراحان قرارگرفت و در مواردی با انتخاب زمین و منطقه مشابه به منطقه عملیات ، یگانهای مانوری اقدام به تمرینهای لازم نمودند .

سرتیپ ۲ سعید پورداراب در رابطه با عملیات والفجره ۸ می گوید :

طرح عملیات والفجره ۸ در سال ۱۳۶۳ تهیه و قرار بود به وسیله یگانهای مختلف سپاه و ارتش برای آزاد سازی فاو به اجرا در آید ، این طرح چندین بار در قرارگاههای مشترک مورد بررسی قرار گرفت حتی بعضی از یگان های مجری طرح به منطقه عزیمت نمودند و طرح به وسیله غواصان که بایستی از رودخانه اروند بگذرند در رودخانه دز و به وسیله تیپ ۵۵ هوابرد که قرار بود هلی برن شود در مرداب گاو خونی تمرین گردید. اما با توجه به مطالب صفحه ۸ اجرا نشد.

با توجه به این که عملیات والفجر ۸ با یک تأخیر هیجده ماهه در بهمن ماه ۱۳۶۴ به اجرا در آمد ، در این فرصت، غیور مردان سپاه پاسداران فرصت کافی برای فراهم کردن امکانات برآورده شده و انتخاب راه کار مناسب برای موانع شناسایی شده را داشتند ، کما این که در این مدت به خوبی توانسته بودند تمام وزارت خانه ها را بسیج و از امکانات بالقوه آنان استفاده نمایند و برای هر وزارت خانه وظیفه ای تعیین کنند . لازم به ذکر است چنین اقدام مؤثری هرگز در عملیات های قبل و بعد از عملیات والفجر ۸ (حتی در عملیات های فراگیر فتح المبین و بیت المقدس) در اختیار رزمندگان اسلام قرارنگرفت تا از امکانات موجود در جامعه در جهت جنگ استفاده گردد و این در حالیست که چنین اقداماتی بایستی حتی در زمان صلح پیش بینی و تمرین گردد . در کتاب سیری در جنگ ایران و عراق - ۲ آمده است :

همزمان با طراحی عملیات والفجر ۸ و مشخصتر شدن ضرورت پشتیبانی عملیات کمیسیون ویژه ای در هیأت دولت متشکل از وزارتخانه های مختلف راه و ترابری ، کشاورزی ، نیرو ، مسکن و شهرسازی ، صنایع سنگین ، صنایع و معادن ، مخابرات ، دفاع ، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران تشکیل شد پس از آن دو کمیته بنام مهندسی و مهندسی صنعتی بوجود آمد تا بصورت اساسیتری در امر جنگ مشارکت نموده و نیازهای موجود را برطرف نماید^۱.

ساختن دکل های مخابراتی ، پستهای دیدبانی ، دکل های دیدبانی ، ساخت و مرمت صدها کیلومتر جاده ، تأمین و راه اندازی چند بیمارستان تخصصی، انجام ترابری سنگین، ساخت چند صد دستگاه انواع قایق و دو به ، ساخت انواع پل های آماده و در نهایت تهیه سنگر و مواضع سلاح های مختلف

۵۶ / ارتش در فاو

حداقل کاري بود که این وزارتخانه ها در کمک به سپاه پاسداران انجام دادند .

رها کردن یگانهای سپاه پاسداران

با آماده شدن سپاه پاسداران برای اجرای یکی از حساسترین نبردها در طول جنگ ناخواسته برابر تدبیر فرماندهی کل نیروهای مسلح، دفاع کامل مرز ۱۰۰۰ کیلومتری (به جز جزیره آبادان) به نیروی زمینی ارتش واگذار گردید، بدین ترتیب نزاجا مجبور به قبول مسئولیت بیشتر و گسترش یگان های خود در خطوط پدافندی طولانی‌تری گردید^۱ و تمام یگان های سپاه پاسداران را که مسئولیت پدافند داشتند رها نمود. و این در حالی بود که احتمالاً دشمن از این عملیات اطلاع پیدا کرده بود و حملات ایذائی و ممانعتی خود را در تمام جبهه های جنوب و غرب و شمال غرب به‌نحو چشمگیری افزایش داده بود، چنان که گزارش عوامل اطلاعاتی حاکی از آماده شدن دشمن برای انجام عملیات آفندی در جبهه غرب و شمال غرب و جنوب در مدارک موجود آمده است:

در اوایل آذر ماه به قرارگاه غرب دستور داده شد، عناصر لشکره نصر سپاه را که در منطقه تنگ بیجار در غرب صالح آباد مستقر بود. با تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی تعویض کند تا آن یگانها به جزیره آبادان تغییر مکان نمایند.^۲

۱. اهمیت پدافند در جنگ بر کسی پوشیده نیست و مورد تأیید کارشناسان نظامی می باشد و در هیچ مدرکی دیده نشده که آفند بر پدافند برتری داشته باشد. نیروی زمینی در طول جنگ ناخواسته با داشتن مسئولیت کامل پدافند مرز طولانی ایران و عراق (به جزء مقاطع خاصی از زمان آنهم در یک منطقه محدود که سپاه پاسداران مسئولیت پدافندی بعهد می گرفت) فشارهای روحی روانی زیادی را متحمل گردید و در بیشتر موارد یگان ها مجبور می شدند با قبول جبهه طولانیتر از توان خود به طور مضائقه برای مدت طولانی زیر فشار قرار گیرند و از حریم میهن اسلامی دفاع کنند به عنوان مثال لشکر ۸۱ زرهی در یک منطقه با عرض ۴۰۰ کیلومتر در غرب کشور (ازپاوه تا کنجان چم) گسترش یافته بود و مأموریت پدافندی داشت که از نظر عرض چند برابر توان یک لشکر بود.

۲. حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ ج ۷، ص ۵۲۲

و یا در نمونه دیگری در کتاب تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آمده است :

از جمله یگانهای سپاه که برای شرکت در عملیات آینده در فاو در نظر گرفته شده بود همان تیپ امیرالمؤمنین مستقر در منطقه چنگوله بود و سپاه تصمیم گرفته بود آن تیپ را از منطقه خارج سازد در حالی که واحد دیگری در دسترس نبود تا مأموریت پدافندی آن تیپ را برعهده بگیرد و حتی با بودن تیپ امیرالمؤمنین در آن منطقه ضعف پدافند منطقه عملیاتی مهران همیشه موجب نگرانی فرماندهی قرارگاه غرب بود چنانکه از طرف ستاد این قرارگاه در ۱۷ مرداد از منطقه مورد بحث بازدید شد و نتیجه بازدید آن بود که با وجود یگانهای موجود قسمتهای قابل ملاحظه‌ای از خط مقدم پدافندی آن منطقه خالی از نیروی مدافع می‌باشد. ولی به هر حال شرایط موجود نبرد و روش تصمیم‌گیری حاکم بر کل جریان جنگ چنین حکم کرد که لشکر ۸۴ پیاده گسترش یافته در منطقه مهران خط پدافندی خود را تا چنگوله توسعه دهد یگانهای سپاه مستقر در آن منطقه را رها سازد و دستور اجرای این امر در ۲۷ مرداد ماه به لشکر ۸۴ پیاده ابلاغ شد.^۱

بدین ترتیب به علت وضعیت ویژه ای که به وجود آمده بود ، وضعیت پدافندی یگانهای ارتش در تمام جبهه های نبرد رو به ضعف نگران کننده ای می‌نهاد و فرماندهان با احساس مسئولیت و آگاهی از خطری که خطوط پدافندی منطقه آنانرا تهدید می کرد . اقدام به نگارش نامه های گله آمیزی درباره کمبود توان رزمی خود برای حفظ امنیت جبهه و اجرای مأموریت‌های پدافندی به نیروی زمینی می کردند . و به طور معمول معاونت اطلاعات عملیات نیروی زمینی گردشکارهایی بر مبنای گزارشات

۱. حسینی، سرهنگ سید یعقوب، تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ج ۷؛ ص ۵۱۷ و ۵۱۸

یگانهای در خط در خصوص کمبود نیرو تهیه می کرد و برای تصمیم گیری نهائی به فرماندهی نیرو ارائه می داد ، اما نیروی اضافی وجود نداشت تا جبران کمبودها را بنماید و تنها راه حل آن بود که واحدهای از نقطه های برداشته شود و به منطقه دیگری اعزام گردد و بدینوسیله نقطه های تضعیف می گردید تا نقطه دیگری به طور ظاهر پوشانده شود ، در این مرحله فرماندهی نیروی زمینی به علت وسعت یک هزار کیلومتری عرض جبهه و کمبود نیرو به طور عملی قادر نبود یک سازمان رزمی متعادل برای پدافند تمام مناطق نبرد سازماندهی کند افزون بر این مشکل اساسی دیگری در این برهه از زمان بوجود آمد و آن فعالیت ضدانقلاب داخلی در منطقه جوانرود بود که خود به خود نیاز به نیرو برای مقابله را داشت.

در این رابطه ستاد مشترک از نیروی زمینی می خواهد یگانهایی برای دفع ضد انقلابیون اعزام کند و فرمانده نیرو به طور رسمی پاسخ می دهد "از اعزام نیرو به آن منطقه معذور است"^۲ با تمام این مشکلات نیروی زمینی در آذرماه ۱۳۶۴ مجبور شد وضعیت خود را با عملیات آینده در فاو هماهنگ نماید و به قرارگاه های سه گانه خود دستور داد عناصر پیش بینی شده سپاه پاسداران را از مناطق پدافندی رها نمایند و خود مسئولیت پدافندی مرز را به طور کامل از شمال جزیره آبادان تا دالامپرداغ در مرز مشترک ترکیه و عراق و ایران به عهده بگیرد و بدین ترتیب تدبیر گسترش واحد های ارتش و سپاه بر اساس نیاز عملیاتی والفجر ۸ در شبه جزیره فاو از آذرماه به صورت کامل به مرحله اجرا در آمد و کلیه یگانهای سپاه پاسداران رها و به جنوب عزیزت نمودند تا بر دشمن زبون بتازند .

شرکت در طرح پوشش و فریب تاکتیکی^۱

همه هنر جنگ بر اساس فریب و اغفال استوار است (سون تزو)

پس از استقرار یگانهای سپاه و ارتش در مناطق عملیاتی پیش بینی شده در طرح عملیاتی والفجر ۸، برابر تدبیر فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) طرح عملیاتی والفجر ۸ بر مبنای دو فرماندهی مجزا و مستقل که به وسیله آن قرارگاه هماهنگ می شدند با شرکت ارتش و سپاه به اجرا در می آمد در این طرح قرارگاه کربلا متشکل از یگانهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در منطقه کوشک تا شلمچه و یگانهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با پشتیبانی نیروی هوایی، نیروی دریایی، هوانیروز، توپخانه و مهندسی و سلاحهای ضد زره ارتش عملیات را در منطقه فاو اجرا می نمود.

آقای محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران می گوید:

..... ضمن اینکه همزمان با این عملیات (والفجر ۸)، از سوی آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) مقرر گردید تا ارتش در منطقه شلمچه نیز عملیات انجام دهد.^۲

تدبیر فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) به روشنی در بند مأموریت دستور عملیاتی آن قرارگاه به شرح زیر آمده است:

الف - مأموریت: قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) مأموریت دارد ضمن پدافند در سایر مناطق در

۱. پوشش تاکتیکی یعنی پوشیده نگاه داشتن طرحها و اقدامات تاکتیکی.

فریب تاکتیکی کلیه اقداماتی است که باعث گمراهی و اشتباه دشمن می شود، به طور کلی پوشش و فریب تاکتیکی کلیه اقداماتی است که به منظور پوشیده نگاه داشتن طرحها و گمراهی دشمن انجام می گردد و روشهای آن عبارتند از: تکه های فریبنده، نیرنگها، دستبرد، تظاهرات و تکه های پشتیبانی. (فرهنگ واژه های نظامی؛ ص ۲۲۹)

۲. از فاو تا شلمچه؛ ص ۷۸.

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۶۱

۲۲۰۰ ، ۲۰ بهمن ماه ۱۳۶۴ در منطقه عملیاتی جنوب تک نموده ، دشمن را منهدم ، اسکله های البکر و الامیه را تصرف ، خط ایثار را در منطقه فاو ، رأس البیشه ، جزیره ام الرصاص ، ام البابی و خط نصرت را در منطقه شلمچه تامین نماید .

ب - مأموریت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه عملیاتی فاو و ام الرصاص (تلاش اصلی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأموریت دارد ضمن پدافند در سایر مناطق ، با قرارگاه های کربلا ، نجف ، نوح و یونس - ۱ در ۲۲۰۰ ، ۲۰ بهمن ماه ۱۳۶۴ در منطقه فاو ، رأس البیشه ، جزیره ام الرصاص و ام البابی تک نموده دشمن را منهدم ، اسکله های البکر و الامیه را تصرف و خط ایثار انتهای کارخانه نمک را تامین نمایند .

ج - مأموریت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه عملیاتی کوشک و شلمچه (تلاش پشتیبانی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) : نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مأموریت دارد ضمن پدافند در سایر مناطق ، با قرارگاه عملیاتی کربلا در ۲۲۰۰ ، ۲۰ بهمن ماه ۱۳۶۴ در منطقه کوشک و شلمچه تک نموده و به ترتیب خط استقامت (خط مرز) را در منطقه کوشک و خطهای شهمت (نهر جاسم) و (کانال دو ردیفه) نصرت را در منطقه شلمچه تامین و آماده می شود بنا به دستور تک را بمنظور تامین سواحل شرقی اروند رود از شلمچه تا نهر کتیبان و شهر بصره ادامه دهد .

در ۱۷ دیماه فرماندهی نزاجا به فرماندهی قرارگاه جنوب دستور داد با توجه به راهنماییهای انجام شده (احتمالاً شفاهی) طرح عملیاتی آن قرارگاه را بر مبنای طرح عملیاتی و الفجر ۸ که به وسیله قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) تهیه و ابلاغ شده است در مدت ۴۸ ساعت تهیه نماید ، همچنین در این دستور گفته شده یک طرح پوشش و فریب نیز

برای اجرای در منطقه عمومی فکه با استفاده از لشکرهای ۱۶ ، ۸۱ ، ۹۲ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد تهیه شود . در اجرای این دستور سه طرح مستقل برای سه منطقه عملیاتی به شرح زیر تهیه شد :

۱. طرح عملیاتی والفجر ۸ برای عبور از اروند رود و حمله در شبه جزیره فاو که بوسیله یگانهای رزمی سپاه و با پشتیبانی نیروی هوایی و یگانهایی از نیروی زمینی ارتش انجام می شد . (تلاش اصلی)

۲. طرح عملیاتی بدر ۳ - برای اجرای عملیاتی آفندی در شمال غربی خرمشهر (شلمچه) به عنوان تلاش پشتیبانی برای تسهیل عملیات تلاش اصلی در عبور از اروند رود که به وسیله یگانهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی اجرا شد . (تلاش پشتیبانی)

۳. طرح عملیاتی خندق - به عنوان طرح پوشش و فریب برای منطقه عملیاتی فکه^۱ .

بر مبنای طرحهای سه گانه قرارگاه جنوب در تاریخ ۲۲ دیماه دستور شماره ۲۵ و در تاریخ ۴ بهمن ماه دستور شماره ۲۶ را صادر کرد و دستور داده شد تیپ ۵۵ هوابرد و لشکر ۸۱ زرهی که در منطقه عملیاتی فکه ، عین خوش ، مستقر بودند به منطقه خرمشهر تغییر مکان نمایند و لی به علت تشدید فعالیت دشمن در منطقه شرق عماره چنین احساس شد که دشمن آماده برای یک عملیات آفندی جدی در منطقه فکه می شود بدین جهت دستور داده شد یک تیپ از لشکر ۸۱ زرهی در منطقه فکه باقی بماند و احتیاط قرارگاه جنوب در منطقه فکه باشد و بقیه به منطقه عملیاتی شلمچه تغییر مکان نمایند .

در رابطه با طرح پوشش و فریب تاکتیکی نزاچا و تاثیر موفقیت آمیز آن در راهکارهای انتخابی

۱. حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ ج ۷، ص ۵۲۳.

دشمن در همان مدرک آمده است. در حالیکه نیروهای ایران برای اجرای يك عملیات آفندی در ارون رود آماده می شدند احتمالاً عوامل اطلاعاتی دشمن به حمله قریب الوقوع نیروهای ایران در منطقه عمومی شرق بصره پی برده بودند ولی محل تلاش اصلی نیروهای ایران را کشف نکرده بودند و با توجه بغیر قابل عبور بنظر رسیدن ارون رود (بعلت میزان شدید جزر و مد آب آن که تحت تاثیر جزر و مد آب خلیج فارس قرار می گیرد) نیروهای عراقی عبور نیروهای ایران از ارون رود را غیر محتمل دانسته و هر گونه فعالیت متمرکز نیروهای ایران در جزیره آبادان و کرانه شرقی ارون رود را يك عملیات فریبنده به منظور پوشش عملیات عبور از هورالهويزه در ادامه عملیات خیبر و بدر تلقی کرده بودند .

اظهار نظر مقامات مختلف نظامی امنیتی عراق در قبل و حتی چند روز بعد از عملیات والفجر ۸ به خوبی نمایانگر موفقیت طرح پوشش و فریب تاکتیکی و رعایت اصل غافلگیری از طرف رزمندگان اسلام می باشد به طوریکه دشمن عبور از ارون رود را به عنوان تلاش پشتیبانی قلمداد می کرد و تلاش اصلی را در منطقه شلمچه ، هورالهويزه در شمال غربی فاو (همان جایی که نیروهای نزاها حضور داشتند) تشخیص داده بودند در این رابطه در کتاب عملیات والفجر ۸ (فاو) از انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد آمده است :

سرلشکر ماهر عبدالرشید فرمانده سپاه ۳ عراق ، تک گسترده ایران را در روزهای آینده از سمت هورالهويزه می داند و یا رادیو اسرائیل در همین تاریخ از قول منابع اطلاعاتی ماهواره ای می گوید :
که حکومت اسلامی ایران نیروهای عظیمی را در سوسنگرد و سایر شهرها و آبادیهای نزدیک

به باتلاقیهای هور متمرکز ساخته و قصد هجوم دارد^۱.

دشمن بر اساس همین تفکر (خوشبختانه غلط) اقدام به طرحریزی و شکل دادن نیروهای در خط خود به ویژه به تقویت منطقه هورالهیوزه پرداخت و برابر مدرک پیش گفته شده:

استعداد قابل توجهی از نیروهای ارتش عراق جذب این منطقه شده و در توان رزمی او در سایر مناطق اثر می گذارد^۲.

در پیگیری این که چه استعدادی از نیروهای عراقی در مقابله با نیروهای نزاچا آرایش گرفته اند در کتاب خرمشهر تا فاو آمده است:

– پوشانیدن منطقه هورالهیوزه با ۵ الی ۶ لشکر در خط و یک لشکر در احتیاط.

– انتقال لشکر ۱۰ زرهی به نزدیکی پل غزنه.

– مستقر ساختن دو لشکر زرهی در العماره و بصره تا در صورت لزوم از دو محور شمالی و جنوبی وارد منطقه نبرد شوند^۳.

لازم به ذکر است افزون بر این اقدامات، دشمن اقدامات مهندسی گسترده ای نیز انجام داد تا از حمله گسترده ایران بر اساس ذهنیت خود جلوگیری نماید.

پس از انجام موفقیت آمیز عملیات والفجر ۸ و بازجویی از اسرای زیاد این عملیات (۷۰۰ الی ۲۰۰۰ نفر گفته شده است)^۱ تایید گردید که ارتش عراق کاملاً فریب خورده و استعداد قابل توجهی از نیروهای زرهی – پیاده و توپخانه خود را تا شروع عملیات فاو در منطقه هورالهیوزه و شلمچه نگه داشته و حتی تعدادی را نیز از منطقه فاو (منطقه

۱. احمدی، سرهنگ ستاد؛ عملیات والفجر ۸ (فاو)؛ ص ۹.

۲. همان.

۳. از خرمشهر تا فاو؛ ص ۵.

۱. سمعی، علی؛ کارنامه توصیفی عملیاتها، لشکر ۶ قدس گیلان؛ ص ۲۳۰.

مسئولیت سپاه (۷) برداشت نموده و جهت تقویت به جبهه شرق دجله اعزام کرده است .

به عنوان آخرین گفتار:

با نگاهی کوتاه به بند ماموریت دستور عملیاتی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)، تدبیر عملیاتی فرماندهی نزا، دستورات شفاهی فرماندهی نزا، قرارگاه جنوب برای پیش بینی طرح پوشش و فریب، دستورات جز به جز شماره های ۲۵ و ۲۶ قرارگاه جنوب و جابجاییهایی که نزا از آغاز عملیات والفجره ۸ انجام داده است و ... ، این واقعیت رخ می‌نمایاند که :

نزا نقش ارزنده ای در فریب دشمن داشته است و عملیات پوشش و فریب یگانهای نزا، آنچنان به واقعیت نزدیک بود که دشمن منطقه فاو را به عنوان محور اصلی عملیات درک ننموده به طوری که بیشترین توان خود را متوجه مناطق دیگری غیر از منطقه تک اصلی والفجره ۸ می‌نماید ، و همین اشتباه دشمن به رزمندگان سپاه پاسداران به عنوان تک اصلی فرصت می‌دهد با خیال آسوده تر شبانگاه از رودخانه خروشان اروندرود عبور نموده و شهر بندری فاو را تصرف نمایند و بر خلاف معمول در روزهای اول و دوم عملیات پاتکهای دشمن به علت عدم پیش‌بینی در نگهداری احتیاط کافی آنچنان که باید موثر واقع نمی‌شود و رزمندگان توانمند در همین فاصله، مواضع خود را در غرب فاو و دریاچه نمک گسترش و تحکیم می‌بخشند .

صحت این نتیجه گیری به خوبی در مدارک و اسناد منتشر شده و اظهار نظر عوامل دشمن و مصاحبه با رزمندگان درگیر عملیات به خوبی آمده است که پاره ای از آنها به شرح زیر نقل می‌گردد :

الف - در تحلیلی که به وسیله استادان دانشکده فرماندهی و ستاد درباره عملیات والفجره ۸ (فاو) کرده اند در بند غافلگیری آمده است :

با توجه به مطالب فوق و نتایج شناسائیهای به عمل آمده قبل از شروع عملیات و نیز اطلاعات بدست آمده از عکس هوایی مورخه ۶۴/۱۰/۲۷ از منطقه غرب اروند نتیجه گیری می شود که دشمن در غرب اروند به طور ۱۰۰٪ غافلگیر گردید و با توجه به مقدرات شنود، عکسهای ماهواره ای، همکاری کامل سازمان منافقین، وجود ستون پنجم، مبادله اطلاعات از طریق دیپلماتیک، عوامل نفوذی باید موفقیت در اصل غافلگیری را مرهون دو عامل زیر بدانیم:

۱ - رعایت حفاظت اطلاعات و مدارک و اسناد توسط برادران رزمنده سپاه پاسداران در حد ممتاز.

۲ - اجرای عملیات فریب مانند تمرکزات و ادامه فعالیتهایی که در منطقه شرق عماره و شرق بصره توسط نزاچا و سپاه پاسداران^۱.

ب - یکی از مسئولین اداره توجیه سیاسی عراق در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۶۴ یعنی فقط شش روز قبل از شروع عملیات اظهار می دارد:

حمله ایرانیها به منظور قطع جاده بغداد - بصره و ایجاد شکاف بین سپاه های ۴ و ۶ یعنی اهدافی که قبلاً بدان دست نیافته اند در منطقه هورالهیوزه صورت خواهد گرفت^۲.

ج - یکی از مسئولین اطلاعات ستاد کل ارتش عراق چند روز قبل از شروع عملیات در بازدید خود از جبهه فاو در جمع فرماندهان عراق اظهار می دارد:

در منطقه غرب اروند رود تهدیدی از سوی ایران وجود نداشته لذا ممکن است تعدادی یگان دیگر علاوه بر آنچه تا کنون از این منطقه

۱. احمدی، سرهنگ ستاد؛ عملیات والفجر ۸ (فاو)؛ ص. ۱۰.

۲. مصاحبه با خبرنگاران رادیو مونت کارلو؛ ۶۴/۱۱/۱۴.

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۶۷

برداشت شده ، به منطقه سپاه ۶ در شرق دجله اعزام گردید^۳.

د- اما شیرین‌ترین و در عین حال موثقت‌ترین نقل قول از عالی‌ترین مقام اطلاعات نظامی عراق (وفیق السامرائی، مدیر اطلاعات نظامی) است که به تبعیت از وظیفه‌اش به طور اصولی بایستی مسائل اطلاعاتی جنگ را لحظه به لحظه پیگیری نماید تا حداقل از غافلگیر شدن جلوگیری کند ولی با جسارت تمام زبان به اعتراف می‌گشاید و می‌گوید :

ضربه سقوط فاو برای رهبران عراق و سرویس اطلاعات غافلگیرانه بود ، اولین عملیاتی که ایرانیها اصل غافلگیری را به صورت کامل در آن به اجرا گذاشته بودند ، سقوط فاو بود^۱.

همچنین در جای دیگر از همین کتاب آمده است :
اصل غافلگیری به ایرانیها کمک کرد تا فاو را که يك شهر كوچك و متروكه بود به اشغال خود درآورند^۱.

(البته متروکه بودن و کوچک بودن شهر فاو را دشمن به عنوان جنگ روانی و تبلیغاتی مطرح نمود)

۳. حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ ج ۷، ص ۲۴۶

۱. السامرائی، وفیق؛ ویرانی دروازه شرقی؛ ص ۹۷

۱. همان؛ ص ۱۰۵

شرکت به عنوان تک پشتیبانی^۱

تدبیر کلی عملیات در رده قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)، آن بود که دو قرارگاه اجرایی سپاه و ارتش به نامهای خاتم ۱ و خاتم ۲ هدایت عملیات را با عنوان تلاش اصلی و تلاش پشتیبانی به صورت مستقل عهده دار شوند.

۱. تک: یک عمل قطعی آفندی است که در آن آتش و مانور توأمأً سهولت حرکت را در یک سمت قطعی به منظور تصرف هدف معینی فراهم می آورد، تلاش اصلی، تلاش پشتیبانی، مانور احاطه ای تک تثبیت کننده، تک جز به جزء، تک شبانه، تک فریبنده و تک هماهنگ شده از انواع تک هستند.

تک اصلی: تکی است که در آن فرمانده حداکثر توان رزمی خود را به منظور تحمیل برتری به دشمن و تأمین نتیجه قطعی در زمان و مکان مناسب متمرکز می نماید، مشخصات تک اصلی عبارتند از:

الف - استفاده از عناصر مانوری بیشتر، ب - استفاده از بهترین معبر وصولی،

پ - قراردادن احتیاط به دنبال آن، ت - هدایت تک به نقاط ضعیف دشمن.

ث - تقدم استفاده از عناصر پشتیبانی آتش و سایر عناصر پشتیبانی رزمی

تک پشتیبانی: به منظور پشتیبانی از تک اصلی و با حداقل نیروی لازم اجرایی گردد، تک پشتیبانی ممکن است در یک یا چندین نقطه اجرا شود و منظور از آن، فریب دادن دشمن از محل و سمت تک اصلی، وادار کردن دشمن به استفاده از احتیاط خود و تثبیت دشمن در مواضع و تصرف زمینی که مانور تک اصلی را تسهیل نماید، می باشد.

باید توجه داشت تک پشتیبانی و تک فریبنده هر دو به منظور منحرف کردن توجه دشمن از منطقه تک اصلی انجام می گیرد ولی تک فریبنده هیچگاه به منظور تصرف هدف نهایی ادامه نخواهد یافت. (فرهنگ واژه‌های نظامی؛ ص ۲۷۷، ۲۷۸ و ۲۸۰)

اصطلاح تلاش اصلی و تلاش پشتیبانی مترادف تک اصلی و تک پشتیبانی بوده که برای یگانهای بالاتر از لشکر بکار می‌روند. (فرهنگ واژه‌های نظامی، صفحات ۲۷۸، ۲۸۰)

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۶۹

در کتاب تاریخ جنگ تحمیلی ایران و عراق در این باره نوشته شده است :

... قرارگاه خاتم ۲ متشکل از لشکرهای ۲۱ ، ۷۷ پیاده و لشکرهای ۸۱ ، ۹۲ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد و ۲۷ گروهان بسیج در منطقه شلمچه و کوشک (شرق بصره) حمله می کرد و نیروهای دشمن را در شرق بصره درگیر می نمود و عملیات تلاش اصلی را در شبه جزیره فاو تسهیل می کرد.^۲

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در پی دریافت تدبیر کلی قرارگاه خاتم ۲ با تشکیل یک قرارگاه تاکتیکی به نام قرارگاه عملیاتی کربلا هدایت عملیات یگانهای خود را در منطقه شلمچه و شرق بصره بعهدہ می گیرد . و موضوع را طی پیامی که در سند ۱ درج گردیده است به اداره سوم ستاد مشترک گزارش می نماید .

به هر حال تک تلاش پشتیبانی (مستقل از تک تلاش اصلی) با رمز یا فاطمه الزهراء، یا فاطمه الزهراء، یا فاطمه الزهراء، ادراکنی همزمان با تک تلاش اصلی آغاز و اولین پیام از طریق قرارگاه عملیاتی کربلا به شرح سند شماره ۲ به قرارگاه خاتم ۲ ارسال می گردد .

۲ . حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ ج ۷، ص ۵۲۶

سند شماره ۱



ارتش جمهوری اسلامی ایران

پیام کشف / پیام رمز

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در پی دریافت تدبیر کلی قرارگاه خانم ۲ با تشکیل یک قرارگاه تاکتیکی به نام قرارگاه عملیاتی کر بلا هدایت عملیات یگانهای خود را در منطقه شلمچه و شرق بصره بعهد می گیرد. و موضوع را طی پیامی که در تصویر شماره ۱ درج گردیده است به اداره سوم ستاد مشترک گزارش می نماید.

از : نزاجا ، معاونت عملیات و اطلاعات (مد . عملیات)	طبقه بندی	ششگانه محرمانه
ب : ر-سماجا (اداره سوم - معاونت عملیات - مدیریت	عملیات (امنیت)	اقدام کننده
گنجه :	آگاه شونده	
	شماره پیام	

برابر گزارش قرارگاه عملیات جنوب
 قرارگاه تاکتیکی قرارگاه عملیات جنوب بنام قرارگاه عملیاتی کر بلا از ساعت ۱۰۰۰ روز جاری مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ در مختصات نقشه خرمشهر دایر گردیده است، مراتب جهت استحضار بعرض - میرسد - د . ۲۲۰ / ۹۶۰
 ف. نزاجا سرهنگ سید محمد علی صیاد شیرازی
 گیرنده کتبی
 مد . اطلاعات نزاجا جهت آگهی .

۲۲۳ - ۲۰۱ / ۰۸ / ۹۰
 قرارگاه

این پیام در روز ۲۰ / ۱۱ / ۶۴ در ۵ (۱۱ ، ۵) حدهای مخابراتی مخابراتی کربلا	درجه نام و مقام تهیه کننده پیام	درجه نام و مقام امضا کننده
	صفحه از صفحه	تاریخ و ساعت امضاء
	صفحه از صفحه	امضاء
	درجه نام و امضاء نگار فرجی	تاریخ و ساعت پایان مخابره
	گیرنده	

د. راکر پیام ۳۰۲ « رانیکسند پیام ۳۰۲ » در مخابراتی بنام یانگی پرسنل نماید خطوط تقویم در دست برای آسان نوشتن برای نوشتن

بسمه تعالی

از قرارگاه عملیات جنوب (کربلا)

به قرارگاه خاتم ۲ گیرنده کتبی

آگهی به نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات مد
عملیات

شماره پیام ۲۰۰۱/۱۲/۱۱/۲/۸ — ۶۴/۱۱/۲۱
خیلی محرمانه — انی

تک در ساعت ۲۲۰۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ با رمز یا
فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا
ادرکني آغاز گردید.

لشکر ۲۱ در ساعت ۲۲۱۷ در نهر خین رخنه نموده
و مشغول پل زدن و عبور از نهر مزبور می باشند
گردان ۱۶۳ وارد جزیره بوارین گردید و مشغول
پاکسازی می باشند.

ل ۷۷ در تمام محورها درگیر شده و به پاسگاه
کوت سواری را به تصرف در آورد . این لشکر
همچنان به پیشروی خود ادامه می دهد ل ۸۱ و ۹۲
درگیر هستند .

ادامه وضعیت متعاقباً گزارش خواهد شد .

ف ق ع جنوب سرهنگ ستاد سلیمانجا

بسمه تعالی
از قرارگاه عملیاتی جنوب (۳/۱)
به قرارگاه خاتم ۲ گیرنده کتبی
آگهی به نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات مدد عملیات

شماره پیام ۸ / ۲ / ۱۱ / ۱۳ / ۳۰۰۱ / ۲۱ / ۱۱ / ۶۴

خیلی محرمانه انستیتی

تک در ساعت ۲۲۰۰ مورخه ۲۰ / ۱۱ / ۶۴ با رمز یا فاطمه الزهرا یا
فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا ادراکتی آغاز گردید .
لشکر ۲۱ در ساعت ۲۲۱۲ در نهر خین رخنه نموده و مشغول بیل زدن و عبور
از نهر مزبور میباشند
گردان ۱۶۳ وارد جزیره بواریین گردید و مشغول پاک سازی میباشد .
ل ۲۲ در تمام محورها درگیر شده و به پاسگاه کبوت عواری ~~۳/۱~~ را
به تصرف در آورد . این لشکر همچنان به پیشروی خود ادامه میدهد .
ل ۸۱ و ۶۲ درگیر هستند .
ادامه وضعیت متعاقبا گزارش خواهد شد .

ف. ق. ع جنوب سرمنبع ستاد سلیمانجاه
لشکر ۲۱ / ۲۵۰

سرتیپ ۲ داود سنجری پور (استاد دانشکده فرماندهی و ستاد) که در عملیات والفجره رئیس رکن دوم لشکر ۲۱ حمزه بوده، درباره شرکت لشکر ۲۱ حمزه در عملیات میگوید:
همزمان با تک اصلی عملیات والفجره ، تک پشتیبانی در شلمچه برای آزاد سازی جزیره بواریین در جنوب امام الشیراز در شرف اجرا بود .
مزه در مرکز و

نیروی زمینی ارتش در والفجره ۸ / ۷۳

لشکر ۷۷ در سمت راست و عناصری از سپاه پاسداران در سمت چپ برای حمله به جزیره بوارین قرار داشتند ، عملیات در ابتدا موفقیت آمیز بود و حتی مهندسی قرارگاه خاتم اقدام به زدن پل روی رودخانه اروند برای عبور لشکر کرد و این پل بوسیله آقای فروزنده مورد بازدید قرار گرفت و ایشان و همراهان از این پل عبور کردند و وارد جزیره بوارین شدند ، اما عملیات به دلیل وجود موانع زیاد که عبور از آن برای لشکر های سنگین همچون لشکر ما ساده نبود متوقف شد و یگانهای تک و ر به مواضع خود برگشتند .

ایشان درباره نتیجه عملیات در شلمچه می

گویند :

حسن این عملیات آن بود که یگانهای توپخانه جاده های منطقه از جمله جاده بصره به فاو را زیر آتش داشتند و ارتش عراق به این نتیجه رسید که این عملیات تلاش اصلی می باشد و به تقویت خود در مقابل شلمچه پرداخت و حتی نیروهای را از جنوب (سپاه ششم) به این منطقه گسیل داد و این سبب شد که نیروهای عمل کننده در عملیات فاو درگیری کمتری داشته باشند و عبور از اروند تسهیل شود . اضافه بر این توپخانه هایی که در پشتیبانی از لشکرهای ۲۱ و ۷۷ به کار گرفته شده بودند ، طوری عمل می کردند که جابجایی نیروها را برای عراق مشکل کرده بودند و تقویت نیرو در منطقه فاو برای عراق به سختی انجام می شد^۱.

مکاتبات بعدی قرارگاه کربلا که پاره ای از اسناد آن آورده شده است خود گویای شرح رویدادها و بازگو کننده تلاش یگانهای درگیر عملیات

۱. حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ ج ۷، ص ۵۲۶.

۷۴ / ارتش در فاو

می‌باشند و نیاز به هیچ‌گونه تفسیر و تحلیلی
ندارند. (اسناد ۳ الی ۷)

سند شماره ۳

بسمه تعالی

ارتش جمهوری اسلامی ایران		کشف پیام / پیام رمز	
شماره ۱۳/۱۱/۱۳۰۱/۱۳۰۲	وسیله ارسال	تاریخ و ساعت وصول به مرکز پیام	تعداد کلمه یا گروه
تاریخ ۲۱/۱۱/۳۰	شماره مرکز پیام	از: ق. ع. ک...	به: ف. ن. ع. خ...
طبقه بندی:		آگهی به: ف. ن. ع. خ...	
اقدام کننده:		آگاه شوند:	

بیر ۱۳/۱۱/۳۰
 ۲۱/۱۱/۳۰
 آخرین وضعیت: ۲۱/۱۱/۳۰

- ۱- ل ۲۱ ر قمت سقرن جزیه ببارین سقرن کتم است تشریح با خبر و با ل سقرن در زیر آتش شدید و صدای صیادان بلند.
- ۲- ل ۷۷ سقرن کتم رخس روی محمد ۱۰۰ که سقرن شده در بعد تمل را همچون حفظ شماره است
- ۳- ل ۹۲ و ل ۸۱ همچون زوریا سقرن برده و در پی سقرن سقرن است

ف. ن. ع. ک... از طرف
 [Signature]

و به تاریخ ۱۸۴۵ دقیقه
 هر وقت در ۱۸۴۵ دقیقه

سند شماره ۴

ارتش جمهوری اسلامی ایران

پیام کشف / پیام رمز	
عنوان	تاریخ و ساعت وصول به مرکز پیام شماره مرکز پیام وسیله ارسال تعداد کلمه یا گروه
طبقه بندی	از: ق. ع. ک... به: ف. ن. ع. خ...

سند شماره ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارتش جمهوری اسلامی ایران		کشف پیام / پیام رمز	
شماره ۴۹، ۳۱، ۱۳، ۱۳، ۳۰ - ق-ت	وسیله ارسال	تاریخ و ساعت وصول به مرکز پیام	
تاریخ ۲۳، ۱۱، ۶۴	شماره مرکز پیام	شماره اد کلمه یا گروه	
طبقه بندی: ح - ۳		از: ق ع ^{کرمان} (۲)	
اقدام کننده:		به: ض ق خاتم ۲ (کپی)	
آگاه شونده:	ارجحیت	آگهی به: فنزای - سرت - عمید - راجه (مدعی)	

۵۴، ۱۱، ۲۱ - آ ق ت - ۰۱/۱۳/۱۱/۱۳۰۱

۱- ارام عیسی و درختیلا، بنیر، نامه بزهر، نامه بزهر، نامه بزهر، ادر کسنا
 درت ۳۰۰، ۲۳، ۱۱، ۶۴ آغاز و میان می تکت ورد درت ۰۷، ۲۳، ۱۱، ۶۴
 بنیر عیسی دشمن در تریسه در نسیم متقابا بهم انجامید

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۷۷

سند شماره ۶

تاریخ ۲۷، ۲۹

موضوع

موضوعات

تاریخ ۲۷، ۲۹

سپهبدی
 به سرکرده معاونان فوج - این است
 ۱- مرسوم امنیت به رسم ارتش است
 مرسوم انجام کار - در این وضع
 در صورتیکه هیچ وجهی
 رضای این مرسوم نیست

بسمه تعالی
 از قرار گاه عملیات من جنوب امرکن سوم /
 به فنزاجا معارت عملیات و اطلاعات / عملیات /
 اکتس به فنزاجا معارت عملیات و اطلاعات / مداخله عملیات من جنوب X

۲- بطور مستقیم و امنیت را در
 در تاریخ ۲۴/۱۱/۲۵

اضحی است
 عملیات محرمات
 شماره ۲۲۲۶۱ / ۱۳ / ۱۱ / ۲۲۲۰۰۱ - ۶۴ / ۱۱ / ۲۵
 برای برگزانش ۹۲ ژوئن دشمن در ساعت ۰۷۳۰ روز چارن ۶۴ / ۱۱ / ۲۵ در جنوب
 جنوبی میادرت به شک نموده و از این سنگر کمین بدو مرکز منبر
 به ۹۲ را تصرف و در سایر پدمان شرقی و غربی نیز درگیری ادا شده دارد
 بیش بیست و هفتی لازم از شتر اعزام میگردد احصیا لشکر و اعزام اعسر را
 به متعلقه ۹۲ بعمل آمده است مشروح جزئیات متعلقه به عرض فرمائید

بسمه تعالی
 جهت استحضار در روز
 صحت و تسبیحاً لازم به قیام عرض خواهد شد
 تاریخ ۲۷/۱۱/۲۵

فقیر جناب سرهنگ سجاد سلیمان تپا
 از طرف سرهنگ سجاد محمد تپا

۲۷



تعالی

عمومی

اشخاص سرریخ
 ۶۹۰۰۰۲۰۱/۰۸۵۴
 ۲۴/۱۱/۲۲

نزاجات معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات)
 ر. سماجا (اداره سوم، معاونت عملیات و مد عملیات)
 عملیات والفجر ۸

بازگشت بشماره ۳۴۳-۹۰۶-۲۰۱-۰۱ آخ م س ۲۲/۱۱/۲۶ او پیرو شماره ۲۸-

۲۰۱-۰۸-۲۰۱ ط ۲۲/۱۱/۲۶ ۱۳۶۴

۱- طرحهای مربوط به عملیات والفجر ۸ که بوسیله نزاجاد رحال اجرا مییاشد طن آن قبلا" بمنوان -
 طن عملیاتی بدر ۳ (تجدید نظر شده سوم) باشماره اعلام وصول ز- ۵- ۴۵ تقدیم گردیده -
 است .

۲- از ساعت ۲۲۰۰ مورخه ۲۰/۱۱/۶۴ که عملیات آغاز گردیده چگونگی اجرا و پیشرفت عملیات بطور
 مرتب در تمام ساعات شبانه روز گزارش گردیده ضمن اینکه مراتب در گزارش نوبه ای عملیاتی روزانه
 درج و تقدیم شده است .

۳- چنانچه منظور عملیات انجام شده در منطقه فار مییاشد این نیرو فقط بایجنس اطلاعاتیه های قرارگاه
 خاتم الانبیا (ص) از رسانه های گروهی اطلاع لازم را کسب نموده و بهره برداری مینمایند
 و منتظر دریافت گزارشات از سماجا ۳ بود که با قرارگاه خاتم الانبیا (ص) بوسیله افسران معرفی
 شده در ارتباط مییاشد .

۴- بانوجه باینکه در حال حاضر ریاست محترم ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در قرارگاه
 خاتم الانبیا (ص) حضور دارند سماجا ۳ میتواند کلیه اطلاعات مورد نظر را بطور کامل دریافت
 و نزاجا را در جریان رویدادها قرار دهند .

۵- خواهشمند است مقرر فرمائید بایرقراری ارتباط با قرارگاه خاتم الانبیا (ص) گزارشات مورد نظر را
 دریافت نموده و مراتب را جهت بهره برداری باین نیرو اعلام فرمائید .

۶۴۱۱۳۴
 سرهنگ توپخانه علی صیاد...
 ۱۱/۲۲

سرانجام ، قرارگاه عملیاتی جنوب به دلیل عدم توفیق در بثمر رساندن تك لشكرهاي ۲۱ و ۷۷ در تصرف جزیره بوارین و ادامه تك شرق بصره ، برابر دستور جز به جزء شماره ۵ (سند شماره ۸) با قبول مأموریت پدافندی ضمن ساماندهی دوباره خطوط پدافندی موفق به برداشت لشکر ۳۰ گرگان شده و با تقویت این لشکر آنرا به طور مستقیم زیر امر قرارگاه خاتم ۱ برای کمک به تلاش اصلی در منطقه فاو می‌گذارد .

۲/۳

بسمه تعالی

سری

۲۹/۱۱/۶۴
۲۴/۱۱/۶۴

از: ق ع جنوب (۳)
به: گیرندگان مراجعه شود
موضوع: دستور جزء جزء
۱- مدارک:

الف - طرح عملیاتی شماره ۳ بدر دستورات جزء جزء شماره ۱ و ۳ و ۲
ب - دستورات شفا هی
پ - نقشه ۵۰/۰۰۰: ۱: منطقه
تغییرات در سازمان

الف - ل.ع ۳۰ و یک گروهان تانک از گد ۲۴۶ ل ۷۷ از مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل خاتم
ب - گردان ۳۶۸ ت ۱۰۵ ل ۷۷ از مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ تک مستقیم ل.ع ۳۰ در کنترل عملیاتی خاتم
پ - گردان ۳۹۹ تیرخانه ۳۰ گروه ۵۵ از مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی خاتم
ت - گردان ۳۹۷ تیرخانه (-) ۲۰۳ ل ۲۱ از مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی خاتم یک
ث - یک آتشبار کاتینوشا از گد ۲۷۶ گروه ۵۵ از مورخه ۶۴/۱۱/۲۴

۲- آخرین وضعیت:
- یک قرارگاه خاتم ۱ در منطقه فار همچنان با موفقیت ادامه دارد و ق ع کربلا ضمن پدافند از منطقه
محوله به بازسازی و آموزش یگانهای احتیاط جهت اجرای عملیات آتی ادامه میدهند.
۳- مأ موریات: تغییری داده نشده است.



۴- دستور یگانها:
الف - ل ۱۶ زرهی:
همچنان از منطقه محوله پدافند کنید.
ب - ل ۲۱ حمزه
(۱) گردان ۷ تیرخانه (-) ۲۰۳ از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی ق خاتم
۱

(۲) ضمن پدافند از منطقه محوله نسبت به تحکیم مواضع اقدام کنید.
(۳) نسبت با حوادث یک خاکریز بموازات خاکریز مواضع اولیه در نهرخین بهطور تشکیلی خط دوم
پدافندی اقدام کنید.

ادامه شماره ۸
در منطقه ای مناسب مستقر ضمن بازسازی و آموزش بعنوان
شماره ۸

Handwritten notes and signatures on the right margin.

۲ ص

سری

پ - ل ۷۷

(۱) یک گروهان تانک از گد ۲۴۶ را از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی ل.ع ۳۰ قرار میدهند
(۲) گد ۳۶۸ تیرخانه ۱۰۵ را از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی ل.ع ۳۰ قرار میدهند
(۳) یگانهای تابعه (تی ۳ و ۲) را از منطقه فعلی تغییر مکان داده و در منطقه قبلی در
کیانده مستقر نمایند.
(۴) ضمن آموزش و بازسازی بعنوان احتیاط این قرارگاه تقدم بکار رفتن در منطقه جزایر مجنون و
منطقه چزابه و جنگل عمق...

ت - ل ۸۱ زرهی

یگانهای تابعه را در منطقه عمومی جفیر (منطقه استقرار فعلی) مستقر ضمن بازسازی و آموزش
بعنوان احتیاط این قرارگاه به تقدم بکار رفتن در منطقه ل ۹۲ زرهی از طلاشیه تا شمال

ادامه سند
شماره ۸

مهری

- الف - کلیه حرکات و جابجائیها با رعایت افضل تا مین و ایمنی و در شرایط دید محدود انجام گیرد .
- ب - یگانها در منطقه پراکندگی اصول پدافند کامل و غیر عامل را رعایت کنند .
- پ - کالک آخرین وضعیت گسترش رگه تهیه و در دسترس باین قرارگاه ارسال دارند .
- ت - یگانهای احتیاط طرح پاتک را بر مبنای معاینه تفویضی و مناطق خادراتاک منطقه مسئولیت پیش بینی و تهیه و یک نسخه باین قرارگاه ارسال دارند .

فق ع کربلا - سرهنگ پیاده ستاد سلیمانزاده
 از طرفت

گیرندگان:

ف نزا جا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات)

ف خاتم ۲

ف ل ل ۱۶ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ ل ع ۳۰ ل ع ۵۸ و تی ۵۵ گروه ۵۵ و تی ۵۵ تی خانه
 جهت آگهی و اقدام لازم .
 ر ک ق ع جنوب جهت آگاهی و اقدام لازم .

مهری

گرچه مدارك ارائه شده به اندازه كافي خود گويايي شركت يگانهاي عمده نزا جا در عمليات والفجر ۸۳ به طور مستقيم مي باشند ، مدارك (سند

شماره ۹) که به پیوست گزارشات نوبه ای روزهای ۲۲ و ۲۳/۱۱/۶۴ تهیه و به مبادی مربوطه ارسال گردیده است به طور مشخصتر رویدادها و اقدامات عملیاتی لشکرهای ۷۷ پیاده ۲۱ پیاده مکانیزه ۹۲ و ۸۱ زرهی را که همزمان با تک اصلی انجام گرفته است نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است یگانهای شرکت کننده در این عملیات ۵۷ نفر شهید ۳۷۹ نفر مجروح و ۷۷ نفر اسیر تقدیم انقلاب کردند که جا دارد از مقام و منزلت آنان پاسداری گردد^۱.

سند شماره ۹

بسمه تعالی

پیوست به گزارش نوبه ای عملیاتی شماره ۳۲۸ و ۳۲۹ مورخ ۲۲/۱۱/۶۴ الی ۲۳/۱۱/۶۴ نتیجه عملیات انجام شده در منطقه جنوب (والفجر ۸) تا صبح مورخ ۲۳/۱۱/۶۴

۱- قرارگاه تاکتیکی قرارگاه عملیاتی جنوب از ساعت ۱۰۰۰ روز ۶۴/۱۱/۲۰ در مختصات ۹۶-۳۲ نقشه خرمشهر دایر گردید .

۲- تک رزمندگان اسلام در ساعت ۲۲۰۰ - ۶۴/۱۱/۲۰ با رمز یا فاطمه الزهرا - یا فاطمه الزهرا - یا فاطمه الزهرا ادرکنی آغاز گردید و نیروهای خودی در ساعت ۲۲۱۷ - ۶۴/۱۱/۲۰ با دشمن بعثی درگیر شدند.

۳- آخرین وضعیت یگانهای عمل کننده تا ساعت ۰۲۵۰ مورخ ۶۴/۱۱/۲۱

الف : در ساعت ۲۲۱۷ لشکر ۲۱ در نهر خین رخنه نموده و مشغول پل زدن و عبور از نهر مزبور می باشد گردان ۳۳ وارد جزیره شده و مشغول پاک سازی است. [احتمالاً گردان ۱۳۳ است]

ب : لشکر ۷۷ در تمام محور ها در گیر و پاسگاه کوت سواری را در ساعت ۲۲۳۵ مورخ ۶۴/۱۱/۲۰ به تصرف خود در آورده است این لشکر به پیشروی خود ادامه می دهد .

پ : لشکرهای ۸۱ و ۹۲ درگیر هستند (پیشروی حاصل نشده است)

۴- آخرین وضعیت یگانهای عمل کننده تا ساعت ۰۴۱۵ - ۶۴/۱۱/۲۱

الف - ل ۲۱

گردان ۱۶۹ ضمن بر پایی سه پل کوثری^۱ بر روی نهر خین وارد جزیره شده ولی به علت مقاومت شدید دشمن پیشروی به سمت غرب و به کندي صورت می گیرد .

گردان ۱۳۱ و گروهان شهادت که از معابر دیگر عمل می گردند موفق شدند عناصر تامین دشمن در شرق نهر خین را منهدم نمایند .

ب - ل ۷۷

^۱ . پل کوثری و پل خیبری، پلهایی بودند که برای رفت و آمد در هورالهویزه برای عبور نفرات و خودروها به کار گرفته شدند، این پلها ابتکاری بودند.

در امتداد دژ عراق پیشروی نموده و سعی در توسعه وضعیت دارد لیکن به علت مقاومت شدید دشمن پیشروی به کندي انجام مي گردد.

پ - ل ۹۲ و ل ۸۱ زرهی

زیر آتش شدید دشمن بوده و یگانها به مواضع دشمن بر خورد و سعی در رخنه و خنثی نمودن آنها را دارند.

۵ - آخرین وضعیت یگانهای عمل کننده تا ساعت

۰۶۰۰ مورخ ۶۴/۱۱/۲۱

الف - ل ۲۱

پیشروی گردانهای ۱۶۹ و ۱۴۱ به علت آتش شدید دشمن متوقف و تلاش گردان ۱۳۱ و گروهان شهادت جهت نفوذ در نهرخین بی نتیجه بوده است .

ب - ل ۷۷

پیشروی در امتداد دژ متوقف و در سایر معابر نیز مقاومت زیاد است .

پ - ل ۹۲ و ل ۸۱ زرهی :

کماکان پیشروی حاصل نشده است .

۶ - آخرین وضعیت یگانهای عمل کننده تا ساعت

۰۸۱۵ روز ۶۴/۱۱/۲۱

الف - ل ۲۱

در قسمت متصرفی جزیره بوارین مشغول تحکیم مواضع است تلاش برای عبور و سائل سنگین در زیر آتش شدید ادامه دارد

ب - ل ۷۷

سنگرهای کمین دشمن بر روی محور شماره ۴ تصرف شده همچنان حفظ می نماید .

پ - ل ۹۲ و ل ۸۱ زرهی

همچنان زیر آتش شدید بوده و قادر به پیشروی نمی گردند .

۷ - آخرین وضعیت یگانهای عمل کننده تا ساعت

۲۲۲۰ - ۶۴/۱۱/۲۱

الف - ل ۲۱

همچنان حدود ۱۰۰۰ متر از منتهی الیه گوشه شرق جزیره بوارین در تصرف دارد و پل خاکی توسط مهندسی لشکر و جهاد تهران با

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۸۷

استفاده از لوله تا ساعت ۱۵۰۰ مورخ
۶۴/۱۱/۲۱ بر روی خین نصب نموده و سه
دستگاه وسائل سنگین مهندسی جهت تحکیم
مواضع به داخل جزیره عبور داده شد .

ب- ل ۷۷

ضمن حفظ مواضع کمین دشمن در محور شماره
۴ (دژ عراق) بقیه یگانها به مواضع خود
برگشته و به عنوان احتیاط قرارگاه آماده
به کار رفتن در سایر مناطق است

پ - ل ۹۲ و ۸۱ زرهی

پیشروی حاصل نگردیده است : ل ۹۲ یگانهای
ل ۸۱ را از خط تعویض نموده و ل ۸۱ به عنوان
احتیاط در اختیار قرارگاه کربلا قرارگرفت .
۸ - برابر گزارش ق ع کربلا در ساعت ۱۷۳۰ -
۶۴/۱۱/۲۱ تعداد سه دستگاه تانک ل ۲۱ وارد
جزیره بوارین گردیده است .

۹ - در ادامه عملیات والفجر ۸ با رمز یا
فاطمه الزهرا - یا فاطمه الزهرا - یا فاطمه
الزهرا ادرکنی در ساعت ۲۳۰۰ - ۶۴/۱۱/۲۱ آغاز
گرفته است و یگانهای تک ور در ساعت ۰۱۰۷ -
۶۴/۱۱/۲۲ با دشمن درگیر گردیده که نتایج حاصله
متعاقباً بعرض خواهد رسید . .

۱۰- برابر اعلام ق ع کربلا بر اثر فشار شدید
دشمن پیشروی ل ۲۱ متوقف و در حال حاضر که ساعت
۰۹۰۰ - ۶۴/۱۱/۲۲ می باشد تغییری در مواضع اشغال
شده نسبت به روز قبل حاصل نشده

۱۱ - برابر اعلام ق ع کربلا :

آخرین وضعیت یگانهای عمل کننده به شرح زیر است
:

ل ۲۱

الف : از ساعت ۰۹۰۰ الي ۱۵۳۰ در مواضع
متصرفی جزیره بوارین پدافند نموده است.
ب : در ساعت ۱۵۴۰ دشمن با اجرای حجم آتش
شدید همزمان مبادرت به پاتک در جزیره
نموده .

پ : به علت فشار شدید دشمن ضمن تحمل تلفات زیاد در ساعت ۱۹۰۰ - ۲۲ / مبادرت به عقب نشینی نموده اند .

ل ۷۷ ، ۸۱ و ۹۲

همچنان از منطقه محوله پدافند نموده ضمناً عناصری از ل ۹۲ در حال تعویض ل ۸۱ در منطقه کوشک می باشد .

۱۲ - برابر اعلام ق ع کربلا :

الف : یگانهای ل ۷۷ تک خود را از ساعت ۰۱۲۰ - ۲۳/۱۱/۶۴ در محور دژ عراق آغاز نمودند .

ب : یگانهای تک ور در ساعت ۰۲۲۰ ۲۳/۱۱/۶۴ با دشمن درگیر و آتش تهیه پیش بینی شده بمنظور پشتیبانی نزدیک نیروی تک ور اجرا گردیده است .

۱۳ - برابر اعلام ق ع کربلا :

لشکر ۷۷ که با آتش پشتیبانی تک خود را آغاز نموده به علت مقاومت شدید دشمن قادر به پیشروی نگردید و بانگیزه روشنائی روز و افزایش آسیب پذیری در ساعت ۰۵۳۰ ۲۳/۱۱/ به مواضع اولیه مراجعت نمودند .

از جمع بندی مطالب گفته شده و مشاهده اسناد و مدارک ارائه شده چنین استنباط می گردد ، نزاجا در عملیات والفجر ۸ نقش اساسی و ارزنده خود را به عنوان تلاش پشتیبانی به انجام رسانده است .

گر چه ممکن است به علت عدم موفقیت در تصرف هدفهای مربوطه به تک پشتیبانی این توهم به وجود آید که نزاجا در این عملیات تاثیر گذار نبوده است ، اما با توجه به ماموریت و ماهیت تلاش پشتیبانی در طرح ریزیها می توان با قاطعیت اعلام کرد که یگانهای نزاجا با درگیر کردن بسیاری از یگانهای مجاور منطقه تلاش اصلی ، عملیات تک اصلی را تسهیل نموده و از امکان تقویت یگانهای دشمن در منطقه تک اصلی ممانعت جدی به عمل آورده است و این به تنهایی موفقیت تلاش پشتیبانی را توجیه می نماید.

در این رابطه در پاورقی صفحه ۱۶ کتاب فاو تا شلمچه چنین آمده است :

همزمان با عملیات والفجر ۸، ارتش و سپاه با دو فرماندهی مستقل، در شمال این منطقه عملیاتی ، در شلمچه و ام الرصاص ، اقدام به عملیات کردند .

از این نوشته چنین استنباط می گردد که عملیات والفجر ۸ یک عملیات و عملیات در منطقه شلمچه و ام الرصاص عملیات دیگری است در حالی که در بند مأموریت دستور عملیاتی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) :

- ماموریت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه فاو و ام الرصاص (تلاش اصلی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)) ؛

- ماموریت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه عملیاتی کوشک و شلمچه (تلاش پشتیبانی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)) ؛

ذکر گردیده است و این دو نوشته از نظر مفهوم کاملاً متفاوت می باشند ، این تفاوت از آن جا ناشی شده است که در این عملیات از روش ابداعی هدایت یک عملیات با دو فرماندهی مستقل استفاده گردیده است که در عمل جوابگوی نیاز طرح ریزی در جنگ را فراهم نمی کند و به همین دلیل ارزشیابی این روش بایستی مورد توجه مسئولان و مراکز آموزشی عالی نظامی قرار گیرد .

تقویت تک اصلی (سپاه پاسداران)

الف - اعزام یگانهای مانوری

(۱) اعزام لشکر ۳۰ تقویت شده

نزاجا با احساس مسئولیت و توجه کامل به اهمیت منطقه فاو، پس از به بن بست رسیدن تک پشتیبانی و تثبیت خطوط پدافندی در منطقه شلمچه با اعزام لشکر ۳۰ تقویت شده به منطقه فاو اقدام به تقویت تک اصلی نمود. جزئیات شرکت لشکر ۳۰ تقویت شده در نامه شماره ۲۰۱/۰۸/۹۱/ج خ ۲ - ۶۴/۱۱/۲۴ قرارگاه خاتم ۲ به روشنی ذکر گردیده است. (سند شماره ۱۰)

ستوانیکم رمضانعلی حکیمی جمعی گردان ۱۸۸ پیاده تیپ ۲ لشکر ۳۰ جزئیات شرکت گردان ۱۸۸ پیاده در عملیات والفجر ۸ را چنین بیان می کند:

من در این مأموریت گروهبان دسته خمپاره انداز ۱۲۰م.م بودم که در منطقه شلمچه به اجرای آتش مشغول بودیم که ناگهان دستور آتش بس و سپس جمع کردن دسته خمپاره انداز از طریق گردان داده شد. ما ابتدا فکر کردیم شاید مشکلی برای یگانهای در خط پیش آمده باشد. اما بزودی همه چیز روشن شد، بایستی تیپ ۲ به منطقه آبادان برای شرکت در عملیات والفجر ۸ که به وسیله سپاه پاسداران اجرا می شد حرکت کند. وقتی دسته ما به قرارگاه گردان رسید، ملاحظه کردیم گروهانهای گردان قبل از ما آماده حرکت هستند و منتظر ما هستند. گردان یک پارچه در ساعت ۱۲ شب از طریق خرمشهر، آبادان، چوئیده خود را به ارونند کنار رساند و بدون معطلی با استفاده از قایقهای بزرگی به نام دوبه از رودخانه گذشت و در منطقه فاو پیاده شدیم. با روشن شدن هوا، هواپیماهای دشمن سر رسید و بدون این که اقدامی بکنند به طرف ایران پرواز کردند.

پس از اندکی توقف بار دیگر دستور حرکت به طرف شهر فاو داده شد و پس از پشت سر گذاشتن موانع زیادی مانند سیم خاردار، موانع خورشیدی، خاکریز به شهر فاو رسیدیم.

موقعی که به شهر فاو رسیدیم چند نقطه از شهر در حال سوختن بود و هنوز رادیو اعلام نکرده بود که فاو آزاد شده است، در فاو بودیم که از رادیو شنیدیم که فاو آزاد شده است.

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۹۱

عملیات توسط : سپاهیان ، بسیجیان با پشتیبانی توپخانه ، هوانیروز و نیروی هوایی انجام گرفت. ما بدنیاال همه وارد فاو شدیم. وقتی در فاو بودیم مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفتیم و زمین‌گیر شدیم. شاید تعداد هواپیماها ۲۰ فروند بودند . پس از حمله هوایی ما به سرعت شهر را ترك كردیم و به يك سه راهی رسیدیم که روی تابلوها نوشته شده بود فاو ، بصره و فاو ، ام‌القصر، ما از جاده فاو، ام‌القصر به جلو رفتیم تا به يك خاکریز رسیدیم و مستقر شدیم و دیدبانهای خود را به بالای دکل بلندی که ارتفاع آن ۲۵ متر بود فرستادیم و به درخواست دیدبان تیراندازی شروع شد و مأموریت ادامه یافت . روزهای بعد ما با استفاده از امکانات محلی مواضع خود را مستحکم کردیم تا در مقابل آتش توپخانه و حمله هوایی دشمن تامين باشیم .

من ۴۵ روز ماندم و بعد به مرخصی رفتم وقتی برگشتم گردان جابجا شده بود و به ایستگاه حسینه آمده بود. به طور کلی مأموریت تیپ ۲ لشکر ۳۰ سه ماه ادامه داشت تا این که دوباره به منطقه غرب برگشتیم^۱.

(۲) - اعزام تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه

نزاجا برای بار دوم در حالی که هنوز درگیری تک اصلی در منطقه فاو ادامه داشت و دشمن هنوز از دست دادن شهر و منطقه فاو را باور نکرده بود و با اعزام یگانهای تازه نفس سعی در باز پس گیری منطقه از دست رفته داشت با اعزام یک تیپ از لشکر ۲۱ حمزه خطوط پدافندی منطقه فاو را تقویت می کند .

سرتیپ ۲ داود سنجری پور ، رئیس رکن دوم وقت لشکر در این باره می گوید : پس از تثبیت خط پدافندی در شلمچه یک تیپ از لشکر ۲۱ حمزه برای کمک به نگهداری خطوط تصرفی در فاو وارد فاو شد که من به عنوان رئیس رکن دوم به همراه عناصری از ستاد لشکر برای بازدید از این تیپ به فاو رفتم و دچار حادثه ای هم شدم که بحمد الله برطرف شد .

و در جواب این سؤال ، غیر از تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه چه یگان دیگری اعزام شده بود؟ گفت :

تیپ ۳۰ گرگان (در آن موقع لشکر شده بود) نیز در فاو بود که در نگهداری خطوط پدافندی کمک می کرد^۱ .

با توجه به این که چگونگی اعزام تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه در نامه شماره ۶۴/۱۲/۱۲ - ق / ع / ج / ۲۰۱/۱۱/۵۰ معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا آمده است، هر گونه شرح و تفسیر دیگر سبب اطاله کلام می گردد و صرفاً به سند این نامه اکتفا می گردد . (سند شماره ۱۱)

سند شماره ۱۰

بسمه تعالی

از : قرارگاه خاتم ۲
شماره : ۲۰۱/۰۸/۹۱ ج خ ۲
به : قرارگاه کربلا (رکن ۳)
تاریخ : ۶۴/۱۱/۲۴

در اجرای اوامر قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)
دستور فرمائید اقدامات مشروحه زیر را اجرا و از
نتیجه این قرارگاه را مطلع نمائید.

۱- ل ع ۳۰ را در کنترل عملیاتی خاتم قرار
دهید .

۲- با اعزام يك تیم رابط به قرارگاه خاتم هم
آهنگی های لازم را برابر امکانات مشروحه زیر
بعمل آورید .

الف - تخصیص وسایل عبور

ب - واگذاری آماد طبقه ۴ به لشکر فوق ()
وسایل تهیه سنگر)

پ - واگذاری وسایل سنگین مهندسی جهت تهیه
سنگر

ت - زیر امر گذاردن دو گروهان از نیروهای
بسیج مردمی

ث - تامین پدافند هوایی یگان اعزامی

۳ - کلیه یگانهای توپخانه ایکه مازاد بر
نیاز عملیاتی پدافند منطقه می باشد در کنترل
عملیاتی قرارگاه خاتم قرار دهید (با مهمات
مربوطه)

۴ - يك گردان توپخانه ۱۰۵ م م رها شده به شرح
فوق را به عنوان كمك مستقیم ل ع ۳۰ در کنترل
عملیاتی لشکر مزبور قرار دهید .

۵ - با اجرای آتش با خط مسیر منحنی (خمپاره
انداز) در صورت امکان مستقیم (تانك) روی جزیره
ام الرصاص کلیه فعالیتهاي دشمن را در جزیره
محدود کنید .

۶ - با استقرار یگانهای از لشکر ۲۱ در خط
پدافندی نسبت به تعویض ل ۷۷ و اعزام آن جهت
بازسازی به منطقه هور (کیاندشت) اقدام نمائید

۷ - آماده باشید ل ع ۳۰ را با يك تيپ به استعداد ۲ گردان از ل ۲۱ بنا به دستور تقويت نماييد .

۸ - كليه نيروهاي بسيج مردمی بغير از نيروهاي مامور به ل ۳۰ را با يك برنامه منظم به قرارگاه خاتم اعزام نماييد

۹ - يك گروهان تانك در كنترل عملياتي ل ع ۳۰ قرار داده شود (ترجيحاً از گردان ۲۱۶ تانك)

۱۰ - زمان اعزام ل ع ۳۰ با يگانهاي در كنترل را به منطقه ق خاتم پس از انجام هماهنگي هاي توسط تيم رابط در نظر گرفته شود .
ف نزاچا سرهنگ توپخانه علي صياد شيرازي

گيرندگان :

۱- قرارگاه خاتم الانبياء (ص) جهت استحضار و صدور اوامر لازم پيرامون موارد زير :

الف : منطقه واگذاري به ل ع ۳۰ برابر جناح چپ يگانهاي خاتم در نظر گرفته شود .

ب : ۵ گردان نيروهاي بسيج مردمی مامور به ل ع ۳۰ كماكان در كنترل لشكر مزبور باقي مانده و با آن يگان به منطقه خاتم اعزام خواهد شد

پ - به منظور تقويت ل ع ۳۰ در اجراي ماموريت ۲ گردان بسيج از قرارگاه خاتم زير امر ل مزبور گذارده شود .

ت - خاتم ۲ هماهنگي هاي لازم با تيم اعزامي از قرارگاه عملياتي جنوب در مورد نكات مشروحه در بند ۲ متن بعمل آورد .

ث - تعداد ۴ قبضه توپ پدافند هوائي از منطقه عملياتي خاتم ۲ برداشت و زير امر قرارگاه خاتم قرار داده شد .

۲- قرارگاه خاتم جهت آگاهي

۳- م ع ط نزاچا (مد عمليات) جهت آگاهي

سند شماره ۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۰/۱۱/۵۰
۳۴/۱۲/۱۲

زنزاجا، به رت عماد و اطرافت - (۳ ع ج)

« آقا محمد حسین حبیب (۱۴) » در دستورات شفاهی کتاب قدرت خردبانی است»

بنظر من با توجه به گزارشها باید گفت که عماد آقا دستور فرمودند که آنجا که مشروطه زیر را اجرا
از سیم به رت عطا را اگاه نمایند.

۱- در زمان بندی به اقتضای منطقه مسئولیت بخیر ابراهیم شود که اولاً کمتر از آید و در ۷۷ پیاده
هکدام استعدادهای گران پیاده از خط زدگرددین، ثانیاً اکثر از ره های نایب است
در خط به اقتضای منطقه محمدی کدشت که برگزیده شود.

۲- بر اساس تقویم گوناگون در زمینه خاتم ۱، در منطقه عماد ناو، به نظر از لایحه نایب که از
ل آید و در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۰ که کنترل عماد و آقا به نزدیک قرار داد شود، هدایت
و کنترل گوناگون نزدیک در شهر محمد بشیر خواهد بود.

الف- محمد سیم از تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۰ طرف به جهت گوناگون و الداری بصورت
بخارا کنترل عماد و آقا به خاتم اگر برگزیده میشود.

ب- محمد سیم از تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۰ طرف به جهت گوناگون نزدیک بصورت تفهیم در منطقه

لشکر ۱۸ زرهی در منطقه مورد نظر به سر آمد.

۲- ل ۱۸ هنوز در نهایت به تی در منطقه ای مناسب تعیین احتیاطاً استقرار پیدا نموده
آماده ماند تا به دستور کسریب یا باقیانین لشکر را منطقه شمال غرب اشغال در کنترل
عمده و کارگاه شمال غرب قرار گیرد.

۳- لشکر ۱۷ پیاده راه استقرار ۲ تیپ جهت ادغام در منطقه عملیات و لشکر ۹
(منطقه محمدی شیر) در کنترل عمده و کارگاه شمال غرب قرار دهد و تیپ باقیانین
لشکر در منطقه ارتش با تعیین احتیاطاً کارگاه استقرار نماید.

۴- در اعزام ادوات کارگاه خاتم الانبیا من ضروریست که به ناپدید شدن ادوات راجع منطقه عملیات
۹۲۵ زرهی را در فرجه عملیات جدید به سر آمد، هم آهنگی در لازم در این زمینه به سر آمد.

فنازها، سرچشمه و غیره
جانبی

لشکر ۱۸ : کارگاه عملیات ام لاسیاد من تحت تصرف رهنما در تدریس و آشنایی ۱۵ اردو و سایر سرورین از
مورد و به سر آمد در خواست عملی ۲۰ بعد از تکمیل ادوات و ادوات (چیزها خارج قریه ۱۳۱۴)

۵- کارگاه خاتم الانبیا و اقدام بر این (هم آهنگی) (در تمام است)

تجربه میدان رزم به ویژه در عملیات های موفق نشان می دهد که ارتش عراق در شرایط بحرانی در پاتک های خود از یگانهای زرهی به طور گسترده و تا حد توان استفاده می نمود ، با توجه به این که در عملیات والفجره در منطقه فاو یگان های مانوری سپاه پاسداران فاقد یگان زرهی بودند که بتوان در مقابله با پاتک های سنگین یگانهای زرهی عراق موثر باشند، لذا استفاده از جنگ افزارهای ضد تانک سبک که به وسیله نفر حمل می شوند خود به خود راه حل مناسبی بود که فرا روی فرماندهان قرار داشت و البته نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اشراف به این واقعیت و احساس مسئولیت اقدام به جمع آوری سلاح های ضد تانک کلیه یگانها به شرح زیر نمود و آنها را با خدمه مناسب و کافی به منطقه والفجره اعزام نمود .

- ۱) تعداد ۴۰ قبضه موشک انداز تاو با خودرو و خدمه (یگان های زیر امر قرارگاه شمال غرب ۱۵ قبضه ، یگانهای زیر امر قرارگاه غرب ۱۵ قبضه و یگان های زیر امر قرارگاه جنوب ۱۰ قبضه)
- ۲) تعداد ۱۵ دستگاه نفر بر حامل موشک انداز تاو (از قرارگاه جنوب)
- ۳) تعداد ۶۰ قبضه موشک انداز ضد تانک مالیوتکا با خدمه (این سلاح ها از یگانهای مستقر در شمال غرب ۲۰ قبضه و غرب ۱۳ قبضه و جنوب ۲۷ قبضه همراه با یک دستگاه سمیلاتور جهت اطمینان از بهبود کار اعزام گردیده اند)
- ۴) اهمیت سلاح های ضد تانک در مقابله با پاتک های متعدد دشمن مورد تایید فرماندهان و ناظران خط مقدم جبهه می باشد چنانچه در تحلیلی که نویسنده کتاب خرمشهر تا فاو زیر عنوان علل موفقیت عملیات والفجره ۸ به عمل آورده است :

بکارگیری سلاح های ضد زره به عنوان یکی از دلایل ذکر شده است^۱.
برابر آمارهای منتشر شده از سوی سپاه پاسداران در عملیات والفجر ۸ بیش از ۶۰۰ دستگاه تانک و نفر بر زرهی منهدم گردیده است که حاصل تلاش رسد های موشک انداز ضد زره بوده است .

ج - اعزام یگانهای مهندسی

ارتش متجاوز عراق با اطلاع کامل از جغرافیای منطقه خرمشهر و جزیره آبادان با توجه به آبی خاکی بودن منطقه و وجود خطوط تدارکاتی بسیار محدود، به منظور قطع خطوط تدارکاتی مستقر در جزیره آبادان با آماد راههای اصلی در پشت جبهه و شرق رودخانه بهمنشیر با استفاده از برتری هوایی و توپخانه دوربرد اقدام به بمباران پلهای رودخانه بهمنشیر نمود و این پلها را در چند نوبت تخریب کرد خوشبختانه آمادگی جهاد سازندگی و پیش بینی نذاجا در اعزام تمام یگانهای پل به منطقه سبب گردید در تدارکات یگانهای توپخانه مستقر در جزیره آبادان و یگانهای سپاه پاسداران مستقر در فاو مشکلات جدی بعمل نیاید و هر بار پلی تخریب میگردید. با نصب پلهای آماده (پی ام پی ، ام - ۴ تی - ۶) بلافاصله ارتباط برقرار می شد به طوری که نذاجا در نصب و روانه کردن پلهای خود رکورد جدیدی از نظر زمان و تعداد سطوح به کار گرفته شده به دست آورد .

گرچه برای کسب اطلاعات در خصوص چگونگی شرکت یگانهای پل در عملیات والفجر ۸ تلاش زیادی گردید اما به جز نامه شماره ۳۰۰۱/۱۸/۸۱/۷۸۱۱ - ۶۴/۱۱/۲۴ قرارگاه عملیات جنوب مدارک دیگری بدست نیامد ، (سند شماره ۱۲)

این نامه به تنهایی مشخص می کند که نزاها تا

سرباز		درجه دار				افسر			شرح
اسید	مجروح	شهید	اسیر	مجروح	شهید	اسیر	مجرو	شهید	یگان
—	۴۶	—	—	۷۲	۲	—	۲	—	گد ۴۱۴
۱	—	۸	۱	—	۲	—	۱	—	گد ۴۳۶
—	—	—	—	—	۱	—	—	—	گروهان پل
۱	۴۶	۸	۱	۷۲	۵	—	۳	—	جمع

چه اندازه در این رابطه خود را سهیم می دانسته است و بی دریغ تمام امکانات خود را برای برقراری خطوط تدارکاتی به کار گرفته است.

افزون بر یگانهای قید شده در نامه مورد بحث ، برابر سندی از معاونت پرسنلی نزاها که در آن آمار تلفات رزمی یگان های شرکت کننده در عملیات والفجر ۸ قید شده است ، از شرکت گردانهای ۴۱۴ و ۴۳۶ و گروهان پل نام برده شده است ، لازم بذکر است این جدول از جدول ترکیبی معاونت پرسنلی که در آن آمار تلفات یگانهای توپخانه و مهندسی شرکت کننده در عملیات والفجر ۸ قید شده است استخراج گردیده است.

آمار تلفات پرسنلی بعضی از یگانهای مهندسی شرکت کننده در عملیات والفجر ۸ (از تاریخ ۲۰/۱۱/۶۴ الی ۱۲/۱۲/۶۴)

جدای از یگانهایی که نام برده شدند در یک جمع بندی که معاونت عملیات اطلاعات نزاها از یگانهای شرکت کننده در منطقه عملیات والفجر ۸ بعمل آورده است، در بخش مهندسی قید گردیده است که ۹۵ سطح پل پی. ام. پی (معادل سه گروهان پل شناور) با خودروهای مربوطه و ۲۰ دستگاه طراده جی اس بی اعزام گردیده است (ممکنست پاره ای از یگان های پل که در جدول از آنها نام برده شده است جزء همین ۹۵ سطح فوق باشند).

سند شماره ۱۲



از: ق ع جنوب ۳ مهندسی
به: ق ع گروه ۴۱۱ مهن (عملیات)
موضوع: عملیات والفجر ۸

۲۰۰۱/۱۱/۲۴
بسمه تعالی
تاریخ ۲۴/۱۱/۹۶

- در اجرای اوامر فرماندهی نزاجا دستور فرمائید اقدامات مذروحه زیر دقیقاً اجرا و نتیجه را به موقع گزارش نمائید .
- ۱- گردان ۴۱۴ پل منهای گروهان ام ۴ تی ۶ را از مورخه ۲۴/۱۱/۹۶ زیر امر قراره خاتم قرار دهید .
- ۲- سریمعا^۱ نسبت به روانه نمودن پل ام ۴ تی ۶ در دارخوین اقدام نمائید .
- ۳- پس از استقرار پل ام ۴ تی ۶ نسبت به جمع آوری پل پی ام پی اقدام شود .
- ۴- با زیر امر گرفتن کلبه تجبیه زات شناور موجود در خاتم از نزاجا مأ^۲ دور گردیده اند نسبت به روانه نمودن پل پی ام پی با هم آهنگی مسئولین مهندسی خاتم و پیروی رودخانه اربوند اقدام نمائید .
- ۵- از تاریخ ۲۵/۱۱/۹۶ گروهان پل پی ام پی ل ۸۱ زرهی را با کلبه امکانات موجود زیر امر بگیرید .
- ۶- م سطحه میانی بدین کراس از گروهان پل پی ام پی ل ۹۲ زرهی را در اختیار بگیرید .
- ۷- امکانات فنی و تکنیکی لازم از طرف مهندسی خاتم ۱ در ارضیات با روانه نمودن پل پی ام پی واگذار خواهد شد .
- ۸- نتیجه اقدامات انجام شده را روزانه به قرارگاه عملیاتی جنوب گزارش نمائید .

Handwritten signature

ف ق ع کربلا - سرهنگ پیلد - تاد - جلیانگاه
از طرف

گیرندگان:

- ۱- معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا (منابه جنوب) پیرو ل و امر شفا هی فرماندهی نزاجا جهت استحضار .
- ۲- فل ۸۱ زرهی جهت آگهی و اقدام به موقع
- ۳- فل ۹۲ زرهی جهت

ش
۳
ش
ی
ه
،

پ
پ
گ
ه
ت
تا

نزاجا در حد توان و ظرفیت اقلام آمادی کمک و

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۰۱

یاری نمود تا جایی که با توجه به اهمیت حیاتی عملیات و ضرورتهای موجود در بعضی موارد موجودی خود را در نقاط آمادی به صفر رساند و در موارد دیگر خود را موظف به جمع آوری اقلام موجود در سطح یگانها نمود ، گرچه دست زدن به چنین کارهایی از نظر نظامی توجیه علمی ندارد اما حساسیت مسئولان سطح بالای این نیرو را نسبت به سرنوشت و نتیجه عملیاتی نشان می دهد که به ظاهر بایستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به طور مستقل انجام می داد .

گرچه مدارک موجود در بایگانی های معاونت های مختلف نیروی زمینی گویای تمام واقعیت های پشتیبانی انجام شده نیست و بسیاری از مدارک با گذشت زمان غیر قابل بهره برداری تشخیص داده شده و سوزانده شده اند، ولی آنچه را که توانسته ایم جمع آوری کنیم به اندازه کافی نشاندهنده احساس مسئولیت نیروی زمینی نسبت به سرنوشت این عملیات به ظاهر مستقل می باشد .

به هر حال حداقل پشتیبانی های آمادی و تعمیراتی به شرح زیر می باشد :

الف - سند شماره ۱۴۰۳/۳/۶۷۲ - ۶۴/۱۲/۲۷

معاونت لجستیکی :

این سند دارای ۱۵۹ برگ پیوست است که نشان می دهد چه حجمی از تدارکات انجام گرفته است . (سند شماره ۱۳)

ب - سند شماره ۱۴۱۱-۲-۱۶ - ۶۴/۱/۵

قرارگاه عملیاتی جنوب :

این سند نشان می دهد که مهمات مورد نیاز یگان های شرکت کننده در عملیات در مقاطع مختلف برآورد و سپس تحویل شده است . (سند شماره ۱۴)

ج - سند شماره ۱۴۰۸/۰۸/۲۰۱/۹۱/ط - ۶۴/۱۲/۱۵

معاونت اطلاعات عملیات :

این سند مشتمل بر ۴ برگ پیوست است که شامل پوشاک ، مهمات و سلاح های سبک و سنگین می باشد . (سند شماره ۱۵)

د - سند شماره ۲۰۱/۱۰/۳۱ - ۶۴/۱۱/۲۳
قرارگاه خاتم ۲ (سند شماره ۱۶)

ه - سند شماره ۱۴۲۰/۲/۱۴/۱۷۲۹ - ۶۴/۱۲/۱۱
معاونت لجستیکی (سند شماره ۱۷)

و - افزون بر اقدام مندرج در اسناد ذکر شده ، نزاجا برای انجام پشتیبانی مؤثر اقدام به تشکیل کمیسیونهایی در سطح بالا نمود که با ایجاد هماهنگی و تشکیل نقاط آمادگی مختلف بتواند به موقع و بدون وقفه به وظیفه خود عمل نماید کمیسیون مورخه ۶۴/۱۲/۱۵ یکی از کمیسیونهایی است که تصمیم گیریهای مندرج در آن بخوبی علاقمندی مسئولان در امر آمادگی و پشتیبانی عملیات والفجر ۸ را نشان می دهد . (سند شماره ۱۸)

ز - در شرایطی که احتمال حملات گسترده شیمیایی وجود داشت ، نزاجا در يك اقدام غیر منتظره و با قبول خطر فراوان دست به جمع آوری ۳۵۰۰۰ دستگاه ماسک ضد گاز از سطح یگان-های مستقر در خطوط پدافندی زد و به طور غیر معمول ۳۵۰۰۰ نفر از عزیزترین فرزندان میهن اسلامی در مقابل دشمن بریده از تمام قراردادهای انسانی را به يك ایثار بزرگ دست زدند تا بدینوسیله هیچ حرف و حدیثی را در عزم راسخ پشتیبانی بی دریغ ارتش از سپاه در عملیات فاو ایجاد نشده و وحدت و همدلی و دفاع از برادر هم‌رزم باز هم به منصفه ظهور عینی برسد .

سند شماره ۱۳



بیت

ارتش جمهوری اسلامی ایران

نیروی زمینی

معاونت لجستیکی نزا جا (مدآمان)

معاونت عملیات و اطلاعات نزا جا (مد عملیات)

برخ پشتیبانی لجستیکی عملیات والفجر ۸ (تفصیل در ضمیمه)

اشکانه ۱۴۰۳/۳۰/۱
تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۰
پیوست ۱۴۰۰ برلست

خیلی محرمانه

بازگشت به ۸-۱۳۱-۰۰۱-۹۰/۲۰/۱۲/۶۴

بدینوسیله ۱۵۹ برگ شرح کارهای آمادی و تعمیراتی مشتمل بر

۱- قطعات مصرف شده و کارانجام یافته برای گد های مامور به سپاه پاسداران (۷ برگ)

۲- قطعات مصرف شده و کارهای انجام شده برای هویتزهای ۱۰۰ و ۱۵۵ و ۱۵۵ (۱۶ برگ)

و ۲۳ و موشک انداز تاو - سهپند - مالمیو تکاسا زمانی سپاه ۱۵۲ برگ و همچنین فهرست

جنگ افزارهای تحویلی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در عملیات والفجر ۸ مورد

استفاده قرار گرفته است به پیوست ارسال میگردد.

معاون

معاون لجستیکی نزا جا سرهنگ ستاد جلالی

لازمه های سرهنگی و سگ و ضمیمه

سند شماره ۱۴

بسمه تعالی

ز قوع جنوب ر

به نزا جا معاونت لجستیکی مدام

گهی به نزا جا معاونت عملیات و اطلاعات نزا جا سده ۱۳۱-۰۰۱-۹۰/۲۰/۱۲/۶۴

ادامه سند شماره ۱۵

صورت ارقام تحویلی صفحه ۵ سراجا به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مورخ: ۱۳۸۸ / ۱۲ / ۱۳

بف	شرح اقلام	تعداد	ملاحظات
۱	فشنگ هویتزر ۵۰ مم	۱۵۱۲۰۰	م عا ط طی ۲۵ - ۱۲ - ۱۷۰ - ۵۰۱ - ق - ۶۴ / ۱۰ / ۲۲
۲	موشک ۲۲ مم کاتیوشا	۳۶۶۰۰	باستناد امریه شماره ۱۰۰ - ۱۶ - ۱۰ / ۶۴ تف ق خاتم الانبیا* (ص) اعلام و سراجا ای شماره
۳	گلوله توپ ۳۰ مم	۶۳۳۶۰	۲ / ۲۳ - ۱۴ / ۱ - ۱۱ / ۱۱ - ۶۴ / ۱۱ - دستبر -
۴	گلوله هویتزر ۵۵ مم	۳۰۲۴۰۰	تحويل بکلیه مبادی صادر نمود
۵	گلوله هویتزر ۳۰۳ مم	۶۶۰۰	
۶	خمپاره ۲۰ مم شرقی	۱۰۰۰۰۰	فرماندهی کل سپاه پاسداران طی شماره ۱۵۱ - اجا - ط - ۵ / ۱۰ / ۶۴ بف فرماندهی
۷	خمپاره ۸۱ مم شدید	۱۲۵۰	ق خاتم الانبیا* (ص) و سراجا درخواست
۸	خمپاره ۸۱ مم منبر	۶۲۵	نموده و سراجا طی شماره ۳۵ - ۲ / ۳ - ۱ / ۱۴۱ -
۹	خمپاره ۸۱ مم دور انگیز	۶۵۰	۵ / ۱۱ / ۶۴ بف خاتم الانبیا* (ص)
۱۰	فشنگ ۲۸ مم	۱۰۰۰۰	دستبر تحويل بمبادی صادر نمود
۱۱	موشک سه بند ۳ روسی	۱۵۰	
۱۲	فشنگ ۳۳ مم ضد هوایی	۳۰۰۰۰۰	
۱۳	فشنگ ۱۴ / ۵ مم ضد هوایی	۱۰۰۰۰۰۰	
۱۴	فشنگ ۱۰۶ مم شدید ضد تانک	۷۵۰۰	
۱۵	خرج گرده اپوندی	۱۰۰۰	
۱۶	خرج تخریب سی ۴	۴۰۰۰	
۱۷	ماسوره تاخیری ۱۵ ثانیه	۲۵۰۰	
۱۸	ماسوره فشاری	۲۵۰۰	
۱۹	ماسوره قطع فشار	۲۵۰۰	
۲۰	ماسوره کششی	۵۰۰۰	
۲۱	ماسوره قطع کششی	۱۰۰۰	
۲۲	سند شماره ۱۶	۵۰۰۰۰	

خیلی منتر مانده

سند شماره ۱۷

(بسمه تعالی)



بیت

یا ویتلجستیکی نزاچا (مد نکهبد اوی)
یا ویت عملیات و اطلاعات نزاچا (مد عملیات)

نیروی زمینی

(تلفن ۲۲۱۳)

شماره ۱۷۲۹ / ۱۴۲۰ / ۶ / ۱۴ / ۱
تاریخ ۱۳۶۴ / ۱۲ / ۱۱
پیوست

بازگشت به ۱۳۱ / ۰۸ / ۲۰۱ / ۹۰ ط - ۱۳۶۴ / ۱۲ / ۵ خیلی محسرمانه
اقدام سریع
+++++

بشخبانی تعمیراتی یگانهای نزاچا از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو
از تاریخ ۱۳۶۴ / ۹ / ۲۶ الی ۱۳۶۴ / ۱۲ / ۳ بشرح زیر میباشد مراتب جهت هرگونه اقدام لازم اعلام
ید -

۹ / - عسواده

۱ - تعمیر نفر برام ۱۱۳

۸۴ / - دستگاه

۲ - = مالیوتکا

سند شماره ۱۸

محرمانه
بسته سال

۱۴۰۱/۱۲/۹
۲۴ - ۱۵
بروت دوم

از: ق. ع. جنوب (۴-)

به: معاونت لجستیکی نزاجا (طرح)

موضوع: پشتیبانی لجستیکی یگانهای مستقر در بند رفاو

بازگشت بشماره ۹۵ - ۰۹ - ۷۱۲ - ۱۳۶۴/۱۲/۴

بدینوسیله یک نسخه نتیجه کمیسیون مورخه ۶۴/۱۲/۱۵ در مورد پشتیبانی لجستیکی یگانهای مستقر در منطقه عملیاتی بند رفاو جهت استحضار و هرگونه اقدام مقتضی به پیوست ارسال میگردد. ۰٪

ف. ق. ع. جنوب: سرمنگ ستاد سلیمانجه

[Handwritten signature]

گیرندگان: ق. ع. جنوب (۴-)

- ۱- معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) جهت استحضار.
- ۲- صرف لوجستیک (معاونت آمادگی جهت آگاهی و اقدام لازم)
- ۳- ف. پ. ۴ (از رفاو)
- ۴- ف. پ. ۲

استاد
ارشد
۲۴/۱۲/۰۷

ادامه سند شماره ۱۸

- ۱- موضوع کمیسیون: تشکیل نقاط آماد طبقه (۱ - ۳ - ۵) جهت یگانهای مستقر در منطقه عملیاتی بند رفاو .
- ۲- تاریخ و ساعت تشکیل کمیسیون : ساعت ۹:۰۰ مورخه ۱۳/۱۲/۶۴
- ۳- محل تشکیل کمیسیون و اعضاء شرکت کننده :
- رکن ۴ ق . ع . جنوب - شرکت کنندگان بشرح برگ پیوست
- ۴- علت تشکیل کمیسیون: بمنظور اجرای امریه شماره ۶۵ - ۹ - ۷۱۲ - ۴ / ۱۳ / ۶۴ نزا جاماوت لجستیکی (طرح) و رسیدن به راه حل مناسب آماد طبقه (۱ - ۳ - ۵) یگانهای مستقر در منطقه عملیاتی بند رفاو .
- ۵- بحث :
- الف - آماد طبقه (۱ - ۳) :

(۱) - ل ۳۱ حمزه - رئیس رکن ۴ ل ۳۱ حمزه ۱۸۱ بار نمود نقطه آماد طبقه (۳ و ۱) این لشکر در محور آبادان - اهواز (۲۵ کیلومتری آبادان) در خوالی سلیمانیه مستقر میباشد که باتوجه بوضعیت استقرار یگانهای لشکر در منطقه بند رفاو در روضه فعلی بسیار مناسب است و چنانچه پشتیبانی منقاه ۳ آماد طبقه (۳ و ۱) مورد نیاز لشکر را در نقطه مذکور تحویل دهد برای آماد یگانهای مورد بحث مشکلی وجود نخواهد داشت .

(۲) - ل ۳۰ ع گرگان - فرمانده گردان پشتیبانی لشکر مزبور اظهار داشت نقطه آماد طبقه (۳ و ۱) لشکر در محور دارخوین آبادان (۵ کیلومتری دارخوین) بطرف آبادان مستقر میباشد که در وضعیت فعلی آماد یگانهای آن لشکر مستقر در بند رفاو از این نقطه انجام میشود چنانچه پشتیبانی منقاه ۳ آماد مورد نیاز لشکر را در نقطه مذکور تحویل دهد مشکلی

وجود نخواهد داشت **ادامه سند** در صورت تغییر مکان یگانهای لشکر و در نتیجه تغییر مکان نقطه شماره آماد طبقه

لشکر آماد طبقه (۳ و ۱) را حمل و در محل های فعلی تحویل دهد ضمناً پشتیبانی منقاه تعهد میکند چنانچه محل استقرار فعلی نقاط آمادی لشکرها تغییر و به محل های دیگری نقل مکان نماید آماد طبقه (۳ و ۱) را در محل های جدید به پشتیبانی آن لشکرها تحویل دهد

ب : آماد طبقه ۵ :

از نثار نمایندگان هردو لشکر باتوجه به محل استقرار یگانهای عملیاتی آنها در بند رفاو و موقعیت فعلی نقطه آماد مهمات سلیمانیه که فاصله مناسبی دارد آماد طبقه ۵ این یگانها در صورتیکه از

شرکت یگانهای توپخانه پدافند هوایی

حراست از آسمان میهن اسلامی و ایجاد امنیت هوایی از مسئولیتهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی می باشد ، لذا در رابطه با اهمیت و نقش بی نظیر پدافند هوایی در فصل دوم (نهاجا در فاو) به تفسیر صحبت خواهد شد .

در رابطه با فعالیت های یگان های پدافند هوایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نکته اساسی قابل ذکر است که : مسئولیت اصلی این یگان ها پوشش هوایی سطح پایین یگان های مختلف نزاجا در هنگام رزم است، بنابراین یگانهای پدافند هوایی با توجه به این نیاز، از نظر سلاح و تجهیزات و آموزش پیش بینی و سازماندهی شده اند اما در ایام جنگ ، تحولات میدانی مسئولیت جدیدی را متوجه این نیروها نمود. در میدان جنگ ما با دشمنی مواجه شدیم که هیچگونه پایبندی به کنوانسیونهای بین المللی و قراردادهای اجتماعی و اخلاقی نداشت و هر گاه خود را در رویارویی با نیروهای پر توان ما در جبهه ناتوان می دید ، حملات هوایی خود را متوجه

شهرها و مناطق مسکونی و حیاتی کشور می‌کرد، در نتیجه در مقابله با این تهدید ایجاد امنیت نسبی برای شهروندان در تقدم یکم فرماندهی نیروهای مسلح قرار می‌گرفت و در مجموع نزاجا ملزم گردید با اعزام بخشی از یگانهای پدافند هوایی خود در تقویت سیستم پدافند هوایی کشور شرکت نماید این مسئولیت جدید ضمن این که حجم کار و تلاش پرسنل را طلب می‌کرد تاکتیک جدیدی را نیز دیکته می‌کرد و برابر این تاکتیک و نگرش به تجربه عملیات‌های انجام شده نزاجا مجبور بود برای ایجاد پوشش هوایی هر عملیات اقدام به جمع‌آوری سلاح‌های پدافند از سراسر جبهه بنماید و آن را به منطقه مورد نظر گسیل دارد. در عملیات والفجر ۸ پیش بینی می‌شد که دشمن به دلیل از دست دادن یک منطقه حساس به‌ویژه شهر بندری فاو از نیروی هوایی به طور گسترده استفاده نماید لذا نزاجا در کنار پدافند نیروی هوایی و با هماهنگی کامل به دو طریق در ایجاد پوشش هوایی برای یگانهای عمل کننده در شرق و غرب اروند رود ظاهر گردید، تاثیر میدانی این اقدام آن چنان بود که تحلیل گران برای اولین بار در تاریخ جنگ تحمیلی، عملکرد یگان‌های پدافند هوایی را در کنار عوامل مؤثر در موفقیت عملیات والفجر ۸ ذکر کرده‌اند و سقوط بخشی از ۷۰ فروند هواپیمای دشمن را به این اقدام مرتبط دانسته‌اند.

همانطوریکه گفته شد یگانهای پدافند هوایی نزاجا به دو صورت به شرح زیر در ایجاد

امنیت هوایی منطقه فاو شرکت داشتند:

الف - اعزام جنگ افزارهای ۲۳ م.م پدافند هوایی به همراه یگانهای توپخانه صحرائی شرکت کننده در عملیات:

برابر روش جاری در ایام جنگ، توپخانه‌های لشکر و گروه‌های توپخانه بخشی از توپهای گردانهای ۲۳ م.م را به گردانهای توپخانه صحرائی مأمور کردند در نتیجه گردانهای توپخانه صحرائی افزون بر دسته‌های موشک‌سهند سازمانی، توپهای ۲۳ م.م پدافند هوایی را هم به همراه داشتند. و چون این گردانها از يك سازمان بودند در نتیجه مشکلات کمتری براي توپهای جدا شده از یگان مادر به وجود می‌آمد و همین امر کارایی این توپها را افزایش می‌داد، با توجه به این که در عملیات والفجر ۸ گردانهای توپخانه صحرائی زیادی در يك منطقه محدود استقرار داشتند در نتیجه حجم بالایی از سلاح‌های پدافند هوایی در منطقه عملیاتی فاو

و جزیره آبادان و شلمچه ظاهر شدند که در مجموع یک پدافند منسجم سطح پایین بوجود آمد و این پدافند در قالب سیستم پدافند هوایی نهاجا قرارگرفت و شگفتی آفریده شد. از نظر تعداد این جنگافزارها تقریباً به ازای هر آتشبار توپخانه صحرایی یک توپ و در بعضی موارد دو توپ اعزام گردیده است، بررسی بیشتر در این باره به ویژه از طریق مراجعه مستقیم به پرسنل شرکت کننده در عملیات فاو نشان می دهد که بخشی از سلاح های پدافندی گردانهای ۳۲۵ گروه ۳۳، ۳۱۴ و ۳۲۲ گروه ۲۲، ۸۲۰ ل ۸۱ زه، ۳۹۸ ل ۷۷ پ و ۳۹۵ ل ۲۱ حمزه در این عملیات به اجرای مأموریت پرداخته اند.

ب - اعزام جنگ افزار پدافند هوایی به صورت یگانی :

گرچه نزاجا آنچنان استعدادی از جنگ افزارهای هوایی در اختیار ندارد که بتواند در طرح پدافند منطقه ای شرکت کند، اما آمارهای موجود نشان می دهد که در صد بالایی از جنگ افزارهای خود را در ایام جنگ در پدافند از مناطق حساس و حیاتی کشور در شهرها و اطراف شهرها به کار گرفته است و همین مسئله در بیشتر موارد پدافند از یگانهای در خط را به طور جدی با مشکل روبرو می کرد شاید اگر ترتیبی اندیشیده می شد که برابر مأموریت نیروی زمینی از سلاح های پدافند هوایی استفاده می گردید، یگانهای رزمی با آرامش خاطر بیشتری به اجرای مأموریت می پرداختند و تلفات و ضایعات کمتری می دیدند، البته نباید فراموش کرد، سیستم پدافندی نهاجا با استعداد کنونی نمی توانست پدافند منطقه ای تاسیسات و مناطق حیاتی کشور را پوشش دهد و همان طوری که گفته شد برداشت از پدافند هوایی نزاجا اقدامی از روی اجبار و با توجه به اولویتهای فرماندهی پدافند کل کشور بوده است اما تجربه نشان می دهد گشایش این معضل بایستی در دستور کار سیستم امنیت هوایی قرار گیرد به هر حال نزاجا در عملیات والفجر ۸ با

اعزام استعدادهايي از سلاح‌هاي پدافند هوايي به شرح زير در ايجاد امنيت هوايي منطقه‌اي نقش ايفا نموده است:

- (۱) اعزام سه آتشبار اورليكن از مركز آموزش توپخانه (جهت پدافند قرارگاهها، پلها ، و پدهلي‌كوپتر)
- (۲) اعزام يك دسته پدافند ۲۳ م.م از لشكر ۲۱ حمزه (۸ توپ) (جهت پدافند از پلهاي مارد و دارخوين و بيمارستان)
- (۳) اعزام يك دسته پدافند هوايي ۲۳ م.م از گروه ۳۳ توپخانه (جهت پدافند پد هلي‌كوپتر)
- (۴) اعزام گردان ۳۳۸ اسكاي گارد^۱ مركز آموزش توپخانه (اين يگان چندي بعد به نهاجا منتقل گرديد).



۱. اسكاي گارد همان اورليكن است كه به رادار مجهز مي‌باشد.



شرکت موثر یگانهای توپخانه صحرائی



نقش با ارزش
توپخانه^۱ به عنوان مشت
فرمانده همیشه مورد
اقبال آشنایان به امور
نظامی بوده و هست، در
فراز و فرود جنگ
ناخواسته چه بسیار
فرماندهان یگانهای
پیاده و زرهی خط مقدم

به بیان اینکه با شنیدن صدای شلیک توپخانه آرامش یافته‌اند پروا نداشته و ندارند، این فرماندهان از وجود توپخانه‌های همیشه بیدار ارتش جمهوری اسلامی ایران در سخت‌ترین شرایط احساس امنیت می‌کرده‌اند.

یگانهای توپخانه صرف نظر از پشتیبانی‌هایی که با انواع آتشهای آفندی از عملیات‌های طرح ریزی شده به عمل می‌آوردند، متوقف کردن هجوم غافلگیرانه و یا بی‌اثر کردن پاتک‌های سنگین دشمن را در کارنامه افتخار آمیز خود دارند.
کسی منکر این واقعیت نیست که توپخانه قدرتمند نذاجا در هنگام بحران (به ویژه در اوائل جنگ)^۲ در غیاب یگانهای رزمی به سرعت خود را در تیرس دشمن قرار داده و با اجرای انواع آتشهای پدافندی به عنوان سدی نفوذ ناپذیر عمل نموده و حماسه‌های

۱. در رابطه با اهمیت توپخانه در تاریخ آمده است: تنها شکست عمده نادر در سال ۱۱۱۰ شمسی در جنگ کرکوک بود که نادر نتوانست در برابر نیروی قدرتمند و مجهز عثمانیها که از توپخانه سود می‌بردند مقاومت کند زیرا نادر به اشتباه، توپخانه‌های خود را برای حفاظت از شهر بغداد مستقر کرده بود. (تاریخ جهانگشای نادری، ص ۲۶۸)

۲. در تحلیل روزهای آغازین در کتاب بازیابی ثبات آمده است:

اسرای عراقی در اعترافات خود آتش توپخانه را مناسب و باعث تلفات در نیروهای عراقی ذکر کرده‌اند، تلفات در برخی محورها به واحد‌های زرهی عراق به ویژه در محور عین‌خوش، امام‌زاده عباس و گیلانغرب در اثر تلاش توپخانه و هلی‌کوپترهای (هوانیروز) مورد تأکید اسراست. (از خرمشهر تا فاو؛ ص ۲۰۴)

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۱۵

ماندگاری از خود به یادگار گذاشته و از این بابت ، افسران اندیشمند، درجه داران غیرتمند و سربازان توانمند این رسته دارای لوح زرین نا نوشته ای هستند که برای همیشه تاریخ جاودان خواهد ماند .

گر چه يك كار تحقيقي از اثر بخشي گلوله هاي توپخانه به عمل نیامده است اما نقل قولهاي عوامل دست اندر كار به ویژه اسراري جنگي دشمن نوید بخش است .

در این مورد پست شنود در عملیات والفجر ۸ از قول عراقیها چنین گزارش می‌کند:

وضعیت ما بسیار بد و سخت می باشد آتش توپخانه روی ما بسیار مؤثر و تلفات نفرات با شمارش دقیقه افزون‌تر می شود ، فعلاً در مواضع خود مقاومت می کنیم ولی به‌داد ما برسید^۱.

و یا در جایی دیگر یکی از فرماندهان تیپ دشمن می گوید :

آتش توپخانه دشمن (ایران) وسیع و بسیار سنگین و مؤثر است تعداد شش دستگاه تانک از کار افتاده است. توان رزمی به‌شدت پایین آمده، که بر اثر درگیری و آتش سه‌روز گذشته می‌باشد، توپخانه‌های دشمن (ایران) آزاد هستند، خواهش ما این است که آتش متقابل، روی منابع آتش دشمن زیاد شود تا از حجم آنها کاسته شود^۲.

در چنین وضعیتی يك تحليل گر در سپاه اسلام چنین اظهار نظر می کند :

با توجه به پاتک های متوالی دشمن و شکست آنها و انهدام قابل توجه نیروهایش ، روحیه ارتش عراق به شدت متزلزل گردید . به طوریکه

۱. درودیان، محمود؛ جنگ، بازیابی ثبات؛ ص ۴۷، ۱.

۲. همان

چند تن از فرماندهان رده بالا خود را تسلیم نیروهای اسلام کردند.^۳
و در سند شماره ۱۲۳۹۷، بانک اطلاعات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران در کتاب عملیات والفجر ۸ (مجموعه مقالات) به صورت روزشمار (روزهای اول، دوم، پنجم) مندرج در صفحات ۱۶۵، ۱۶۶ و ۱۶۷ آمده است:

نخستین شب عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۰)

در نخستین ساعات عملیات، رزمندگان اسلام با یورش سریع و برق‌آسا و رعایت اصل غافل‌گیری توانستند بیشتر خطوط پدافندی دشمن را فرو بریزند. و در مقابل، دشمن به دلیل عدم آمادگی لازم برای پاسخگویی و کامل نشدن ارتباطات (بی‌سیم)، در طول عملیات بیشتر از رادیو رله و ایستگاه تقویتی استفاده کرد.
در آغاز تك، مجموعه نیروهای شناسایی شده، تیپ ۱۱۰ و تیپ ۱۱۱ بودند که هدف تهاجم قرار گرفتند. در نخستین ساعات درگیری، دشمن هیچ‌گونه ارتباط (بی‌سیم) نداشت و بیشتر به ارتباط تلفنی متکی بود و بلافاصله وضعیت را به لشکر ۲۶ گزارش داد و درخواست کمک کرد که به منطقه نرسید و تیپ ۱۱۱ مجبور شد تا از احتیاط محلی خود استفاده کند. در نخستین شب، نیروها و تجهیزات دشمن به سرعت منهدم شد و هیچ‌گونه کمکی به او نرسید. آتش توپخانه نیز برای پشتیبانی او بسیار کم و ناچیز بود.

روز اول عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۱)

در این روز، قرارگاه تیپ ۱۱۱ کاملاً به محاصره رزمندگان اسلام درآمد و دیگر گردان‌ها نیز منهدم شدند؛ زیرا نیروهای خودی اجازه نشان دادن کوچک‌ترین واکنشی را به دشمن ندادند. در نخستین مرحله پاتک، دشمن مذبوحانه به بمباران شیمیایی متوسل شد و منطقه را آلوده کرد.

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۱۷

از سوی دیگر، تلاش زیاد نیروهای عراق برای نجات فرمانده تیپ ۱۱۱ و بردن سایت موشکی بی‌نتیجه بود و تیپ ۳۸ کماندویی به دلیل حجم زیاد آتش خودی به منطقه پاتک نرسید.

روز دوم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۲)

قرارگاه تاکتیکی ستاد مشترک ارتش عراق در شهر ناصریه پس از کشف تک اصلی نیروهای خودی و تشخیص محور اصلی عملیات، به فرماندهی نیروهای گارد ریاست جمهوری اعلام کرد که باید هر چه سریع‌تر با تمام امکانات برای سد کردن راه دشمن و بازپس گرفتن اهداف قبلی، زیر امر سپاه هفتم وارد عمل شود. در این روز ستاد عملیات جنوب در پی تصمیمی عجولانه تیپ ۳ نیروی مخصوص و تیپ ۴ پیاده را وارد عمل کرد و در بدترین موضع دفاعی قرار داد. این دو تیپ برای جلوگیری و سد کردن تک نیروهای خودی در دو طرف جاده استراتژیک گسترش یافتند، اما با اجرای آتش مؤثر توپخانه خودی، در نخستین روز، حدود ۳۰ درصد تلفات جانی را متحمل شدند. در همین روز، به گردان کماندویی تیپ ۱۰ زرهی دستور داده شد تا در سه راهی منتهی به جاده قرارگاه لشکر ۲۶ گسترش پیدا کند و مانع دور زدن رزمندگان به پشت تیپ‌های ۳ و ۴ گارد ریاست جمهوری شوند. در طول ۲۴ ساعت پدافند تیپ ۳ و تیپ ۴، حدود ۳۵ درصد از نیروهایشان توسط آتش دقیق و قدرتمند توپخانه‌های ما منهدم شدند. سرانجام دو تیپ مزبور تا روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۴ به صورت دقیقه شمار از سوی نیروها و توپخانه خودی متحمل تلفات شدند.

روز پنجم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۵)

نیروهای خودی که در سحرگاه این روز به تیپ ۴۴۳ حمله کرده بودند، توانستند حدود ۵۰ درصد آن را منهدم و حلقه محاصره دو تیپ گارد ریاست جمهوری را تنگتر کنند. تیپ ۴۴۳ بدون اطلاع سپاه هفتم دو کیلومتر از مقابل سه راهی و تیپ ۳۴ کماندویی نیز حدود سه کیلومتر از مواضع خود در جناح چپ کارخانه نمک عقب‌نشینی کرد. در ساعت ۲

بعد از ظهر، گردان کماندویی تیپ ۱۰ زرهي در تقاطع جاده دوم مستقر شد. در اين روز، آتش توپخانه (خودي) تلفات سنگيني را به دشمن وارد آورد و هر گونه حرکتی را از آن سلب کرد.

گرچه غير مستقيم و بنا به ضرورت به شرکت يگانهاي توپخانه در عمليات والفجر ۸ اشاره شد اما به طور مشخص يگان هاي توپخانه نزاچا به طور گسترده و مؤثر به دو صورت در عمليات والفجر ۸ شرکت نمودند :

الف : توپخانه‌هاي پشتيباني کننده تلاش اصلي (کنترل عملياتي سپاه)

طراحان ارتش و سپاه در قرارگاه خاتم الانبياء (ص) به اين نتيجه رسيده بودند که عبور از رودخانه خروشان اروندرود و هجوم به دشمن پناه گرفته در اين سد طبيعي نياز به آتش انبوه و مداوم دارد و چون يگان هاي محدود توپخانه سپاه پاسداران ، جوابگوي اين نياز نبودند لذا به فرماندهي نزاچا تکليف گرديد که تعدادي يگان توپخانه زير امر سپاه که مأموريت تلاش اصلي عمليات را به عهده داشت قرار دهند .

آقاي محسن رضايي (فرمانده وقت سپاه) مي نويسد :

پشتيباني عمليات والفجر ۸ توسط نهاجا و هوانيروز تامين مي‌گرديد و همچنين بنا بر پيشنهاد سپاه و تصويب فرماندهي عالي جنگ، (آقاي هاشمي) بخشي از آتش پشتيباني توسط ارتش تامين مي‌شد^۱.

اجراي اين امر با توجه به محدوديت‌هاي نزاچا براي حفظ امنيت خطوط پدافندي به سادگي مقدور

نبود، لذا مراحمی به شرح زیر پیموده شد تا شرایط آماده گردید:

(۱) فقط شش گردان

فرماندهی نزاجا به جناب سرهنگ ابوالقاسم جاودانی به عنوان رابط توپخانه نزاجا در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) ماموریت داد که با هماهنگی برادر شفیع زاده (نماینده توپخانه سپاه) زیر نظر حجت الاسلام دکتر حسن روحانی (دبیر شورای عالی دفاع) برآورد نمایند که توپخانه مورد نیاز عملیات والفجر ۸ چقدر است؟

به طور مشخص نیروی زمینی چه استعدادی را از نظر توپخانه می تواند واگذار نماید؟
بقیه ماجرا را از بیان سرتیپ ۲ بازنشسته جاودانی پی می گیریم .

تیم ما شامل، برادر شهید شفیع زاده و سرتیپ ۲ پرویز افزار (سرهنگ ۲ آن زمان) کار خود را شروع کردیم. با توجه به آشنائی نسبی از مناطق عملیاتی شمال غرب، غرب و جنوب و با در نظر گرفتن گسترش یگانهای عمده نیروی زمینی در آن مناطق و استفاده از منابع اطلاعاتی معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی و همچنین با لحاظ کردن ماموریتهای تاکتیکی یگانهای توپخانه و بکارگیری حداقل یگانهای موجود بمنظور دفاع نسبتاً مطمئن از مواضع پدافندی،؟ اعلام داشتیم « ما قادر به رهایی حداکثر ۶ گردان توپخانه از خطوط پدافندی خواهیم بود نه بیشتر، برداشت بیشتر توپخانه خطوط پدافندی را آسیب پذیر خواهد کرد و پذیرش با ریسک همراه است و در این مورد تصمیم با فرماندهی است^۲ »

ایشان مراتب را با همین عبارت به فرماندهی نزاجا گزارش می کند .

(۲) فرماندهی می تواند ریسک را بپذیرد :

برابر پیش بینی قبلی قرار بود در روز ۶۴/۱۱/۱۹^۴ جلسه ای با شرکت مسئولان بلند پایه جبهه و جنگ در پایگاه هوایی دزفول تشکیل گردد ، دستور کار چنین جلساتی به طور معمول بررسی مسایل جبهه ، بر طرف کردن مشکلات ، فراهم کردن امکانات ، برنامه ریزی برای آینده ، ایجاد هماهنگیهای لازم و ... میباشد اما در این جلسه آنچنان که در پایان معلوم گردید تصمیم گیری درباره عملیات قریب الوقوع فاو در رأس امور قرار داشت .

سرتیپ ۲ جاودانی در مورد چگونگی تشکیل این جلسه چنین میگوید:

همه پرسنل که قرار بود در جلسه شرکت کنند آمده بودند تا این که تیمسار جلالی (وزیر دفاع وقت) وارد سالن شدند من برای عرض ادب و سلام جلو رفتم ایشان با من دست داد و فرمودند:

آقای روحانی در يك جلسه خصوصی فرمودند : جاودانی هم طرف ارتش را گرفته است و همکاری نکرد. کمی بعد جناب آقای دکتر حسن روحانی وارد جلسه شدند و مرا مورد خطاب قرار دادند و اظهار داشتند: غیبت شما را کردم. و من در جواب عرض کردم : قبلاً این خبر به من رسیده است. و ایشان فرمودند: خبرها چه زود منتشر می شوند.

حالا همه منتظر تشریف فرمایی آقای رفسنجانی بودند که همراه فرمانده نزاجا و فرمانده پایگاه هوایی وقت و تنی چند از افسران نیروی هوایی و نیروی زمینی و برادران سپاهی وارد شدند گرچه جلسه به علت طولانی شدن مراسم نیروی هوایی با تاخیر انجام شد اما در نهایت

۱. در مورخه ۵۹/۱۱/۱۹ پرسنل نیروی هوایی به طور خود جوش و هماهنگ با لباس رسمی در مدرسه علوی با امام (ره) بیعت کرده و از مقابل ایشان رژه رفتند . این روز از طرف امام (ره) به نام روز نیروی هوایی نامگذاری و هر ساله جشنی به این مناسبت برگزار می شود .

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۲۱

پس از قرائت کلام ... مجید ، فرمانده نزاچا پشت تربیون قرار گرفت و با خواندن دعای همیشگی خود سخنان خود را آغاز کردند:

من برای اعزام یگانهای توپخانه یکی از افسران مجرب را مأمور بررسی موضوع نمودم ، ایشان نظر کارشناسی شده خود را اعلام داشتند که با توجه به رعایت حفظ امنیت خطوط پدافندی نمی‌توانیم بیش از شش گردان اعزام نمایم اما ، جنابعالی به عنوان فرمانده عالی جنگ می‌توانید ریسک را بپذیرید و هر چند یگان که بخواهید برداشت نمایید که در این صورت مسئولیت با فرمانده خواهد بود.

آنگاه آقای رفسنجانی فرمودند : به عنوان فرمانده ریسک را می‌پذیرم^۱ و دستور می‌دهم

۲. خواندن دعا به ویژه دعای فرج برای علی صیاد شیرازی به صورت یک عادت روزمره در آمده بود ایشان نه فقط به هنگام فرماندهی نزاچا بلکه در زمان فرماندهی آتشبار و نه فقط در مراسم رسمی اداری بلکه در مجامع خصوصی خانوادگی به طور ناخداگاه دعای فرج را قرائت می‌کرد . بیاد دارم در سال ۱۳۵۵ شنبی در یک جمع خصوصی خانوادگی در مراسم نام گذاری فرزند یکی از همکاران قبل از آن که اذان را در گوش بچه قرائت نمایند مراسم را با خواندن دعای فرج آغاز کردند که از یک طرف موجب تعجب بعضی از حاضرین شد و از طرف دیگر موجب وجد مادر بزرگ بچه گردید و خطاب به صیاد گفت پسر من تو با این عقیده محکم (قرص) به خدا نزدیک هستی و حتماً دعاهاى شما مستجاب می‌شود ، خداوند کمک کار شما باشد .

جالب است که بدانیم همین اقدام ساده به مجلس تا پایان، بعد معنوی بخشید .

سوی ما آید نداها را صدا

این جهان کوه است و فعل ما ندا

(مولوی)

۱. در شرایط عدم اطمینان وقتی که تصمیم گیری بر مبنای رعایت اصول و داده های موجود امکان پذیر نباشد ریسک به عنوان یک راه کار فراروی مدیران بخشهای مختلف و فرماندهان نظامی در میدان کار زار قرار دارد .

در جنگ تحمیلی کمتر مواردی اتفاق می افتد که برآوردهای ستادی اجازه تصمیم گیری را بر مبنای امکانات موجود بدهد ، معمولاً افسران ستاد با نگرش به دانسته های آکادمیک به این نتیجه می رسیند که راه کار مناسبی برای انجام عملیات فراهم نیست در چنین مواردی بود که فرماندهان مجبور بودند با استفاده از اصل خطرپذیری تصمیم گیری نمایند . البته ناگفته نماند در هیچ موردی مشاهده نشد فرماندهی از این عنوان استفاده کند ، بلکه با توجه به معنویتی که بر جبهه ها حاکم بود فرماندهان از واژه هایی مانند ،

۱۸ گردان برآورد سپاه پاسداران را واگذار کنید.

سرتیپ ۲ جاودانی دستنویس خود را چنین تکمیل

می‌کند:

« این ۱۸ گردان توپخانه از نیروی زمینی جدا شده و در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران قرار گرفت و علاوه بر آن کلیه توپخانه‌های مستقر در منطقه آبادان و خرمشهر که جزء توپخانه‌های لشگرهای ۷۷ و ۲۱ و سایر یگانهای نیروی زمینی بودند روی جابجائیها و تحرکات دشمن در محور بصره به فاو بصورت موثر اجرائی آتش می‌کردند نظر به این‌که برادران سپاه در آن مقطع زمانی قادر به طرح ریزی و تطبیق و هدایت آتش در حجم گسترده در عملیات فاو نبودند قرارگاه ۲۲ توپخانه با مسئولیت تطبیق آتش توسط سرهنگ ۲ افراز با کمک تني چند از برادران سپاه پاسداران مسئولیت طرح ریزی، تطبیق و هدایت آتش گردانهای گنجانده شده در طرح عملیات را بعهده داشتند»

بدین صورت اعزام ۱۸ گردان توپخانه رسمیت پیدا کرد و فرماندهی نزاجا از طریق قرارگاه جنوب دستور اعزام را دادند، اما در عمل برابر آنچه بدنبال خواهد آمد تحولات بعدی حجم بیشتری از یگانهای توپخانه نزاجا را درگیر پشتیبانی آتش از عملیات والفجر ۸ نمود و این پشتیبانی در دو بُعد تلاش پشتیبانی و تلاش اصلی به شرح زیر انجام گرفت :

توکل ، امید به نصرت پروردگار، استخاره و... استفاده می کردند و در نهایت تصمیم گیری لازم را بعمل می آوردند و از رکود غیر ضروری در جبهه ها ممانعت به عمل می آمد. در رابطه با نقش و درجه خطرپذیری عملیات نظامی نظر تیمسار سرتیپ ۲ عبدالحسین مفید که در اکثر عملیات ها نقش ارزنده ای در برآوردهای ستادی داشته اند جويا شدم ایشان چنین اظهار نظر کردند . فرمانده حتماً باید شرایط و اوضاع حاکم بر منطقه عملیات ، راه کارهای احتمالی ، استعداد و امکانات دشمن را مدّ نظر قرار داده و سپس با نتیجه‌ای که از قبول خطر انتظار دارد بدست آورد ، مقایسه و در نهایت تصمیم گیری نماید به هر حال قبول خطر در تصمیم گیری های عملیاتی منطقی است و دور از انتظار نیست .

(۳) مشخصات یگان‌های توپخانه (پشتیبانی از تلاش اصلی)

با وجود روشن بودن مبادی کسب اطلاعات دقیق (معاونت عملیات نزاچا معاونت طرح و برنامه و قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب که به طور معمول امریه های عملیاتی را صادر می نمود) در مورد تعداد و مشخصات یگانهای توپخانه در اختیار سپاه پاسداران ، اطلاعات یکنواختی در اختیار نیست، در حالی که سرتیپ ۲ قاسم جاودانی برابر آنچه گفته شد ۱۸ گردان را تأیید می‌کنند سرتیپ ۲ غلامحسین امیربیگی که در آن زمان افسر هماهنگ کننده توپخانه در قرارگاه جنوب بود، چنین بیان می‌دارد:

من برابر امریه ای که فرمانده نزاچا آنرا امضاء کرده بود، ۱۶ فرمانده گردان توپخانه را با خود به قرارگاه سپاه پاسداران در ساختمان موسوم به گلف در اهواز بردم و همراهان را به برادر رحیم صفوی (فرمانده وقت نیروی زمینی سپاه) و برادر شهید شفیع زاده (فرمانده وقت توپخانه سپاه) معرفی کردم و به طنز می‌گویند، عقد اخوت را در دفتر خانه سپاه امضاء کردم.

در این میان اظهارات سرتیپ ۲ جاودانی در کتابچه ای که در دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) با نام والفجر ۸ تهیه شده است هماهنگی دارد :

در این عملیات ۳۰ گردان توپخانه (۱۸ گردان از نزاچا و ۱۲ گردان از سپاه) در شرق بهمنشیر تا آبادان گسترش یافته بودند

با این وصف جالب است بدانیم برادر پاسدار غلامرضا نوشادی در پایان نامه دانشکده فرماندهی و ستاد خود (تحت عنوان ، توپخانه در والفجر ۸) ۱۹ گردان را با مشخصات کامل سازمان داده اند (لیست شماره ۱) و این در حالی است که در لیست تلفات یگانهای توپخانه در عملیات والفجر ۸ که

۱۲۴ / ارتش در فاو

معاونت پرسنلي نزاچا آنرا تهيه کرده است ۲۱
گردان قيد شده (ليست شماره ۲)

جدول شماره ۱

صورت يگانهاي توپخانه شرکت کننده در پشتيباني از تلاش
اصلي (بر مبناي گزارش برادر نوشادي)

ردیف	شماره یگان	کالیبر	سازمان	ملاحظات
۱	گد ۳۲۷	۱۰۵ م م	ل ۲۱ حمزه	
۲	گد ۳۱۳	۱۵۵ م.م	ل ۲۱ حمزه	
۳	گد ۳۸۳	۱۰۵ م.م	ل ۷۷ پیاده	
۴	گد ۳۲۶	۱۵۵ م.م	ل ۷۷ پیاده	
۵	گد ۸۵۰	۲۰۳ م.م	ل ۷۷ پیاده	
۶	گد ۳۷۰	۱۵۵ م.م	ل ۷۷ پیاده	
۷	گد ۳۱۷	۱۵۵ م.م.خ.ك	ل ۸۱ زرهي	
۸	گد ۳۴۰	۱۵۵ م.م.خ.ك	ل ۸۱ زرهي	
۹	گد ۳۹۴	۱۵۵ م.م.خ.ك	ل ۱۶ زرهي	
۱۰	گد ۳۱۲	۱۵۵ م.م.خ.ك	ل ۹۲ زرهي	
۱۱	گد ۳۳۳	۱۳۰ م.م	گروه ۲۲	
۱۲	گد ۳۴۱	۱۳۰ م.م	گروه ۳۳	
۱۳	گد ۳۴۳	۱۳۰ م.م	گروه ۳۳	
۱۴	گد ۳۷۲	۱۲۲ م.م کاتیوشا	گروه ۳۳	
۱۵	ات یکم ۳۶۹	۱۲۲ م.م کاتیوشا	گروه ۲۲	
۱۶	گد ۳۹۹	۱۳۰ م.م	گروه ۵۵	
۱۷	گد ۳۳۶	۱۰۵ م.م	ل ۳۰ پیاده	
۱۸	گد ۳۵۲	۱۰۵ م.م	تیپ ۵۵ هوابرد	
۱۹	گد ۳۷۹	۲۰۳ م.م	ل ۲۱ حمزه	

جدول شماره ۲

آمار تلفات رزمی گردانهای توپخانه مأمور به سپاه پاسداران از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۲/۱۲

سرباز			درجه دار			افسر			ردیف گردان
اسیر	مجروح	شهید	اسیر	مجروح	شهید	اسیر	مجروح	شهید	
-	۴	۹	-	۲	۱	-	-	۱	گد ۳۲۷
-	-	۱	-	۱	-	-	-	-	گد ۳۱۳
-	۱۵	۱	-	۱	-	-	-	-	گد ۳۸۳
۷	۳	-	-	۴	-	-	-	-	گد ۳۲۶
۴	-	-	-	۲	-	-	۱	-	گد ۸۵۰
۱۳	۱	-	-	۱	-	-	-	-	گد ۳۷۰
۱۳	-	-	-	۱	-	-	-	-	گد ۳۱۷
-	-	-	-	-	-	-	-	-	گد ۳۴۰
-	۸	۲	-	۵	-	-	-	-	گد ۳۹۴
۳	-	-	-	۱	-	-	-	-	گد ۳۱۲
۵	-	-	-	۱	-	-	-	-	گد ۳۳۳
۱۹	-	-	-	۱	-	-	-	-	گد ۳۴۱
-	۱۹	-	-	۱	-	-	۲	-	گد ۳۴۳
-	۵۵	۲	-	۱۵	۱	-	۱	-	گد ۳۷۲
-	۵	-	-	۱	۱	-	-	-	گد ۳۹۹
-	۲۵	۱	-	۵	-	-	۶	-	گد ۳۳۶
-	۲۲	-	-	۹	-	-	۵	-	گد ۳۵۲
-	۱۲	-	-	۲	-	-	۵	-	گد ۳۹۷
-	۱۵	۱۵	-	۹	۱	-	۲	-	گد ۳۳۸
-	-	-	-	-	-	-	-	-	گد ۳۷۶
-	۲	-	-	۸	-	-	-	-	گد ۳۴۷
۶۴	۱۸۶	۳۱	-	۷۰	۳	-	۲۲	۱	جمع

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۲۷

در مقایسه جدول‌های شماره (۱) و (۲) به یک نکته قابل تأمل می‌رسیم که نشان‌دهنده عدم هماهنگی و دقت در نگارشات رسمی در دوره بحرانی جنگ می‌باشد. همان‌طوری که ملاحظه می‌گردد در جدول شماره (۱) آتشبار یکم گد ۳۶۹ قید گردیده است که در جدول شماره (۲) قید نشده است و در مقابل در جدول شماره (۲) از گردانهای ۳۷۶، ۳۴۷ و ۳۳۸ نام برده می‌شود که در جدول شماره (۱) آورده نشده‌اند.

تذکر ۱: در بررسی‌های بعدی معلوم گردید که یک آتشبار از هر یک از گردانهای ۳۶۹ و ۳۷۶ و ۳۴۷ در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفته است.

تذکر ۲: گردان ۳۷۹ قید شده در جدول شماره ۱ اشتباه بود و گردان ۳۹۷ صحیح است.

تذکر ۳: گردان ۳۳۸ قید شده در جدول شماره ۲ - پدافند هوایی بوده که عناصری از آن در عملیات شرکت داشته‌اند. (به بخش پدافند مراجعه شود.)

(۴) - واقعیت چیست ؟

(الف) برابر ضمیمه ۱ پیوست ت (پشتیبانی آتش) طرح عملیاتی شماره ۳ بدر (تجدید نظر شده) که از طرف قرارگاه عملیاتی کربلا در بهمن ماه ۱۳۶۴ با شماره اعلام وصول ز - ۱-۴۵ صادر گردیده است، در مرحله یکم ۱۵ گردان توپخانه از نزاجا منفک و در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران قرار می‌گیرد و در مرحله دوم به منظور تقویت و مداومت پشتیبانی آتش تلاش اصلی عملیات والفجر ۸، سه گردان و دو آتشبار دیگر در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفت.

(ب) سقوط شهر بندری فاو و جزیره فاو به دست رزمندگان توانمند نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آن چنان برای حکومت بعثی عراق گران تمام شد. که برای بازپس گیری آن تمام امکانات خود را بسیج و اقدام به پاتکهای سنگین و مداوم نمود در نتیجه در جبهه داخلی

حجم بالائی از آتش به وسیله یگانهای توپخانه اجرا گردید تا جائی که پاتک‌های پی در پی نیروهای متجاوز ناکام ماند، در اثر این حجم آتش بسیاری از یگانهای توپخانه در ۲۰ روز اول عملیات آسیب جدی دید و با مشکلات تعمیراتی (صفر شدن لوله) و فرسودگی پرسنل مواجه شدند ، پس از پیگیری قرارگاه خاتم ۱ با صدور امریه شماره ۲۰۱/۱۱/۷۴ - م ع ج - ۶۴/۱۲/۱۹ از نزاجا می‌خواهد یگانهای آسیب دیده را تعویض نماید .

نزاجا بی‌درنگ با توجه به رسالت خود ، برای فراهم کردن مداومت پشتیبانی آتش از عملیات غرور آفرین والفجر ۸ و بازیابی روحیه پرسنل در حد امکان و حفظ آمادگی رزمی یگانهای توپخانه و پائین آوردن سطح تعمیرات از طریق قرارگاه عملیاتی جنوب اقدام به صدور دستورالعمل شماره ۱۹/۴۵۵ - ۶۴/۱۲/۲۸ برای تعویض هشت گردان توپخانه در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران قرار داد .

(ج) در ادامه عملیات والفجر ۸ و پس از تثبیت خطوط پدافند به علت طولانی شدن مدت مأموریت و نیاز یگانهای توپخانه شرکت کننده در عملیات به تجدید سازمان و انجام تعمیرات اساسی به ترتیب بعضی از یگانها با یگانهای مشابه تعویض گردیدند . گرچه مدارکی در رابطه با تاریخ اعزام این یگانها در دست نیست اما نامه شماره ۳۰۰۱/۱۹/۲۲۵ - ۶۵/۱۱/۲۵ ق . ع جنوب کربلا (ر ۳) نشان‌دهنده شرکت این یگانها در پدافند از منطقه فاو می‌باشد .

(د) با نگرش به جدول مشخصات یگانهای توپخانه ، حجم آتش بکار گرفته شده در این عملیات در هیچ يك از عملیاتی سرنوشت ساز جنگ تحمیلی سابقه نداشته است و این واقعیت نشان‌دهنده عزم و اراده فرماندهی نزاجا برای شرکت در عملیات مهم و حیاتی والفجر ۸ می‌باشد که تنها در بخش توپخانه با شرکت دادن ۵۰٪ از

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۲۹

آتش موجود نیروی زمینی در يك منطقه محدود با عرض ۳۰ کیلومتر ، پیشاپیش موفقیت در این عملیات را تضمین نموده است و این‌که در مدارك از قول صاحب نظران يکي از پایه های اصلی تصرف جزیره و شهر بندري فاو استفاده از حجم آتش توپخانه نقل گردیده است واقعتي مبتني بر تحليل ميدان رزم مي باشد ، جادارد از این تدبیر در حد این گفتار تقدیر گردد. (جدول شماره ۳)

(و) ص ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ عملیات والفجر ۸

ب - توپخانه‌های پشتیبانی کننده تلاش پشتیبانی برابر طرح عملیاتی بدر (تجدیدنظر شده) یگانهایی از لشکرهای ۲۱ و ۷۷ پیاده ۹۲ و ۸۱ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد همزمان با عملیات والفجر ۸ به عنوان تلاش پشتیبانی و با هدف فریب تاکتیکی در منطقه شلمچه برای تصرف جزیره بوارین اقدام به تگ می نمایند ، برابر بند (۲) سازمان برای رزم بپیوست (ت) پشتیبانی آتش ، یگانهای توپخانه مشروحه زیر این عملیات را پشتیبانی کرده اند :

۱. گردان ۳۴۶ توپخانه مختلط ل ۲۱ حمزه

۲. گردان ۳۲۳ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک (-) گروه ۵۵ توپخانه

۳. گردان ۳۹۷ توپخانه ۲۰۳ م م ل ۲۱ حمزه

۴. گردان ۳۴۷ (منهای يك آتشبار) توپخانه ۱۳۰ م م ل ۲۱ حمزه

۵. گردان ۳۶۸ توپخانه ۱۰۵ م م ل ۷۷ پ

۶. گردان ۳۷۰ توپخانه ۱۵۵ م م ل ۷۷ پ

۷. گردان ۳۹۹ توپخانه ۱۳۰ م م گروه ۵۵
۸. گردان ۳۶۹ (منهاي آتشبار) کاتیوشا گروه
۲۲ توپخانه
۹. گردان ۳۳۰ توپخانه ۱۵۵ م م خ ك ل ۹۲ زرهي
۱۰. گردان ۳۱۸ توپخانه ۱۵۵ م م خ ك ل ۹۲
زرهي
۱۱. گردان ۳۴۲ توپخانه ۱۳۰ م م گروه ۳۳
۱۲. گردان ۳۸۷ (-) توپخانه مختلط ۱۷۵ و
۱۳۰ م م گروه ۲۲
۱۳. آتشبار دوم گردان ۳۷۶ کاتیوشا گروه
۵۵
۱۴. قرارگاه گروه ۳۳ توپخانه به عنوان
توپخانه عمل کلي تطبيق آتش قرارگاه عمل کننده
(خاتم ۲) را به عهده داشت .

لازم به ذکر است با توجه به اينکه تك تلاش پشتيباني براي تصرف جزيره بوارين برخلاف موفقيتهاي اوليه به سرانجام نرسيد ، يگانهاي تك ور به خطوط پدافندي مراجعت نمودند و برابر تدبير قرارگاه خاتم الانبياء (ص) بعضي از يگانهاي توپخانه شامل گردانهاي ۳۶۴ ، ۳۷۰ ، ۳۹۹ ، ۳۷۷ ، ۳۴۲ ، ۳۹۷ و يك آتشبار از گردانهاي ۳۷۶ ، ۳۴۷ و ۳۶۹ بعد از تثبيت خطوط پدافندي در شلمچه جهت تقويت آتش تلاش اصلي به منطقه فاو اعزام شدند به همين انگيزه اين يگانها هم در ليست تلاش اصلي و هم در ليست تلاش پشتيباني مشاهده ميگردند .

جدول شماره ۳

مشخصات یگانهای توپخانه شرکت کننده در عملیات
والفجر ۸

ردیف	یگان	کالیبر	یگان سازمانی	شرکت در پشتیبانی از		مدت مأموریت		فرمانده گردان		مدرك
				تلاش اصلی	تلاش پشتیبانی	تاریخ اعزام	تاریخ خاتمه	درجه	اسم و شهرت	
۱	گد ۳۲۷	۱۰۰ م	ل ۲۱	*		۱۱/۱۵ ۶۴/		سرگرد د	سعیدی	ضمیمه ۱۵
۲	گد ۳۱۳	۱۵۰ م	ل ۲۱	*		۱۱/۱۵ ۶۴/	۱۲/۲۸ ۶۴/	سرهز ۲ گ	ممتیان	//
۳	گد ۳۳۶	۱۰۰ و ۱۳۰ م	ل ۳۰	*		۱۱/۱۵ ۶۴/				//
۴	گد ۳۹۴	۱۵۰ م	ل ۱۶	*		۱۱/۲۰ ۶۵/	۱۲/۲۸ ۶۴/	سرهز ۲ گ	حسین عباسی	//
۵	گد ۳۴۱	۱۳۰ م	گرو ۲۲ ه	*		۱۱/۲۰ ۶۵/	۱۲/۲۸ ۶۴/	سرگرد د	استکی	//
۶	گد ۳۳۳	۱۳۰ م	گرو ۲۲ ه	*		۱۱/۲۰ ۶۵/		سرگرد د	هاشم پور	//
۷	گد ۳۴۳	۱۳۰ م	گرو ۳۳ ه	*		۱۱/۲۰ ۶۵/	۱۲/۲۸ ۶۴/	سرگرد د	پورعبد الله	//
۸	گد ۳۷۲	۱۲۲ م	گرو ۳۳ ه	*		۱۱/۲۰ ۶۵/		سرهز ۲	رهنمافر	//

۱۳۲ / ارتش در فاو

//	کفرودي	سرهنځ ۲	۱۲/۲۸ ۶۴/	۱۱/۲۰ ۶۵/		*	۷۷ل	م ۱۰۰ م	گد ۳۸۳	۹
//	پازوکي	سرهنځ ۲ گ		۱۱/۲۰ ۶۵/		*	۷۷ل	م ۱۰۰ م	گد ۳۷۶	۱۰
//	غلامحسين يان	سرهنځ ۲ گ		۱۱/۲۰ ۶۵/		*	۷۷ل	م ۲۰۳ م	گد ۸۵۰	۱۱
//			۱۲/۲۸ ۶۴/	۱۱/۲۰ ۶۵/		*	تي ۵۵	م ۱۰۰ م	گد ۳۵۲	۱۲
//	اسکندر زاده	سرهنځ ۲ گ	۱۲/۲۸ ۶۴/	۱۱/۲۰ ۶۵/		*	۹۲ل	م ۱۰۰ م	گد ۳۱۲	۱۳

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۳۳

ردیف	یگان	کالیبر	یگان سازمانی	شرکت در پشتیبانی از		مدت مأموریت		فرمانده گردان	
				تلاش اصلی	تلاش پشتیبانی	تاریخ اعزام	تاریخ خاتمه	درجه	اسم و شهرت
۱۴	گد ۳۱۷	م ۱۰۰ م خ ک	ل ۸۱	*	-	۶۴/۱۱/۱۵	۶۴/۱۲/۲۸	سرگرد	همتی
۱۵	گد ۳۹۹	م ۱۳۰ م ۵۵	گروه ۵۵	*	*	۶۴/۱۱/۲۲	۶۴/۱۲/۲۸	سرگرد	الماسی
۱۶	گد ۳۹۷	م ۲۰۳ م ک	ل ۲۱	یک آتشبار	گد (-)	۶۴/۱۱/۲۲	۶۴/۱۲/۲۸	سرگرد	کاظم نشوادیان
۱۷	گد ۳۷۶	م ۱۲۲ م کاتیوشا	گروه ۵۵	*	یک آتشبار	۶۴/۱۱/۲۲	۶۴/۱۲/۲۸	سرگرد	جلال امیدي
۱۸	گد ۳۴۷	م ۱۳۰	ل ۲۱	یک آتشبار	گد (-)	۶۴/۱۱/۲۲	۶۴/۱۲/۲۸	سرمهنگ دوم	حمید شکیبا
۱۹	گد ۳۱۵	م ۱۰۰	ل ۷۷	*	-	۶۴/۱۲/۲۸			
۲۰	گد ۳۴۰	م ۱۰۰ م خ ک	ل ۸۱	*	-	۶۴/۱۱/۱۵		سرگرد	اصغر سهرابی
۲۱	گد ۳۷۰	م ۱۰۰	ل ۷۷	*	*	۶۴/۱۱/۲۲	۶۴/۱۲/۲۸	سرگرد	حسین مهرآرا
۲۲	گد ۳۶۴	۱۰۰ و ۱۰۰ م م	ل ۲۱	*	*	۶۴/۱۲/۲۸	۶۵/۱۱/۲۰	سرگرد سرگرد	عظیمی مهاجر مقدم
۲۳	گد ۳۷۳	م ۱۰۰ م خ ک	ل ۸۱	*	-	۶۴/۱۲/۲۸		سرگرد	علا الدین احمدی
۲۴	گد ۳۱۸	م ۱۰۰ م خ ک	ل ۹۲	*	*	۶۴/۱۲/۲۸		سرگرد سرگرد	حجت‌الله توکلی نادر منتظر
۲۵	گد ۳۰۵	م ۱۳۰ م م	گروه ۲۲	*	-	۶۴/۱۲/۲۸			
۲۶	گد ۳۴۲	م ۱۳۰ م م	گروه ۲۳	*	*	۶۴/۱۲/۲۸		سرگرد	عبدالله عبد‌الهی
ردیف	یگان	کالیبر	یگان	شرکت در پشتیبانی از	مدت مأموریت	فرمانده گردان	مدرك		

	اسم و شهرت	درجه	تاریخ خاتمه	تاریخ اعزام	تلاش پشتیبانی	تلاش اصلی	سازمانی			
سند ۱۹				۱۲/۲۸ ۶۴/	-	*	ل ۵۸ م	م ۱۰۰ م ۳۳۴	گد ۲۷	
//				۱۲/۲۸ ۶۴/	-	*	ل ۱۶ م	م ۱۵۵ م ۳۲۱	احتم الا ۲۸	
//				۱۱/۲۰ ۶۵/	-	*	ل ۲۸ م	م ۱۰۰ م ۳۱۰	گد ۲۹	
//				۱۱/۲۰ ۶۵/	-	*	ل ۸۱ م	م ۵ م ۳۹۶	گد ۳۰	
//				۱۱/۲۰ ۶۵/	-	*	گروه ۱۱ م	م ۲۰۳ م ۳۹۲	آت گد ۳۱	
طرح عملی اتی				۱۱/۲۰ ۶۵/	*		گروه ۵۵ م	م ۱۵۵ م ۳۲۳ (-)	گد ۳۲	
//	حسین دارابی	سرگرد		۱۱/۲۰ ۶۵/	*		ل ۷۷ م	م ۱۰۰ م ۳۶۸	گد ۳۳	
//	قطره سامانی	سرهنگ		۱۱/۲۰ ۶۵/	گردان (-)	یک آتشبار	گروه ۲۲ م	م ۱۲۳ م ۳۶۹	گد ۳۴	
//				۱۱/۲۰ ۶۵/	*		ل ۹۲ م	م ۱۵۵ م ۳۳۰ م ۳۳۰	گد ۳۵	
				۱۱/۲۰ ۶۵/	دو آتشبار	-	گروه ۲۲ و	م ۱۳۰ م ۱۷۵ م ۳۸۷	گد ۳۶	
	ناصر مهرانفر	سرهنگ	/۲۲ /۱۱ ۶۴	۱۱/۱۵ ۶۴/	*	-			ق تویخ انه ۷۷ ل	۳۷
			/۲۲ /۱۱ ۶۴	۱۱/۱۵ ۶۴/	*	-			ق تویخ انه ۲۱ ل	۳۸
	پرویز افراز	سرهنگ	/۲۰ /۱۱ ۶۵	۱۱/۱۵ ۶۴/	-	*			ق گروه ۲۲ تویخ انه	۳۹
	حسام هاشمی	سرهنگ	پایا ن مامو ریت	۱۱/۲۰ ۶۵/	-	*			ق گروه ۲۳ تویخ انه	۴۰

سند شماره ۱۹

سند شماره ۱۹ / ۲۸
 از: قرارگاه عملیاتی جنوب (۳)
 شماره: []
 تاریخ: []
 موضوع: دستورالعمل تعویض یگانهای توپخانه در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مدرک: امریه شماره ۲۰۱/۱۱/۷۴-۲۰۱-ع-۶۴/۱۲/۱۹
 ۱- منظور: فراهم آوردن مداومت پشتیبانی آتش مؤثر جهت ادامه عملیات فرور آفرین والفجر.
 ۲- هدف: باز یابی روحیه پرسنل در حد امکان و حداقل آمادگی رزمی یگانهای فوق و پائین آوردن سطح تعمیرات
 - اجرا:

الف- تقویت پرسنل وظیفه گردانهای توپخانه مأمور به سپاه با واگذاری ۱۰۰ نفر سرباز وظیفه به گردان و جایگزین کردن قبضه های انهداسی و غیر قابل تعمیر ۱۳۰ م و ۱۲۲ م کاتیوشا از مخازن فوج نواچسا و تعمیر توپهای تعمیراتی یگانهای مأمور به سپاه با استفاده از همه امکانات
 ب- تعویض گردان توپخانه مأمور به سپاه با یگانهای توپخانه مشابه و همپنر از یگانهای سازمانی به شرح زیر .

(۱) - ل ۷۷ گد ۳۸۳ ت م ۱۰۵ را با گد ۳۱۵ ت م ۱۰۵ تعویض نمایند .

(۲) - ل ۲۱ گد ۳۱۳ ت م ۱۵۵ کشتی را با گد ۲۶۲ مقلد (۱۵۵ و ۱۰۵ م ۱۰۵ کشتی تعویض نمایند .

(۳) - ل ۸۱ گد ۳۱۷ ت م ۱۵۵ را با گد ۳۲۳ ت م ۱۵۵ خ که طی نامه

شماره ۳۰۰۱/۱۹، ۲/۱۰۷-۶۴/۱۲/۲۴ این قرارگاه هماهنگی در مورد رهایی آن از غرور بعمل آمده پس از حصول نتیجه ظرف مدت ۵ روز
ادامه سند شماره ۱۹

(۶) - گروه ۲۲ تو گد ۳۴۱ ت م ۱۳۰ را با گد ۳۰۵ ت م ۱۲۰ از تاریخ ۶۴/۱۲/۲۹ الی ۶۵/۱/۱۴ تعویض نمایند .

(۷) - گروه ۲۳ تو گد ۳۴۳ ت م ۱۳۰ را با گد ۳۲۲ ت م ۱۲۰ از تاریخ ۶۴/۱۲/۲۹ الی ۶۵/۱/۱۴ تعویض نمایند .

(۸) - ل ۵۸ ع گد ۳۵۲ ت م ۱۰۵ سازمانی تی ۵۵ را با گد ۳۲۴ ت م ۱۰۵ سازمانی ل ۵۸ تعویض نمایند .

ادامه سند شماره ۱۹

ص ۲

- ت - کلیه تعمیرات روزه ۳ و ۴ یگانهای زیر امر توسط تیم های تعمیراتی تعیین شده در شمشیریه انجام خواهد شد .
- ث - آماد طبقه ه با معرفی نماینده یگانها به نقاط آمادی، برابر مجسوز رکن ۴ ق ع جنوب تحویل میگردد .
- ج - نیازمندی طبقه ۴ (وسائل سنگری) از طریق گروه ۲۲ و ۳۳ به رکن ۴ و ۳ ق ع جنوب گزارش پس از تأیید رکن ۳ از طریق رکن ۴ قرارگاه واگذار خواهد شد .
- د - آماد سایر اقلام از طریق یگان اصلی اقدام گردد .

ف. ق. ع جنوب : سرهنگ ستاد عبادت

جاننشین سرهنگ پیاده ستاد هوشنگ ناصری

نیرنگ رافع بی ف زودت جهت اطلاع و اقدام لازم در مورد یگانهای زیر امر به ریاست

۶۰۲/۰۲/۲/۱۲۱
ق ع گروه ۲۲ ت (۳)
۱۳۶۵ / ۱۱ / ۲۹

رونوشت امریه فوق جهت اطلاع و اقدام لازم در مورد یگانهای زیر امر به ریاست

سند شماره ۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره : ۳۰۰۱/۱۹/۲۲۵/ت س

تاریخ : ۶۵/۱۱/۲۵

از: ق.ع جنوب کربلا (۳)

ه: ف گروه ۳۳ تیخانه (۳)

بوضع: دستورات تکمیلی به دستور جزء بجز شماره: ۱۱

۱- گردانهای مشروحه زیر را از تاریخ ۶۵/۱۱/۲۵ زیر امر گرفته و تحت کنترل عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دهید .

الف - گد ۳۰۵ ت ۱۳۰ ۲۲ گروه ۲۴

ب - گد ۳۲۶ (-) ۱۵۵ ۲۲ ح ک ل ۷۷

پ - گد ۳۱۰ (-) ۱۰۵ ۲۲ ل ۲۸

ت - گد ۳۹۶ ت ۱۵۵ ۲۲ ح ک ل ۸۱

ث - گد ۳۴۰ ت = ل ۸۱

ج - گد ۳۷۲ کاتبوشا گروه ۲۳

چ - گد ۳۴۲ ت ۱۳۰ ۲۲ گروه ۲۳

ح - آتشیار ۲ گد ۳۹۲ ت ۲۰۳ ۲۲ مگنشی گروه ۱۱

ح - گد ۳۹۴ ت ۱۵۵ ۲۲ ح ک ل ۱۶ بجای گد ۳۶۴ ت ل ۲۱

۲- مأموریتهای برون مرزی را بنا بدستور اجرا و نتیجه را در اسرع وقت گزارش نمایند .

۳- گزارشات نهی ای را هر ۴۸ ساعت یکبار شامل (تلفات و ضایعات پرسنلی و لجستیکی - مهمات مصرفی و وضعیت حاضر به کارکن جنگ افزارهای سنگین) به نژاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) ر بهت آگهی به رکن ۳ و ۴ ق ع جنوب ارسال نمایند .

۴- کلیه جایجائی ها و تغییر مکانها و استقرار هر یگان در موضع جدید راه رکن ۳ ق ع جنوب گزارش نمایند .

۵- به موارد زیر در رابطه با امور تعمیراتی و آمادگی یگانها توجه کافی مبذول دارید :

الف - تعیین حق تقدم به یگانها جهت کارهای تعمیراتی اعم از جنگ افزار و خودرو و هم آهنگی با -

ق.ع پشتیبانی منطقه ۳ (دارخوین) با استفاده از تهبای تعمیراتی مستقر در شمیره .

ب - آماد طبقه (۱ و ۳ توسط ق ع پشتیبانی منطقه ۳ (دارخوین) .

ادامه سند شماره ۲۰

- ۵۷ ت - جا بجا، سی عموماً در شب و با رعایت اصول تاکتیکی انجام گیرد .
- ۵۸ ت - آتش پشتیبانی منطقه نباید قطع گردد و با فرصت کافی د. س. د. نگاه گرفته شده هر آتشبار را توپ به توپ، تعیین نمائید .
- ۵۹ ت - ترافیک جادها و پلها در نظر گرفته شده و هر شب بیش از یک آتشبار جا بجا نگردد .
- ۶۰ ت - هماهنگی حضوری توسط فرماندهان یگانهای تعیین کنند و تعیین شوند با یگانهای زیر امر گیرنده سپاه بحمل آید .
- ۶۱ ت - تعیین سایر یگانها بنا بد ستور خواهد بود .

فرمانده قرارگاه عملیاتی جنوب سرهنگ ستاد سلیمانچساره

سرهنگ ستاد عملیات

از طرف

گهردگان :

- ۱ - ف نزا جا - معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات در جنوب) - ناتم ۲ جهت استحضار .
- ۲ - ف ل ۲۱ جهت آگهی و اقدام لازم .
- ۳ - ف ل ۷۷ = = =
- ۴ - ف ل ۱۶ = = =
- ۵ - ف ل ۸۱ = = =
- ۶ - ف ل ۹۲ = = =
- ۷ - ف ل ج ۵۸ = = =
- ۸ - ف تی ۵۵ = = =
- ۹ - ف گره ۲۲ تو = = =
- ۱۰ - ف گره ۳۳ تو = = =
- ۱۱ - ف گره ۵۵ تو = = =
- ۱۲ - ق ج جنوب رکن ۴ جهت اطلاع و اقدام لازم .

۳۰
بدرستی در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۵

۱ - بند (ز) ماده ۲ (مرا با طرف (۶) ر قیمت و تراست آهس بنده ارف - بدیپ - تی رت
ج - ج - ۵ - بند ۵

سرهنگ ستاد
۱۳۵۵

فهرست شهدای عملیات والفجر ۸ (پرسنل کادر)

ردیف	نام خانوادگی	نام	درجه	یگان	تاریخ	محل شهادت	نحوه شهادت
۱	احمد وند	محمدصادق	استوار دوم	ل ۷۷	۶۴/۱۱/۲۱	شلمچه	تیرمست
۲	احمدی شک	علیرضا	ستوان دوم	ل ۷۷	۶۴/۱۱/۲۳	شلمچه	ترکش خمپار
۳	ارمش	حبیب	ستوان دوم	ل ۲۱	۶۵/۱/۵	فاو	ترکش خمپار
۴	اسماعیلی	منصور	ستوان دوم	ل ۳۰	۶۵/۲/۵	شلمچه	ترکش خمپار
۵	اسماعیلی دستگردی	بهمن	گ ۲	مرکز توپخانه	۶۵/۳/۱۳	فاو	بمبار هوا
۶	مرزویی	منوچهر	ستوان دوم	ل ۲۱	۶۴/۱۱/۲۳	شلمچه	تیر مست
۷	بستیانی	حمید	گ ۲	ل ۹۲ اهواز	۶۵/۱/۲۲	شلمچه	ترکش خمپار
۸	بیات	محمد	ستوان دوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۰	شلمچه	نامعل
۹	بیات اشکفتگی	کریم	ستوان دوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۰	شلمچه	تیرمست
۱۰	پروینه	محمد	ستوان دوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۲/۲۶	آبادان	ترکش ت
۱۱	توسلی	حسن	ستوان یکم	ل ۹۲ اهواز	۶۴/۱۱/۲۱	حسینیه	تیرمست
۱۲	جعفری میرآبادی	ایرج	استوار دوم	گروه ۵۵	۶۴/۱۲/۴	آبادان	بمبار هوا
۱۳	جلالی	نصرت	گروه بانیکم	ل ۳۰ گرگان	۶۴/۱۱/۲۸	فاو	ترکش ت
۱۴	جمشیدی	قمر	گروه بانیکم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۴	شلمچه	ترکش
۱۵	حیدری	غلامحسین	ستوانیار	ل ۸۱	۶۵/۲/۱۸	آبادان	ترکش

۱۴۰ / ارتش در فاو

				یکم		
تیرمستقیم	حسینیه	۶۴/۱۱/۲۱	ل ۹۲ اهواز	گروه بان دوم	سعید	حاکبازیان
تیرمستقیم	شلمچه	۶۵/۲/۹	ل ۳۰ گرگان	ستوان یکم	علی	خسروی
بمباران هوایی	فاو	۶۴/۱۲/۱۶	ل ۳۰ گرگان	گروه بان یکم	غلامرضا	دري
ترکش توپ	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۰	ل ۷۷ خراسان	ستوان دوم	مهدی	ربانی مقدم
ترکش توپ	فاو	۶۴/۱۲/۱۶	ل ۲۱ حمزه	استوار دوم	احمد	رجبی
ترکش توپ	فاو	۶۵/۳/۲۷	ل ۸۱	استوار دوم	مجید	رفیعی
ترکش خمپاره	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۲	ل ۲۱ حمزه	استوار دوم	فریدون	روشندل سلیمانی
تیرمستقیم	خرمشهر	۶۴/۱۱/۲۱	ل ۲۱ حمزه	گروه بان یکم	صفر	زلع دانلو
ترکش خمپاره	شلمچه	۶۵/۶/۱۰	ل ۹۲ اهواز	ستوان دوم	سلطانعلی	زحمتکش
ترکش خمپاره	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۰	ل ۷۷ خراسان	گ ۱	رجبعلی	سگزی
بمباران هوایی	آبادان	۶۴/۱۱/۲۸	گروه ۲۳	استوار دوم	مصطفی	سعیدی انجلیه
تیرمستقیم	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۲	ل ۷۷ خراسان	ستوان یکم	علی	سیدجوادی لیمودهی
تیرمستقیم	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۱	ل ۷۷ خراسان	ستوان دوم	حسین	سیستانی
تیرمستقیم	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۱	ل ۷۷ خراسان	گ ۱	علی محمد	شیرسوار
ترکش خمپاره	فاو	۶۵/۶/۱۶	۱۲۸۶۴	کارمند قراردادی	حمید	صالحی باورصاد
ترکش خمپاره	شلمچه	۶۴/۱۱/۱۲	ل ۲۱ حمزه	گ ۱	ابراهیم	صبوری زاده

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۴۱

تر خمس	فاو	۶۴/۱۱/۲۱	گروه ۴۱۱ بروجرده	گ ۱	اله یار	صیدی زیرطاق	۳۲
تر خمس	فاو	۶۵/۲/۱	ل ۸۱	استواریکم	محمد	طهماسبی	۳۳
تر خمس	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۲	ل ۲۱ حمزه	ستوان دوم	مرتضی	عابدی کوهپایه	۳۴
سو راند	خرمشهر	۶۴/۱۱/۱۶	ل ۲۱ حمزه	سروان	محمد رضا	علی حسینی	۳۵
تر خمس	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۲	ل ۷۷ خراسان	گ ۱	حسینعلی	غازی	۳۶
بمب هو	آبادان	۶۴/۱۱/۲۱	ل ۲۱ حمزه	ستوان دوم	جلال الدین	غزنوی نیروی	۳۷
تیرمس	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۰	ل ۷۷ خراسان	ستوان دوم	ابراهیم	فرمانی سنگاچین	۳۸
بمب هو	فاو	۶۵/۱۰/۳	ل ۲۱ حمزه	استوار دوم	رمضانعلی	قره سوغلو	۳۹
تیرمس	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۱	ل ۷۷ خراسان	گ ۱	علی اکبر	قلاوند	۴۰
تر خمس	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۳	ل ۷۷ خراسان	گ ۲	احمد	کریمی	۴۱
ترکش	آبادان	۶۵/۲/۲۶	گروه ۲۲	گ ۱	مهدی	لشکری	۴۲
ترکش	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۰	ل ۷۷ خراسان	ستوان ۲	سیدعلی	متقیان سعدآبادی	۴۳
تر خمس	حسینیه	۶۵/۴/۶	ل ۹۲ اهواز	گ ۱	محمدجعفر	محمدپور اقدام	۴۴
تر خمس	حسینیه	۶۴/۱۱/۲۹	ل ۹۲ اهواز	گ ۱	عزت ا...	محمدی	۴۵
تیرمس	شلمچه	۶۵/۱/۱۵	ل ۹۲ اهواز	استوار دوم	ناصر	معموم شاهی	۴۶
بمب شیم	فاو	۶۷/۱/۲۸	ل ۹۲ اهواز	استوار دوم	سید ابوالقاسم	معین الدین	۴۷
تر خمس	شلمچه	۶۵/۱/۲۲	ل ۹۲ اهواز	گ ۱	غلامرضا	دوری	۴۸
بمب هو	فاو	۶۴/۱۱/۲۳	مرکز توپخانه اصفهان	استوار دوم	سید ابراهیم	میرباقری	۴۹

۱۴۲ / ارتش در فاو

ترکش خمپاره	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۳	ل ۷۷ خراسان	گ ۲	کریم	نژاد محمد سرابی
غیره	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۲	ل ۲۱ حمزه	ستوان دوم	علیرضا	نقی زاده
ترکش خمپاره	شلمچه	۶۴/۱۱/۲۳	ل ۷۷ خراسان	گ ۲	داریوش	ندایی
تیرمستقیم	فاو	۶۵/۳/۱	تیپ ۵۵	ستواندوم	اکبر	ابرام
	فاو		ل ۲۱	ستواندوم	علی اکبر	رضایی
	فاو		ل ۲۱	ستوانیکم	مجید	ریاضتی
شیمیائی	فاو	۶۷/۱/۲۸	ل ۹۲	استواریکم	حسین علی	تاجیکی

تذکر: با توجه به اینکه جمع آوری اطلاعات بسیار مشکل است ، احتمالاً شهدای دیگری باشند که نتوانسته باشیم به اسامی آنان دست پیدا کنیم .

فهرست شهدای عملیات والفجر ۸ (پرسنل وظیفه)

ردیف	نام خانوادگی	نام	درجه	یکان
۱	آرش فر	صفرعلی	سرباز	لشکر ۲۱ حمزه
۲	امیری	طهمورث	//	//
۳	بابایانی	عبدالرحمان	//	لشکر ۷۷ خراسان
۴	پورشفیعی	یدا...	//	لشکر ۲۱ حمزه
۵	پوریعقوب	فرمان	//	//
۶	جاهدی	بهارعلی	//	لشکر ۷۷ خراسان
۷	جهانپور	فرض علی	//	لشکر ۲۱ حمزه

نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۴۳

//	//	محمد حسید ن	حاجی زاده	۸
//	//	محمد علی	حق شناس	۹
//	//	مهرداد	حمزه نیان	۱۰
//	//	محمد	خدایاری	۱۱
//	//	غلامحسین	دری دولت آبادی	۱۲
//	//	حمید	دریس	۱۳
//	//	درویش	دلفانی	۱۴
//	//	محسن	دیلم	۱۵
//	//	محمد امید ن	دیلمی	۱۶
//	//	حمیدرضا	رحمت الهی	۱۷
//	//	فرامرز	رزاقی	۱۸
//	//	سیفعلی	رستمی	۱۹
لشکر ۷۷	سرباز	همت	روحي	۲۰
لشکر ۲۱	//	قسمت	رهایی	۲۱
//	//	اصغر	زارع بهبهانی	۲۲
//	//	ناصر	کیکاوس زمانی	۲۳
//	//	غلامرضا	زوارای	۲۴
تیپ ۵۵	//	امیر	ستوده	۲۵
//	//	سید محمد	سجادی هزاوه	۲۶
لشکر ۲۱ حمزه	//	محبعلی	سلیمانی ساده	۲۷
تیپ ۵۵	//	نادر	سهراب زاده	۲۸

۲۹	سهرابي	محمد	//	لشکر ۲۱
۳۰	شعبان چورشي	عبد...	//	//
۳۱	سفيحي	احمد	//	//
۳۲	صادقي	حسن	//	گروه ۴۴
۳۳	صمدي مقدم	يوسف	//	لشکر ۲۱
۳۴	صيادي	جمشيد	//	لشکر ۲۱
۳۵	صيفي	کيومرث	//	//
۳۶	ظهوريان	محمدتقي	//	//
۳۷	عبداللهي نيک آبادي	سلطانعلد ي	//	//
۳۸	علي نقي	حميد	//	//
۳۹	فتحي	جمشيد	//	//
۴۰	فتوکيان	عباس	سرباز	لشکر ۲۱
۴۱	علي فرخي	بايرام	//	//
۴۲	فلاح تقی پور	سيروس	//	//
۴۳	قاسم زاده	سليمان	//	//
۴۴	قرباني	مرتضي	//	تیپ ۵۵
۴۵	قندهاري زاده	فرهاد	//	//
۴۶	قورت	عباس	//	لشکر ۲۱
۴۷	کهندوز	عباس	//	//

تیپ ۵۵	//	اصغر	ماندگاری	۴۸
لشکر ۷۷	//	سیف علی	محرمی	۴۹
لشکر ۲۱ حمزه	//	یداله	محمدی	۵۰
//	//	حسن	محمدی مؤید	۵۱
لشکر ۹۲ اهواز	ستواندوم وظیفه	بهرروز	مرتضی پور	۵۲
لشکر ۲۱ حمزه	سرباز	جواد	مقدم شاد	۵۳
//	//	امیر	موری	۵۴
لشکر ۷۷	//	سید محمد	موسوی	۵۵
لشکر ۲۱	//	سید حمزه	موسوی	۵۶
لشکر ۹۲ اهواز	//	محمد	موسوی کریمی	۵۷
لشکر ۲۱	//	محمد رضا	مهویی	۵۸
//	//	غلامرضا	میر	۵۹
لشکر ۲۱	سرباز	جواد	میرزایی	۶۰
//	//	حسین	مبعل اسرمی	۶۱
//	//	مالک	ناظمی بالینی	۶۲
//	//	بدر	ناصری	۶۳
//	//	نورالیدی ن	نجف زاده	۶۴
//	//	ابراهیم	نجفی	۶۵
//	//	حسن	نسائی جرودی	۶۶

۶۷	نوبهاري	حسين	//	تيپ ۵۵
۶۸	ورداني	جليل	//	لشكر ۲۱
۶۹	ولي زاده	احمد	//	//
۷۰	هواند	محمد	//	//
۷۱	يوسفي	عباسعلي	//	گروه ۴۴
۷۲	فروتن	محمدعلي	گروه بانس وم	لشكر ۹۲
۷۳	نيك بخت	حسن	سرباز	لشكر ۹۲
۷۴	خوشابي	علي	سرباز	لشكر ۷۷

توجه: آمار ارائه شده از کتابچه لیست شهداي نزاچا با توجه به مأموریت یگانهاي توپخانه و محل مأموریت تهیه شده است. همانطوري که ذکر گردید، امکان دارد تعداد دیگری باشند که در این لیست به آنها اشاره نشده است.



هوانیروز در عملیات والفجر ۸

مقدمه

شاید عنوان

هوانیروز قهرمان را بتوان به آشکار و نه در شعار بلکه در میدان کار زار در چند فراز از نوشته‌هاي تحلیل گران جنگ در فاو تجسم کرد :

” تیپ زرهی از سپاه هفتم عراق که برای پاتک به منطقه وارد شده بود ، مورد هدف هلی کوپتر های کبری قرار می گیرد و پس از برجای گذاشتن تلفات و خساراتی از منطقه می گریزد^۱. ”

و یا : ” ... در حالی که درگیری شدت یافته است ، حضور مجدد هلی کوپترهای کبری بر فراز آسمان خستگی و کوفتگی را از بدن رزمندگان می زداید و خوشحالی و شادمانی به خاطر عملیات قابل توجه و مؤثر آنان، در چهره نیروها دو چندان می گردد ، آنان به قدری مانور هلی کوپتر ها را موفق می دانند که به هر وسیله شده فرمانده عملیات را جهت تکرار صحنه ای مشابه تحت فشار می گذارند پیک می فرستند و یا از طریق بی سیم مکرراً درخواست پرواز مجدد هلی کوپترهای کبری را می کنند ، در همین حال حملات نیروی هوایی خودی نیز روحیه نیروها را افزایش می دهد^۲. ”

این نخستین باری نیست که زبان و قلم آشنایان به فعالیت های هوانیروز نا خودآگاه در وصف این یگان قدرتمند میدانهای رزم مجبور به توصیف و تمجید می شوند زیرا در ایام جنگ ناخواسته هر گاه ماموریتی به هوانیروز واگذار گردید، نتیجه رضایت بخش و غرورآفرین آن پیشاپیش مشخص و تضمین شده، تلقی می گردید و این مهم بدون تردید در سایه خردمندی فرماندهان، شجاعت خلبانان، دقت نظر ناوبران، کاردانی عوامل فنی و تلاش همگانی امکان پذیر می گردید در مجموع هوانیروز آمده بود که افتخاری جاویدان بیافریند و چنین کرد و از خود نامی ماندگار بر جای گذاشت، به طوری که امروز برای ما در نقش بازگو کنندگان این حماسه آفرینها هر چه بگوئیم و بنویسیم بازهم حق مطلب را ادا نکرده و

۱. نداف، مجید؛ نبرد فاو؛ ص. ۱۲۵.

۲. همان.

جاي بيشتر گفتن و بيشتر نوشتن براي ديگران مي ماند .

سازمان رزمي :

هوانيروز با تشكيل قرارگاه عملياتي «سليمانخاطر» و در اختيار قرار دادن ۸۰ فروند انواع بالگرد در عمليات والفجر ۸ شرکت نمود و توان رزمي خود را به نمايش گذاشت. برابر اسناد و مدارك موجود يگانهاي زير در عمليات والفجر ۸ شرکت موثر داشته اند:

– گروه پشتيباني عمومي اصفهان با كليه مقدرات در پشتيباني مستقيم از تلاش اصلي (يگانهاي سپاه پاسداران انقلاب اسلامي)

– گروه رزمي مسجد سليمان و گروه رزمي کرمان در پشتيباني مستقيم تلاش پشتيباني (ارتش جمهوري اسلامي ايران)

لازم به ذکر است با توجه به اين که عمليات تلاش پشتيباني در چند روز اول عمليات به پايان رسيد و خط پدافندي تثبيت گرديد ، بيشتر وسائل پشتيباني آتش (توپخانه و هوانيروز ، ...) با تغيير ماموريت به پشتيباني تلاش اصلي پرداختند ، لذا گروه هاي رزمي مسجد سليمان و کرمان نيز با تغيير ماموريت ، به پشتيباني از تلاش اصلي مبادرت کردند.

– پایگاه تهران در احتياط و با تقدم در منطقه تلاش اصلي.

درباره حجم وسائل پرنده هوانيروز شرکت کننده در عمليات فاو معاونت هماهنگ کننده هوانيروز ميگويند " آمار اوليه را مي توان از مدارك استخراج كرد، اما اين آمارها به طور معمول معمولاً قابل استناد نيستند، زيرا با توجه به حضور دائمي فرمانده وقت هوانيروز در ستاد هدايت کننده عمليات هر شب در شور ستادي نياز روز بعد پيش بيني و شبانه دستورات لازم به گروه هاي هوانيروز صادر ميگرديد و روز بعد وسائل پرنده مورد نياز در منطقه حاضر مي شد.

هوانیروز در عملیات والفجر ۸ / ۱۴۹

این دستورات بیشتر شفاهی و تلفنی انجام می‌گرفت و در جایی ثبت نمی‌شد، بنابراین ممکن بود در یک روز چندین فروند اضافه و یا کسر گردد .

و این هم یکی از ویژگیهای خوب هوانیروز است که در اثر تحرك بالاي آن به دست می‌آید^۱.

ماموریت

هوانیروز، این یگان پرحلاکت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با داشتن نیروهای متخصص و فداکار در تمامی زمینه های جنگ فعال بود ، ترابری پرسنل ، حمل آذوقه ، مهمات ، جابجایی وسائل رزمی سنگین و سبک، پشتیبانی از نیروهای تک کننده ، دفع پاتک های دشمن ، انجام پروازهای شناسائی، تخلیه مجروح و از همه مهمتر پشتیبانی آتش موثر از جمله وظائفي بود که بر دوش پرسنل این یگان سنگینی می کرد . در مدارك منتشره آمده است که هوانیروز در عملیات والفجر ۸ با استفاده از کلیه تاکتیکهای رزمی و تجربه های کسب شده در جنگ ناخواسته ، انواع ماموریت های متنوع پیش بینی شده برای این نیرو را با توانایی بیش از انتظار به انجام رسانده و به طور مشخص با توجه به اهمیت رعایت فریب تاکتیکی^۱ که در عملیات والفجر ۸ به عنوان موثرترین تاکتیک مورد نظر بود ، هوانیروز با پروازهای فریبنده در فریب دشمن و انحراف عناصر اطلاعاتی در تشخیص تک اصلی نقش موثری ایفا نموده است که با روال عادی عملیاتی گذشته به طور کامل متفاوت بود ، صرف نظر از انواع ماموریتهای رزمی و پشتیبانی رزمی که به طور معمول انجام گرفته است ، هوانیروز در روزهای اول عملیات که یگانهای تک ور از رودخانه خروشان اروندرود گذشته بودند و هنوز پلی روی رودخانه زده نشده بود و پلهای روی رودخانه

۱. نوار مصاحبه با افسران هوانیروز.

۱. کلیه اقداماتی است که باعث گمراهی و اشتباه دشمن می‌شود.

بهمنشیر نیز تخریب شده بود و ارتباط تدارکاتی آنان با عقبه قطع بود ، با حمل بار خارجی بویژه سلاحهای سنگین پیاده توانست کمک چشمگیری به یگانهای در خط بنماید.

محل استقرار هوانیروز

منطقه اصلی استقرار بالگردها و سایر نیروهای پشتیبانی هوانیروز در مناطق دارخوین، چنانه و عین خوش قرار داشت و از این مناطق برابر ماموریتهای ابلاغی به مناطق فرعی (قرارگاه شهید سلیمانخاطر، قرارگاه رعد، قرارگاه خاتم الانبیاء، قرارگاه عقاب، قرارگاه المهدی) در قالب تیمهای چند فروندی اعزام میشدند تا ماموریتهای خود را انجام دهند .

شرح عملیات

شرح فعالیت‌های پایگاه‌های چهارگانه می‌تواند به ما کمک کند که بیشتر به نقش ارزنده و تعیین کننده این نیرو در عملیات والفجر ۸ پی ببریم .

(۱) پایگاه رزمی پشتیبانی اصفهان

پایگاه اصفهان که به نام پایگاه مادر خوانده می‌شود با دارا بودن حداکثر استعداد بالگرد و به عنوان تنها پایگاهی که بالگرد شنوک را در اختیار دارد، در عملیات والفجر ۸ با حداکثر ظرفیت بالگرد (۴۲ فروند) و بیش از ۶۰۰ نفر نیروی متخصص (خلبان، فنی) و بالاترین حجم پرواز به شرح زیر شرکت نمود :

استعداد نیرو بالگرد پایگاه اصفهان

ردیف	واحد اعزام کننده	نوع بالگرد	تعداد	تعداد خلبان	پرسنل فنی و ستادی
۱	گردان شنوک	شنوک	۱۲ فروند	۶۶ نفر	۶۰ نفر
۲	گردان هجومی	۲۱۴	۱۵ فروند	۳۶ نفر	۸۵ نفر
۳	گردان تک	کبرا	۹ فروند	۲۱ نفر	۷۰ نفر
۴	گردان تک	۲۰۶	۵ فروند	۱۵ نفر	۵۰ نفر

هوانیروز در عملیات والفجر ۸ / ۱۵۱

۵	یگان فسک ^۱	—	—	—	۲۵ نفر
۶	گردان	—	—	—	۹۰ نفر
۷	یگان قرارگاه	—	—	—	۲۵ نفر

جدول فعالیت‌های پایگاه اصفهان^۱

ردیف	شرح	تعداد
۱	ساعت پرواز انجام شده	۴۳۴ ساعت پرواز در ۶۴۴ نوبت
۲	ترابری نیرو (هلی برن)	۱۰۵۸ نفر
۳	حمل باز (داخلی و خارجی)	۳۴ تن
۴	تخلیه مجروح	۱۴۰۰ نفر

مهمات استفاده شده

ردیف	شرح	تعداد
۱	موشک تاو	۶۷ فروند
۲	موشک ماوریک	۴ فروند
۳	راکت	۸۴۱ عدد
۴	گلوله ۲۰ میلیمتری	۵۲۸۰ عدد

(۲) پایگاه هوانیروز کرمان

پایگاه کرمان با ماموریت پشتیبانی مستقیم از قرارگاه کربلا (پشتیبانی از تلاش پشتیبانی) با استعداد ۲۷ فروند انواع بالگرد (۱۲ فروند ۲۱۴، ۸ فروند کبرا، ۳ فروند ۲۰۶ و ۴ فروند شنوک) در عملیات والفجر ۸ شرکت فعال داشت.

(۳) پایگاه هوانیروز مسجد سلیمان

۱. یگان فسک، تعمیرات سنگین بالگردها را انجام می‌دهد.

۱. جداول از کتاب هوانیروز در عملیات بزرگ فاو صفحات ۱۹ و ۲۷ و ۲۸ آورده شده است.

شرکت این پایگاه در عملیات به علت نزدیکی پایگاه به جبهه جنوب برای پشتیبانی از سایر نیروهای هوانیروز مستقر در مناطق عملیاتی بود و در طول عملیات به صورت آماده در پایگاه انجام وظیفه می‌کردند. این پایگاه با ۲۱ فروند بالگرد (۶ فروند بالگرد کبرا، ۸ فروند بالگرد ۲۱۴، ۳ فروند بالگرد ۲۰۶ و ۴ فروند بالگرد شنوک) در این عملیات شرکت داشت.

(۴) پایگاه تهران

این پایگاه که مدیریت و فرماندهی هوانیروز را به عهده داشت با اعزام یک فروند جت فالکن و یک فروند فرندشیپ در عملیات والفجر ۸ شرکت نمود.

خلاصه شرح فعالیتها

برابر آمارهای منتشره هوانیروز اقدام به جابجایی دهها دستگاه خودرو جیپ حامل موشک تاو، تفنگ ۱۰۶ م.م و تفنگ ۵۷ م.م نموده است که از نظر سرعت و تعداد، رکورد جدیدی بجای گذاشته است. در این عملیات در مجموع ۳۹۳۸ ساعت پرواز در ۳۸۹۰ سورتی انجام گرفته است که در این پروازها ۲۰۵۸ نفر مجروح تخلیه گردیده و ۱۶۴۲ نفر از رزمندگان در منطقه جابه‌جا شده و ۳۳۰ تن مهمات حمل گردیده است.

جدول پیوست که خلاصه فعالیت هوانیروز را در ۱۰ روز اول عملیات منعکس می‌کند، به خوبی نشان می‌دهد این یگان تا چه اندازه فعال بوده و چه نقش تعیین کننده‌ای را در عملیات فاو ایفا کرده است. شاید همین جدول کافی باشد که بگوییم اگر تنها هوانیروز در این عملیات شرکت نداشت، هرگز موفقیت افتخار آمیز تسخیر فاو و تثبیت پیروزیهای کسب شده در ۲۴ ساعت اول عملیات به وقوع نمی‌پیوست.

جدول خلاصه فعالیت هوانیروز از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ الي

۶۴/۱۱/۳۰

نوع مأموریت	تعداد سورته ی	ساعت پرواز	فعالیت انجام شده
پشتیبانی آتش	۲۵۴	۱۹۳/۵۰ س	دفع پاتک های دشمن
تخلیه مجروح	۴۶۶	۳۴۷/۴۵	تخلیه ۱۵۷۰ نفر
حمل بار و نفرات	۱۲۰	۸۲	۱۲۰۰ نفر ۳۸ تن بار
متفرقه ه	۴۲	۱۴۰	۳۸۵ نفر
جمع	۸۷۲	۷۷۳/۳۵	_____

نقش هوانیروز (به روایت تاریخ شفاهی و اسناد)

شنیدن فرازهایی از زبان فرماندهان درگیر در خط مقدم جبهه یا نقل تحلیل‌های نظامی بوسیله صاحب نظران به ما کمک می‌کند تا بیشتر در جریان فعالیت‌های انجام شده بوسیله این یگان پر صلابت و توانای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در عملیات والفجر ۸ قرار گیریم و گوشه‌های دیگری از تلاش برای رسیدن به موفقیت قطعی در این عملیات را بیان کنیم .

نویسندگان و تحلیل گران در کتاب فاو تا شلمچه می نویسند :

قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی عملیات را به عهده داشت و برادران هوانیروز نقش برجسته ای در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می کردند.^۲

و یا در بخش پیشروی خودی، (انهدام دشمن) از کتاب نبرد فاو که وقایع جنگ در فاو را لحظه به لحظه منعکس می کند آمده است :

در اوج درگیری ، در ساعت ۰۹۰۰ صبح دو فروند هلی کوپتر خودی در صحنه حضور می یابند و با فریادهای الله اکبر رزمندگان مورد استقبال قرار می گیرند . حضور به موقع آنها روحیه خسته ولی امیدوار نیروهای خودی را تازه می کند . جاده آسفالته البحار در يك لحظه راکت باران می شود و نیروهای عراقی حتی آنان که دور از منطقه درگیری در سنگرهای فرماندهی و پشتیبانی صحنه را نظارت می کنند ، از آتش رُعب انگیز کبریها در امان نمی مانند . خلبانان هلی کوپترها با شجاعت خاصی روی سر دشمن ظاهر گردیده و با مانورهای بسیار عالی ، تانکها و توپهای دشمن را مورد هدف قرار می دهند.^۱

سرتیپ ۲ خلبان رحمان قضات که در تمام صحنه های جنگ تحمیلی، حضور فعال داشته و هم اکنون (۱۳۸۲) در پست معاونت هماهنگ کننده هوانیروز می باشد، درباره فعالیت هوانیروز چنین اظهار نظر می کند :

” گرچه در تمام عملیات ها شرکت موثر داشته ایم اما از نظر حجم وسایل پرنده ، عملیات والفجر ۸ ویژگی خاص خود را دارد ، من

۲. از فاو تا شلمچه؛ ص. ۱۹.

۱. نبرد فاو، ص. ۹۷.

با درجه سروانی به عنوان لیدر پرواز در این عملیات شرکت داشته و از ۴۸ ساعت قبل در منطقه دارخوین مستقر شدیم و از طریق زمین شناسائیهای خود را تا ساحل اروندرود آغاز کردیم، انواع بالگردهای کبرا، ۲۱۴ و شنوک از پایگاههای اصفهان، کرمان، مسجدسلیمان و تهران شرکت داشتند، مأموریت پایگاه اصفهان پشتیبانی از سپاه پاسداران و پایگاههای کرمان و مسجد سلیمان در پشتیبانی از قرارگاه کربلای ارتش و پایگاه تهران به عنوان احتیاط عمل میکرد. در این عملیات انواع مأموریت های پشتیبانی آتش، نجات، حمل مجروح، جابجائیهای پرسنل و تجهیزات و شناسائی هوایی در حد مطلوب و با برنامه ریزی صحیح انجام گرفت و اضافه بر تیمهای پروازی - تیمهای تعمیراتی و پشتیبانی و ستاد فرماندهی شرکت داشتند که در این حجم قبل از این تقریباً بی سابقه بود.

عملیات شبانه شروع و یگانها از رودخانه خروشان اروند با موفقیت عبور و ساحل غربی به تصرف در آمد، اما با روشن شدن هوا و نیاز یگانهای تک ور به انواع پشتیبانی ها، و کمبود امکانات حمل و نقل روی آب، مأموریت هوانیروز با حساسیت خاصی ابلاغ گردید، ضمن این که تیمهای آتش به وظیفه خود در حد گسترده عمل می کردند، کمبود تجهیزات سنگین و لزوم تدارکات ایجاب می کرد مأموریت اسلینگ (حمل بار خارجی) برای جابجایی انواع سلاح های ضد تانک، (تفنگ ۱۰۶ م.م و تفنگ ۵۷ م.م) انجام گیرد که هوانیروز از این جهت، رکورد جدیدی از نظر تعداد پرواز و سرعت عمل به دست آورد، با شروع پاتک های عراق و بمبارانهای هوایی تخلیه مجروح و جابجائی های سریع پرسنل و تدارکات نیز شدت یافت. تا جایی که با آمار می توان ادعا کرد که در چند روز اول عملیات که هنوز روی اروند پلی وجود نداشت، هوانیروز و قایق ۸۰٪ از تدارک مورد نظر را

جابجا کردند ، اگر اغراق نکرده باشم هوانیروز مانند تاکسی تلفنی عمل می‌کرد . آنهم در شرایطی که تقریباً برتری هوایی با دشمن بود ، کار ساده ای نبود و فقط با قبول خطر و روحیه شهادت طلبی و عزم راسخ برای پیروزی امکان پذیر بود ، که چنین صفاتی در خلبانان رشید هوانیروز وجود داشت .

بدون تردید و جدای از این که من یک خلبان هوانیروز هستم ، اگر هوانیروز نبود و چنین آماد رسانی گسترده ای انجام نمی گرفت و تیمهای آتش کبرا نقش خود را در پشتیبانی آتش ایفا نمی‌کردند، عملیات به نتیجه افتخار آمیز نمی رسید ، زیرا عقبه خودی قطع شده بود و حتی پلهای روی رودخانه بهم‌نشیر هم به وسیله هواپیماهای عراقی تخریب شده بودند ، یگانهای تک و ر عموماً پیاده و با تجهیزات سبک بودند و پاتک های سنگین دشمن هم آغاز شده بود و هیچگونه تانک یا سلاح‌های ضد تانک موثری هم در ساحل غربی وجود نداشت در نتیجه آنچه می‌ماند، حرکت از راه هوا و سرعت عمل است که تنها در امکانات هوانیروز است، هوانیروز تیمهای آتش خود را به سه قسمت تقسیم کرد . یک تیم در حال درگیری ، یک تیم در حال برگشت و یک تیم در حال رفت منطقه عملیات بود که ما به طور مدام با دشمن درگیر بودیم ، تیمهای آتش با استفاده از راکت ، موشک تاو، موشک ماوریک و توپ ۲۰ م.م آن چنان آتش روی دشمن به ویژه در منطقه دریاچه نمک داشت که چندین پاتک او با شکست قطعی مواجه شد ، فشار روی هوانیروز تا مهیا شدن پل و عبور یگانهای سنگین توپخانه و تانک ارتش از روی آن وجود داشت و بعداً ما توانستیم نفس راحتی بکشیم .

این خلبان قهرمان درباره به کارگیری تاکتیک‌های ویژه می‌گوید:

" در این رابطه باید اضافه کرد که نه‌اجا با استقرار یگانهای موشکی پدافند هوایی و به کار گیری تاکتیک‌های ویژه و نزاها با حجم زیادی از سلاح های ۲۳ م.م پدافند هوایی و

هوانیروز در عملیات والفجر ۸ / ۱۵۷

شیلکا شرائطي را به وجود آورده بودند که جنگنده هاي عراقی جرأت هدف گیری دقیق را نداشتند و بیشتر بمبهاي خود را از ارتفاع بالا رها می کردند . مجموعه این شرائط ضمن این که بسیاری از هواپیماهاي دشمن را ساقط کرد امکان مانور را از دشمن گرفت و این به نفع هوانیروز بود ناگفته نماند ما در طول جنگ تحمیلی با تجربه اي که کسب کرده بودیم می دانستیم چگونه با نیروی هوایی دشمن کنار بیاییم و خلبانان ما کمتر ترسی از وجود هواپیماهاي دشمن در فضا داشتند ، البته ما آموزشهاي لازم برای چنین مواردی دیده بودیم ، اما هماهنگ کردن این تاکتیک ها و از قوه به فعل در آوردن آموزشهاي دیده شده فقط در میدان جنگ انجام گرفت .

در مورد مقابله با هلی کوپترهاي دشمن ، خلبانان هوانیروز با تجربه اي که کسب کرده بودند ، آنها را دنبال می کردند و عراقیها هم چاره اي جز فرار نداشتند زیرا از امکانات موشک تاو و توان هدف گیری خلبانان ما بسیار آگاه بودند ."

سرهنگ سلطانی نیا ، یکی دیگر از خلبانان هوانیروز که در عملیات والفجر ۸ شرکت مؤثر داشته است می گوید :

در آن هنگام (بهمن ماه) در سال ۶۴ که در قرارگاه بودیم ، دو مورد شنود را که از نظر اطلاعاتی اهمیت داشت برای پرسنل تشریح و معرفی کردند که مورد اول گفته یکی از فرماندهان عراقی در مورد حمله ایرانیها بود که یک هفته قبل از عملیات والفجر ۸ ایراد شده بود ، او با اطمینان گفته بود که "عبور از ارونند بسیار مشکل و حداقل کار ایرانیها نیست" ، اما مورد بعد این بود که یگانهاي مأمور پاتک برای پس گیری فاو در توجیه عدم موفقیت خود گزارش کرده بودند : "به علت فعالیت بیش از حد هلیکوپتر هاي دشمن (ایران)

قادر به گرفتن آرایش برای انجام پاتک نیستیم."۱

در مورد گفته اول ، بر خلاف اظهارات آن فرمانده عراقی رزمندگان اسلام با رعایت اصل غافلگیری و بارشادت تمام از اروند رود گذشتند و سر پلی را اشغال کردند ، اقدام بعد گسترش سرپل و یا حداقل حفظ سر پل بدست آمده بود ، که بدلیل شرائط ویژه و امکانات محدود کاری بس دشوار بود اگر امکانات محدود و موجود هم به سرعت به دست رزمندگان نمی رسید موفقیت های اولیه از کف می رفت . همان طوری که امیر قضات گفتند استفاده از امکانات هوانیروز تنها چاره کار بود که خوشبختانه هوانیروز با صلابت تمام آماده خدمات رسانی بود که من به عنوان یک خلبان بالگرد ۲۱۴ شاهد قبول خطر و نادیده گرفتن محدودیتها به وسیله خلبانان بودم . ما انواع سلاح های سنگین مانند جیپ یا موشک تاو و تفنگ ۱۰۶ و تفنگ ۵۷ را به آن طرف رودخانه بردیم تا سایر راه های ارتباطی برقرار گردید و دیگر سلاح های سنگین به کمک یگان های تک ور آمدند والحمدلله شاهد موفقیت در عملیات شدیم^۱.

یکی از خلبانان غیرتمند بر فعالیت چشمگیر و فراگیر هوانیروز مهر تأیید می گذارد. او می گوید:

از گروه کرمان با بالگرد ۲۱۴ به عملیات فاو اعزام شدم. در داخل جزیره آبادان در کنار سایر همکاران استقرار یافتیم. در روز اول عملیات، مأموریت یافتیم تجهیزات را به ساحل غربی اروندرود حمل کنیم. من قبل از این عملیات گرچه آموزش حمل بار خارجی را دیده بودم اما هیچگاه عمل نکرده بودم. برای اولین بار یک دستگاه جیپ همراه با موشک تاو را جابجا کردم و این تجربه اول را طوری انجام دادم که در هیچ آیین نامه ای

۱. نوار مصاحبه با افسران هوانیروز (نوار شماره ۱۲)..

نوشته نشده بود ، من آنقدر به زمین نزدیک بودم که چرخهای جیپ روی آب رودخانه ارونند تماس داشت و در همان روز اول این کار را در چند نوبت با موفقیت و اعتماد به نفس به سرانجام رساندم و در هر مورد پس از پیاده کردن خدمه و بلند شدن ملاحظه می کردم که جیپ حامل جنگ افزار برای انجام مأموریت بحرکت در می آمد و این باعث می شد تا در من یک نوع در خود احساس شعف و سربلندی بوجود آید . در یک مورد ، خدمه یکی از موشکهای تاو را دیدم که بلافاصله درگیر یک تانک عراقی شده با شلیک مؤثر تانک را به آتش کشید . پرواز در ارتفاع پست از یک طرف خطر برخورد با موانع را داشت اما از طرف دیگر تا رسیدن به هدف خلبان در دید قرار نمی گیرد و درگیر هواپیماهای دشمن نمی شود . اگر تمام مأموریتهای گذشته را ورق بزنیم در هیچ عملیاتی به اندازه والفجر ۸ ، هوانیروز مجبور به حمل بار خارجی نشده بود و یا در شرایط نامساعد پرواز نداشته است، در این عملیات با توجه به ویژگی خاص آن تمام استانداردها را کنار گذاشت و با هدف اجرای مأموریت به هر قیمت وارد کارزار شده و از یگانهای در خط پشتیبانی کرد همین موضوع سبب گردید که پاتکهای مکرر دشمن به شکست بیانجامید و تصرف فاو مقدور شود .

یکی از خصوصیات بارز این عملیات اصل غافلگیری آن بود. به صورتی که تا شب عملیات اکثر نیروهای خودی هم از شروع و ساعت آن بی اطلاع بودند.

سرهنگ حسین وکیلی یکی از خلبانان کبرا عنوان می نماید:

قبل از عملیات خلبانان از راه زمین و با حضور در دیدگاه ها، مناطق عملیاتی (فاو) را شناسایی و محورهای پروازی را مشخص نمودند و در یکی از این شناسایی ها که با حضور برادر رحیم صفوی انجام می گرفت پس از بازدید از

منطقه عملیاتی جهت توجیه نقشه در سوله‌ای وارد شدیم و پس از توجیه کامل زمانی که از آن محل بیرون آمدیم تقریباً هوا تاریک شده بود و در این لحظه، برادر صفوی من را صدا کرد و آهسته گفت: که وقتی به مقر هوانیروز رسیدید به سرهنگ محمد انصاری (فرمانده پایگاه) بگو که خلبانان کبرا برای فردا صبح جهت مقابله با پاتک‌های دشمن آماده باشند.

ما که فکر می‌کردیم این عملیات حداقل در چند روز آینده انجام می‌گیرد، از این خبر بسیار شوکه و مجبور شدیم آن شب به کمک پرسنل فنی برویم و تا صبح بالگردهای کبرا را مهمات گیری نماییم تا اول صبح آن‌ها آماده پرواز باشند.

با روشنایی صبح تیم‌های آتش هوانیروز وارد صحنه عملیات گردیده و به کمک نیروهای زمینی شتافته و با هدف قرار دادن تانک‌های دشمن، پاتک‌های سنگین آن‌ها را متوقف می‌نمودند، خلبانان کبرا در طول عملیات و با حضور در بالای سر نیروهای رزمنده ضمن تقویت روحیه آن‌ها نقش به‌سزایی را در توقف و انهدام نیروهای دشمن داشتند. نبرد آن‌ها با تانک‌های گارد ریاست جمهوری عراق و در اطراف کارخانه نمک که با هدایت شخص صدام انجام می‌گرفت واقعاً نبردی نفس‌گیر و در جلوگیری از پیشروی دشمن بسیار مؤثر بوده است.

استفاده از موشک‌های ماوریک که توسط بالگردهای کبرا شلیک می‌گردید، یکی دیگر از نکات بارز هوانیروز در این عملیات بوده است. خلبانان کبرا، بارها با شلیک این موشک به اهداف و مراکز تجمع نیروهای دشمن در مسیر جاده فاو تا دریاچه نمک باعث انهدام و سر درگمی دشمن و سهولت در امر پیشروی نیروهای ودی را داشته است.

از طرفی دشمن با استقرار شناورهای خود در آب‌های خور عبدالله و متکی به جزیره بوبیان کویت سعی می‌نمود که جناح غربی نیروهای اسلام را همواره مورد تهدید قرار دهد و با شلیک از

راه دور ضرباتی را وارد نماید لذا یکی از مأموریت‌های هوانیروز مقابله با این شناورها بوده است که به محض رویت آن‌ها بالگردهای کبرا با پرواز بر روی آب‌های خور عبدالله با شلیک‌های خود آن‌ها را هدف قرار می‌دادند.

سرهنگ بازنشسته خلبان اژدر نظری می‌گوید: ۳ روز متوالی گوش به زنگ و منتظر فرصت بودیم تا این‌که در روز چهارم هیکل غول آسای شناور بزرگی را در اطراف جزیره بوبیان مشاهده نمودیم و با پرواز به سمت آن و شلیک یک موشک ماوریک، پس از چند ثانیه کوهی از آتش و دود و تکه‌های شناور به آسمان پرتاب شد و به دنبال آن انفجارهای پی‌درپی و شدیدی ملاحظه نمودیم.

از مواردی که پرواز بالگردهای ۲۱۴ را با مشکل مواجه ساخته بود اسلینگ و حمل تجهیزات به صورت بار خارجی بود. زیرا حجم زیاد بعضی از این تجهیزات مثل (جیب و تفنگ ۱۰۶ مربوطه) باعث برهم خوردن تعادل بالگرد در حین پرواز می‌گردید و چنانچه پرواز دقیقی انجام نمی‌گرفت سقوط بالگرد حتمی بود. آتش سنگین توپخانه و حضور هواپیماهای دشمن در این لحظات هم مزید بر علت و کار را برای خلبانان بسیار مشکل ساخته بود.

حضور مسئولین به خصوص فرمانده گردان بالگردهای ۲۱۴ (امیر سرتیپ دوم بازنشسته خلبان علیرضا فیروزان) در بین خلبانان جمعی خود و پرواز با آن‌ها در این لحظات حساس باعث تقویت روحیه و افزایش جسارت آن‌ها برای انجام این پروازهای سخت گردیده بود به صورتی که آن‌ها بدون هیچ مشکلی به خوبی این تجهیزات را اسلینگ و در منطقه فاو پیاده می‌نمودند.

از دیگر اتفاقات مهم این عملیات سقوط یک فروند هواپیمای جنگی دشمن توسط خلبانان هوانیروز بود. هرچند بالگرد کبرا با توجه به مأموریتی که برای این وسیله تعریف گردیده نبایستی با هواپیماهای جنگی مقابله نماید

ولي در ارتش جمهوري اسلامي ايران، هدايت اين وسيله در طول هشت سال دفاع مقدس را خلباناني بر عهده داشتند كه خيلي از معيارها و معادلات جهاني پرواز را بر هم زده بودند و با شهامت و جسارتي كه از خود نشان مي‌دادند هيچ سلاحي حتي هواپيماهاي جنگي دشمن در منطقه از خشم آنها در امان نبودند.

سرهنگ بازنشسته خلبان جهانگير كاوسي مي‌گويد:

من در اين عمليات افسر رابط و در کنار درياچه نمك بودم و صحنه هدف قرار گرفتن و سرنگوني آن هواپيما را به اتفاق درجه‌دار مخابراتم از روي زمين كاملاً مشاهده نموديم. در آن لحظه نيروهاي ديگر هم شاهد اين اتفاق بودند. هواپيما به وسيله آتش پر حجم سه فروند بالگرد كبراي هوانيروز كه در حال عمليات بودند مورد اصابت قرار گرفته و سرنگون شد. در آن عمليات من شاهد سرنگوني دو فروند از بالگردهاي عراق هم بودم.

به عنوان نمونه خلبان حسن خدابنده‌لو كه خود از نزديك دستي بر آتش جنگ داشته است مي‌گويد:

عجيب‌ترين واقعه در تاريخ جنگ كه از همان مقطع جنگ (عمليات والفجر ۸)، جهانيان را به شگفتي فرو برد، انهدام يك فروند هواپيماي ميراژ ۲۰۰۰ توسط يكي از خلبانان هوانيروز است كه متأسفانه هيچ وقت آن طور كه شايبسته است به اين حماسه بزرگ كه چگونه يك فروند بالگرد كبري توانسته است يك فروند جنگنده عراقي را نابود سازد، پرداخته نشد^۱.

در روزنامه كيهان شماره ۱۲۹۷۳ مورخه دوشنبه ۱۳۶۴/۱۱/۲۸ آمده است:

هوانیروز در عملیات والفجر ۸ / ۱۶۳

نخستین هفته نبردی گسترده در جنوب خاک عراق را در حالی پشت سر می‌گذاریم که نیروهای اسلام در را رسیدن به آخرین بندر عراق در خلیج فارس هستند. این پیشروی با حملات وسیع، بی سابقه و سنگین جنگنده‌ها و بالگردهای هوانیروز و هواناو ایران توأم شده است. طی نبردهای روز گذشته جنگنده‌ها و بالگردهای ایران هم‌زمان با پیشروی نیروهای اسلام در محور استراتژیک فاو - ام‌القصر، تیپ‌های پیاده و زرهی دشمن را زیر آتش گرفتند.

بالگردهای هوانیروز ایران طی روز گذشته به شکار تانک‌ها و واحدهای زرهی و پیاده عراقی در امتداد جاده فاو - ام‌القصر پرداختند. از جمله یک یگان از نیروهای زرهی سپاه هفتم عراق که برای انجام پاتک وارد عملیات شده بود، مورد تعقیب بالگردهای توپ‌دار هوانیروز قرار گرفت و چندین دستگاه تانک پیشرفته تی-۷۲ به هنگام فرار مورد هدف قرار گرفت و نابود شد.

بخشی از عملیات بالگردهای هوانیروز با هماهنگی جنگنده‌های نیروی هوایی صورت گرفت و شمار قابل توجهی از مواضع، تجهیزات و نفرات عراقی بر اثر این حملات از بین رفت.

پیشروی چندین کیلومتری نیروهای اسلام در جاده فاو - ام‌القصر با بمباران مواضع عراق در این مسیر توسط هواپیماها و بالگردهای ایران سرعت بیشتری گرفته است.

ارتش عراق در سه پاتک سنگین در شمال فاو ده‌ها تن دیگر از نفرات و شمار قابل توجهی از تجهیزات هود را از دست داد. در جریان این پاتک‌ها که طی روز گذشته انجام شد یک فروند دیگر از جنگنده‌های ارتش عراق و یک فروند بالگرد «سوپر فرسئون» سرنگون شد. به این ترتیب مجموع هواپیماهای ساقط شده ارتش عراق در طول عملیات به سه فروند رسید. در

همین حال خلبانان هوانیروز مواضع و تجهیزات دشمن را به آتش کشیدند.

بالگرد هوانیروز يك فروند بالگرد عراقي را شكار كرد: يك فروند بالگرد عراقي در يك نبرد هوایی کم‌نظیر توسط بالگرد هوانیروز ایران شکار شد. يك فرمانده هوانیروز در پی این حادثه اعلام کرد: چنین درگیری مستقیم بالگردها از موارد نادر است که در جنگ اتفاق می‌افتد و اتخاذ تاکتیک ویژه و به موقع، خلبان بالگرد را قادر می‌سازد تا بالگرد دیگر را شکار کند. وي مهارت خلبانان هوانیروز را در دنیا بی‌نظیر توصیف کرد. با سقوط این بالگرد شمار بالگردهای ساقط شده عراق در طول عملیات والفجر ۸ به چهار فروند رسید. لازم به یادآوری است که این پنجمین بالگرد عراقي است که از ابتدای جنگ تحمیلی تا کنون توسط بالگردهای هوانیروز سرنگون شده است.

خاطرات

آنچه در این قسمت بیان می‌گردد، از طریق گروه معارف جنگ هوانیروز ارسال شده است که نشان دهنده فعالیت و ایثارگری پرسنل نیروی زمینی می‌باشد. لازم به ذکر است نویسنده هیچ گونه دخل و تصرفی در بیان خاطرات نداشته است.

سرهنگ فنی هوایی حسینعلی جمشیدی:

در عملیات والفجر ۸ ما در نقاطی با نامهای (عقابمهدی) در جاده جراحی مستقر بودیم. نقطه عقاب در نزدیک بیمارستان الزهرا قرار داشت و نقطه مهدی مسافتی جلوتر بود. این دو نقطه گذشته از اعزام تیمهای پروازی به مأموریت، محلی نیز برای گردهمایی خلبانان و نیروهای فنی برای گرفتن خطمشی و توجیهات شده بود که بیشتر از نقطه عقاب استفاده می‌شد.

نیروهای هوانیروز با سابقه‌ای که از بمباران هواپیماهای دشمن در منطقه داشتند با گذشت چند روز از این جمع شدن روزانه، به فرمانده عملیات وقت گاه و بیگاه هشدار جابجایی عقاب را می‌دادند. اما فرمانده با گفتن (فعلاً زود است) از اقدام به این کار خودداری می‌کرد.

در عصر پنجمین روز مأموریت، فرمانده عملیات هوانیروز در یک بازدید کوتاه عنوان نمود (این نقطه فردا باید تخلیه شود). پس از گفتن این جمله به سوی دارخوین پرواز کرد.

دستور تخلیه عقاب شبانه به ما ابلاغ شد. صبح زود تیم مستقر در عقاب شروع به جابجایی بالگردها و دیگر وسایل و نیروهای فنی نمود. این کار تا ساعت ۱/۵ بعدازظهر طول کشید. آخرین بالگرد باقیمانده در حال استارت بود که یکباره سر و کله هواپیماهای دشمن پیدا شد و شروع به بمباران کردند.

بمباران به حدی پر حجم و شدید بود که پس از خاتمه وقتی از نقطه عقاب بازدید کردیم حتی کوچکترین آثاری از سوله هایی که در آنها اسکان داشتیم ، وجود نداشت . وجود بی شماری از بمبهای خوشه ای عمل نکرده در کنار آثار به جا مانده از بمباران به ما تلنگر می زد که اگر اقدام به تخلیه نکرده بودیم ، فاجعه عظیمی را باید متحمل می شدیم .

سرهنگ خلبان محمد چوب بندی (خلبان بالگرد شنوک)

در هشتمین روز عملیات فاو با یک فروند بالگرد شنوک از منطقه دارخوین به سوی نقطه المهدی برای حمل بار خارجی در حال پرواز بودم . همپروازم در آن مأموریت، خلبان احمد منوچهری فر بود . پس از فرود در نقطه المهدی مشاهده کردیم که مسئولان هوانیروز و سپاه نیز حضور دارند .

با مشاهده محموله ، که یک دستگاه سکوی پرتاب موشک با حجم و وزن سنگین بود که می بایست به آن طرف اروند (فاو) حمل شود ، احساس کردیم که انجام این مأموریت با توجه به بزرگی شنوک و سکو ، و وجود هواپیماهای متعدد دشمن و توپخانه امکان پذیر نبوده و صد در صد هدف قرار خواهیم گرفت.

موضوع را با مسئولان در میان گذاشتیم، پی به وخامت انجام کار بردند و با شور و مشورت عنوان نمودند «فعلاً به منطقه دارخوین باز گردید تا برای این مسئله راه حلی پیدا کرده و شما را با خبر سازیم» .

همان لحظه ما به سوی دارخوین پرواز کردیم . در حین پرواز وقتی به نقطه عقاب رسیدیم ، نیروهای هوانیروز را مشاهده کردیم که با اشاره دست سعی داشتند تا مطلبی را به ما بفهمانند . با اشاره های آنها فکر کردیم که در بالا و اطرافمان هواپیماهای دشمن قرار دارند و آنها به ما هشدار می دهند که مواظب باشیم . امنیت و دقت پرواز را بیشتر کردیم و

هوانیروز در عملیات والفجر ۸ / ۱۶۷

بسوی دارخوین مسیر را ادامه دادیم . نزدیک دارخوین که رسیدیم دود زیادی را مشاهده کردیم که از نقطه استقرار هوانیروز و واحدهای اطرافش به هوا بلند است . من نگران به منوچهری فر گفتم: «احمد نکند که بچه ها را زده باشند» . احمد نگرانتر از من گفت : «خدا به فریاد برسد ، فکر میکنم اتفاقی افتاده» .

با دیدن وضعیت هر چه سعی در تماس گرفتیم موفق نشدیم . در يك دو راهی مستاصل مانده بودیم که بازگردیم و یا فرود بیاییم . در نهایت با فکر این که شاید تعدادی از نیروها مجروح و نیاز به کمک دارند فرود آمدیم . با فرود ما چند نفری به سویمان دویدند و گفتند : دو دقیقه قبل از رسیدن شما ، هواپیماهای عراقی اینجا را بمباران کردند و خلبان صحتی يك چشمش در اثر ترکش آسیب دید . در اثر آن بمباران مسجد ، سوله های اسکان نیروها و تعدادی از اتاقهای پیش ساخته هم منهدم شده بودند . نقطه عطف این بمباران این بود که به هیچ يك از بالگردهای هوانیروز که بصورت پراکنده استتار شده بودند حتی يك ترکش اصابت نکرده بود. تنها مجروح هوانیروز هم در آن بمباران خلبان صحتی بود که توسط بالگرد ۲۱۴ (نجات) به بیمارستان اهواز تخلیه گردید. فردای همان روز عملیات ترابری سکوی موشک نیز توسط بالگردهای ۲۱۴ انجام شد .

سرهنگ خلبان علیرضا حق شناس (خلبان بالگرد کبرا)

یکی از زیباترین و پر حادثه ترین عملیاتی که برای من بیشترین صحنه ها را آفرید عملیات والفجر ۸ بود. در آن عملیات غرورآفرین که مشترک با سپاه پاسداران انجام شد توانستیم شهر فاو را تصرف کنیم . وسعت منطقه عملیات بسیار وسیع بود و ما توانستیم از تمام امکانات و وسایل پرنده ای که در

اختیار داشتیم به نحو شایسته استفاده کنیم

در عملیات والفجر ۸ از وجود بالگردهای کبرا برای پشتیبانی آتش سنگین، از بالگردهای ۲۱۴ و شنوک برای ترابری تجهیزات و هلی برن نیروها و تخلیه مجروح، و از بالگردهای ۲۰۶ برای شناسایی دشمن استفاده گردید که در هر سه مورد موفق بودیم.

در مقابله با موفقیت ما، دشمن نیز سنگین ترین فعالیت را برای هواپیماهای اختصاص داده بود. حجم زیاد پرواز، بمبارانهای پی در پی و تعقیب و گریز با بالگردهای ما از نکات پر حادثه والفجر ۸ می باشد. به عنوان نمونه در یکی از پروازها بیش از یک ساعت چند هواپیمای جنگنده دشمن از صحرای جفیر تا دارخوین و انتهای آبادان در تعقیب ما بودند که با ترفند و مانور از رگبار و موشک های آنها جان به در بردیم.

در همان عملیات بود که یک فروند از جنگنده های مدرن دشمن به وسیله بالگردهای کبرا سرنگون شد و این در تاریخ جنگ بی سابقه است.

نکته دیگر عملکرد هوانیروز در عملیات والفجر ۸ در کنار هلی برن، تخلیه مجروحان با بالگردهای ۲۱۴ و شنوک بود که در سریع ترین زمان ممکن از مناطقی با نام باغچه های ۱ الی ۹ انجام می گرفت.

پس از خاتمه جنگ، به کرات اتفاق افتاده است که در ملاقاتهای حضوری و یا با تلفن با من تماس گرفته اند که من نجات یافته هوانیروز در عملیات والفجر ۸ هستم، در حالی که حتی این اشخاص را نمی شناسیم.

سرهنگ خلبان بهرام کاظمی (خلبان بالگرد شنوک)

عملیات والفجر ۸ در جنوب آبادان انجام شد. در آن عملیات تیمهای هوانیروز در مناطق مختلفی مثل (دارخوین - چنانه - عین خوش -

هوانیروز در عملیات والفجر ۸ / ۱۶۹

جراحی - اهواز - باغچه های يك الي ۹) مستقر بودند .

محل استقرار ما با (۲ فروند بالگرد شنوك - ۲ فروند ۲۱۴ - ۴ فروند کبرا) در بیمارستان علي ابن ابیطالب بود . وظیفه ما روزها حمل و ترابري نیرو و مهمات و آذوقه به جنوب آبادان و در بازگشت تخلیه مجروحان و شهدا به بیمارستان الزهرا و دیگر بیمارستانهای شهرهای اهواز و دزفول و ... بود .

در کنار این اقدامات در منطقه چویبده آبادان هم عملیات انجام می دادیم . در آن منطقه آب همه جا را گرفته بود . شبها با (جزر) بالا می آمد و روزها با (مد) پائین می رفت . دیدبانهای دشمن پروازهای ما را به علت وجود دشت صاف بدون استئنا می دیدند . هیچ گونه تپه ماهوري وجود نداشت و هر چند هم در سطح پایین پرواز می کردیم باز هم از دید آنها مخفی نمی ماندیم . شروع پرواز ما در صبح مصادف با گزارش دیدبانهای دشمن و فعال شدن توپخانه آنها بود ، ولی چون منطقه هم آب و لجن بود انفجار توپ و گلوله ها فقط موجب پراکندن آب و لجن می شد و خوشبختانه ترکش ها جذب زمین می گردید .

در عملیات والفجر ۸ بیشترین حجم پرواز تیم ما در تخلیه مجروح بود . مجروحان و شهدا را از خط مقدم به عقب می آوردند و مجروحان پس از درمانهای اولیه در بیمارستان علي ابن ابیطالب ، توسط بالگردهای ما به بیمارستان بقایی در اهواز و دیگر بیمارستانها ترابري می شدند .

یکی از روزها که در حین اجرای مأموریت بودیم اطلاع دادند که بیمارستان الزهرا هدف بمباران شیمیایی واقع شده و تعدادی از نیروها و مجروحان شیمیایی شده اند . با وجود این که ماسک همراه نداشتیم سریع خود را به بیمارستان رساندیم . می دانستیم که

الزهرا بخش شیمیایی ندارد و اگر دیر برسیم فاجعه به بار می آید. مجروحان زیاد بودند و درنگ جایز نبود. تا پاسی بعد از غروب در پروازهای متعدد مجروحان را تخلیه کردیم. شب همان روز این بلا به سر خود ما هم نازل شد. در سنگر بودیم که با انفجار شدیدی بیرون آمدیم. با استشمام بو فهمیدیم که بمباران شیمیایی بوده است. آن شب من و تعدادی از نیروهای هوانیروز نیز شیمیایی شدیم. در مجموع در عملیات والفجره هوانیروز بسیار موفق عمل کرد.

سرهنگ خلبان علی علینقی پور (خلبان بالگرد ۲۱۴)

من يك عكس در آلبوم دارم که در آن ۸ نفر شهید وجود دارد. خلبان نصیر رادفر، خلبان محرم نژاد، خلبان عین علی طلب و چند نفر از نیروهای فنی هوانیروز که همه در جنگ شهید شده اند. هر وقت به آن عکس نگاه می‌کنم فقط می‌گویم خدا بیامرزدشان و آلبوم را بی حوصله می‌بندم.

از پایگاه هوانیروز تهران پرواز کردم تا در عملیات فاو شرکت کنم. همراه بالگرد من چندین بالگرد هم بودند. در پایگاه هوانیروز مسجد سلیمان تجدید سوخت کردیم و خود را به خسرو آباد آبادان رساندیم. در آن عملیات من بیش از ۸۰ ساعت پرواز تخلیه مجروح و کمک رسانی داشتم. باسرم تاول زده بود و از سوزش تاولها در موقع نشستن روی صندلی بالگرد فریادم به آسمان می‌رفت. می‌خواستم پرواز نکنم اما با دیدن وضعیت مجروحان دوباره نیرو می‌گرفتم و بخودم می‌گفتم درد تو از درد آنها بیشتر نیست.

من در یکی از نقاط تخلیه مجروح به نام (باغچه ۵) اقدام به تخلیه مجروحان و شهدا به بیمارستانهای ماهشهر و اهواز می‌کردم. آنقدر در آن منطقه پرواز کرده بودم که وقتی نزدیک ماهشهر با برج فرودگاه تماس می‌گرفتم

هوانیروز در عملیات والفجر ۸ / ۱۷۱

می گفتند : «علی جان خودتی ؟ بیا بشین اشکالی نیست» .

در منطقه فاو، هوانیروز از جان مایه گذاشت. با خطراتی که ما در فاو مواجه بودیم دل شیر میخواست که طاقت بیاورد . خلبانهای هوانیروز در زیر آن بمبارانهای شدید دشمن و آتش سنگین توپخانه واقعاً جگر شیر داشتند . خلبان اسماعیل صحتی در آن عملیات يك چشمش را از دست داد . عبدالله نجفی غوغا کرد . امثال خلبان قضا و دیگر خلبانان امان نیروهای دشمن را بریده بودند . دشمن تانکهایش را به صورت خط (دشتبان) چیده بود . خلبان صحتی فریاد می زد : (علی هوای منو داری ؟) و شیرجه می زد به قلب تانکها و توپ و ضد هواییهای دشمن که من نفسم می گرفت . وقتی آرایش آنها را به هم میزد و از آن طرف بیرون می آمد پشت سرش انفجار و دود و آتش تانکهای سوخته بود که به هوا می رفت .

سرهنگ خلبان نادر پاویز (خلبان بالگرد ۲۱۴)

در عملیات والفجر ۸ تیمهایی از هوانیروز در مناطق چنانه و عین خوش مستقر بودند . این تیمها شامل نیروهای فنی پروازی و بالگردهای مختلف (شنوک - ۲۱۴ - ۲۰۶ - کبری) می شدند که وظیفه داشتند ضمن اجرای آتش و درگیری با دشمن نسبت به تخلیه مجروحان و شهدا ، تدارکات نیروی انسانی و مهمات و آذوقه رزمندگان را هم به مناطق عملیاتی برسانند .

در یکی از روزهای عملیات از تیم ما که در چنانه مستقر بود ، برای تخلیه مجروحان فاو کمک خواستند . در آن روز هم پرواز من خلبان عطاءالله شادمان بود. وظیفه ما پرواز از چنانه به فکه و حمل مجروحان به پایگاه دزفول و بیمارستان شهید کلانتری بود . مجروحان ضربه

مغزي را هم مي بایست به بیمارستان اهواز منتقل مي کردیم .

در آن روز هوا باراني بود عراق اقدام به حمله از طریق فکه کرده بود . ما هم در حالي که باران به شدت مي بارید و ابر و مه غلیظي منطقه را گرفته بود به پرواز در آمدیم . در آن مناطق آنقدر پرواز کرده بودیم که این جور مسائل مشکل خاصی برایمان به وجود نمی آوردند .

تخلیه مجروحان سه روز ادامه پیدا کرد . در آن مدت از صبح تا غروب آنچنان خلبان و کادر فني درگیر تخلیه و کار بودند که فرصت سر خاراندن نداشتند . مشکل ما بیشتر وجود هواپیماهاي دشمن بودند که در مسیر رفت و برگشت موي دماغمان مي شدند . بمباران آنها بي وقفه ادامه داشت و ما هم نترس به کارمان ادامه مي دادیم . اما در کنار آن بمبارانها سه فروند هواپیمای دشمن هم بودند که صبح و عصر سر ساعت معین مي آمدند و بمباران مي کردند و ضربه مي زدند و مي رفتند . بیشتر از همه عملیات این سه فروند بود که بد داغي روي دل ما گذاشته بودند و هیچ وقت هم هدف واقع نمی شدند .

عصر روز سوم خسته و کوفته از عملیات و تخلیه به عین خوش بازگشتم و هلیکوپتر را در گوشواره اي فرود آوردم . موتور را خاموش کردم و در حال بررسی کتاب پرواز بودم که صدای کروچیف (خدمه پروازي) از بیرون در گوشم نشست : «نادر بیا پایین صدای هواپیما مي آید» .

با نگاه از در نیمه باز به او گفتم : «ملخ که ایستاد مي آیم» . و با اطمینان از توقف ملخ از هلیکوپتر پیاده شدم و کنار خاکریز گوشواره بي حال نشستم . کروچیف درست گفته بود . صدای هواپیما از سمت راست به گوش مي رسید و مي دانستیم که همان هواپیماهاي بزن و در رو هستند . ضمن برخاستن به دیگر افراد گفتم : از هلیکوپتر

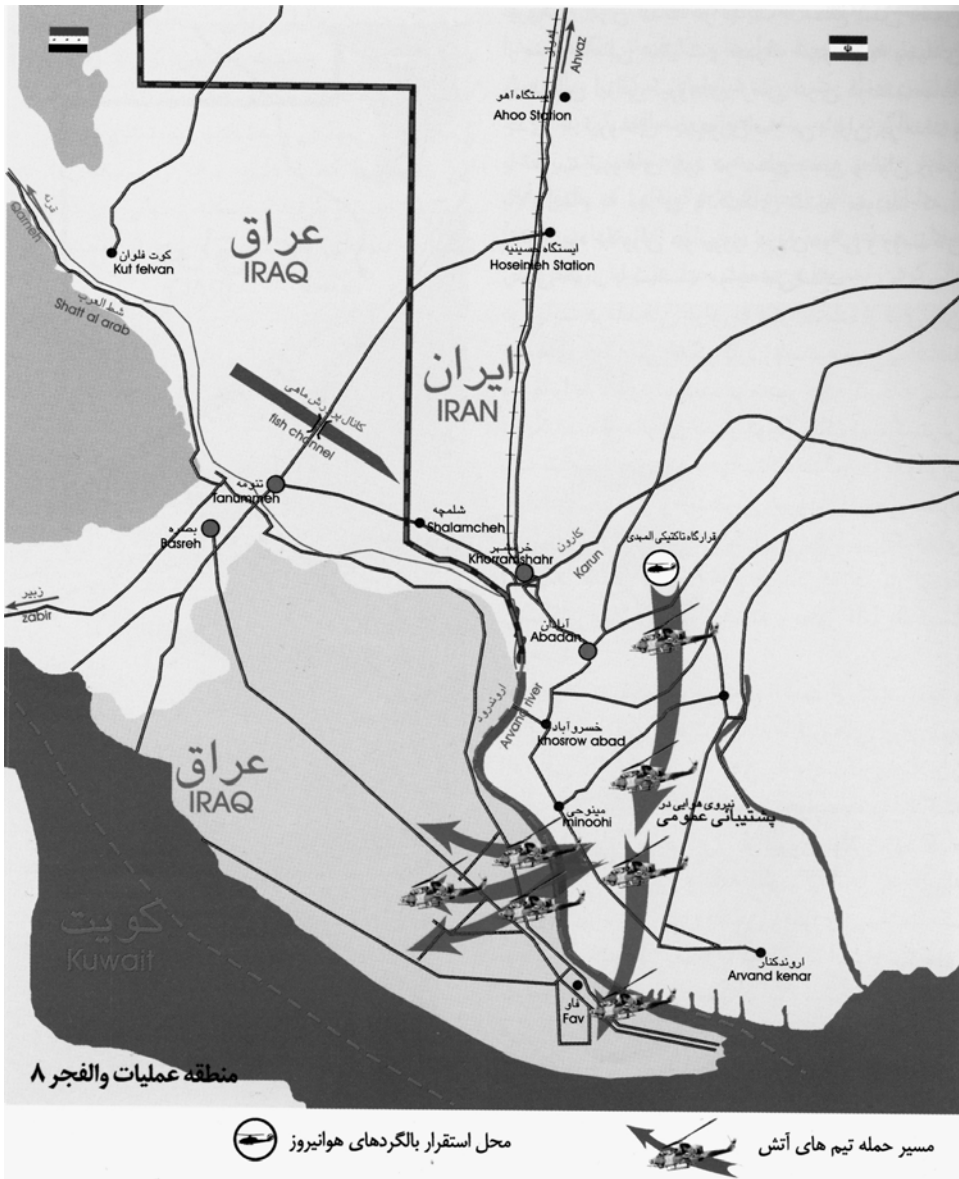
دور شوید که اگر بمباران کردند آتش نگیریم . آمدیم در پشت گوشواره نشستیم و چشم دوختمیم به هواپیماهای دشمن که حالا به وضوح در آسمان پیدا بودند . همانطور که مانور آنها را نگاه می کردم چشم به آسمان بالای آنها دوختم و با همان خستگی گفتم : «خدا یا یک جوری که خودت میدانی روی اینها را کم کن که بد جوری ما را چزانده اند . آخر این نمی شود که روزی دو مرتبه ما را بمباران کنند و هیچوقت هم هدف قرار نگیرند» .

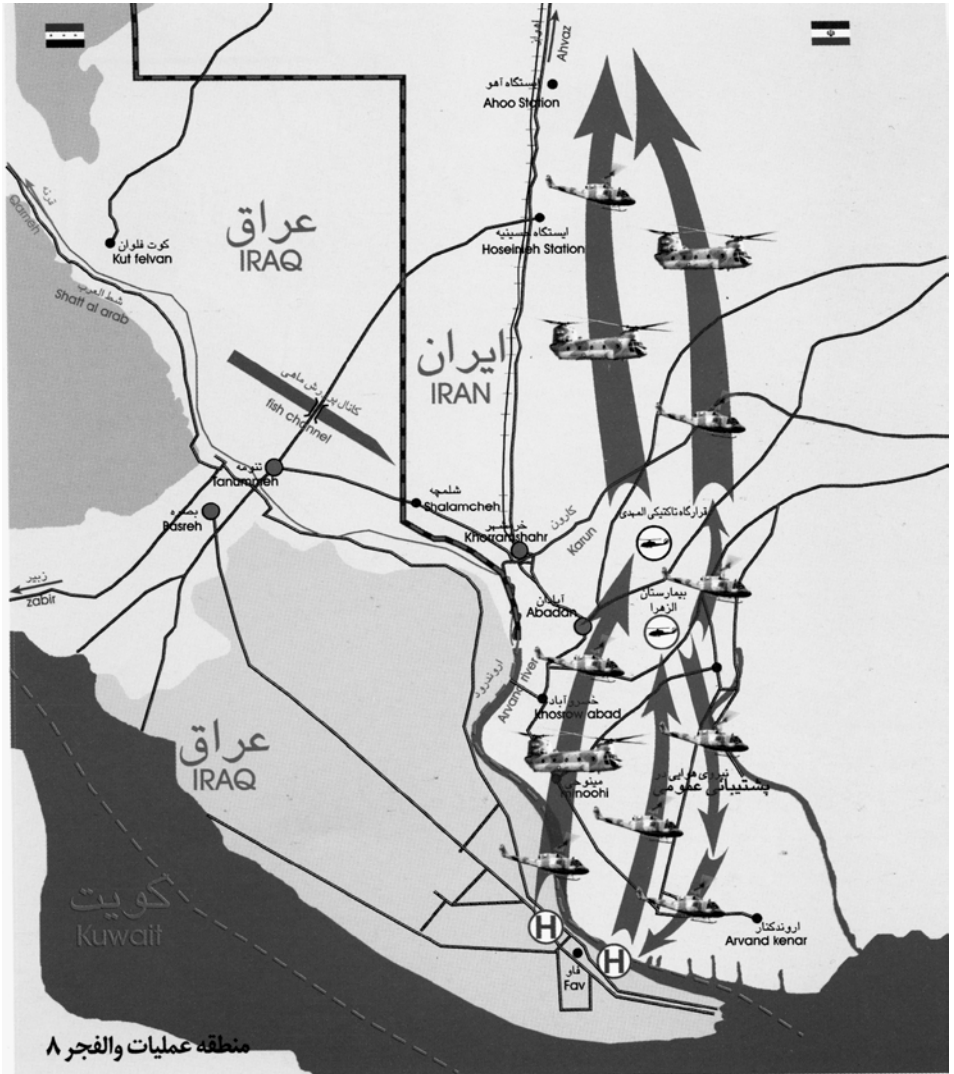
خدا خودش شاهد است ، هنوز درد دلم تمام نشده بود که یک مرتبه دود آتش از دم و بدنه یکی از هواپیماها بیرون زد و تعادلش بهم خورد و به زمین سقوط کرد. با وجود اینکه مسافت ما تا سقوط دور بود، اما چنان به زمین اصابت کرد که صدای برخورد و متلاشی شدن آن هم بگوش ما رسید بچه ها با دیدن این صحنه از جا برخاستند و یکی از آنها به من گفت ، نادر بلند شو برویم سنگر، وضع دارد وخیم می شود!

من که هنوز در کیف و حال سقوط هواپیما بودم معترض گفتم : «من تازه، یک کم دلم خنک شده نترس الان تماس می گیرند که بیائید خلبانش را تخلیه کنید .» با اصرار بچه ها به سنگر رفتم . در حال باز کردن بند پوتین بودم که تلفن قورباغه ای زنگ زد و خبر دادند (پرواز کنید سمت رودخانه دویرج و خلبان را که دستگیر کرده ایم تخلیه کنید) . با پروازی سریع خود را به منطقه ای که گفته بودند رساندیم . خلبان عراقی را بیهوش و زخمی روی برانکادر خوابانده بودند . او را داخل هلیکوپتر گذاشتند و ما به عین خوش پرواز کردیم . وقتی کنار برانکادر همراه او به بیمارستان لشکر میرفتم با دیدن ناخن های بلند و سر و وضع کثیف و فلاکت بارش بی اختیار خنده ام گرفت و به خودم گفتم : (این هم مثل ما در به دره) .

داخل بیمارستان وقتی پزشك آمد بالای سرش وضعیتش را از او پرسیدم . دكتر گفت ؛ وخیم است و باید به بیمارستان اهواز تخلیه شود . ضربه مغزی شده . به او گفتم « اگر اینطور است تا شب نشده او را به اهواز منتقل کنیم .»

دكتر گفت : خیر ، فرمانده لشكر گفته باید بهوش بیاید تا از او بازجویی کنیم . سریع خود را به فرمانده لشكر رساندم و گفتم : این خلبان که قادر به مصاحبه نیست ، اگر زمان بگذرد و هوا تاریك شود ما قادر به پرواز نیستیم و او خواهد مرد . اجازه دهید او را به بیمارستان اهواز برسانیم . فرمانده لشكر در مقابل منطق من تسلیم شد و من از اینکه با برداشت از تعالیم خوب اسلامی توانسته بودم جان خلبانی را هر چند دشمن نجات دهم و شبانه او را به بیمارستان برسانم ، بر خود می‌بالیدم .





محل استقرار بالگردهای هوانیروز



مسیر تخلیه مجروحین

اورژانس های تاکتیکی تخلیه مجروح (H)

هوانیروز در عملیات والفجر ۸ / ۱۷۷

بخش دوم

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸

با وجود اینکه در مدت ۱۸ ماه که مسئولیت تحقیق و جمع آوری اطلاعات در این خصوص را داشتم ، بارها به مراجع ذی صلاح در ستاد نیروی هوایی و اداره سوم ستاد مشترک مراجعه نمودم ، اما نتوانستم حتی یک برگ سند رسمی در مورد فعالیت نهاجا در عملیات والفجر ۸ را بدست آورم . البته می توان گذشت زمان و دیر هنگام بودن این تحقیق و شاید طبقه بندی بالای اسناد را دلیل موجهی به شمار آورد ، اما با قاطعیت نمی توان قبول کرد که همه چیز نیست و نابود شده باشد و دیگر هیچ آثاری از یک جنگ ناخواسته ۸ ساله در بایگانیها و دفاتر ویژه به جای نمانده باشد . چاره نداشتم بایستی راههای دیگری را بکار می گرفتم ، این بار حافظه همکاران در دسترس را به عنوان مدرک زنده مورد توجه قرار دادم و خواسته هایی به شرح مطالب صفحه بعد را با آنان در میان گذاشتم و در این مصاحبه ها به یک نکته اساسی پی بردم که دلیل موجهی برای عدم دستیابی به اسناد و مدارک بود و آن اداره و هدایت عملیات از یک قرارگاه تاکتیکی - ابتکاری بود که برای بهره برداری بهتر و کاملتر از امکانات نهاجا و بیشتر به دلایل امنیتی و رعایت اصول حفاظتی تشکیل شده بود که شرح آن در پی خواهد آمد.

پیشاپیش اعتراف می کنم این نوشتار نه این که بیان کننده . آنچه این نیرو انجام داده است نیست ، بلکه به یقین اشاره ای بسیار جزیی ، سطحی و غیر تخصصی به آنچه انجام گرفته است به شمار می آید که می توان آن را قطره ای از دریای بیکران تواناییهای بکار رفته در عملیات والفجر ۸ محسوب کرد که به گمان نویسنده فقط از هیچ بهتر است .

در اینجا فقط به خلاصه مطالب خواسته شده از نهاجا اشاره می‌گردد که اگر محقق می‌شد بی تردید نقش ارزنده آن نیرو در عملیات والفجر ۸ پر بار می‌گردید:

۱. چگونگی تشکیل قرارگاه رعد
۲. پرسنل اداره کننده قرارگاه رعد
۳. چانه‌های ارتباطی قرارگاه رعد
۴. روز شمار فعالیت های نهاجا (از ۶۴/۱۱/۱۸ الی ۶۵/۱/۱) شامل:
 - الف - پشتیبانی نزدیک هوایی
 - ب - فعالیت های برون مرزی
 - ج - پوشش هوایی
 - د - ترابری سنگین هوایی
 - ه - فعالیت های لجستیکی (آمادی)
 - و - موارد دیگر
۵. چگونگی فعالیت افسران رابط هوایی و ناظر مقدم هوایی شامل: تعداد و مشخصات پرسنل اعزامی
۶. میزان مهمات مصرفی
۷. اسامی خلبانان درگیر
۸. اسامی تلفات رزمی (شهید - مجروح و . . .)
۹. مصاحبه با پرسنل درگیر و ضبط خاطرات آنان (در صورت امکان)
۱۰. فعالیت پدافند هوایی

الف - کلیات

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نهاجا) در عملیات والفجر ۸ به دو صورت بطور فعال و موثر شرکت داشته است:

- ۱- شرکت در عملیات هوایی
- ۲- شرکت یگانهای پدافند هوایی

۱- شرکت در عملیات هوایی

نهاجا، برای شرکت موثر و هماهنگ در عملیات والفجر ۸ (فاو) با تقویت و فعال کردن قرارگاه رعد (به عنوان قرارگاه عملیاتی و ستاد مقدم نهاجا (DASC) تمامی فعالیتهای هوایی و پدافند هوایی را بدون واسطه و هماهنگ با یگانهای عملیاتی هدایت می‌کرد و مأموریتهای لازم برای پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ را به طور مستقیم در حداقل زمان به اجرا در می‌آورد.

این قرارگاه به وسیله سرتیپ شهید خلبان عباس بابائی (معاون عملیاتی نهاجا) سرپرستی می‌گردید و نخبگانی از ستاد نیروی هوایی از جمله شهید سرتیپ ستاری (فرمانده پدافند هوایی نهاجا) و شهید اردستانی و ... در این قرارگاه فعالیت شبانه‌روزی داشتند.

وظیفه این ستاد که در جوار قرارگاه خاتم الانبیاء (قرارگاه اداره کننده عملیات والفجر ۸) در جنوب تشکیل شده بود هماهنگی با قرارگاههای خاتم ۱ (قرارگاه سپاه پاسداران) و خاتم ۲ (قرارگاه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران) و برآورد نیازهای پشتیبانی هوایی و پدافند هوایی بود که پس از تصمیم‌گیری جهت اجرا از طریق پایگاه هوایی امیدیه به طور مستقیم به سایر پایگاههای مربوطه دستورات لازم داده می‌شد.

امیر سرتیپ شهرام رستمی که در عملیات والفجر ۸ جانشین معاون عملیاتی نهاجا را به عهده داشته است در این باره می‌گوید:

" برای پشتیبانی از عملیات والفجر ۸، در منطقه جنوب، پایگاه هوایی امیدیه نزدیکترین پایگاه به عنوان پایگاه اصلی برای اجرای مأموریتها در نظر گرفته شده بود و برای به حداقل رساندن زمان اجرای مأموریتها و بالا بردن ضریب حفاظتی و امنیت پروازها پایگاههای تبریز و همدان با اعزام هواپیما و گروههای فنی به پایگاه امیدیه اقدام نموده بودند و سایر پایگاهها مانند اصفهان، بوشهر و دزفول به طور مستقیم از پایگاههای خود اقدام به اجرای مأموریتها و واگذاری از طرف قرارگاه رعد می‌نمودند نهاجا به روشهای زیر عملیات والفجر ۸ را پشتیبانی می‌نمود."

الف : پشتیبانی نزدیک هوایی

اجرای پشتیبانی نزدیک هوایی با در نظر گرفتن تجربیات عملیاتی گذشته با هدف پشتیبانی موثر آتش از آفند یگانهای رزمی و به‌ویژه درهم شکستن پاتکهای سنگین دشمن که معمولاً به صورت یک روش جاری و قابل پیش‌بینی از سحرگاه شروع عملیات به اجرا درمی‌آمد، انجام گرفت.

برای اجرای آتش موثر و هماهنگ با عملیات یگانهای رزمی و به حداقل رساندن اشتباهات و به ویژه حفظ تأمین و حفاظت پروازها در عملیات والفجر ۸، اقدام به اعزام افسران رابط هوایی و افسران ناظر مقدم در سطح وسیع گردید که در دیگر عملیاتها سابقه ای در این حد نداشت. این افسران در رده های مختلف با فرماندهان هماهنگی لازم را به عمل می‌آوردند، نیازمندیها را برآورد و به قرارگاه رعد گزارش و سپس هدایت پشتیبانی نزدیک هوایی را به عهده گرفتند تا نتیجه مطلوب تری بدست آید. این هماهنگی

تاکتیکی که بر اصول آموزشی دانشگاهی استوار بود بی شک نقش ارزنده ای در پشتیبانی آتش موثر ایفا نمود ، تا جایی که بخشی از موفقیت‌های آفندی یگان‌های رزمی و درهم شکستن پاتک‌های دشمن را می‌توان در گرو همین اقدام دانست .

در این رابطه نویسندگان کتاب " خرمشهر تا فاو " استفاده مناسب از نیروی هوایی و هوانیروز " را از جمله دلایل موفقیت عملیات والفجر ۸ برآورد کرده اند^۱.

و در تحلیلی دیگر از کتاب " کارنامه توصیفی عملیات " می‌خوانیم :

در نبرد فاو ، ایران اسلامی علاوه بر استفاده از نیروهای پیاده و شکارچیان تانک ، موفق می‌شود با آتش توپخانه و خمپاره انداز ، ضربات سنگینی را بر ادوات زرهی دشمن در جاده های فاو - بصره و فاو - ام‌القصر وارد آورد و در تکمیل آن ، هوانیروز و نیروی هوایی با حمایت از یگان های عمل کننده اسلام ، با نبردی درخشان در هوا و زمین ، برگ زرینی از افتخار و حماسه از خود به جا می‌گذارند. نیروی هوایی ایران در این عملیات با همکاری پدافند زمین به هوا ، ۷۴ فروند از هواپیماهای پیشرفته عراق را ساقط می‌کند و با نشان دادن توان رزمی خود ، ادعای کارشناسان خارجی مبنی بر ناتوانی هوایی ایران را باطل می‌کند و با بیش از ۱۰۰۰ سورتی پرواز دوست و دشمن را در حیرت فرو می‌برد^۱.

و در جایی دیگر از همین مدرک گفته شده است :
 « در این روز (۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۴) نیروی هوایی ارتش در حالی که جنگنده های دشمن نیز

۱. از خرمشهر تا فاو؛ ص ۲۳۱ و ۲۳۲

۱. سمیعی، علی؛ کارنامه توصیفی عملیات، لشکر ۱۶ قدس گیلان؛ ص، ۲۲۷.

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۱۸۳

در منطقه حضور داشتند طی چند مرحله مواضع دشمن را هدف قرار دادند.^۲»

در مورد نقش افسران رابط در عملیات والفجر ۸ سرتیپ ۲ حسین مهرآرا چنین اظهار نظر می کند :

«در قرارگاه‌های مختلف که برای هدایت عملیات در فاو تشکیل شده بود ، افسران رابط نیروی هوایی حضور فعال داشتند . من اولین بار بود که می دیدم در این حد برای هماهنگی و پشتیبانی نزدیک هوایی پیش بینی شده است و این یک کار کلاسیک است که بایستی همیشه مورد توجه قرار گرفته شود. در جنگ، پروازها با ارتفاع بالا را بدون افسر رابط می شود کنترل و هدایت کرد ، ولی چون در پشتیبانی نزدیک هوایی و به ویژه در عملیات فاو برای حفظ تأمین و رعایت اصول حفاظتی بیشتر پروازها با ارتفاع پست انجام می گرفت بنابراین افسران رابط و ناظر مقدم بطور اجبار بایستی وجود داشته باشند.

مطلب دیگری که باید اضافه کنیم، وقتی که هواپیماهای خودی می آمدند ، یگان های توپخانه در حال تیراندازی بودند ، بنابراین بایستی اقدامات کنترل آتش فضای هوایی انجام می شد و چون در این مقطع پرسنل سپاه پاسداران با چنین اقداماتی آشنایی نداشتند لذا بایستی از افسران مجرب نیروی هوایی برای اینکار استفاده می شد که این چنین شد . در تمام مدتی که در عملیات والفجر ۸ شرکت داشتم ، هیچگاه شاهد اشتباه نشانه کار صحیح و خودی نبودم و عدم اشتباه نشانه کار صحیح و اصولی است که با اعزام افسران رابط و افسران ناظر مقدم امکان پذیر شده بود.^۱»

۸ در یکی از یگانهای توپخانه خدمت می کرده

۲. همان؛ ص، ۲۱۶

۱. نوار مصاحبه شماره، ۱۰.

است در جواب این سؤال که چه خاطره آموزنده ای از این عملیات دارد ، می گوید :

عملیات فاو دارای نکات آموزنده زیادی است که در عملیاتی دیگر شاید نبوده است . یک نمونه مربوط به نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است که در این عملیات بسیار چشمگیر بود؛ در این عملیات برای اولین بار من شاهد بودم که نیروی هوایی اقدام به اعزام افسران رابط با درجه سروانی و بالا به یگانها کرده بود، این افسران پرواز هواپیماهای خودی را با پدافند هماهنگ می‌کردند که مورد اصابت قرار نگیرند و هواپیماها را تا روی هدف هدایت می‌کردند که نتیجه خوبی داد .

ب : ترابری سنگین هوایی

نهاجا با استفاده از امکانات ترابری سنگین خود و به ویژه با استفاده از هواپیماهای C-۱۳۰ در جابه‌جایی سریع نیرو ، حمل مجروح ، حمل وسایل و تجهیزات از فرودگاههای عقبه ، نقش پشتیبانی خود را به طور شایسته ایفا نمود .

ج - مأموریت های پوشش هوایی و عکسبرداری هوایی

این مأموریتها قبل و بعد از شروع عملیات با استفاده از هواپیماهای F-۴-E به طور برنامه ریزی شده و ۲۴ ساعته برای شناسایی هوایی و برخورد با هواپیماهای دشمن انجام می‌گرفت.

سرتیپ خلبان محمد تقی جدیدی ، که خود در عملیات والفجر ۸ فعالیت چشمگیری داشته است . مشاهدات خود را از این عملیات چنین بیان می‌کند :

«اواخر سال ۱۳۶۴ بود . رزمندگان سلحشور اسلام خود را برای عملیاتی مهم در منطقه اروندرود آماده می‌کردند . با شروع عملیات

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۱۸۵

والفجر ۸ که منجر به تصرف در آمدن بندر فاو و بخش وسیعی از خاک دشمن شد ، همه روزه به همراه شهید اردستانی و جمع دیگری از خلبانان ، چندین بار بر فراز منطقه عملیاتی پرواز می‌کردیم و استحکامات پیاده - مکانیزه دشمن را به آتش می‌کشیدیم . شهید اردستانی به هنگام بازگشت از منطقه ، در حالی که گلوله های ضد هوایی و موشکهای پدافندی دشمن بی امان به طرف هواپیما شلیک می شد ، اقدام به انجام مانورهای بسیار زیبایی می نمود و سعی بر آن داشت تا روحیه جنگاوری بچه ها را مضاعف کند .

چند روزی از شروع این عملیات پیروزمندانه می‌گذشت . در حاشیه پروازهای موفقی که با تلاش شبانه‌روزی پرسنل فداکار فنی و پروازی صورت پذیرفته بود ، پرسنل پدافند مستقر در منطقه نیز دهها فروند از هواپیماهای شکاری و بمب افکن دشمن بعثی را سرنگون کرده بودند . با پشتیبانی هوایی خوبی که از نیروهای عمل‌کننده صورت گرفته بود ، آنان با آسودگی خاطر به مستحکم نمودن مواضع خود پرداخته بودند .^۱»

سروان خلبان قاسمی ضمن ستایش یکی از همکاران خود در عملیات والفجر ۸ چنین می‌نویسد :

«ساعت ۹ صبح مورخه ۶/۱/۶۵ ، همراه شهید اردستانی ، سروان یوسفی و چگینی ، با چهار فروند هواپیمای " اف ۵ " به منطقه عملیاتی " البهار " عراق اعزام شدیم . در آن روز ، هوا آبستن ابرهای متراکمی بود که هر لحظه امکان باریدن باران قوت می‌گرفت . با توکل به خدا و دلگرمی هایی که شهید اردستانی در اتاق توجیه به ما داده بود ، مهیا برای پرواز به سوی هدف شدیم . تراکم ابرها به گونه ای بود که ما هیچ چیزی غیر از ابر

نمی‌دیدیم و تنها می‌بایست به دستگاه ناوبری درون هواپیما تکیه می‌کردیم. هر چند متکی بودن به این دستگاه که مسیر پروازی را مشخص می‌کند، تا حدودی اطمینان بخش است؛ ولی هیچگاه جای دید چشمی را که انسان از نزدیک هدف را مشاهده می‌کند، نمی‌گیرد.»

طبق محاسبه، بالای هدف رسیده بودیم، ولی مرحله سخت این مأموریت زدن دقیق هدف بود که آن هم از پس ابرهای غلیظ غیر ممکن به نظر می‌رسید. به یکباره صدای لیدر دسته در رادیوی هواپیماهای ما به گوش رسید که می‌گفت:

« بچه‌ها حمله کنید! بمب‌هایتان را روی

هدف بریزید. شما الآن روی هدف هستید.»

با صدای شهید اردستانی، دست‌انمان به شاسی رها کننده بمبها فشرده شد و در چشم بهم زدنی هر آنچه مهمات داشتیم روی هدف فرو ریختیم^۱.

شرکت یگانهای پدافند هوایی در عملیات والفجر ۸^۱ الف: کلیات

نقش یگانهای پدافند هوایی در جنگ تحمیلی آن گونه که شایسته آن است بازگو نشده و این امر مهم چه در طول جنگ و چه بعد از آن برای اکثریت پوشیده مانده است.

پدافند هوایی در تمام مدت دفاع مقدس به صورت شبانه روزی و مداوم درگیر جنگ با دشمن متجاوز بوده و حتی در مراحل درگیریها از حالت پدافند از نیروها و منابع و تأسیسات مهم و حیاتی فراتر رفته و حالت درگیری مستقیم و رو در رو با دشمن را بخود گرفته است.

گرچه در دوران دفاع مقدس ابرقدرتهای شرق و غرب با هماهنگی کامل نابرابریهای ظالمانه ای را به ما تحمیل کردند، آنان از یک طرف با تحریمهای گسترده و فراگیر مانع رسیدن نیازمندیهای فنی و قطعاتی و حتی مواد مصرفی ویژه سامانه های پدافندی به دست ما میشدند و از طرفی دیگر مدرنترین تجهیزات روز دنیای موجود در بلوک شرق و غرب همانند هواپیماهای میراژ اف - ۱، میگ ۲۹ و میگ ۲۵ و سوخوی ۲۴ و ۲۵ و موشکهای ضد راداری ۲۸خ و ۵۶خ و موشکهای ضد رادار ساخت کارخانجات مارتای اروپا که همه از سرآمدهای تجهیزات آفندی روز دنیا بود بی دریغ در اختیار عراق قرار می گرفت و با گذشت زمان بر محدودیتهای ایران افزوده میشد و بر عکس حجم کمکها به عراق فراگیر و گسترده تر می گردید، با این وجود یگانهای پدافند هوایی هیچ گاه اجازه جولان هواپیمای مدرن دشمن را در فضای مقدس جمهوری اسلامی ایران را نداد و با قبول

۱. این بخش با همکاری صمیمانه و تخصصی امیر سرتیپ براتعلی غلامی که در عملیات والفجر ۸ شرکت مؤثر داشته و از صاحب نظران پدافند هوایی می باشد تهیه و تدوین گردیده است.

مشقات زیاد، خلق نوآوری و ابداعات جدید همه جا عرصه را بر دشمن تنگ نمود و در فرصتی مناسب ضربات سنگین و مهلکی بر دشمن وارد کرد که یکی از فرازهای غرور آفرین آن عملیات والفجر ۸ بود. عملیات والفجر ۸ آوردگاه مناسبی برای ایثار گری تمام رزمندگان و فرصت مناسبی بود برای تاختن بر دشمن متجاوز که روزگاری پا را از گلیم خود فراتر گذاشته و خاک مقدس ایران اسلامی را با قدمهای ناپاک خود آلوده نموده بود.

اینک زمان آن فرا رسیده بود که معنی تجاوز را مزه مزه نمایند و مجموعه پدافند هوایی هم به حق، نقش ارزنده خود را ایفا کرد و درسی ماندگار به متجاوزان و استکبار جهانی داد و خاطره‌ای شیرین و جاودانه در تاریخ پدافند هوایی از خود به یادگار گذاشت.

ب - جنگ افزارهای شرکت کننده در عملیات:

- | | |
|-------------------------------|----------|
| ۱- رادار برد بلند | ۳ دستگاه |
| ۲- رادار کپ فیلر | ۳ دستگاه |
| ۳- هاگ تک واحد آتش | ۶ سایت |
| ۴- توپ راپیر | ۲ آتشبار |
| ۵- توپ اسکای گارد کامل | ۴ رسد |
| ۶- توپ ۳۵ م. | ۱۲ قبضه |
| ۷- توپهای ۳۵ م. نزاچا | ۱۶ قبضه |
| ۸- توپهای ۲۳ م. نهاجا و نزاچا | ۸۰ قبضه |



ج - چگونگی عملیات

تجهیز ارتش عراق به تجهیزات آفندی هوایی روز دنیا و فرسودگی سامانه‌های پدافندی ما باعث گردیده بود که در چند عملیات قبل از والفجر ۸ پدافند هوایی قادر به انجام وظیفه خود به گونه قابل قبول نگردد. که در تجزیه و تحلیل‌های به عمل آمده متخصصین پدافند هوایی به این نتیجه رسیدند که با روش‌های کلاسیک تعریف شده در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها نمی‌توان رو به روی چنین دشمن مجهز به تکنولوژی روز دنیا ایستاد به همین دلیل تصمیم گرفته شد به هیچ وجه از روش مشخص شده قبلی استفاده نگردد اصول جدیدی تعریف شد که بر مبنای آنها سناریوی جنگ با هواپیماهای دشمن به پدافند هوایی از منطقه خاصی تدوین گردید. این تاکتیک بر چند اصل استوار بود:

اصل اول - جا به جایی‌های فوق العاده سریع و برق آسا

اصل دوم - مخفی ماندن از دید دشمن و اجتناب از تمام مواردی که باعث شناسایی گردید.

اصل سوم - فریب دشمن از نظر فیزیکی - الکترونیکی و حرارتی همزمان و منطبق با واقعیت با ایجاد سایت‌های فریب.

با چنین زمینه فکری منطقه و هدفها و چگونگی اجرای عملیات والفجر ۸ حدود سه ماه قبل از شروع عملیات به قرارگاه تازه تأسیس رعد ابلاغ گردید. قرارگاه با رعایت هر چه دقیق‌تر اصول طبقه بندی اطلاعات در سه محل جدا از هم در چهار زمینه مشغول فعالیت شد به گونه‌ای که گروه‌ها از چگونگی فعالیت یکدیگر اطلاعی نداشتند.

تیم اول - آماده نمودن تجهیزات و سامانه‌های پدافندی اصلی و حذف وسایل اضافه و تمرین برای حرکت و جا به جایی سریع با کمترین امکانات.

تیم دوم - آماده نمودن تجهیزات و سامانه‌های فریب با تلاش برای هر چه بیشتر و واقعی تر بودن

آن از نظر شکل ظاهري حرارت ایجاد شده و نشت امواج الكترونيكي.

تیم سوم - آماده شدن براي پشتيباني فني و تعميرات و ساير نیازمندیها به صورت کاملاً متحرك و کارا.

تیم چهارم - سایت يابي و آماده نمودن مواضع به گونه اي که انجام مأموریت امکان پذیر باشد و کمترین تغییرات در زمین به وجود آید بین مواضع اصلي و فريب هیچ تفاوتی نبود براي هر جنگافزار سه موضع تهیه شده بود.

الف: سامانه هاگ:

به علت سنگيني و آسیب پذيري تجهيزات هاگ در جا به جايیها، در طول عملیات همیشه دو سایت عملیاتی و درگیر با دشمن بودند، دو سایت در حال استقرار در محل جدید و دو سایت باقیمانده در حال تعمیر و نگهداري و آماده شدن براي جایگزینی بودند. در مواقعی براي حفاظت از خدمه سایتها و جلوگیری از تخریب سایتها، تصمیم گرفته می شد از يك سایت عملیاتی کمتر از شش ساعت استفاده شود و به محض مشاهده خطر وسایل استتار کامل شده و افراد محل را ترك نموده و پس از تاریکی هوا اقدام به جمع آوري سایت نمایند تا به مأموریت جدید اعزام گردد و به منظور پنهان نگه داشتن هر چه بیشتر محل سایتهاي هاگ به هیچ وجه از رادارهاي شناسایی و جستجوگر در سایتهاي عملیاتی استفاده نمی گردید و موقعیت اهداف با استفاده از رادارهاي منطقه اي به صورت دقیق به سیستم ها اعلام می گردید. عملیات آنچنان دقیق و سریع انجام می شد که دشمن به جز يك مورد (آن هم به علت خطاي فردي) فرصت حمله و هجوم به سایتها را به دست نیاورد و بالاترین بهره ممکن از سیستم موشكي گرفته شد در این عملیات حدود ۸۰ شلیك موفق موشك داشتیم که بیش از ۵۰ فروند از هواپیماهاي دشمن سرنگون گردید.

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۱۹۱

لازم به یادآوری است که روزانه سایت‌های فریب به طور مکرر مورد هجوم سنگین هوایی دشمن قرار می‌گرفت و همین سایت‌های فریب‌نده تله‌ای شده بود برای شکار هواپیماهای دشمن که بیشتری هواپیماهای ساقط شده در همین نقاط بود.

ب: جنگ افزارهای ارتفاع پست:

در منطقه اصلی عملیات والفجر ۸ و مناطق نزدیک به این منطقه که به نحوی در عملیات زمینی اثر داشتند شامل جزیره آبادان - رودخانه بهمنشیر و پلهای رودخانه و جاده‌های مواصلاتی به جزیره به صورت یکنواخت از یک سطح پدافندی هوایی ارتفاع پست که از ترکیب توپهای ۳۵م و راپیرو ۲۳م پوشیده شده بود تأمین کننده سلاحهای ارتفاع پست بیشتر نهاجا و نزاچا بودند و البته سپاه پاسداران هم با توجه به اهمیت منطقه تعدادی از سلاحهای ۵۷م و ۲۳م موجود در واحدهای خود را در این عملیات شرکت داده بودند. نزدیکی منطقه به فرودگاههای دشمن، ارتفاع بلند نخلهای منطقه و دستی بودن سلاحهای ارتفاع پست دفاع در مقابل پروازهای ارتفاع پست دشمن را مشکل نموده بود.

هواپیماهای دشمن در ارتفاع فوق‌العاده پایینی خارج از دید رادارهای منطقه در پناه درختان و پوششهای طبیعی منطقه پرواز میکردند به گونه‌ای که در زمان خیلی کوتاهی در دید خدمه جنگ‌افزارها قرار می‌گرفتند و زمان لازم برای ساقط نمودن آنها نبود گرچه حجم آتش یک ناامنی کلی برای پرواز این گونه هواپیماها ایجاد نموده بود اما مانع و سد کننده نبود. در چنین شرایطی سامانه‌های اتوماتیک ارتفاع پست که دارای عکس‌العمل بالایی هستند همانند اسکای کارد می‌توانند فوق‌العاده مفید باشند ولی به علت این‌که کلیه نقاط حساس و حیاتی کشور در تهدید شدید بودند انتقال سیستم‌های اسکای کارد به منطقه نبرد کار مشکل و

پرخطري بود ولي ناچار چهار رسد اسكاي كارد از مناطق مختلف جمع آوري شده و در مناطق اصلي بويژه در كنار اروند رود در مكانهايي كه محل عبور و مرور قايقهاي تداركاتي و نفرات بود مستقر گرديد كه باعث تحولي در دفاع ارتفاع پست منطقه گرديد و در همان روز اول چهار فروند از هواپيماهاي دشمن بر فراز اروند رود سرنگون گرديد و باعث تجديد نظر كلي دشمن در اين گونه پروازها شد. اكنون در تحليل عمليات والفجر ۸ در بخش پدافند هوائي با اطمينان و افتخار مي توان ادعا كرد:

عمليات والفجر ۸ براي رزمندگان در يگانهاي پدافند هوائي يك آزمون و تجربه اي موفقيت آميز در مقابله با نيروئي با تكنولوژي برتر بود كه استكبار جهاني در اختيار دشمن قرار داده بود. اما اندیشه، ابتكار، خلاقيت، جسارت و از خودگذشتگي رزمندگان در سامانه پدافند هوائي نتيجه قابل انكاري را رقم زدند تا جائي كه هم به نيروي هوائي دشمن خسارات قابل توجه اي وارد گرديد و هم حاميان صدام را از نظر رواني آنچنان منقلب نمود كه روزهي نبود به طريقي ضعف و زبوني خود را به گونه اي توجيه نکنند يك روز مدعي بودند كه كره شمالي با تكنولوژي شوروي سابق پدافند هوايي ايران را باز سازي نموده و روز ديگر مدعي خريد تجهيزات ضد هوايي جديد ايران از روسيه از طريق ليبي و ديگران بود و عمليات والفجر ۸ براي پدافند هوايي ارتش شروع فصل جديدي براي چگونه جنگيدن بدون اتكاء به ديگران و متكي به خود بودن به شمار مي آيد.

د- چند سند و مصاحبه

(۱) - مصاحبه با سرهنگ حجتا... کثیری

یکی از همکاران که سالهای زیادی را در یگان های پدافند خدمت کرده و اکنون تجربه های خود را در معاونت عملیات پدافند هوایی در هدایت عملیاتی یگان های پدافندی بکار می گیرد ، سرهنگ حجتاالله کثیری است ایشان تجربیات خود را درباره عملیات والفجر ۸ چنین بیان می کند :

قرارگاه رعد با برنامه ریزی و گسیل تعداد زیادی از جنگ افزارهای مدرن نیروی هوایی از قبیل سایت های هاگ ، جنگ افزارهای اسکای گارد ، توپ های ۳۵ م م اورلیکن و توپ های ۲۳ م م وظیفه هماهنگی و ایجاد تأمین هوایی برای یگان های رزمنده را بعهده داشتند . به طوری که توانستند با فراری دادن تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن نقش برجسته ای بازی کنند و آن دسته از هواپیمای دشمن که جرأت می کردند در ارتفاع پائین به انجام مأموریت بپردازند ، را منهدم نمایند به طوری که تعداد هواپیمایی که در این عملیات سقوط کردند با هیچ عملیات دیگری قابل مقایسه نیست ، برابر آمارهای مستند در این عملیات حداقل ۵۰ فروند هواپیما سقوط کردند که ضربه جبران ناپذیری بر پیکر نیروی هوایی عراق به حساب می آید .

هواپیماهای عراقی در عملیات والفجر ۸ که به وسیله پدافند هوایی غافلگیر شده بودند با استفاده از امکانات اهدایی استخبار جهانی و در اختیار گرفتن موشکهای اقدام به زدن رادارهای ما در نزدیک خطوط مقدم بودند کردند که بلافاصله قرارگاه رعد با هوشیاری و تغییر تاکتیک و تکنیک پدافندی با بهره گیری از رادارهای مستقر در بندر امام به صورت sop ، سایت های هاگ را به کار گرفت و بدینوسیله این حيله دشمن خنثی گردید . آنچه اضافه می کنم و در این عملیات مورد توجه قرار گرفت

هماهنگی لازم بین تمام سلاحهای پدافندی بود ، حتی هماهنگی خوبی بین قرارگاه رعد و یگانهای پدافند نیروی زمینی انجام گرفت که نتیجه مطلوبی بدست آمد .

در این عملیات پرسنل پدافند با قبول مسئولیت و قبول خطر بداخل فاو در آنطرف اروند رود رفتند و یگان های خود را به منظور ایجاد تأمین هوایی یگان های در خط در نزدیک خطوط مقدم مستقر کردند، این یگانها که بیشتر یگان های اورلیکن . ۲۳ م م بودند ، در زیر آتش توپخانه دشمن به انجام مأموریت پرداختند و یکی از توپهای ما زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت و تعدادی از پرسنل آن شهید و مجروح شدند و فرمانده این یگان سرهنگ محمد نقیبی پور پای خود را از دست داد^۱ .

(۲) - درباره فعالیت پدافند هوایی نهاجا در فرازی دیگر و این بار از کتاب خرمشهر تا فاو تحت عنوان پوشش مناسب هوایی منطقه آمده است :

« تکهای ممانعتی هوایی دشمن که معمولاً از صبح روز اول عملیات آغاز می شود اساساً با هدف عقبه ها و نیز خطوط مقدم و به منظور بر هم زدن آرایش نیروهای خودی و نیز تهدید موفقیتهای بدست آمده می باشد . از این رو چنین پیش بینی می شد که با توجه به شکل منطقه و این که دشمن ، محدود به نوع خاصی از مانور هوایی خواهد بود ، می توان با آرایش مناسب سلاحهای ضد هوایی، بر خلاف تصور دشمن ، جنگنده های آن را هدف قرار داد و تلاشهای هوایی او را خنثی نمود^۲ . »

و در جایی دیگر از مدرک پیش گفته شده درباره ضرورت به کارگیری سلاحهای پدافند هوایی برای

۱. نوار مصاحبه شماره ۱۱.

۲. از خرمشهر تا فاو؛ ص. ۱۶۷.

اطمینان از کسب پیروزی از قول تحلیل گر این بخش از کتاب می خوانیم:

« آنچه که اساساً ضرورت پدافند هوایی را روشن نموده و منجر به اتخاذ تدابیر فوق شد تجربه عملیات بدر و تلاشهای دشمن در اثبات برتری هوایی خود بود بر این اساس و به منظور برخورد جدی تر با امر پدافند هوایی عملاً روشهای مناسبتری گزینش شد و به دنبال آن انواع مختلف سلاحهای ضد هوایی از جمله : سایت موشکی انواع توپهای ضد هوایی و ... عملاً به گونه ای تنظیم شد تا دشمن در ارتفاع بالا در تیرس موشک زمین به هوا و در ارتفاع پائین بوسیله سلاحهای ضد هوایی مورد اصابت قرار گیرد^۳ »

در یکی دیگر از مدارک منتشر شده از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نام "کارنامه توصیفی عملیات" درباره شرکت موثر نهجا در این عملیات نقل شده است.

« در اول اسفند ماه ، هنوز هوا روشن نشده است که دو فروند از جنگنده های عراق هدف قرار می گیرند و در میان تکبیر رزمندگان ، همچون گلوله های آتشین سقوط می کنند. با سقوط پیاپی هواپیماهای دشمن ، آسمان منطقه عملیات والفجر ۸ به صورت دامی مخوف برای نیروی هوایی عراق در می آید و خلبانان بعثی از وحشت موشکهای ضد هوایی و اقدامات تاکتیکی شکاریهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بمبهای خود را بدون هدف رها می کنند و حتی به دفعات نیروهای گارد ریاست جمهوری و دیگر نیروهای عراق را هدف قرار می دهند . تا

پایان این روز سه فروند دیگر از هواپیماهای عراق ساقط میشوند و تلفات هوایی آنان از ابتدای عملیات والفجر ۸ به ۵۰ فروند می‌رسد و بدین ترتیب ضربه ای کشنده به نیروی هوایی عراق وارد می‌آید.^۱»

و یا در جای دیگر از همین مدرک درباره پدافند هوایی ذکر شده است :

« یگانهای خودی تا ۱۵ اسفند ماه به تثبیت مواضع تصرف شده می‌پردازند ، در این میان ۴ فروند دیگر از هواپیماهای عراق سقوط می‌کند ، یک فروند جنگنده عراق هدف توپ ضد هوایی قرار می‌گیرد و خلبان هواپیمای دیگر بدون این که هواپیمایش هدف قرار بگیرد ، با مشاهده سقوط هواپیمای اول ، از شدت ترس و وحشت ، هواپیما را رها کرده و با چتر نجات فرود می‌آید.^۱ »

(۳) - یکی دیگر از رزمندگان اسلام در لشکر ۴۳ امام علی (ع) یافته های خود را در مورد عملیات والفجر ۸ چنین بیان می‌کند :

>> عملیات والفجر ۸ عملیات بسیار درخشانی بود . دشمن فریب بزرگی خورد ، به طوری که در لحظه شروع عملیات چند لشکر را روانه ام الرصاص کرد و مقدار کمی نیرو به فاو فرستاد . سرعت عمل نیروها بسیار خوب و پشتیبانی تدارک به نحو احسن انجام شد . هماهنگی چنان بود که دشمن نمی‌توانست عکس العمل مناسب را انجام دهد و پس از کمی تلاش بیهوده ، محاصره می‌شد . مهمترین کار عملیات رعایت اصل حفاظت بود . به طوری که چند ماه قبل هر کسی وارد منطقه می‌شد ، حق بازگشت پیدا نمی‌کرد . یگانهای دریایی کار نقل و انتقالات را به

۱. سمیعی، علی؛ کارنامه توصیفی عملیات، لشکر ۱۶ قدس گیلان؛ ص، ۲۲۷

۱. همان، ص، ۲۲۵

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۱۹۷۷

سرعت انجام می دادند و در این میان آتش توپخانه ایران بسیار ثمر بخش بود و در تکمیل پدافند هوایی همراه با خلبانان ارتش توانستند ستون فقرات بعثیان را از هوا و زمین خرد کنند. این عملیات تا ابد از یاد سردار مفلوک قادسیه نخواهد رفت.^۱

نشانه‌های زیادی را می توان از قول رزمندگان درگیر در عملیات و یا از مطالب مندرج در کتابها، نقل کرد که در همه آنها به اهمیت کار پدافند نهاجا در عملیات والفجر ۸ اشاره شده باشد، اما بی تردید آوردن تمام این نشانه‌ها، خسته کننده و کسالت آور خواهد شد. لذا این بخش از کتاب را با نقل یک تحلیل از کتاب نبرد فاو به پایان می‌برم، که امیدوارم توانسته باشم گوشه ای از دنیای تلاش و ایثار این نبرد را بازگو کرده باشم

تحرك موشکي و قدرت دفاعي برادران نیروي هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران چنان رعبی در دل خلبانان عراقی ایجاد کرده است که برخلاف پروازهای عادی اولیه، آنان در ادامه بمباران‌های دیوانه‌وار خود، از ترس سقوط و انهدام هواپیما، بمبها را بی‌هدف رها می‌کنند، حتی بعضی از خلبانان عراقی قبل از اصابت موشک خودی به هواپیمایشان با چتر نجات هواپیما را ترک می‌گفتند.^۲

(۴) - مصاحبه با امیر سرتیپ علی محمد نادری

— به عنوان اولین سؤال از امیر می‌خواهم به طور خلاصه سرنوشت خدمتی خود را تشریح نمایند.

— من در شروع جنگ تحمیلی ستوان دوم و خلبان هواپیمای جنگی F-۵ بوده‌ام در خلال جنگ تحمیلی بیش از ۱۵۰ مأموریت پرواز جنگی

۱. همان، ص. ۲۳۵.

۲. نداف، مجید؛ نبرد فاو، گزارش عملیات ۸۰۰؛ ص. ۱۱۷.

داشته ام و مسئولیتهای فرمانده گردان پروازی، رئیس آموزش و یکنواختی عملیات پایگاه شکاری، معاونت عملیات پایگاه پنجم شکاری، جانشین فرمانده پایگاه چهارم شکاری و دوم شکاری، جانشین معاونت عملیات نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، فرمانده آماد و پشتیبانی نیروی هوایی معاونت آماد و پشتیبانی نیروی هوایی، جانشین ریاست ستاد نیروی هوایی، رئیس دفتر مطالعات نیروی هوایی و مدیر عامل صنایع هوایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بوده ام.

— امیر بفرمایید در چه عملیاتی شرکت داشته اید؟

— من در آغاز جنگ در پایگاه هوایی دزفول بودم و به علت نزدیکی این پایگاه به منطقه تك اصلي دشمن، افراد این پایگاه که خلبانان هم جزئی از آنان بودند فشار زیادی را تحمل کردند، در روزها و ماههای اول جنگ مجبور بودیم در جلوگیری از پیشروی دشمن شرکت فعال داشته باشیم و بسیار اتفاق افتاد که روزانه ۳ الی ۴ پرواز داشته باشیم. در این رابطه لازم است بگویم پیشروی عراق به حدی بود که گلوله‌های توپخانه به پایگاه اصابت می‌کرد و به همین دلیل مسئولین پایگاه احساس خطر کردند و دستور تخلیه پایگاه را دادند و هواپیماها به سایر پایگاهها اعزام شدند، این موضوع در شب سیزدهم مهر ماه به وقوع پیوست، اما از آنجایی که خداوند همیشه یار و یاور ما بوده است قبل از تخلیه کامل پایگاه يك تیم پروازی مأموریت یافت با هماهنگی تیپ زرهي دزفول يك مأموریت در حوالی پل کرخه که محل تجمع اصلي یگانهای زرهي دشمن و به اصطلاح نوك حمله دشمن بود انجام دهند که من جزء این تیم بودم، من هیچگاه این حجم از نیرو و تانک را در يك منطقه ندیده بودم. به دستور لیدر تیم ارتفاع خود را کم و اقدام به بمباران نمودیم و در برگشت با راکت و مسلسل‌های خود

نیروهای دشمن را هدف قرار دادیم و چون حجم آتش سنگین بود، وقفه‌ای در حرکت نیروهای دشمن ایجاد کرد. همین تیم مأموریت خود را در روز بعد برای بار دوم انجام داد، لذا به نظر رسید که مؤثر واقع شد. من این اقدام را که همزمان با تخلیه پایگاه از هواپیما رخ داد یک امداد غیبی و نصرت الهی می‌دانم که مسئولین و خلبانان را متقاعد ساخته بود که آخرین تلاش خود را برای حمله و متوقف کردن دشمن بنمایند. و به شکر خدا نتیجه خوبی به دست آمد تا جایی که تمام هواپیماهایی که به سایر پایگاهها رفته بودند بار دیگر برگشتند و فعالیت پایگاه بار دیگر شروع شد و روحیه افراد برای مقاومت افزایش یافت. این پروازها اولین تجربه‌های جنگی من بود که مأموریت‌های بعدی و شرکت در سایر عملیاتها از جمله شرکت در عملیات میمک، طریق‌القدس، فتح المبین، بیت المقدس، کربلاي ۴ و ۵ و والفجر ۸ را به دنبال داشت.

نباید فراموش کرد در چند ماه اول جنگ به علت فشاری که روی نیروی هوایی بود و به علت حجم پروازها می‌توان گفت برتری هوایی را کسب کرده بودیم اما همین فشار سبب گردید که توان پروازی ما به طور قابل ملاحظه‌ای از بین برود و بسیاری از همکاران صدیق و با وفای ما مظلومانه به شهادت برسند. این که می‌گویم مظلومانه به دلیل اینست که شرایط جنگی و مسائل حفاظتی ایجاب می‌کرد که شهادت این عزیزان در اختفا بماند تا از اثر سوء آن در روحیه بقیه همکاران کاسته شود و خبر آن درج نکند که دشمن را نیز شاد کند. لذا در بیشتر موارد از انجام مراسم مناسب برای این خلبانان قهرمان چشم‌پوشی به عمل می‌آمد.

برتری هوایی ابتدای جنگ یک پیامد مثبت دیگری هم داشت که کمی پوشیده مانده است اگر نیروی هوایی نبود حملات هوایی گسترده چند روز اول جنگ عراق ادامه پیدا می‌کرد و بی

تردید منابع حیاتی و مناطق صنعتی و اقتصادی و به ویژه نظامی ما سالم باقی نمی‌ماند که به شکر خدا چنین اتفاقی نیافتاد و دشمن نتوانست به اهداف اولیه خود برسد.

خلاصه می‌کنم در سال اول جنگ نیروی هوایی بر خلاف این‌که باید یک نیروی پشتیبانی کننده باشد به عنوان یک نیروی بازدارنده عمل کرد. — امیر به شرکت در عملیات والفجر ۸ اشاره‌ای داشتید با توجه به این‌که هدف از این مصاحبه، پژوهش در مورد چگونگی شرکت نه‌اجا در عملیات والفجر ۸ و فتح فاو می‌باشد لطفاً به طور دقیق و مشروح به این مهم بپردازید.

— قبل از این عملیات و در فاصله بین سالهای ۶۱ الی ۶۳ به علت پیروزیهای چشمگیر ارتش جمهوری اسلامی و فتح خرمشهر و وحشت استکبار از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام اطلاعات و شیوه تاکتیکی و ضعف هواپیماهای خودی را در اختیار دشمن قرار داد و از طرفی دیگر نه‌اجا به دلیل عدم پشتیبانی تدارکاتی و تجهیزاتی و تحمل فشار غیر معمول توانایی اولیه خود را از دست داد و از طرف دیگر نیروی هوایی دشمن به وسیله کشورهای روسیه و فرانسه با هواپیماهای میگ ۲۵ و میراژ مجهز گردید در نتیجه برتری هوایی دشمن محقق شد تا آنجا که در پاره‌ای اوقات و با هدف کاهش روحیه رزمندگان، دشمن با هواپیماهای سنگین مانند ایلوشین اقدام به پرتاب تیر آهن، مصالح ساختمانی و اسباب بازی و آهن قراضه و آشغال بر روی نیروهای زمینی ما می‌کردند.

در این شرایط بود که نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در یک اقدام اساسی و با استفاده از امکانات داخلی به بازسازی و افزایش توانمندیهای خود اقدام کرد و تاکتیکهای خود را نیز تغییر داد. این اقدام با تشکیل قرارگاهی موسوم به قرارگاه رعد انجام گرفت. تشکیل این قرارگاه از ابتکارات شهید بزرگوار بابایی بود، فلسفه تشکیل این

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۰۱

قرارگاه بر مبنای افزایش ایمنی پرواز و رعایت اصل کلی حفاظت بود. این قرارگاه در جوار قرارگاه خاتم الانبیاء و به عنوان یک قرارگاه عملیاتی نه‌اجا عمل می‌کرد بر این پایه که تمام نیازمندیهای عملیات از طرف یگانهای مانوری در این قرارگاه مورد بررسی قرار می‌گرفت و از طریق یکی از پایگاههای شکاری به اجرا در می‌آمد. این که می‌گویم برای رعایت اصل حفاظت به این معنی بود که قبل از این اقدام وقتی پروازها از طریق دفتر ویژه به اجرا در می‌آمد. دشمن با شنود کردن مکالمات آمادگی طعمه قرار دادن هواپیماهای ما را پیدا می‌کرد و در فضای هوایی خود منتظر پروازهای ما می‌ماند و با آنان با قدرت بیشتر برخورد می‌کرد و در چندین مورد صدمات جبران ناپذیری به هواپیماهای ما وارد نمود.

اما قرارگاه رعد این مشکل را حل کرد، زیرا هیچگونه ارتباط رادیویی تا بلند شدن هواپیما انجام نمی‌گرفت و بدین وسیله دشمن غافلگیر می‌گردید و اوج این اقدام شایسته در عملیات والفجر ۸ و فتح فاو اتفاق افتاد که ۴۰ الی ۵۰ هواپیمای دشمن به وسیله نیروی هوایی و به ویژه پدافند هوایی که به وسیله همین قرارگاه رعد فعال شده بود ساقط گردید. عملیات والفجر ۸ نقطه عطفی در تاریخ نیروی هوایی برای مقابله اساسی با دشمن بود، هم پدافند هوایی با استفاده از تمام امکانات خود فعال گردید و هم پشتیبانی نزدیک هوایی با استفاده از تاکتیک صحیح و بومی انجام می‌گرفت و به لطف خدا نتیجه خوبی و بهتر است بگویم نتیجه عالی در برداشت و امروز من به عنوان یک خلبان که در این عملیاتها اجرای وظیفه می‌کردم به کاری که انجام گرفته است افتخار می‌کنم.

— آیا فقط پایگاه امیدیه قرارگاه رعد را پشتیبانی می‌کرد؟

– خیر، پایگاه امیدیه به علت نزدیکی به منطقه عملیات آبادان به عنوان پایگاه مادر عمل می‌کرد، سایر پایگاهها به دو طریق در عملیات والفجر ۸ شرکت داشتند. از یک طرف پایگاههای تبریز، همدان بخشی از هواپیماها و گروههای فنی خود را به پایگاه امیدیه اعزام داشته و مأموریتهای واگذاری را از این پایگاه انجام می‌دادند و از طرف دیگر پایگاههایی مانند دزفول و بوشهر که نزدیکتر بودند به طور مستقیم از پایگاههای خود اقدام به پشتیبانی از عملیات می‌کردند، به ویژه پایگاه اصفهان با استفاده از هواپیماهای اف ۱۴ پوشش هوایی خوبی به وجود می‌آورد که از پرواز هواپیماهای دشمن به شدت جلوگیری به عمل می‌آورد.

– تاکتیکهای مورد استفاده قرارگاه رعد را که در به سرانجام رساندن مؤثر مأموریتهای نقش داشته با حساسیت بیشتری تشریح نمایید.

– این تاکتیکها چند بعدی و ساده بودند. عراقیها با استفاده از اطلاعاتی که از آمریکاییها گرفته بودند به تاکتیکهای پروازی ما پی برده بودند و به خوبی هواپیماهای ما را طعمه می‌کردند و مشکلاتی فراوان برای ما فراهم کردند به طوری که در یک فاصله زمانی کوتاه به طور تقریب احتمال بازگشت سالم هواپیماها به پایگاههایشان بسیار کم شد.

همچنین در بخش پدافند با استفاده از سیگنالهای راداری پدافند هوایی به ویژه رادارهای موشکهای پدافندی به محض روشن شدن، زده می‌شدند. قرارگاه رعد به این دو موضوع پی برد و برای مقابله با این برتری جزئی دشمن دست به کار شد و اقداماتی به شرح زیر انجام داد:

الف – با اعزام گسترده افسران ناظر مقدم تا اولین رده یگانهای مانوری (گروهان) و افسران رابط هوایی تا رده گردان توانست بین یگانهای زمینی و نهاجا ارتباط مستقیم

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۰۳

برقرار نماید و با این اقدام اساسی توانست درجه امنیت پروازها را افزایش دهد و تا رسیدن هواپیما روی سر دشمن اطلاعات آنرا مخفی نگه دارد. افسران مقدم با ایجاد ای. پی (aim point) به وسیله دو عدد کانکس و سفید کردن آن نقطه نشانی خوبی برای راهنمایی خلبانان به اهدافشان بدون ارتباط رادیویی را ایجاد می‌کردند.

ب - با گسترش قرارگاه رعد در نزدیکترین مکان به جبهه و حذف دفتر ویژه و پست فرماندهی (COMON POST) پایگاهها از چانل اجرای پروازهای اضطراری، ضریب امنیت قابل ملاحظه‌ای برای حفاظت از اطلاعات پروازی را فراهم می‌نمود.

پ - کار دیگری که با اصرار قرارگاه رعد انجام گرفت ترکیبی عمل کردن هواپیماها بود تا امکانات تمامی آنان همزمان استفاده شود و نواقص و کمبودهای همدیگر را پوشش دهند، یعنی برای حفاظت از هواپیماها از دو فروند اف۱۴ با هم استفاده می‌کردند که فضای مأموریت را پوشش دهند و در پوشش این هواپیماها از هواپیماهای افه و اف۴ با انواع مهمات استفاده می‌شد. به طور ویژه بمبهای خوشه‌ای که با فاصله عمل می‌کرد در تاخیر انداختن حرکات سریع دشمن نقش خوبی را ایفا می‌کرد.

ت - مهمات ساخت داخل را برای آزمایش به پایگاه پنجم امیدیه می‌آوردند که با نظارت شهید اردستانی در این پایگاه مورد آزمایش قرار می‌گرفتند و مؤثر بودن آنها به اثبات می‌رسید و تا حد زیادی از کمبودهای تدارکاتی را از بین می‌برد.

ث - همین قرارگاه رعد تصمیم گرفت پروازهای جنگی را حتی‌الامکان قبل از ظهرها انجام دهد تا با توجه به جهت تابیدن نور خورشید هم خلبانها دید بهتری داشته باشند و هم دشمن از حداقل دید برخوردار باشد.

ج - در بخش پدافندي با استفاده از رادار مادر در بندر امام خميني(ره) و خاموش نگه داشتن ساير رادارها از طعمه شدن بيشتري سايتهاي موشكي به عنوان اصلي ترين سلاح پدافندي نهاجا ممانعت به عمل آمد.

د - يكي از اقدامات اساسي و فني و ابتكاري براي افزايش قابليت هاي پدافند هوايي گذاشتن موشك هاگ به جاي فنيكس روي هواپيماي اف۱۴۱ مي باشد تا برد پدافند هوايي به دو برابر برسد.

لذا مشاهده مي كنيم مجموعه اين اقدامات و ساير اقداماتي كه من فراموش کرده و حضور ذهن براي بيان آنها ندارم و شايد همكاران ديگر بتوانند زواياي آن را بهتر بگشايند به لطف و عنايت خدا مؤثر افتاد و برتري هوايي چند ساله را از دشمن گرفت و نسبت به ساقط شدن ۵۰ فروند از هواپيماهاي آنها در عمليات فاو منجر گرديد و اين براي ما درسي فراموش نشدني است كه تا مي توانيم به خود اتكا داشته باشيم، زيرا هميشه اين امكان وجود دارد كه ديگران آنچه را در اختيار ما گذاشته اند به سادگي در اختيار دشمن ما قرار دهند. كاري كه آمريكايها كردند.

- از امير نادري مي پرسم نهاجا غير از مأموريتهاي جنگي و بازدارنده، مأموريتهاي ديگري انجام مي داد؟

و او جواب مي دهد:

خوب بود اشاره كرديد، هواپيماهاي تاكتيكي و مسافري يعني از C۱۳۰ و بوئينگ ۷۰۷ و ۷۴۷ براي جابجايي بار، تجهيزات، نفرات و به ويژه حمل مجروح با ظرفيت كامل استفاده گرديد كه اگر اين هواپيماها نبودند، نيروهاي درگير با مشكلات فراواني روبرو مي شدند، تكرر مي كنم حجم بالايي از مجروحين جنگ از طريق هواپيما به اكثر بيمارستانها در سراسر كشور و حتي مشهد برده شدند و يا از جاي جاي ميهن اسلامي نيروي كمكي به جبهه

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۰۵

آورده شد یا با هواپیمای C۱۳۰ شهدا تخلیه می‌گردیدند، کمکهای مردم به جبهه آورده می‌شد و اکثراً مهمات مورد نیاز در کمترین زمان به جبهه حمل می‌شد.

– برای این‌که گفته‌های خود را تکمیل کنید اگر حضور ذهن دارید چند نفر از خلبانهای را که در عملیات والفجر ۸ همراه شما در عملیات شرکت داشتند را نام ببرید:

– خلبانها و گروههای فنی زیادی در این عملیات شرکت داشتند زیرا تمام پایگاههای هوایی و یا بهتر بگویم نه‌اجا با تمام ظرفیت در عملیات شرکت داشتند و چون نمی‌توان همه را نام برد بهتر است به این اکتفا کنم و بگویم نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر ۸ و فتح فاو در کنار سایر نیروهای ارتش و سپاه و بسیج با تمام توان شرکت فعال و مؤثر داشت و اگر این چنین نمی‌شد آزادی بندر فاو به این شکل رقم نمی‌خورد.

– امیر ممکن است به یکی از مأموریت‌هایی که شخصاً در عملیات والفجر ۸ انجام داده‌اید اشاره‌ای داشته باشید؟

– مأموریتها زیاد هستند، يك روز در بعد از ظهر یکی از فرماندهان سپاه پاسداران سراسیمه به قرارگاه آمد و گفت یگانهای در خط در حوالی کارخانه نمک در فاو مورد حمله يك واحد بزرگ تانک قرار گرفته است که در صورت پیشروی ممکن است فاو را دوباره پس بگیرند و درخواست پشتیبانی هوایی داشت من و یکی از خلبانان دیگر بلافاصله دو هواپیمای مسلح آماده را برداشتیم و خود را به هدف رساندیم و خوشبختانه هواپیماها با انواع بمبهای تخریبی سنگین و خوشه‌ای مسلح بودند ما با ارتفاع پست تانکهای نزدیک به یگانهای خودی را بمباران کردیم و در برگشت با سلاحهای خود نیز یگانهای پیاده را زیر آتش قرار دادیم.

فردا از قرارگاه خاتم الانبیاء آمدند و گفتند معجزه شده است. من تعجب کردم زیرا دو فروند هواپیما نمی‌تواند چنان مؤثر باشد ولی پس از بمباران به علت وجود بمبهای خوشه‌ای که با تأخیر قابل توجهی منفجر می‌شوند تأخیری در حرکت دشمن به عمل آمده بود و بعد باران شدیدی بارید و منطقه آنچنان در آب فرو رفت که تانکها نتوانستند حرکت کنند و با این عملیات در اثر لطف خداوند دشمن در گل و لای ماند و از او کاری ساخته نشد.

و یا در یک ماموریت دیگر همراه شهید اردستانی به عنوان لیدر به منطقه فاو رفته بودیم که من به دنبال لیدر در حرکت بودم که ناگهان با شلیک گسترده پدافند هوایی دشمن مواجه شدیم و یکی از موتورهای هواپیمای من در اثر اصابت گلوله از کار افتاد و دیگر نتوانستم لیدر را تعقیب کنم لذا با کمی تأخیر هدف را مورد اصابت قرار داده و چند لحظه بعد به صورت (Low PASS) پرواز در ارتفاع پست بودم که یک هلیکوپتر دو ملخه را در ارتفاع پائین مشاهده کردم که من هم ارتفاع خود را کم کرده و با مسلسل او را هدف قرار دادم که خود سقوط آنرا مشاهده کردم و بالاخره در پایگاه به دنبال شهید اردستانی نشستم، ایشان با دیدن من تعجب کرد و گفت یک گوسفند نذر کن، گفتم چرا. گفت من تو را دیدم که چطور گرفتار گلوله‌های پدافند هوایی شدی و فکر کردم تو را زدند ولی از این‌که اندکی بعد تو را در حال دور زدن دیدم خوشحال شدم و برای تو دعا کردم.

– امیر گرچه شما به نکات آموزشی بسیار زیادی اشاره داشتید اما با استفاده از فرصت، از شما می‌خواهم به طور ویژه پیامی برای همکاران جوان که خاطرات جنگ را دنبال می‌کنند داشته باشید:

– سون تزو (فرمانده چین باستان) گفته‌ای دارد که بسیار آموزنده است؛ او می‌گوید:

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۰۷

اگر شما خود و دشمن را شناسی، به طور حتم شکست می‌خوری ولی اگر خود را شناختی و دشمن را شناختی خود را به قضا و قدر بسپار و اما اگر خود و دشمن را شناختی موفقیت تو حتمی است.

پیام روشن این گفته هوشمندانه این است که وقتی همه چیز را از دیگران گرفتی به این معنی است که دشمن از تو شناخت کامل دارد و چون خود را نیز می‌شناسد بنابراین بر تو پیروز خواهد شد ولی اگر به خود اتکا کردی و از تواناییهای خود استفاده بردی با اندکی تأمل و خود شناسی پیروزی قطعی را هرگز به دشمن نخواهی داد.

و سرنوشت نه‌اجا در جنگ از این تجربه نشأت گرفت تا مادامی که اطلاعات و توانمندیهای نه‌اجا در اختیار دشمن قرار نگرفته بود ما برتری هوایی نسبی را داشتیم اما مادامی که این اطلاعات در اختیار دشمن قرار گرفت و دشمن ما را شناخت، برتری هوایی را از ما گرفت و خوشبختانه مادامی که ما خود را باور کردیم و با استفاده از تواناییهای خود شرایط را به نفع خود تغییر دادیم بار دیگر برتری هوایی را کسب کردیم. پس جوانان ما باید بدانند اگر به خود اکتفایی برسند با اسلام مقتدر و رهبر روشن بینی که داریم نمونه خواهیم شد.

– امیدوارم جوانان تجربیات همکاران خود را که خون بهای جنگ است به کار بندند و گذشته را چراغ راه آینده خود سازند، در پایان با تشکر از جنابعالی به خاطر شرکت صمیمانه در این مصاحبه اگر لازم می‌دانید یک خاطره‌ای برای حسن ختام بفرمایید:

– خاطره‌ای که عرض می‌کنم مربوط به عملیات والفجر ۸ نمی‌شود اما به علت ارتباط آن با شهید نامدار نه‌اجا (شهید بابایی) که نقش ارزنده‌ای در معرفی فعالیت‌های نه‌اجا بویژه

عملیات والفجر ۸ داشت شاید؛ هم بی ارتباط نباشد:

در آن زمان من جانشین پایگاه دوم شکاری تبریز بودم و قرارگاه رعد در حال پشتیبانی از نیروی زمینی در عملیاتی در غرب کشور بود که از پایگاه سوم شکاری مستقر شده بود شهید بابایی دستور داد که من به پایگاه تبریز بروم و برای یک مأموریت جدید آماده گردم که در روز پنجشنبه پس از یک مأموریت جنگی به پایگاه تبریز رفتم و فردای آن روز جمعه ۶۶/۵/۱۵ مصادف با عید قربان شهید پس از یک مأموریت جنگی در غرب به پایگاه تبریز آمدند و در معیت ایشان که کاملاً روی منطقه شناسایی کامل داشت به مأموریت جنگی بر ضد نیروهای دشمن در پشت ارتفاعات سردشت به انجام وظیفه پرداختیم.

بنابراین پس از آماده شدن هواپیمای دوکابینه F۵-F (اف ۵ اف) من به عنوان خلبان در کابین جلو و شهید در کابین عقب از زمین بلند شدیم و با راهنمایی ایشان به سمت هدف پیش رفتیم شهید بابایی در مسیر نقطه نشانها را به من نشان می‌داد و پس از این‌که کاملاً آماده عملیات شدیم در آخرین مسیر پروازی با اوج گیری و شیرجه، دشمن را مورد بمباران قرار دادیم و با یک گردش ۱۸۰ درجه در حال برگشتن از هدف بودیم که امیر بابایی از این‌که مأموریت به خوبی انجام گرفته و هدف در حال انفجار بود به وجد آمد و در حال الله اکبر گوئی بود که هواپیمای ما مورد اصابت قرار گرفت و همه چیز به هم ریخت با رادیو سعی کردم که با شهید بابایی تماس برقرار کنم ولی متأسفانه صدایی نشنیدم آئینه جلو را تنظیم کردم که بتوانم شهید را در کابین عقب ببینم ولی چیزی از او جز شیشه شکسته و خون‌آلود بین دو کابین ملاحظه نشد. صندلی پران شهید هم که چتر نجاتش پاره شده بود بر سر جای خودش در کابین عقب مشاهده می‌شد. من پس از یک آشفته‌گی و لحظات سقوط به خود آمده و کنترل هواپیما

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۰۹

را به دست گرفتم و با پایگاه تماس برقرار کردم. وضعیت خود را اضطراری اعلام نمودم و درخواست هلیکوپتر رسیو کردم چون احتمال می‌دادم شهید بر اثر اصابت به بیرون پرتاب شده است. خودم در حالی که پشت گردن و بازویم بر اثر ترکش مجروح شده بود و اکثر نشان دهنده‌های کابین جلو شکسته بود خود را به پایگاه رساندم و با وضعیت ناجور و با مشقت فراوان هواپیما را به زمین نشاندم. پس از استفاده از چتر ترمز هواپیما و ترمز شدید که باعث آتش گرفتن لاستیکهای هواپیما شد چون گاز هواپیما بسته نمی‌شد با قطع کلیدهای بنزین در تور انتهایی باند درگیر شدم پس از رهایی از تور توسط نیروهای اضطراری مشاهده شد که بابایی بر اثر اصابت از گردن، شهید شده است. در این زمان درست اذان ظهر روز عید قربان طنین انداز بود که شهید در راه دفاع از میهن اسلامی عزیز قربانی گردید.

جالب است که بگویم شهید ستاری (فرمانده نیرو) به او گفته بود که به حج برود و او همسرش را فرستاده بود و قرار گذاشته بود تا عید قربان خود را به آنها برساند اما به علت مأموریت از رفتن بازماند و چنین قربانی و شهید گردید. خداوند او را رحمت کند و با خواندن فاتحه و فرستادن صلوات برای شادی روح شهدا مصاحبه را به پایان بردیم.

عملیات شفق^۱

پشتیبانی هوایی از عملیات والفجر ۸

بخش نیروی هوایی در چاپ یکم کتاب ارتش در فاو به دلایلی که در ابتدای همان بخش عنوان گردید، کامل نبود و به حق شایسته تلاش و عملکرد افتخار آمیز و ارزنده آن نیرو نبود و پیشاپیش می توانست پیش بینی کرد که مورد اعتراض سازمان و کارکنان با فرهنگ و توانمند آن قرار خواهد گرفت که چنین شد. از این رو طی تماس با مرکز مطالعات و پژوهش نهجا در نظر گرفته شد که در چاپ بعدی در حد توان و در اختیار گرفتن مدارک، نقص موجود بر طرف گردد. اینک آنچه به دنبال خواهد آمد، حاصل یک پژوهش چند ماهه و فراگیر درباره عملکرد نهجا در پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ برای آزادسازی بندر استراتژیک فاو است که تحت عنوان عملیات شفق با ذکر دو مورد بیان می گردد.

مورد ۱- بخشی از مطالب این پژوهش به اجبار در چاپ یکم به روش دیگری آمده است که ممکن است با آنچه بیان می شود کمی متفاوت باشد. که به علت عدم دسترسی به مدارک مستند در چاپ یکم می باشد.

مورد ۲- در این پژوهش امکان تفکیک عملکرد پشتیبانی هوایی و عملکرد پدافند هوایی مقدور نشد زیرا این دو بخش لازم و ملزوم همدیگر تشخیص داده شده است.

۱- پیشگفتار

سال ۱۳۶۴ در شرایطی آغاز گردید که رکورد نسبی بر جنگ حاکم بود و طولانی شدن جنگ و محاصره‌ی اقتصادی و محدودیت‌های گوناگون به لحاظ جنگ افزار و قطعات یدکی مورد نیاز، توان رزمی نهجا را می کاست.

از زمان عملیات خیبر در سال ۱۳۶۳ تا کنون چنین بود. هر روز و هر شب از شمالغرب استان آذربایجان غربی تا تنگه هرمز، هواپیماهای «اف-۱۴» و «اف-۵» و «اف-۴» به همراه هواپیماهای سوخت رسان و هواپیماهای جمع آوری کننده اطلاعات الکترونیکی در پرواز

۱. منابع این موضوع در پایان کتاب، در بخش منابع نام برده شده اند

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۱۱

بودند و هر روز پس از روز دیگر نیاز به قطعات هواپیما و سلاح و انسان های جوان آموزش دیده بیشتر می شد، کمبود خلبانانی که به علت کثرت پرواز از نظر جسمی به تدریج کنار گذاشته می شدند و جایگزین نمی شدند بیشتر احساس می شد .

در اواخر سال ۶۴ اوضاع تا حدودی بهبود یافته بود. به همین نظر طرح عملیاتی بزرگ و سرنوشت ساز والفجر ۸ از سوی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) ابلاغ گردید که در آن قرار بود توسط نیروی زمینی و نیروی دریایی ارتش و سپاه پاسداران به اجرا گذارده شود. نیروی هوایی نیز می بایستی با بخشی از توان خود این طرح را پشتیبانی نماید .

پشتیبانی نیروی هوایی به این معنی بود که آتش پشتیبانی هوایی «support air fire» را باید برای نیروهای تک کننده فراهم می نمود و همزمان دفاع هوایی «defense air» از آسمان منطقه عملیات را انجام می داد و هشدار اولیه از حملات هوایی دشمن و جمع آوری اطلاعات را در منطقه عملیات تا جایی که پایگاه های هوایی عراق وارد عملیات دفاعی می شدند می بایستی تأمین می نمود. و در نهایت سیل عظیم کالاهای و نیروهایی که وجود آنها در رزم ضرورت داشت مانند انواع سلاح، خودرو، مهمات، مواد غذایی و همچنین نفراتی را که ارتش و سپاه معرفی می کردند در حد لشکر و تیپ و گردان به منطقه عملیات با هواپیماهای ترابری خود به صورت خدمات پشتیبانی رزمی «combat service support» حمل می کرد و برعکس کالاهای فرسوده را به مراکز تعمیراتی و مجروحین را به مراکز درمانی می رسانید .

عملیات والفجر ۸ در شرایطی آغاز می شد که نیروی هوایی تجربه بسیار گرانبهایی از جنگ به دست آورده بود و می دانست که دشمن در هر مرحله ای از این جنگ که تحت فشار قرار می گیرد بلافاصله اقدام به توسعه جنگ در خلیج فارس و ادامه حملات هوایی به نفتکشها و کشتی های حامل کالاهای تجاری و همچنین تشدید حملات هوایی به جزیره های خارک و در آخر، جنگ شهرها را پیش خواهد کشید .

نیروی هوایی به تازگی و اندکی قبل، از جنگ شهرها فراغت یافته بود. اما با اجرای این عملیات باید دوباره در انتظار مرحله جدیدی از جنگ شهرها می بود .

در آن زمان اغلب دستور پروازهای استراتژیک و اجرای عملیات استراتژیک هوایی از طریق گروه کار نظامی واقع در نهاد ریاست جمهوری صادر می گردید .

از طرفی این نیرو می‌بایستی نیروی هوایی دشمن را از حضور بر فراز منطقه نبرد دور نگهدارد تا نیروهای رزمنده‌ی زمینی و دریایی به راحتی کار خود را تا رسیدن به سرپل و تصرف جزیره‌ی فاو و اتخاذ سرپل در آنجا ادامه دهند، از سوی دیگر نیروهای رزمنده زمینی و دریایی به این صورتی که می‌خواستند وارد نبردهای والفجر ۸ با دشمن بشوند فاقد سیستم موشکی ضد هوایی صحنه نبرد بودند. «theatre air defence» و دفاع هوایی از صحنه نبرد به گونه‌ای تبلیغ شده بود که انگار این مهم وظیفه نیروی هوایی است و نه‌اجا ناگزیر بود به تبلیغ نام و نشانی که داشت این مسئولیت سنگین را علیرغم مجهز نبودن به نوع مناسب سیستم بپذیرد و در عمل موشک‌های زمین به هوای تاکتیکی خود را به صحنه عملیات بکشانند. در حالی که این موشک‌های هاگ که در اختیار نه‌اجا بود برای این کار ساخته نشده بود. سپاه و نیروی زمینی ارتش می‌بایستی سیستم موشکی ویژه‌ی صحنه‌ی نبرد‌های زمینی را دارا می‌بودند که نبودند.

به این ترتیب بود که فصل جدیدی از خدمات پدافند هوایی و موشکی در جنگ عراق و ایران پدید آمد و والفجر ۸ با حجم وسیع تری از امکانات و مقدرات هوایی در کنار نیروهای رزمنده زمینی در خط مقدم صحنه نبرد و در میانه‌ی میدان رزم زمینی همراه گردید و پدافند زمین به هوای نه‌اجا به سرعت متحرک شد و روانه‌ی میادین نبرد گردید. این تحول در امر پشتیبانی از نیروهای زمینی و دفاع هوایی و حضور کارکنان پدافند زمین به هوا در خط مقدم نبردهای زمینی، نیاز به قرارگاه رزمی ویژه هوایی داشت که گروه‌های رزمی مانند آماد و پشتیبانی رزمی، ارتباطات رزمی، امداد و درمان رزمی، مهندسی رزمی را که همگی در حالی که خدمات پشت جبهه را تداعی می‌کردند، در میانه‌ی میدان نبرد نیز حضور داشته باشند و آنها را هدایت نمایند. آن قرارگاه نیز فراهم گردید و به نام قرارگاه رعد شهرت یافت.

۲- مأموریت

مأموریت قرارگاه از سوی قرارگاه فرماندهی خاتم الانبیاء به شرح زیر ابلاغ گردید:

بسمه تعالی

از: فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء(ص)

به: فرماندهی محترم نهاجا - جناب سرهنگ صدیق

سلام علیکم

بدینوسیله به جنابعالی مأموریت داده می‌شود تا با بهره‌گیری از تمام مقدرات سازمانی نهاجا، قرارگاه رعد را به فرماندهی جناب سرهنگ عباس بابایی تشکیل داده و تحت فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه مأموریت‌های زیر را به انجام رسانید .

الف- پشتیبانی نزدیک هوایی برای ۱۵ روز عملیات سپاه قابل تمدید تا یک ماه

ب- بمباران عقبه‌های دشمن

ج- پدافند موشکی و توپخانه‌ای ارتفاع بالا و پست

د- پوشش هوایی منطقه

ع- عکسبرداری هوایی از منطقه

و- پشتیبانی از عملیات نزاجا و نداجا

لازم است کلیه امکانات پیش بینی شده حداکثر تا روز ۲۵ دی ماه ۶۴ برای اجرای

مأموریت در منطقه‌ی عملیاتی آماده گردد.

و من الله التوفیق

اکبر هاشمی رفسنجانی ۶۴/۱۰/۱۵

همان طور که از متن امریه‌ی فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) بر می‌آید، عملیات والفجر ۸ می‌بایستی نیروهای سپاه و ارتش را در بر می‌گرفت و نیروی دریایی ارتش نقش بسیار مهمی در عبور از اروندرود ایفا می‌کرد. در حالی که در خلیج فارس نیز می‌بایستی دفاع سرزمینی خارک و انتقال کاروان کشتی‌های حامل کالاهای تجاری که برخی از این کالاها در آن زمان اهمیت کالای استراتژیک به خود گرفته بودند، مانند: گندم، شکر و برنج

و برخی مواد غذایی برای جبهه های جنگ را نیز پوشش دهد و عملاً در این راه با دشمن درگیر شود.

دشمن هواپیماهای «میراژ F1»، «EQ-۵» و «EQ-۶» را از فرانسه خریداری کرده بود و در حملات هوایی در شب علیه ناوها و کشتی‌ها از آنها استفاده می‌کرد و آنها را علیه کشتی‌های نفت‌کش و تجاری در آبهای آزاد و آبهای ساحلی ایران بکار می‌برد. در قبل برای این کار از هلیکوپترهای «سوپر فرلتون» و موشک های «اگزوست» استفاده می‌کرد. اما هلیکوپترها نقاط ضعف بسیاری در میدان وسیع نبرد شمال غرب خلیج فارس داشتند، از جمله، بعد از پرتاب موشک به سرعت نمی‌توانستند منطقه را ترک کنند. برای رفع این نقیصه سوپر اتانداردها را اجاره کردند. آنها در اختفای کامل از فضای کویت به منطقه وارد می‌شدند و پس از پرتاب موشک اگزوست بلافاصله خود را به فضای کویت می‌رساندند. حتی اگر با کوچکترین اضطراری در شب روبرو می‌شدند، در فرودگاه‌های کویت به راحتی فرود می‌آمدند و از بند خطر می‌رستند. اکنون آنها را پس فرستاده بود و میراژها را که فوق صوت بودند در اختیار گرفته بود. اگر عملیات والفجر ۸ به پیروزی می‌انجامید، نیروهای ایرانی در منطقه وسیعی بین کویت و عراق قرار می‌گرفتند و حایل می‌شدند و به طور کلی وضعیت نظامی منطقه‌ی شمال غرب خلیج فارس با تغییرات کلی و عمده‌ای روبرو می‌شد. آن وقت هلیکوپترهای سوپر فرلتون به هیچ وجه در آن منطقه کارایی نداشتند و هواپیماهای جنگنده بمب افکن میراژ نیز قطعاً باید با سوخت گیری در آسمان خود را به خورموسی و شمال غرب خلیج فارس برسانند. زیرا در پایگاه هوایی شعیبیه که در کنار بصره واقع است اصلاً نمی‌توانستند سرویس بگیرند و در پایگاه ناصریه اگر می‌نشستند هواپیماهای ایرانی می‌توانستند پایگاه را به شدت بمباران کنند و آنها کارایی خود را از دست می‌دادند.

۳- نام عملیات

به طور معمول عملیات پشتیبانی از نیروهای سطحی تحت نام‌های شیخ و شهاب انجام می‌شد. در این عملیات تصمیم بر این شد که نام عملیات هوایی را عملیات شفق قرار دهند که مناسب و هماهنگی در معنی با نام فجر داشت.

۴- زمان عملیات

عملیات برای نیروهای سطحی که شامل نیروهای سپاه پاسداران و بخشی از نیروهای ارتش که تحت امر قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) قرار داشتند در ساعت ۲۲۰۰ از روز بیستم بهمن ماه آغاز می‌شد. در حالی که نه‌اجا ناگزیر بود از چندی قبل، برخی عملیات ایذایی و فریب را در صفحات شمالی جبهه‌ها انجام دهد تا نیروهای زمینی بتوانند برای مانور و حرکت آماده شوند.

از طرفی انتظار فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) مندرج در امریه‌ی مذکور بر این بود که تمام ادوات جنگی نه‌اجا و پرسنل متخصص که در طرح عملیات هوایی شفق پیش بینی شده اند شامل عملیات قطع خطوط مواصلاتی دشمن، اطلاعات و هشدار اولیه هوایی، عکسبرداری تاکتیکی هوایی، پشتیبانی نزدیک هوایی، دفاع هوایی تاکتیکی و ترابری تاکتیکی هوایی همچنین عملیات مراقبت‌های تاکتیکی هوایی شامل پوشش هوایی قرارگاه‌های فجر، رعد خاتم‌الانبیاء(ص) و کربلا و نوح نبی (ع) توسط هواپیماهای «اف-۱۴» برقرار گردد. از سوی دیگر می‌بایستی عملیات استراتژیک هوایی شامل حمله هوایی به تأسیسات نظامی در داخل شهرهای عراق که عملیات شهر زنی یا جنگ شهرها نیز مشهور شده است، قبل از آغاز عملیات بزرگ والفجر آغاز به کار نماید و تا پانزده روز پس از فتح سرپل در آن سوی اروند و فتح فاو این عملیات هوایی ادامه داشته باشد.

این حجم از عملیات هوایی مداوم می‌بایستی در مدت زمان بین ۲۵ دی ماه تا دهم اسفند ماه مداوم انجام می‌شد.

۵- رمز عملیات

عملیات زمینی با واژه‌های مقدس یا زهرا(س) آغاز گردید. در حالی که هر یک از پروازهای آفند هوایی خود رمز جداگانه و نام پروازی ویژه‌ای داشت.

۶- اهداف عملیات

اهداف عملیات برای نیروهای زمینی، گرفتن شهر بندری فاو و اسکله‌ی فاو - تأسیسات نفتی شمال و غرب فاو رأس البیشه - پایگاه نیروی دریایی عراق منطقه‌ی سکوه‌ای پرتاب

موشک کرم ابریشم سطح به دریا در شمال غرب فاو و مرکز خدمات پشتیبانی رزمی ارتش عراق در آن منطقه بود .

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف نیروی زمینی، نیروی دریایی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران حرکت می‌کرد. اهداف مهم همان هدف‌ها بودند که ذکر شد ، اما یک سری اهداف تاکتیکی نیز در این عملیات هوایی برای نیروی هوایی متصور بود که شامل :

الف: انهدام سکوهای پرتاب موشک سطح به دریای کرم ابریشم .

ب: انهدام پایگاه هوایی ناصریه

ج: انهدام پایگاه دریایی ام‌القصر

د: حمله‌ی هوایی به نیروهای زمینی دشمن در غرب اروند که نقطه دقیق از روی عکس های هوایی تعیین می‌گردید و یا قرارگاه فجر نقطه‌ی مورد نظر خود را اعلام می‌نمود.

ه: سکوهای البکر و الامیه

و: انهدام هسته‌ی اصلی فعالیت های دریایی دشمن در رأس البیشه برای تأمین

آب راه خور موسی و عبور و مرور کشتی‌های تجارتی.

۷- جغرافیای منطقه عملیات

خط مقدم منطقه عملیات از مقابل هورالعظیم شروع می‌شد و تا اسکله های البکر و الامیه برای ارتش ادامه می‌یافت. در عمق نهاجا به پایگاه هوایی ناصریه می‌اندیشید که پرواز بمب افکن های نیروی هوایی عراق ممکن بود از آن جا آغاز گردد .

در حقیقت مختصات جغرافیایی منطقه‌ی عملیات از نظر عمیات هوایی چنین بود :

۲۹۳۰ شمالی ۴۸۴۰ شرقی ۳۲۴۰ شمالی ۴۷۴۰ شرقی ۳۲۳۰ شمالی ۴۵۵۰ شرقی

۳۱۰۰ شمالی ۴۶۰۰ شرقی که سکوهای نفتی البکر و الامیه، جزیره آبادان، حوالی فکه، شهر کوت در خاک عراق، شهر ناصریه در جنوب عراق و شهر مرزی صفوان، منطقه عملیات هوایی تنها برای این عملیات والفجر ۸ محسوب می‌شد. اما واقعیت این است که وقتی نیروهای سطحی ایران حملات خود را آغاز می‌کردند نهاجا می‌بایست بر فراز تک تک شهرها و بنادر و مناطق حساس و حیاتی می‌جنگید. از جمله جزیره‌ی خارک و خلیج فارس، اما منطقه‌ی عملیات برای نیروهای سطحی بسیار کوچک بود.

۸- تأثیر جغرافیای منطقه بر عملیات هوایی

منطقه‌ی عملیات در جنوب منطقه‌ی عملیات خیبر در نظر گرفته شد. یعنی شبه جزیره فاو که در این صورت باید نیروهای زمینی و دریایی و سپاه از ارونند عبور می‌کردند که کار بسیار سنگین و خطرناکی بود. زیرا نیروی هوایی دشمن به راحتی قادر بود نظم نیروهای ایرانی را در عرض رودخانه ارونند که بیش از یک کیلومتر است و در برخی نقاط به چند هزار متر می‌رسد در هم ریزد و آنها را به گونه‌ای پراکنده سازد که ارتباطات بین نیروهای خط مقدم و فرماندهان تصمیم‌گیرنده در قرارگاه‌ها را قطع کند و عملیات را ناکام گذارد. اما از سوی دیگر مسیر ورود هواپیماهای دشمن به منطقه در یک قطاع غربی کمتر از ۹۰ درجه محدود می‌شد و این برای هواپیماهای «اف - ۱۴» و رادارهای بندر امام، دزفول و بوشهر کار روبرو شدن با دشمن را بسیار آسان می‌کرد.

از طرفی همین قطاع محدود وضعیت درگیری با آتش موشک‌های زمین به هوای هاک را که توسط فرماندهی پدافند هوایی بر اساس تجربیات عملیات خیبر و سایت‌های بدر و تبوک، چنین آسان می‌نمود، سمت انتظار دیگر، یک قطاع گسترده‌ی ۲۷۰ درجه‌ای نبود و از این جهت منطقه بسیار مناسب برای عملیات تشخیص داده شد.

البته در این عملیات سایت موشک‌های ضد هوایی هاگ بنام کوثر در منطقه‌ای به مختصات ۳۰۱۰ شمالی و ۴۸۴۰ شرقی قرار داده شد که بیشترین تلفات و ضایعات هوایی را به هواپیماهای دشمن این سایت وارد نمود.

۹- توانایی‌های نیروی هوایی دشمن

وضعیت نیروی هوایی ارتش عراق نیز یک وضعیت بهتری از نیروی زمینی این ارتش داشت. اولاً هواپیماهای میراژ «F-۱» و «EQ-۵» و «EQ-۶» را از فرانسه دریافت کرده بود و به شدت هواپیماهای «اف - ۱۴» نه‌اجا را تهدید می‌کرد. از سوی دیگر به کشتی‌های تجاری، نفت‌کش و بنادر نفتی و پایانه‌های نفتی در خلیج فارس، با این هواپیماها بهتر از گذشته می‌توانست دسترسی داشته باشد و منهدم نماید.

هواپیماهای میگ -۲۹ و سوخوی -۲۴ را نیز دریافت کرده بود. اما هنوز بصورت کاربردی تأثیر چندانی بر پتانسیل های نهجا نداشتند .

پایگاه هوایی کوت و فرودگاهی در نزدیکی شهر العماره ، پایگاه هوایی شعیبیه در بصره و پایگاه هوایی ناصریه با هواپیماهای میگ - ۲۳ و سوخوی -۲۲ و میگ -۲۱ تجهیز شده بودند و این هواپیماهای سوخوی -۲۲ قابلیت حمل موشک های ضد رادار را به نام «KH-۲۸» داشتند. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که می توانست از میدان های نبرد زمین با موشک های زمین به هوای هاگ دفاع کند سیستم های راداری این موشک ها که قرار بود وارد صحنه شود به شدت در برابر «KH-۲۸» آسیب پذیر بودند. زیرا باید به محض حضور هواپیماهای سوخوی -۲۲ در منطقه بصره و فاو بلافاصله سیستم رادار هاگ را در حالت غیر عملیاتی «STANDBY» قرار می دادند تا موشکی به سوی آنها پرتاب نشود از طرفی هجوم هواپیماهای عراقی در این لحظات «STBY» بی امان می شد.

هواپیماهای میگ -۲۵ نیز از پایگاه حبانیه هر روز بر می خاستند و به سمت بوشهر و جزیره ی خارک روانه می شدند و بمب های خود را بدون نشانه روی جزیره یا روی بوشهر فرو می ریختند.

این وضعیت اجازه نمی داد که هواپیماهای عکس برداری هوایی به منطقه بروند و از گسترش نیروهای دشمن عکس تهیه کنند. البته در روزهای آخر بالاخره فرصتی پیدا می شد و عکس قبل از آغاز عملیات بدست می آمد که فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) از روی این عکس تفسیر شده در می یافت که نقاط ضعف و قوت دشمن در منطقه در چیست؟

دشمن نیز از هواپیمای بلند پرواز میگ -۲۵ برای عکسبرداری استفاده می کرد و اخیراً فرماندهان و خلبانان دشمن دریافته بودند که میگ -۲۵ در ارتفاع هشتاد هزار پایی بالای سطح دریا از سوی اف -۱۴ و موشک معروف فنیکس تهدید نمی شود. فرماندهان ایرانی هم این موضوع را پس از شلیک های متوالی و به هدر دادن موشک های فنیکس و هاگ دریافته بودند .

۱۰- امکانات هوایی خودی

برای عملیات والفجر ۸، در حقیقت نیروهای ارتش تحت امر فرماندهان سپاه قرار گرفته بودند و غواصان نیروی دریایی ارتش و تعدادی از پرسنل سپاه قرار بود که سرپلی را در ساحل غربی اروند بگیرند و بتدریج نیروهای زمینی این سرپل را توسعه دهند. البته با استفاده از یک دهنه پل نظامی از پیش ساخته شده این کار انجام می‌گردید .

نیروهای رزمنده ایرانی در سه قرارگاه عمده باید این عملیات را تحت امر قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) به اجرا در می‌آوردند.

قرارگاه نوح نبی (ع) در کنار جاده‌ی قفاص به اروند کنار تشکیل شده بود. قرارگاه کربلا در نقطه‌ای در کنار جاده چوئیبده به ابودیره و فرخ‌پی استقرار یافته بود. اما قرارگاه سوم، قرارگاه رعد بود که قرارگاه هوایی بود و به فرماندهی سرهنگ خلبان عباس بابایی در پایگاه امیدیه تشکیل شده بود و عملیات مشترک والفجر ۸ را که اغلب سپاه از آن به عنوان عملیات مستقل سپاه یاد می‌کند پشتیبانی می‌نمود.

پایگاه هوایی ششم شکاری در استان بوشهر و پایگاه هوایی چهارم شکاری در دزفول در شمال خوزستان و پایگاه پنجم شکاری در امیدیه با هواپیماهای اف ۴- ای و اف ۵- ای در این عملیات نقش بمب افکن‌ها و جنگنده رهگیری‌های محلی را ایفا می‌کردند. پایگاه هوایی هفتم شکاری در شیراز و پایگاه هشتم شکاری در اصفهان در بخش جنگنده رهگیری‌های منطقه‌ای وارد عملیات شده بودند، با هواپیماهای اف ۱۴- و پایگاه یکم شکاری و فرماندهی اطلاعات و شناسایی نهجا در بخش اطلاعات عملیاتی وارد کارزار شده بودند و پایگاه یکم ترابری در مهر آباد و پایگاه هفتم ترابری در شیراز به عنوان خدمات پشتیبانی رزمی این عملیات در کارزار والفجر ۸ وارد شده بودند.

فرماندهی پدافند هوایی نهجا نیز با ایستگاه‌های رادار دزفول، بندر امام، بوشهر، بهبهان در بخش هشدار اولیه و هدایت هواپیماهای رهگیر علیه نیروی هوایی دشمن وارد معرکه شده بود و همچنین مسئولیتی را که هرگز برای آن تجهیز نشده بود پذیرفت و آن مسئولیت موشک تغییر یافته‌ی زمین به هوای هاگ در سایت‌های کوثر-۳ و کوثر-۴ بود که در قلب منطقه‌ی عملیات موضع گرفته بود .

پایگاه‌های نهم شکاری در بندر عباس و سوم شکاری در همدان و دوم شکاری در تبریز مسئولیت تأمین هواپیماهای از دست رفته در عملیات و خلبانان پایگاه های خط مقدم این عملیات یعنی دزفول ، امیدیه و بوشهر را بر عهده داشتند.

طرح ریزی عملیات هوایی و اجرای آن

فرماندهی کل نیروهای مسلح طی نامه‌ی شماره‌ی پ ۲- ۶۴/۸/۱۰ به نیروی هوایی ابلاغ نمود که طرح ریزی عملیات هوایی را بر اساس هماهنگی‌ها در پنج محور تخصصی انجام دهد که این محور به شرح زیر بودند :

الف - برای مدت پانزده الی ۳۰ روز عملیات بمباران‌های هوایی را در قالب آتش پشتیبانی برای عملیاتی که سپاه پاسداران می‌خواست انجام دهد تهیه و ارائه نماید .

ب - بمباران‌های هوایی را به سمت عقبه‌ی دشمن هدایت نماید و جاده ها و خطوط مواصلاتی و آمدارسانی دشمن را به سمت منطقه‌ی عملیات نا امن نماید .

ج - تسلیحات پدافند هوایی را شامل توپ‌های ضد هوایی ۲۳ میلی متری و اورلیکن ۳۵ میلی متری و موشک‌های ضد هوایی هاگ را به منطقه عملیات نیروی زمینی و سپاه پاسداران بکشاند و از آسمان منطقه در ارتفاعات مختلف دفاع نماید زیرا نیروی زمینی ارتش فاقد سیستم دفاع موشکی صحنه بود و سپاه پاسداران نیز که به تازگی صاحب گردان های زرهی و پیاده شده بود، چنین امکاناتی را در اختیار نداشت .

د - آسمان منطقه را با برقراری پروازهای هواپیماهای شکاری رهگیر اف -۱۴ و فانتوم پوشش دهد و برتری هوایی منطقه‌ای را کسب نماید .

قبل از آغاز عملیات زمینی والفجر ۸ عکس های هوایی تاکتیکی از منطقه‌ی عملیات گرفته شود و در اختیار قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) قرار گیرد تا از استقرار نیروهای زمینی دشمن و شیوه های چیدمان دفاعی او در سرزمین های مجاور اروند و اطراف بصره و نحوه‌ی گسترش سلاح های توپخانه‌ای و موشک های آنها اطلاعات بدست آید و عملیات با دیدگاه وسیع‌تر و روشن تری آغاز گردد .

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۲۱

و- البته مانند تمامی عملیات بزرگ زمینی، انتقال سربازان و نیروهای رزمنده و تجهیزات و آماد به اهواز و امیدیه از راه هوا را باید انجام می داد .
در فرضیات عملیات آمده بود که رادارهای بوشهر ، بندر امام ، دزفول و بهبهان باید حتماً عملیاتی می‌بودند و سه سایت موشک‌های زمین به هوای هاگ در منطقه عملیات همگی آماده و بدون کاستی باشند .

تدابیر عملیاتی شفق

الف - عکس برداری در ارتفاع بالا توسط هواپیمای فانٹوم شناسایی «RF-۴E» بنابر درخواست قرارگاه رعد برابر دستورالعمل خاص خود که به نام دستور العمل ناصر معروف بود باید انجام می‌شد. این نام ناصر هم از نام یک خلبان شکاری شناسایی با نام فامیلی رضوانی که بسیار شجاع بود و اغلب تصاویر هوایی از مناطق عملیاتی و داخل خاک عراق را این خلبان گرفته است ، به پاس یادآوری شجاعت های او، این نام، به طرح عملیاتی داده شده بود .

ب- به هر تقدیر بدیهی بود فرمانده قرارگاه رعد سرهنگ خلبان عباس بابایی نیازهای قرارگاه های نصر و فجر و کربلا را می‌گرفت و پس از بررسی دستور انجام عملیات هوایی عکسبرداری را صادر می‌نمود که این عملیات هوایی خود داستان شورانگیزی دارد.
دو فروند هواپیمای «RF-۵» شناسایی نیز در امیدیه مستقر شدند تا عکس های هوایی ارتفاع پایین را تهیه کنند .پوشش هوایی که در حقیقت انجام مأموریت توأمان مراقبت‌های هوایی به همراه دفاع هوایی بر فراز منطقه‌ی عملیات بود توسط ۸ فروند اف -۱۴ با احتساب سوختگیری در آسمان و به صورت دو گروه پروازی چهار فروندی - دو فروند در منطقه ، دو فروند در کنار تانکر سوخت رسان - مداوم و بدون توقف باید انجام می‌شد .

ج- پروازهای آتش پشتیبانی که به پشتیبانی نزدیک هوایی معروف است از روز (ر) به مدت سه روز و هر روز به میزان ۳۸ فروند شامل ۳۰ فروند جنگنده بمب افکن اف -۵ معروف به تایگر و ۸ فروند جنگنده بمب افکن اف -۴ معروف به فانٹوم به ترتیب از پایگاه‌های چهارم در دزفول ، پنجم شکاری در امیدیه که به تازگی برای شرکت مستقیم در جنگ و انجام پروازهای بمباران اعلام آمادگی کرده بود و قرارگاه رعد نیز در همان پایگاه

تشکیل شده بود و همچنین پایگاه ششم شکاری در بوشهر به پرواز در می آمدند. یورش خود را علیه نیروهای زمینی ارتش عراق آغاز می کردند و به تدریج با به دست آمدن موفقیت در جبهه های زمینی تعداد پروازها کاسته می شد. مثلاً در روز (۹+) یعنی ۹ روز پس از آغاز عملیات زمینی، پروازها به ۱۸ فروند می رسید و در روز (۲۰+) یعنی ۲۰ روز از عملیات زمینی گذشته به ۱۲ فروند کاهش پیدا می کرد تا توان رزمی نهاجا برای آینده ی جنگ تداوم داشته باشد.

تدابیر پدافندی عملیات شفق

الف - رادارهای منطقه می بایستی عملیاتی نگهداشته شوند و فرماندهی پدافند هوایی موظف به اعزام افسران مجرب و کارآموده ی فایترکنترلر برای کنترل هواپیماهای شکاری رهگیر و هدایت آنها برای درگیری های احتمالی هوایی علیه هواپیماهای دشمن شده بود.

ب- فرمانده گروه پدافند هوایی اعزامی به منطقه می بایستی هماهنگی های تخصصی و لازم ربا فرمانده قرارگاه رعد به عمل بیاورد تا از تیراندازی به سوی هواپیماهای خودی پرهیز گردد. یعنی فرمانده، کنترل را بر عهده ی او گذاشته شده بود، در آن زمان فرمانده قرارگاه رعد سرهنگ خلبان عباس بابائی از سوی سرهنگ خلبان هوشنگ صدیق فرمانده نیروی هوایی و به توصیه ی حجت الاسلام و المسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) تعیین شده بود و فرمانده گروه پدافند هوایی در آن منطقه سرهنگ فایتر کنترلر منصور ستاری خواص بود.

ج- چهار فروند هواپیماهای «اف-۵ ای» مجهز به موشک های هوا به هوای «ساید وایندر» AIM-9 در پایگاه چهارم شکاری دزفول به صورت آماده ی ۵ دقیقه ای وپانزده دقیقه ای قرارداد شده بود که در صورت هجوم سنگین هواپیمائی نیروی هوایی عراق به منطقه، این هواپیماها به دفاع هوایی منطقه بشتابد.

ه- جمع آوری اطلاعات و شناسائی الکترونیکی: این فرماندهی را اختصار به نام «فاشا» یعنی فرماندهی اطلاعات و شناسایی می نامند. در آن زمان گروه بود. در نتیجه آن را «گاشا» نامیدند. از روز «ر» هواپیمای خفاش در مسیری مخصوص در جنوب غرب کشور قرار

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۲۳

می گرفت و با دستگاههای جمع آوری اطلاعات سیگنالی معمولاً سیگنالهای الکترومغناطیس رادارها و گفتگوی عوامل هوانوردی و پدافند هوایی، دشمن را کشف، شناسایی و ثبت و حفظ می کرد و برخی از این اطلاعات را درجا بلافاصله به ایستگاههای زمینی مانند یگانهای رادار و مرکز فرماندهی نهاجا در دوشان تپه و قرارگاه هوایی جنوب در پایگاه هوایی دزفول اطلاع می داد. برخی دیگر را که نیاز به پردازش حرفه‌ای بود به اسکادران شناسایی الکترونیکی منتقل می نمود تا پردازش شود و نتایج حاصل را به معاونت اطلاعاتی نهاجا برای کاربرد در طرح های عملیاتی می فرستاد. سایت ایلام که یک سایت شناسایی ثابت بود نیز همین کار را در طول شبانه روز انجام می داد. این خیلی مهم بود که کار شنود و جمع آوری اطلاعات حتی یک دقیقه هم قطع نشود. زیرا پروازهای دشمن و تماس خلبانان با برج مراقبت فرودگاه ها و ایستگاه های رادار و هم پروازان آنها در طول شبانه روز ادامه داشت. از این راه می شد حتی فهمید که چند خلبان در کدامیک از پایگاه ها به سر می برند و حتی از شیوه‌ی حرف زدن آنها می شد فهمید که کدام یک به تازگی به این پایگاه منتقل شده اند. یا سایت موشکی «سام-۳» دشمن در نقطه‌ای از بغداد یا در تمام نقاط، هر یک، در چه ساعاتی و چه زمان هایی فعال هستند و چه وقت کدامیک از آنها غیر فعال می شود. به هر حال کار جمع آوری اطلاعات الکترونیکی حساس تر و زیباتر از آن است که در این چند سطر بگنجد.

و- ۶۴/۱۰/۱۰ به نیروی هوایی دستور داده می شود تعداد ۴۴ عراده توپ ضد هوایی ۲۳ میلی متری و ۳۵ عراده ضد هوایی اورلیکن ۳۵ میلی متری و چهار قبضه توپ های ۱۴/۵ میلی متری خود را به همراه بار مبنای مهمات و کارکنان فنی و عملیاتی آن تحت پروژه ای بنام «کمیل» به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دهد.

این کاهش جنگ افزار از فرماندهی پدافند هوایی این نیرو در آستانه ی عملیات «والفجر-۸» بنا به دستور فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء ابلاغ می گردد

در پروژه‌ی چاوش نیز انتقال ده قبضه توپ ۲۳ میلی متری در تلمبه خانه‌های مارون ۳ و مارون ۴ و ۵ و اهواز و تعداد یک قبضه توپ ۲۳ میلی متری در مارون ۲ امیدیه انجام شده بود و توپ ها مستقر و عملیاتی شده بودند. از سوی دیگر تعداد چهار قبضه توپ ۲۳ میلی متری دیگر به علت حاضر نبودن مواضع آنها در امیدیه (جایی که به آنها بوستر ۱ و ۲ گفته می شد) به محل «پازنان» منتقل شده بودند و سه قبضه از همین توپ در مواضعی در

منطقه‌ی «رگ سفید» گسترش یافته و عملیاتی شده بودند. فرماندهی پدافند هوایی برای گسترش سایت های موشکی هاگ زمین به هوا از پایگاه های هوایی به مناطق نبرد نیروهای زمینی درخواست ۱۵ سورتی پرواز هواپیمای «C-۱۳۰» کرده بود و همچنین برای استقرار یک قبضه توپ به پشت بام شرکت پنها درخواست یک فروند هلیکوپتر شده بود و اینها فشارهایی بود که نیروی هوایی با تمام وجود تحمل می کرد و انجام می داد.

خدمات پشتیبانی رزمی (اقدامات لجستیکی)

معاونت لجستیکی نه‌اجا نیز می بایستی بر اساس طرح عملیاتی «شفق» جابجایی هایی را در سطح هواپیماهای پایگاه و نفرات و پروازهای ترابری هوایی صادر نماید که عمده کار این معاونت به شرح زیر طی یک دستور لجستیکی ابلاغ گردید.

الف- میزان و انواع مهمات مصرفی را که در این عملیات برای انجام حملات هوایی لازم بود باید برآورد می گردید. این کار باید از مدیریت عملیات تاکتیکی در معاونت عملیات نه‌اجا سوال می شد و آنها با شمارش تعداد سورتی پرواز در هر روز و تعیین انواع مهمات بر اساس نوع هدف ها محاسبه می کردند و به معاونت لجستیکی اعلام می داشتند که اگر عملیات را به مدت ۴۵ روز از بیست و پنجم دیمه ۱۳۶۴ تا دهم اسفندماه همان سال محاسبه کنیم چیزی حدود ۳۰۰,۰۰۰ پوند مهمات جنگی هوایی شامل بمب های ۷۵۰ پوندی «M-۱۱۷»، «MK-۸۲»، «BL-۷۵۵»، «CUBU-۵۷,۵۸» و گلوله های ۲۰ میلی متری مسلسل های هواپیماها و بمب های «BLU-۱B» می گردید.

ب- تعداد سورتی پرواز هواپیماهای «بوئینگ-۷۰۷» و «بوئینگ ۷۴۷» برای سوخت رسانی در هوا به هواپیماهای «اف-۱۴» مأمور پوشش هوایی «CAP» و هواپیماهای فانتوم «اف-۴» محاسبه می شد و اعلام می گردید تا لجستیک پایگاه های مهرآباد و شیراز بتوانند در برنامه های خودشان بگنجانند.

ج- معاونت تحقیقات و جهاد خود کفایی قرار بود پروژه ای را بنام «بابیل» که تغییر و تبدیل موشک زمین به هوای هاگ آمریکایی به موشک هوا به هوا برای برخی مصارف هوایی مثل مقابله با حملات «میگ-۲۵» بود انجام دهد و در این عملیات حداقل آزمایش شود.

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۲۵

د- گروه های ارتباط و الکترونیک نیز می بایستی ارتباطات تلفنی و سوئیچینگ و هات لاین و «ONLINE» را برای یگان های درگیر در عملیات آماده سازد.

ه- فرماندهی منطقه ی هوایی مهرآباد می بایستی دو فروند هلیکوپتر «شنوک» و دو فروند هلیکوپتر «AB-۲۱۴» با خلبانان مربوطه مجهز به تجهیزات «ش.م.ه» یعنی شیمیایی، میکروبی، هسته ای به پایگاه هوایی دزفول اعزام می کرد تا در عملیات خدمات پشتیبانی رزمی جهت نجات خلبانان آسیب دیده یا انتقال مجروحین به پشت جبهه شرکت نمایند. معلوم می شد که دشمن از سلاح شیمیایی، میکروبی حتما استفاده خواهد کرد.

و- فرماندهی پایگاه هوایی تبریز، پایگاه دوم شکاری می بایستی ۸ فروند هواپیما به اتفاق خلبانان آن به پایگاه هوایی دزفول اعزام می نمود تا در عملیات شرکت نمایند.

ز- پایگاه چهارم شکاری دزفول نیز باید به تعداد ۱۲ فروند هواپیمای «اف-۵ ای» خود را به پایگاه پنجم شکاری در امیدیه گسترش می داد تا در عملیات شرکت نمایند.

ح- فرماندهی منطقه هوایی شیراز می بایستی سه فروند هلی کوپتر «AB-۲۱۴» و یک فروند هواپیمای بونانزا «F-۳۳» را به پایگاه پنجم شکاری در امیدیه اعزام نماید تا در عملیات خدمات پشتیبانی رزمی شرکت نمایند.

ط- فرماندهی پایگاه نهم شکاری در بندرعباس می بایستی تعداد ۲ فروند فانتوم «اف-۴» را به پایگاه هوایی بوشهر اعزام نماید تا در عملیات آتش پشتیبانی شرکت داده شوند.

روز شمار عملیات هوایی شفق

• روز یازدهم دی ماه ۶۴ جنگ شهرها ادامه می یابد و رادیو عراق اعلام می نماید که هواپیماهای ایرانی شهرک «کاریزه» را در شمال کشور عراق بمباران و در نتیجه ۲۱ نفر کشته و ۱۵ نفر مجروح و ۳۸ باب منزل مسکونی ویران گردیده و در حمله ی دیگری در استان «میسان» واحدهای مسکونی دیگری توسط هواپیماهای ایرانی منهدم شده اند، در حالی که نیروی هوایی ایران می گوید در ساعت ۱۱:۳۰ جنگنده بمب افکن های نهاجا تأسیسات ارتباطی و رادیویی دشمن را که به نظر یک مرکز گزارشات و جمع آوری اطلاعات الکترونیکی بوده در منطقه سید صادق بمباران و منهدم می نمایند که ژاندارمری ناحیه ی

کردستان گزارشی مبنی بر تعقیب هواپیماهای ایرانی توسط عراقی ها داده که تا روی شهرستان مریوان و با شکستن دیوار صوتی ادامه می یابد.

در ساعت ۱۱:۳۸ دو فروند هواپیمای جنگنده بمب افکن از نوع «میگ-۲۳» و دو فروند میراژ با پرواز در ارتفاع پایین، پادگان ابوذر و سرپل ذهاب را بمباران نموده و چند شهید و مجروح و خانه های ویران شده بر جای می گذارند. در ساعت ۱۱:۴۷ شهر بانه توسط هواپیماهای دشمن راکت باران می شود. در ساعت ۱۳:۱۰ منازل مسکونی پادگان دشت آزادگان توسط هواپیماهای دشمن بمباران و تعدادی شهید و مجروح بر جای می ماند. در ساعت ۱۴:۰۲ هواپیماهای نیروی هوایی عراق به جزیره ی خارک حمله ور می شوند و چهار بمب از ارتفاع بالا به داخل دریا رها می نمایند.

در این روز فرمانده نیروی هوایی، سرهنگ خلبان هوشنگ صدیق، به فرماندهی پدافند هوایی دستور می دهد که از تاریخ ۶۴/۱۰/۱۱ تا سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی هر هفته تنها یک موشک هاگ به سوی هواپیمای «میگ-۲۵» نیروی هوایی ارتش عراق که در ارتفاع بالا به خارک حمله ور می شوند پرتاب شود. لازم به ذکر است که هواپیماهای مذکور با سرعت ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ کیلومتر در ساعت در ارتفاع هشتاد هزار پایی (۸۰۰۰۰ پا) بر فراز جزیره ی خارک ظاهر می شدند و هواپیماهای «اف-۱۴» هر بار یک موشک گرانقیمت و کمیاب فنیکس را به سوی آنها شلیک می کردند. سایت موشک هاگ «HAWK» در جزیره نیز هر بار یک یا چند فروند از این موشک به سوی آن هواپیما شلیک می کردند که هرگز اثری و سودی در بر نداشت. بنابراین شلیک موشک های فنیکس متوقف شد و تنها در هفته یک شلیک هاگ برای خارک در نظر گرفته شد تا آن دسته از کسانی را که شلیک نشدن موشک علیه «میگ-۲۵» را خیانت می پنداشتند و آن را بزرگنمایی می کردند، کمتر نیروی هوایی را در معرض اتهام قرار دهند.

- روز سیزدهم دی ماه ۱۳۶۴ در ساعت ۱۹:۲۵ پرواز یک فروند هواپیمای «میگ-۲۹» را که هواپیمایی جنگنده رهگیر و جنگنده بمب افکن بود، توسط فرماندهی اطلاعات و شناسایی نیروی هوایی شناسایی و اعلام می گردد. «میگ-۲۹» هواپیمایی بود مدرن که اگر نیروی هوایی ارتش عراق می توانست از آن بهره برداری کند جریان نبردهای هوایی را می توانست دگرگون سازد. روس ها در این مقطع نهایت لطف را به ارتش عراق کرده بودند

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۲۷

و ابتدا هواپیماهای «میگ-۲۹» و سپس «SU-۲۴» را در اختیار نیروی هوایی عراق قرار دادند.

یک فروند موشک هاگ نیز در همان ساعت از سوی سایت جزیره ی خارک به سوی این جنگنده نشانه روی می‌شود که به علت اشکال فنی موشک رها نمی‌گردد، به اصطلاح می‌گویند «HANGFIRE» شد.

• روز چهاردهم دی ماه ۶۴ موضوع انتقال سایت هاگ پایگاه هوایی نوزه به جنوب متوقف می‌شود و در ساعت ۱۴:۵۹ یک فروند هواپیمای «میگ-۲۵» در ارتفاع بالا به خارک حمله ور می‌شود و یک تیر موشک هاگ به سوی او شلیک می‌شود که نتیجه‌ای دربر ندارد.

• روز پانزدهم دی ماه ۶۴ بالاخره دشمن با ادامه ی حملات هوایی به جنوب نیت خود را آشکار می‌سازد، او نمی‌تواند ضربه ی عمده‌ای به جزیره ی خارک بزند. اما با ادامه ی حملات هوایی ارتفاع بالا، وضعیت منطقه که قرمز می‌شود، یعنی همه‌ی فعالیت‌های اقتصادی متوقف می‌شود. مثل بارگیری کشتی‌های نفتکش در اسکله‌ی «تی» و «آذرپاد» در جزیره‌ی خارک، کشتی‌های بزرگ و غول پیکر نفتکش در حال سوخت‌گیری و پر کردن مخازن نفتی خود و سایر خدمات به یکباره باید همه‌ی عملیات را متوقف کنند و از اسکله جدا شوند، این واقعاً کار ساده‌ای نیست.

در همین روز در ساعت ۱۳:۱۵ دشمن، یک فروند کشتی یونانی نفتکش را در مسیر بوشهر به خارک در ۳۰ مایلی جنوب بوشهر با موشک هوا به زمین اگزوست می‌زند. تاکتیک آنها چنین است که دو فروند میراژ به سوی تنها «اف-۱۴» بنام «چنگیز-۱۲» حمله ور می‌شوند و او سرگرم نبرد با آنها، دو تیر موشک اسپارو به سوی مهاجمین پرتاب می‌کند، اما فروند سوم میراژها از ارتفاع پائین خود را به کشتی می‌رساند و او را از پای در می‌آورد، دشمن تا ماه بهمن ۱۳۶۴ درگیر جنگ نفتکش‌ها می‌شود و بطور کلی اهمیت جبهه ی آبادان - خسرو آباد - اروندکنار کاملاً پنهان می‌ماند.

• در روز شانزدهم بهمن پایگاه هوایی بندرعباس مأمور می‌شود که یک فروند هواپیمای فانتوم «اف-۴» مجهز به موشک هوا به زمین «ماوریک» را به سوی یک فروند کشتی نفتکش در محدوده ی جزیره ی لاوان تا قشم روانه کند و دو تیر موشک ۵۰۰

پوندی ماوریک را بر این کشتی نگون بخت شلیک نماید، تا دشمن و حامیان او یعنی کشورهای غربی که سلاح غیر متعارف در اختیار او می گذارند و نمی خواهند که عراق شکست بخورد بدانند که اگر یک تیر انداختند باید در انتظار یک تیر باشند، این سیاست های تلافی جویانه نیز در طول دفاع مقدس از زمانی که نیروی هوایی عراق توسط فرانسوی ها با میراژ و روس ها با «میگ-۲۳» و «سوخوی-۲۴» تقویت شد، اثرات پیروزمندانه ای در روند کار نهاجا که حتی یک گلوله هم به او در سراسر جهان فروخته نمی شد داشت. از طرفی جنگ از آنجایی که هدف نیروهای سطحی بود فاصله گرفته بود و این دلخواه فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) بود.

- روز هفدهم بهمن ماه و روز بیستم بهمن ماه در هر روز ۳ فروند هواپیمای فانتوم، در بندر عباس راه را برای کشتی های نفتکش تحت حمایت آمریکایی ها در آب های آزاد بین المللی بستند و جمعا ۱۴ تیر موشک ماوریک بر این کشتی ها زدند ، البته باید اذعان داشت که موشک ماوریک علیه تانک ها خیلی موثر بود اما علیه کشتی هایی که طول بدنه ی آنها به یکصد متر می رسید، واقعا تنها ممکن بود عرشه ی کشتی آسیب ببیند، این که کشتی را غرق کند، چنین قدرتی را نداشت.

- در روز نوزدهم دی ماه ۱۳۶۴ الی ۶۴/۱۱/۲۳ قرارگاه سپاه سوم ارتش عراق در بصره و قرارگاه لشکر هفتم عراق در غرب اروند توسط پایگاه ششم شکاری با ۱۲ فروند هواپیمای فانتوم «اف-۴ ای» بمباران شدند تا وضعیت مناسبی برای رویارویی با نیروهای ایرانی نداشته باشند. مهمترین بمباران های این پایگاه در روزهای ۶۴/۱۰/۱۹ ، ۶۴/۱۰/۲۰ ، ۶۴/۱۱/۲۲ و ۶۴/۱۱/۲۳ انجام گردید که جمعا ۳۸ سورتی پرواز بمباران هوایی با یکصد و نود و شش هزار و نهصد و نود دو پوند مهمات جنگی شامل بمب های «MK-۸۲» «M-۱۱۷» «BL-۷۵۵» «BLU-IB» و گلوله های بیست میلی متری بر سر دشمن فرو ریخته شد.

البته تعداد ۱۲۷ سورتی پرواز مراقبت مسلحانه ی هوایی نیز در طول این مدت از طریق پایگاه ششم شکاری بوشهر با هواپیمای «اف-۱۴ ای» فانتوم انجام گردید.

- در روز بیستم بهمن، دشمن به تلافی حملات هوایی به کشتی های نفتکش هواپیماهای «میگ-۲۳» و «میگ-۲۵» بر سطح جزیره ی خارک شلیک می کنند و گودال هایی را به وجود می آورند.

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۲۹

همه این بده بستان ها در شب ها و روزهایی اتفاق می افتاد که ساعاتی بعد حمله ی بزرگ نیروهای سطحی بر غرب اروند رود آغاز می گردید و عملیات مشترک وسیعی تحت نام «والفجر-۸» به زودی اجرا می شد. روز نوزدهم بهمن یک عکس هوایی در ارتفاع ۴۵۰۰۰ پایی از وضعیت استقرار و نیروهای دفاعی ارتش عراق در ساحل غربی اروند رود و جزیره فاو گرفته شد. در این عکس نشان داده شده بود که تنها یک لشکر هفتم در نزدیکی سایت موشکی ساحل به دریا «۲-HY» که بنام کرم ابریشم معروف بود و در مختصات ۲۹۵۵ شمالی و ۴۸۲۰ شرقی در نقطه ای بنام قشله در خاک عراق نزدیک بندر ام القصر قرار داشت، در برابر قرارگاه کربلا در اروندکنار حضور دارد. بقیه ی نیروهای عراقی ار منطقه فاصله ی قابل توجهی دارند. این اطلاعات که بر اساس طرح نبرد هوایی «شفق» اجرا می شد آنچنان اعتماد نفسی به فرماندهان زمینی در قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) داده بود که لحظه ای درنگ را در آغاز حملات خود به دشمن جایز ندانستند.

- در روز بیستم بهمن ماه ۶۴ هنوز جابجایی ها ادامه داشت و فرماندهی نهاجا بنا به امر فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) که توسط رئیس ستاد قرارگاه ابلاغ گردید و این رئیس ستاد بنام رئیس ستاد پدافند هوایی کل کشور هم معروف شده بود کسی نبود جز حجت الاسلام و المسلمین حسن روحانی، دستور داده شد که فرماندهی پدافند هوایی چهار قبضه جنگ افزار ۲۳ میلی متری ضد هوایی را به جای ۴ قبضه مسلسل های ضد هوایی ۱۴/۵ میلی متری به پازنان بفرستد.

• در تاریخ ۱۱/۲۲ مناسب ترین منطقه ی ایستایی برای هواپیماهای «CAP» «اف-۱۴» در عملیات «شفق» تعیین و به ایستگاه های رادار و سایر منابع عملیاتی ابلاغ می گردد که مختصات جغرافیایی آنها به شرح زیر است. نقطه A ۳۰۴۰ شمالی و ۴۹۰۰ شرقی نقطه B به مختصات ۳۰۳۵ شمالی و ۴۳۳۷ شرقی.

- در این روز نیروی هوایی دشمن فعالانه محل حرکت های نیروهای سطحی را هدف قرار می دهد و در ساعت ۱۱:۳۱، ۱۱:۵۸ و ۱۳:۱۱ تعداد سه فروند هواپیمای دشمن توسط سایت کوثر هدف قرار داده می شود و سرنگون می گردند. در ادامه این عملیات ساعت ۱۴:۲۵، ۱۴:۲۸، ۱۴:۳۳ و ۱۴:۳۵ تعداد چهار فروند هواپیمای دشمن درگیر هاگ می شوند.

- در ساعت ۱۵:۴۲ و ۱۵:۵۷ نیز دو فروند دیگر سرنگون می کردند.
- روز بیست دوم بهمن ماه نیز خلبانان پایگاه هوایی چهارم شکاری در دزفول تعداد چهار فروند هواپیمای تایگر «اف-۵-ای» خود را مجهز به انواع بمب های «BL-۷۵۵» و راکت های زونی ۲/۷۵ و بمب های «BLU-IB» و گلوله های توپ بیست میلی متری به قرارگاه لشکر مستقر در شمال فاو و جنوب بصره حمله ور شدند و آغاز نبرد سهمگین «والفجر-۸» را به دشمن اعلام کردند.
- خلبانان پایگاه ششم شکاری در بندر بوشهر نیز با سه فروند هواپیما فانتوم «اف-۴-ای» خود به قلب دشمن یعنی پایگاه موشکی «HY-۲» کرم ابریشم حمله ور شدند و قبل از هر اقدامی از سوی دشمن، این پایگاه را در هم کوبیدند.
- روز بیست و سوم بهمن سایت موشکی هاگ «کوثر» با تعداد هفت فروند هواپیمای دشمن که به قصد بمباران این سایت آمده بودند در ساعت ۰۷:۴۰ درگیر شد و سه فروند موشک به طرف آنها شلیک کرد، اما بمب های هواپیماهای مهاجم عراقی سه نفر از اعضای سایت کوثر را مجروح می سازند و احتمالاً یک فروند هواپیمای مهاجم سرنگون می شود.
- در ساعت ۱۰:۴۳ و ۱۰:۴۴ نیز دو فروند هواپیمای دشمن به سایت کوثر سپرده می شوند و این سایت آنها را سرنگون می سازد.
- در ساعت ۱۰:۵۰ نیز یک موشک هاگ به سمت هواپیمای دشمن شلیک می شود که اصابت نمی کند در ساعت ۱۰:۵۳ یک فروند هواپیمای مهاجم دشمن توسط شلیک یک موشک هاگ از این سایت سرنگون می گردد.
- در ساعت ۱۰:۵۵، ۱۴:۱۵ نیز درگیری سایت کوثر با هواپیماهای دشمن تشدید می شود و در موقعیت جغرافیایی ۲۹۵۵ شمالی و ۴۸۳۵ شرقی سه موشک هاگ شلیک می شود و یک فروند هواپیمای دشمن سرنگون که خلبان آن با چتر نجات از هواپیما بیرون می پرد.
- در ساعت ۱۴:۱۸ بالاخره دشمن با یک هواپیمای مجهز به موشک ضد رادار سیستم «HIPW» سایت کوثر را هدف قرار می دهد و سایت از کار می افتد بلافاصله در ساعت ۱۴:۲۰ هواپیماهای جنگنده بمب افکن دشمن، سایت را بمباران می کنند.
- در ساعت ۱۶:۰۴ تاسیسات گازی نفتی بندرگناوه در شمال غرب بوشهر بمباران می شود.

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۳۱

- پایگاه چهارم شکاری در دزفول نیز در روز ۶۴/۱۱/۲۳ با تعداد دو فروند هواپیمای «اف-۵-ای» نیروهای سطحی دشمن را در غرب اروندرود بمباران نمود و در این عملیات **سروان خلبان ورزدار** با هواپیمای ۷۱۰۶ «اف-۵-ای» به شهادت رسید و هواپیما منهدم شد.

- پایگاه چهارم شکاری در روز ۶۴/۱۱/۲۴ با تعداد ۴ فروند به شمال فاو تاخت و فرارگاه لشکر دشمن را بمباران نمود و هواپیمای ۷۰۹۸ «اف-۵» به خلبانی **سروان ابوالفضل اسدزاده** در شمال فاو مورد اصابت گلوله‌های دشمن واقع گردید و هواپیما در حوالی آبادان سانحه داد و خلبان شهید گردید.

- در روز بیست و چهارم بهمن ماه ۱۳۶۴ بالاخره پس از چندین روز نبردهای زمینی و هوایی سرلشگر ماهر عبدالرشید فرمانده ی سپاه سوم ارتش عراق که در بصره مستقر بود و همین سپاه، خرمشهر را متصرف شده بود اعلام می کند که شهر «فاو» و مناطق اطراف آن سقوط کرده و به دست نیروهای ایرانی درآمده است. رادیوی فارسی زبان عراق گزارش می نماید که ایران در این عملیات از سلاح شیمیایی استفاده برده است. این تبلیغات حکایت از آینده ی تاریک جنگ را دارد مبنی بر ایجاد شرایط برای ارتش عراق تا از سلاح شیمیایی استفاده کند و هیچکس و هیچ قدرتی در جهان به این کار ارتش عراق خرده نگیرد.

ستاد پدافند هوایی کل کشور اکنون بوجود آمده و فعال شده و از تسلیحات تاکتیکی نهجا برای پدافند مراکز نفتی و پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها استفاده می کند، در همین روز چهار عراده توپ ۲۳ میلی متری پدافند هوایی نیروی هوایی ارتش جایگزین چهار قبضه مسلسل‌های ۱۴/۵ در تلمبه‌خانه‌ی یونیت شماره‌ی ۴ و یونیت شماره‌ی ۵ در آغاچاری می گردد.

- در ساعت ۱۱۰۰ عملیات بمباران هوایی علیه هدفی در دهانه‌ی فاو (در خورعبداله) توسط دو فروند هواپیمای «اف-۴» ایرانی انجام می گیرد که یک فروند آنها اسیر گلوله‌های ضد هوایی دشمن می گردد و سرنگون می شود.

- در همین روز - روز بیست و چهارم- دشمن غافلگیر شده را باز هم خلبانان پایگاه‌های چهارم شکاری در دزفول با ۶ فروند «اف-۵» و خلبانان پایگاه پنجم شکاری در امیدیه با ۸ فروند و خلبانان پایگاه بوشهر با یک فروند فانتوم، تانک ها و ادوات زرهی و عده

های دشمن را در منطقه ی فاو و ساحل غربی اروند زیر آتش سهمگین بمباران های هوایی خود قرار دادند تا سر پل به دست آمده در فاو بتواند توسعه پیدا کند.

- در ساعت ۱۱:۲۰ همین روز (روز ۶۴/۱۱/۲۴) یک فروند هواپیمای دشمن توسط عوامل پدافند هوایی نهجا سرنگون می شود و در ساعات ۱۱:۲۵ ، ۱۳:۰۰ و ۱۳:۱۵ و ۱۳:۴۲ جزیره خارک ، شهر اهواز ، بهره برداری منصوریه و بندر گناوه توسط جنگنده بمب افکن های دشمن بمباران می شود. رادیوی عراق طی بیانیه ای از سوی ارتش این کشور ادعا می کند که نیروهای ارتش ایران در شرق بصره از مواضع اشغالی عقب نشسته اند، در حالی که در شرق بصره هیچگونه قصد انجام حملات زمینی نبود. تنها وضعیت دفاعی، حاکم بود. در همین روز هواپیماهای دشمن شهر خرمشهر را بمباران می کنند و سیزده نفر بسیجی مجروح می شوند.

- در ساعت ۰۷:۳۰ روز ۶۴/۱۱/۲۵ دشمن سعی می کند که مجنون جنوبی را از دست نیروهای ایرانی خارج سازد. این جزیره از متصرفات خیبر بود .

برج ۴۸ دیده بانی و گزارشات عراق در بخش غربی فاو که با آغاز عملیات «والفجر-۸» احتیاط تخلیه شده بود، در این روز مجدداً فعال شد.

• روز بیست و ششم بهمن در ساعت ۱۰:۰۹ سایت هاگ کوثر، مورد حملات هوایی هواپیماهای حامل موشک های ضدرادار قرار می گیرد و اطلاعات واصله حاکی از این است که دشمن موفق شده به ۱۹ فروند شناور در شمال غرب خلیج فارس حمله ور شود. البته تلفاتی در کار نبود.

- در ساعت ۱۲:۰۰ و ۱۲:۱۵ انرژی اتمی بوشهر مورد حملات هوایی دشمن قرار می گیرد که هواپیماها توسط «اف-۱۴» حاضر در منطقه به عقب رانده می شوند.

- در ساعت ۱۴:۰۰ یک فروند هواپیمای دشمن توسط سایت هاگ کوثر مورد اصابت قرار می گیرد و در مختصات ۳۰۰۸ شمالی و ۴۸۲۲ شرقی سقوط می کند در ساعت ۱۸۱۵ و ۱۹۱۰ سخنگوی نظامی ارتش عراق ادعا می کند که یک شناور ایرانی توسط یگان های دریایی آنها منهدم گردیده و جزایر مجنون از دست ایرانی ها خارج شده است.

- در ساعت ۲۳:۰۳ جزیره ی خارک توسط هواپیمای بلند پرواز «میگ-۲۵» از ارتفاع بالا بمباران می شود، این بمباران ها بدون دقت از ارتفاع ۷۵۰۰۰ پایی انجام می شد.

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۳۳

تعداد سه عراده توپ اورلیکن که از شمال غرب برداشته شده بودند به بندر گناوه فرستاده شد تا دفاع هوایی تاسیسات نفتی بندر امام حسن کمی مستحکم تر شود. این روزها هواپیماهای عراقی به بندر گناوه چندین بار نفوذ و بمباران کرده اند.

• روز بیست و هفتم بهمن ماه، دشمن آغاز به عملیات شیمیایی می نماید. این عملیات توسط سخنگوی نظامی ارتش عراق اعلام می شود که نیروهای عراقی برای باز پس گیری فاو به سوی این بندر روانه شده اند. در ساعت ۱۰۵۵ سرفرماندهی ارتش عراق به برج‌های دیده بانی در منطقه ی بصره و فاو اعلام می نماید که از ماسک ها و تجهیزات جنگ شیمیایی استفاده کنند، زیرا ممکن است حتی باد بتواند اثرات بمب ها و گلوله های شیمیایی را بر عکس به سوی یگان های عراقی براند. در همین ساعت جنگنده بمب افکن‌های پایگاه ششم شکاری از نوع فانتوم، نیروهای ارتش عراق را در منطقه ی فاو بمباران می کنند.

- در ساعت ۱۱۱۵ هواپیماهای عراقی شهر آبادان را بمباران می کنند و خساراتی به پل ایستگاه هفت و چندباب منازل مسکونی وارد می شود در ساعت ۱۵۰۷ و ۱۵۱۵ مجدداً برای چندمین بار تاسیسات نفتی بندر گناوه و اطراف شهر بمباران می شود.

در این گیرودار هواپیمای «اف-۱۴» مامور مراقبت مسلحانه ی هوایی با هواپیمای «میگ-۲۵» بمب افکن عراقی بر روی گناوه درگیر می شود و هواپیمای مهاجم با ارتفاع بالا حدود ۸۰۰۰۰ پا بمب های خود را می ریزد و موشک فنیکس هواپیمای «اف-۱۴» شلیک می شود اما به جایی نمی رسد.

سایت کوثر با شلیک یک فروند موشک هاگ هواپیمای بمب افکن عراقی را در مختصات ۲۹۵۰ شمالی و ۴۸۱۵ شرقی سرنگون می سازد. در ساعت ۱۶۲۲ نیز یک فروند دیگر در موقعیت ۳۰۱۰ شمالی و ۴۸۱۰ شرقی توسط همین سایت سرنگون می شود. در ساعت ۱۶۴۹ در موقعیت ۲۹۴۵ شمالی و ۴۸۳۵ شرقی، فروند دیگری از هواپیماهای عراقی هدف موشک هاگ قرار می گیرد و سرنگون می شود.

- در ساعت ۱۸۰۴ مجدداً یک هواپیمای دشمن در موقعیت ۳۰۰۰ شمالی و ۴۸۲۰ شرقی توسط کوثر منهدم می گردد. در ساعت ۲۱۰۰ و ۲۱۲۰ نیروی هوایی عراق دو تیر

موشک توسط هواپیمای جت فالکان که کابین میراژ در آن تعبیه شده شلیک می نماید و دو فروند شناور ایرانی را در شمال غرب خلیج فارس مورد اصابت قرار می دهد.

روز بیست و ششم بهمن ماه نیز پایگاه پنجم شکاری که قرارگاه رعد در همین پایگاه تشکیل شده بود بلافاصله بر اساس درخواست قرارگاه کربلا تعداد ۶ فروند هواپیمای «اف-۵» خود را به منطقه ی نبرد «والفجر-۸» فرستاد.

پایگاه چهارم در روز ۶۴/۱۱/۲۷ با تعداد ۶ سورتی «اف-۵-ای» شمال فاو را مجدداً به درخواست قرارگاه کربلا بمباران نمود.

• روز بیست و هشتم بهمن ماه ۶۴ در ساعات ۰۹:۳۹ ، ۰۹:۴۸ ، ۱۰:۱۵ ، ۱۰:۳۸ ، ۱۰:۴۷ ؛ ۱۲:۴۵ ، ۱۳:۱۵ ، ۱۵:۰۷ ، ۱۶:۰۳ سایت کوثر با هواپیماهای نیروی هوایی عراق درگیر می شود و در نتیجه این نبردهای زمین به هوا، تعداد ۸ فروند هواپیمای عراقی سرنگون می گردد که یکی از آنها «میگ-۲۳» بوده و یکی دیگر «PC-۷» شناسایی شده است. سخنگوی ارتش عراق نیز اعلام می دارد که یک فروند هواپیمای «اف-۵» ایرانی در منطقه شط العرب با موشک زمین به هوا مورد اصابت قرار گرفته است.

• روز ۶۴/۱۱/۲۹ در ساعات ۱۱:۰۱ ، ۱۱:۲۴ ، ۱۱:۳۳ سه فروند موشک هاگ علیه هواپیماهای دشمن شلیک و سرنگونی آنها اعلام می گردد که دو فروند آنها توسط هواپیمای خفاش و پست شنود فاشا تایید می شود.

بیست نهم بهمن ماه نیز پایگاه پنجم با چهار فروند «اف-۵» عملیات بمباران هوایی نیروهای دشمن را در این منطقه ی پرآشوب ادامه داد و پایگاه هوایی دوم شکاری در تبریز نیز در راستای بمبارانی که دشمن علیه پادگان جلدیان انجام داده بود (منجر به شهادت یک سرباز و یک جوانمرد و مجروح شدن ۸ نفر سرباز دیگر شده بود و همچنین بمباران شهرک ربط که ۱۶ نفر شهید و نوزده نفر مجروح شده بودند) پادگان و تاسیسات نظامی را در کنار شهر به آتش کشید، البته خوانندگان محترم توجه دارند که همه ی این خشونت ها بدلیل شکست هایی بود که دشمن در ارون درود اکنون می بایست متحمل شود. او جنگ را به شهرها و یا به خلیج فارس و کشتی زنی می کشانید.

• روز ۶۴/۱۱/۳۰ در ساعات ۱۱:۰۱ و ۱۱:۳۳ تعداد سه تیر موشک هاگ توسط سایت هاگ کوثر شلیک می گردد و سه فروند هواپیمای دیگر از دشمن سرنگون می گردد.

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۳۵

- در ساعت ۱۱:۴۶ هواپیمای ضد رادار دشمن از نوع «سوخوی-۲۲» یک تیر موشک ضد رادار به سوی کوثر چهار شلیک می کند که با اقدام به موقع کارکنان هشیار این سایت، در کور کردن سر جستجوگر موشک ضد رادار، بالاخره در این رویارویی و جنگی که به جنگ تن به تن یعنی هواپیمای موشک انداز دشمن و سایت هاگ کوثر ۴ مشهور است، این موشک دشمن است که به بیراهه می رود و با اصابت بر زمین بی اثر و منهدم می گردد.

- در ساعت ۱۳۲۹، ۱۳۳۶ و ۱۴۲۶ نیز سایت ۳ کوثر تعداد سه فروند موشک روانه ی درگیری با هواپیماهای دشمن می سازد در حالیکه هر سه موشک به هدر می رود و دشمن از میدان می گریزد.

- در ساعت ۱۷:۴۹ در رویارویی هواپیمای «سوخوی-۲۲» و موشک ضد رادار آن با سایت ۳ کوثر، این سایت ۳ کوثر است که موفق می شود هواپیمای ضد رادار را به زیر بکشد و سایت چهار کوثر نیز موفق می شود یک فروند هواپیمای دشمن را در ساعت ۱۴:۲۴ و یکی دیگر را در ۱۷:۴۹ سرنگون سازد.

• در روز یکم از ماه اسفند سال ۱۳۶۴ مجدداً سایت ۳ کوثر تعداد سه فروند هواپیمای دشمن را در ساعت های ۰۷:۳۵ □ ۰۷:۵۰ □ ۰۷:۴۵ منهدم سازد که خلبان یکی از آنها با چتر نجات فرود می آید و دیگری با چشم رزمندگان دیده می شود که منهدم شده و سومی توسط سایت غدیر که سایت شناسایی الکترونیکی است تأیید می گردد، اما در تجزیه و تحلیل ما به نظر می رسد هر سه منبع گزارش از انهدام هواپیما واقعاً در مورد یک فروند صحبت کرده اند.

با نگرش به شیوه ی جنگیدن دشمن هرگاه که در جبهه های زمینی تحت فشار قرار می گیرند با رویکرد جنگ شهرها، خود را از چنگ اهریمن شکست می رهند و به همین منظور در اطراف تهران، هواپیماهای پروژه ی ابابیل یعنی هواپیماهای «اف - ۱۴» مجهز به موشک های هاگ تغییر یافته به نوع هوا به هوا استقرار می یابند تا از هجوم هواپیماهای «میگ - ۲۵» به منطقه تهران جلوگیری کنند.

یک فروند هواپیمای خودی نیز در ساعت ۱۰:۳۰ در منطقه «والفجر-۸» مورد اصابت دشمن واقع می شود و گفته می شود که خلبان آن با چتر نجات از هواپیما بیرون می پرد و توسط هلیکوپتر دشمن از آب گرفته می شود.

سایر اقدامات نهاجا

الف - مزید بر تمام فعالیت های پایگاه های شکاری در پشتیبانی نزدیک هوایی از عملیات والفجر ۸ با توجه به این که وضعیت نیروهای مسلح نیز در این دوران به گونه ای بود که از راه زمینی انتقال گروه های انبوه نیروی انسانی به جبهه ها و معطل ماندن آنها در منطقه تا تکمیل شدن نیروها و بدست آمدن الزامات یک عملیات سنگین مثل «والفجر-۸» در اصل قابل تصور و اجرا نبود، از این رو هواپیماهای غول پیکر «بوئینگ-۷۰۷» و «بوئینگ-۷۴۷» و «C-۱۳۰» حجم انبوه تجهیزات و نفرات را بلادرنگ می بایستی به منطقه برسانند و این خواست یک رزمنده، و یک فرمانده و یک ملت و رهبران جنگ بود.

نهاجا ناگزیر عملیات جنگ شهرها را از خرداد ۱۳۶۴ تا عملیات زنجیره ای والفجر و کربلا ها و رمضان همگی را به گونه ای هوشمندانه به «والفجر - ۸» متصل نمود که دشمن هرگز از دست دادن تجهیزات هوایی و خلبانان و سایر نیروهای تخصصی هوایی را نتوانست دریابد و با زیرکی خاص تفکر تاکتیکی دشمن را متوجه ی مسایل جبهه های غرب و شمال غرب و همچنین جنگ شهرها و جنگ دریایی در شمال غرب خلیج فارس نمود. بطوریکه ماهواره های غربی و سیستم های کسب خبر و اطلاعات آنها نیز نتوانستند اهداف عملیات «والفجر - ۸» را دریابند و نیروی زمینی ارتش عراق را در جنوب و بندر فاو مجتمع سازند تا کلاسیک دفاع کند.

جدول عملیاتی پدافند هوایی عملیات شفق در قرارگاه رعد

روز	ساعت	سایت درگیر شونده	هدف	نتیجه
۱۰/۱۴	۱۴:۵۹	سایت هاگ خارک	میگ ۲۵	نتیجه ای ندارد
۱۱/۲۲	۱۱:۳۱	سایت کوثر	هوایمای نامشخص	سرنگون
	۱۱:۵۸	"	"	"
	۱۳:۱۱	"	"	"
	۱۴:۲۵	"	"	بی نتیجه
	۱۴:۲۸	"	"	"
	۱۴:۳۳	"	"	"
	۱۴:۳۵	"	"	"
	۱۵:۴۲	"	"	سرنگون
	۱۵:۰۷	"	"	"
۱۱/۲۳	۰۷:۴۰	"	با ۷ فروند	سرنگون احتمالی یک فروند
	۱۰:۴۳	"	هوایمای نامشخص	سرنگون
	۱۰:۴۴	"	"	"
	۱۰:۵۰	"	"	اصابت نمی کند
	۱۰:۵۳	"	"	سرنگون
	۱۰:۵۵	سه تیر شلیک می شود	"	"
	۱۴:۱۵	"	"	سرنگونی یک فروند
	۱۴:۱۸	تیم سایت کوثر مورد اصابت قرار می گیرد	"	هوایما موفق به فرار می شود
	۱۴:۲۰	سایت کوثر مورد اصابت قرار می گیرد	"	"
	۱۱:۲۰	پدافند هوایی نهاجا	هوایمای نامشخص	سرنگون
۱۱/۲۴	۱۱:۲۵	"	"	خارک،هواز،بهره برداری منصور ۳
	۱۳:۰۰	"	"	بندرگناوه و خرمشهر
	۱۳:۱۵	"	"	بمباران می شود و هوایماها فرار می کنند

"	"	"	۱۳:۴۲	
هوایما موفق به فرار می شود		سایت کوثر مورد حمله قرار می گیرد و خسارت می بیند	۱۰:۰۹	۱۱/۲۶
انرژی اتمی بوشهر بمباران می شود هوایماهای اف ۱۴ هوایماهای دشمن را فراری میدهد	"	"	۱۲:۰۰	
"	"	-	۱۲:۰۵	
سرنگون	"	سایت کوثر	۱۴:۰۰	
بمباران آبادان	"	-	۱۱:۱۵	۱۱/۲۷
سرنگون	میگ ۲۵	سایت کوثر	۱۵:۰۷	
تاسیسات نفتی بندر کناوه بمباران میشود و هوایماهای اف ۱۴ با هوایما درگیر می شود	میگ ۲۵	-	۱۵:۱۵	
سرنگون	میگ ۲۵	سایت کوثر	۱۶:۲۲	
سرنگون	هوایمای نامشخص	"	۱۶:۴۹	
منهدم می شود	"	"	۱۸:۰۹	
"	-	"	۰۹:۳۹	
"	-	"	۰۹:۴۸	
"	-	"	۱۰:۱۵	۱۱:۲۸
"	-	"	۱۰:۳۸	
"	-	"	۱۰:۴۷	
"	-	"	۱۲:۴۵	
"	-	"	۱۲:۴۸	
"	-	"	۱۳:۱۵	
"	میگ-۲۳	"	۱۵:۰۷	
"	-	"	۱۶:۰۳	
کوثر	Pc-۷	"	۱۱:۰۱	۱۱/۲۹

"	-	"	۱۱:۲۴	
"	-	"	۱۱:۳۳	
کوثر ۳	-	"	۱۱:۰۱	۱۱/۳۱
کوثر ۴	-	"	۱۱:۲۴	
کوثر ۳	-	"	۱۱:۳۳	
کوثر ۴	-	"	۱۴:۲۴	
کوثر ۳	-	"	۱۷:۴۹	
"	سوخوی	"	۰۷:۳۵	۱۲/۱
"	ضدرادار	"	۰۷:۵۰	
"	-	"	۰۷:۵۴	

خسارات وارده به دشمن به وسیله نهجا

الف- از تلفات دشمن در سطح زمین آنچه مربوط به حملات هوایی می شود انهدام سایت موشکی کرم ابریشم در مختصات ۲۹۵۵ شمال و ۴۸۲۰ شرقی و انهدام شناورهای ارتش عراق در بنادر بصره و فاو، همچنین تعدادی تانک و ادوات زرهی بود، اما شاهکار این عملیات انهدام ۷۵ فروند جنگنده بمب افکن نیروی هوایی ارتش عراق بود که توسط سایت های موشک های زمین به هوای هاگ «کوثر ۳» و «کوثر ۴» و هواپیماهای «اف ۱۴» در راستای حفظ برتری هوایی منطقه عملیات سرنگون گردیدند و اگر چنین برتری هوایی کسب نشده بود و این حملات هوایی سنگین و غیر منطقی نیروی هوایی عراق خنثی نشده بود معلوم نبود سرنوشت این عملیات به کجا می انجامید.

ب- از آنجایی که عملیات «والفجر ۸» از تاریخ دهم دی ماه ۱۳۶۴ برای نیروی هوایی آغاز گردیده بود در نتیجه هواپیماهای منهدم شده از آن روز در محاسبه آمده است. تعداد ۲ فروند هواپیمای توپولف بمب افکن ساخت روسیه از جمله شاهکارهای یگانهای پدافند زمین به هوای موشکی هاگ بود که جمعاً ۸۶ فروند موشک بسوی هواپیماهای دشمن شلیک شد و ۲۵ تیر آن اصابت مستقیم بود و احتمالاً ممکن است تعدادی از هواپیماهای صدمه دیده ی نیروی هوایی عراق توانسته باشند مهلکه بگریزند و لنگ لنگان خود را به فرودگاهی در حوالی منطقه ی نبرد یعنی فرودگاه شعیبیه در بصره و فرودگاه قلعه صالح در نزدیکی العماره برسانند.

تعداد ۹ فروند هواپیمای دشمن توسط توپ های زمین به هوای بیست میلی متری و سی و پنج میلی متری سرنگون شدند.

شهدا و مجروحین عملیات هوایی شفق «والفجر»

چهار نفر از کارکنان پدافند هوایی به درجه رفیع شهادت نایل گردیدند و تعداد چهل نفر مجروح شیمیایی شدند و ۹۴ نفر دچار موج گرفتگی و ترکش بر اثر بمباران های هوایی دشمن شدند.

سروان خلبان قاسم ورزدار از پایگاه چهارم شکاری دزفول در روز بیست و سوم بهمن ماه ۶۴ در اجرای عملیات بمباران هوایی در جنوب عراق با هواپیمای «اف-۵-ای» به شماره ۷۱۰۶ در خاک عراق افتاد و به دست دشمن اسیر شد. در تاریخ بیست و چهارم بهمن ماه سروان خلبان ابوالفضل اسدزاده از پایگاه چهارم شکاری دزفول در اجرای عملیات بمباران هوایی نیروهای لشکر سوم زرهی در شمال فاو با هواپیماهای «ف-۵-ای» به شماره ۷۰۹۸ سرنگون شد و به شهادت رسید.

سروان خلبان ولی الله بزرگی در تاریخ یکم اسفند ماه ۶۴ با هواپیمای «اف-۵-ای» به شماره ۷۰۴۰ از پایگاه هوایی دزفول برای بمباران نیروهای دشمن در ساحل غربی فاو برخاست و در بازگشت از مأموریت خور موسی هواپیمایش با زمین اصابت نمود و به درجه ی رفیع شهادت رسید.

سرهنگ خلبان عبدالباقی درویش و سروان حسینی به اتفاق ۵۱ نفر دیگر با هواپیمای «اف-۲۷» مسافری در حوالی اهواز مورد تعقیب هواپیماهای «میگ-۲۳» دشمن قرار گرفت و هدف موشک دشمن قرار گرفت و همگی به درجه ی رفیع شهادت رسیدند، این واقعه در تاریخ روز اول اسفند ماه اتفاق افتاد. در بین شهداء **حجت الاسلام و المسلمین محلاتی نماینده حضرت امام (ره)** در سپاه پاسداران، **سرهنگ فنی محمدرضا کشواد**، و **سرهنگ خلبان محمود خضرای** فرماندهی آموزش های هوایی شخصیت های برجسته ای بودند.

در روز چهارم اسفند ماه سرگرد **خلبان منصور محمدی آزاد** در اجرای مأموریت بمباران هوایی دشمن در فاو با هواپیمای «اف-۵» شماره ۷۰۷۹ در حاشیه ی اروندرود به شهادت رسید.

عوامل موثر در موفقیت نه‌اجا در عملیات والفجر ۸

الف- تحول در سامانه پدافند هوایی

در هر جنگی معمولا تعدادی به عنوان قهرمانان جنگ از بین نیروهای خودی نمایان می‌شوند در این عملیات اندیشه‌های دفاعی افسری جوان، موقعیت کنترل فضای منطقه‌ی عملیات را دگرگون ساخت و او کسی نبود جز **سرهنگ منصور ستاری** **خواص**، او سیستم دفاع هوایی منطقه‌ی نبرد یا صحنه‌ی نبرد را طراحی کرده و سیستم پدافندی را با ترکیبی از موشک‌های زمین به هوای هاگ و با استفاده از توپ‌های ضد هوایی سی و پنج میلی متری اورلیکن به صحنه‌ی عملیات آورد. تاکتیکی که طراحان عملیات زمینی در آن در مانده بودند و برای همه غیر قابل باور بود.

وی با بردن سایت‌های موشک هاگ به وسط میدان نبرد و رو در رو قرار دادن آن‌ها در مقابل هواپیماهای مامور پشتیبانی نزدیک هوایی دشمن، کار را به جایی رسانید که شاید ارزش‌های دفاع هوایی صحنه را که از جمله وظایف و نیازمندی‌های نیروی زمینی می‌باشد، متجلی و متعالی ساخت، او نه از این جهت قهرمان جنگ «الفجر ۸» بود که اندیشه او موجب سرنوشتی تعداد زیادی هواپیما شد، بلکه از این دیدگاه بود که کاستی‌ها را با بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و توانایی‌های پنهان یک نیرو جبران کرد و سرنوشت شکست‌ها را و ناکامی‌ها را در عملیات گذشته به یکباره در پیروزی چشمگیر و خیره‌کننده‌ای به نمایش گذاشت.

این افسر بعدها به درجه سرتیپی رسید و فرمانده نیروی هوایی ارتش شد و نشان داد که یک نظامی حرفه‌ای به عده‌های دشمن به عنوان عوامل پیروزی آفرین نمی‌نگرد بلکه به بهره‌وری نیروها و ابزار و ادوات نظامی تکیه دارد. استفاده از موشک‌های هاگ با سکوهایی پرتاب ثابت در میدانی که امکان عقب نشینی و پیش روی در هر لحظه متصور است شجاعت حرفه‌ای می‌خواهد، او در حقیقت قرارگاه رعد را با موفقیتی روبرو ساخت که آبروی نیروی هوایی، ارتش و سرهنگ بابایی فرمانده‌ی قرارگاه رعد را در نزد رهبری و ملت و نظامیان تأمین نمود.

سرلشکر شهید منصور ستاری، در هنگام نبرد «والفجر - ۸» سرهنگ بود و قهرمان جنگ شد او از مبتکرین بردن موشک "هاوک" به میدان‌های نبرد زمینی بود. او نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را که با از دست دادن تعداد قابل ملاحظه ای هواپیما و خلبان، قدرت دفاعی واقعی خود را به شدت از دست داده بود، در این عملیات دوباره احیا کرد. تنها با اندیشه ی دفاعی صحیح و متکی بر دانش نظامی و حرفه ای خود این کار را کرد. نام سرتیپ منصور ستاری در جنگ های تاریخی کشور ایران به عنوان یک قهرمان زنده، همیشه جاوید خواهد بود و اگر در این عملیات او نبود شاید پیروزی‌ها در این حد تجلی نمی‌کرد. تخصص او کنترل شکاری‌ها در رادارهای تاکتیکی بود. ولی او در حقیقت ژنرال نخبه‌ای بود که درس بزرگی به ارتش عراق داد. درسی به یاد ماندنی و تاریخی.

ب- عوامل خارجی و داخلی

قبل از آغاز عملیات «والفجر - ۸» نیروی هوایی درگیر یک مرحله از جنگ شهرها شده بود که کار فوق العاده حساس فنی و دقیقی بود و این عملیات بگونه ای انجام می شد که دشمن نتواند بهانه ای بیابد تا در مجامع بین المللی ادعاهای کنوانسیون ژنو و حقوق بشر و اینگونه دست آویزهایی را که جهان غرب علی‌الخصوص آمریکایی ها در اختیار او قرار می دادند، بهره برداری کند.

از سوی دیگر دشمن هم در هر زمانی که در جبهه های زمینی با ناکامی روبرو می شد، جنگ را به داخل شهرها می کشانید و یا جنگ را به خلیج فارس هدایت می کرد که کشتی های تجاری و نفتکش های عظیم برای ایران فعالیت می کردند پس اگر جزیره ی فاو به تصرف قوای ایران در می آمد مسیر هواپیماهای « میراژ F-۱ » او طولانی تر می شد و دسترسی او به خلیج فارس از طریق خاک کویت و عربستان می بایست صورت می گرفت که این چنین عملیات هوایی بسیار پر خطر و نا امنی بیشتر خلیج فارس و تنگه ی هرمز را در بر داشت و این به سود غرب در راستای دریافت نفت منطقه باندازه ی کافی نبود. غرب و شرق یعنی ایالات متحده و اتحاد شوروی توافق کرده بودند که دولت فرانسه به عراق سلاح بدهد. در آن زمان ژسکار دیستن نماینده ی سوسیالیست های فرانسه بر این کشور حکومت داشت از نظر سیاسی هم به چپ می زد و هم به راست و این دولت از عمده ترین تأمین کنندگان سلاح در آن زمان برای عراق محسوب می شد و به تازگی ۶۰ فروند هواپیمای میراژ «F-۱»

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۴۳

EPQ-۶» «EPQ-۵» که نزدیک به معادل چهار اسکادران هوایی می‌شد به نیروی هوایی عراق داده بود و توانایی او را در محدود کردن پروازهای عکسبرداری هوایی نه‌اجا در ارتفاع بالا و بمباران‌های سنگین ارتفاع بالای نه‌اجا را چندین برابر ساخته بود. از طرفی با سوخت‌گیری و سوخت‌رسانی در هوا توسط این هواپیماها می‌توانستند خود را به جزایر سیری و لاوان حتی قشم هم برسانند. از دیگر رویداد های مهم دیگر در این عملیات که بگونه ای با وضعیت بین المللی نیز ارتباط پیدا می‌کرد تعقیب و مورد اصابت قرار دادن یک فروند هواپیمای مسافربری «اف - ۲۷» بنام فرند شیب توسط هواپیماهای «میگ - ۲۳» در نزدیکی فرودگاه اهواز بود که یکی از شخصیت های روحانی مهم بنام حجت الاسلام و المسلمین شیخ فضل اله محلاتی نماینده ی حضرت امام (ره) در سپاه پاسداران و دو نفر افسر ارشد هوایی بنام های سرهنگ فنی محمد رضا کشواد مدیر ماتریل در معاونت لجستیکی فرماندهی نه‌اجا و سرهنگ خلبان محمود خضرای فرمانده ی مرکز آموزش های هوایی به اتفاق دو نفر خلبان هواپیما و ۴۸ نفر از کارکنان نیروهای مسلح همگی به شهادت رسیدند.

از سوی دیگر رئیس جمهور عراق در سوم آبان سال ۱۳۶۲ علنا در یک مصاحبه ی مطبوعاتی اعلام داشته بود که «ما شهرهای ایران را اگر چه در عمق سرزمین آن باشند هدف قرار می دهیم و برای ما هیچ اهمیتی ندارد که بر اثر این حملات تعداد خانواده های بی سرپرست در ایران افزایش یابد، زیرا عراق برای ما از تمام مردان ایران با ارزش تر است.» این بی‌پروایی زمامدار عراق از ابراز بمباران و موشکباران شهرهای ایران نشان می‌دهد ژنرال ها و فرماندهان ارتش عراق نیز گستاخانه تر به جنگ شهرها پیردازند و حتی ژنرال «ثابت سلطان» که یک ژنرال درجه‌ی سوم در سطح فرماندهان ارتش عراق به حساب می آمد با گستاخی فراوانی که نشان می داد آنها از عواقب کار جنگ هیچ وحشتی ندارند و ترسی از جنایتکار جنگی نامیده شدن و اینگونه موضوعات به دل راه نمی دهند. بر خلاف تمام قوانین حقوق بشر و کنوانسیون ژنو و قطعنامه های شورای امنیت در گذشته اعلام می دارد که «در کشور عراق دو نوع جنگ یعنی جنگ شهرها و جنگ جبهه ها وجود ندارد بلکه تنها جنگ وجود دارد» این گستاخی هایی که بواسطه حمایت های بیگانگان غربی اکنون علنی شده بود، کار نیروی هوایی را بسیار سخت کرده بود.

از طرفی نیروی هوایی، مدتها در جنگ بی‌امان هواپیماهای خود را از دست داده بود و موشکهای زمین به هوا فاقد قطعات یدکی و پشتیبانی کننده بودند.

در همین سال ۶۴ برابر با ۱۹۸۵ میلادی برابر گزارش نشریه ی فارین ریپورت، آقای کسینجر یک گزارش سری مبنی بر گشودن کانال ارتباطی بین ایالات متحده و ایران برای نجات جان گروگانها و بسیاری مسائل بی جواب سیاسی دیگر بین دو کشور پیشنهاداتی به رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا داده بود که یکی از این پیشنهادها ارسال قطعات یدکی اسلحه و مهمات برای ایرانیهایی که در تحریم تسلیحاتی از سوی غرب قرار دارند و محاصره ی اقتصادی نیز علیه آنها اعمال می شود ممکن بود که راهگشا باشد.

در چار چوب ضرورت‌های یاد شده بالاخره آمریکا اولین بهای سیاستهای غلط خود را در ارسال قطعات یدکی به ایران پرداخت و ماجرای مک فارلین بوجود آمد که البته این ارسال سلاح و قطعات یدکی در جنگ والفجر بسیار برای نیروی هوایی مفید واقع گردید.

در خرداد ماه ۱۳۶۴ این ارسال اسلحه شروع شد و در اسفند ماه که اوج جنگ "والفجر - ۸" بود خاتمه یافت. نیروی هوایی از خرداد ماه ۱۳۶۴ در دومین دوره جنگ شهرها درگیر شده بود. این کاری بود که تنها از این نیرو بر می آمد، دسترسی به عمق خاک و فضای دشمن کار دریایی یا زمینی نمی توانست باشد و از سوی دیگر تا آماده شدن طرح عملیات « والفجر - ۸» باندازه ی کافی باید دشمن را از نظر روحی روانی می شکستیم و از طرفی جهانیان را باید با یک قدرت برتر هوایی و انجام عملیات استراتژیک هوایی در اعماق خاک دشمن آماده می ساختیم تا یک وقت فرصت فکر کردن به جنگ های غیر متعارف میکروبی و شیمیایی را در سر زمانداران عراق نیاندازند و جرأت نداشته باشند سیاستمداران عراق را از عواقب یک جنگ شیمیایی - میکروبی - هسته ای مطمئن سازند، اگر چه از خریدهای تسلیحاتی ارتش عراق معلوم بود که این ارتش خود را برای یک رویارویی شیمیایی در اندازه های بزرگ آماده می سازد اما از کشیده شدن جنگ شیمیایی به درون شهرها مثل بغداد ، بصره ، کرکوک، رمادی، العماره و ناصریه وحشت دارد.

اساس عملیات «والفجر-۸» نیز براین تفکر استوار بود که غرب باید با دیدن و لمس کردن توان نظامی و مردمی کشور ایران بفهمد که عراق برای او متحد خوبی نیست و میزان کمک های نظامی استراتژیک خود را نسبت به ارتش عراق محدود سازد.

نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۴۵

این بخش را با فرازی از سخنان مقام معظم رهبری به پایان می‌بریم که در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه افسری در سال ۱۳۶۹ بیان شده است و رهنمودی برای کسانی است که می‌خواهند به مصداق گذشته چراغ راه آینده از آموزه‌های جنگ تحمیلی بهره‌برداری نمایند. “آن دوران هشت ساله‌ی جنگ و دو سال نه جنگ و نه صلح در زندگی ملت ما تجربه‌ای بسیار کم نظیر و کمیاب و آموزنده‌ای هستند.

از آنها باید درس گرفت و نباید آنها را فراموش کرد. روز به روز و ساعت به ساعت آن سالیان دشوار برای ما درس است. اما در عین استفاده از آن تجربه‌ها امروز همه‌ی ابتکار و تلاش و مدیریت مدیران نیروهای مسلح چه ارتش و چه سپاه باید در ایجاد یک نظم و تربیت و کیفیت بخشیدن و آماده‌سازی کامل نیروهای مسلح صرف بشود تا همواره قدرت دفاعی ملت در چشم دشمنان، همچنین در چشم دوستان که از قدرت جمهوری اسلامی احساس قدرت می‌کنند در اوج قدرت باقی بماند.”

بخش سوم

نیروی دریایی ارتش در عملیات والفجر ۸

در ایام دفاع مقدس هرگاه صحنه عملیات به مناطق آبی و یا آبی خاکی کشیده می‌شد، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با درک صحیح از مسئولیت خود و به تناسب شرایط موجود از انواع امکانات دریایی خود هوانا، ناو، رزمناو، قایق، یدک کش، توپخانه سنگین دریایی، بالگرد، تفنگداران دریایی) استفاده می‌برد و پشتیبانی‌های لازم را به عمل می‌آورد.

در عملیات والفجر ۸ که صحنه عملیات در منطقه ای مناسب برای فعالیتهای آبی، خاکی قرار داشت، نذاجا با انواع پشتیبانی‌های لازم با حداکثر توان، نقش مؤثری در کسب پیروزی و تسهیل کار رزمندگان اسلام ایفا نمود، این اقدامات نذاجا در عملیات والفجر ۸ را می‌توان به شرح زیر طبقه بندی نمود:

۱ - پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ با بکارگیری چهار فروند هوانا و BHV (هاورکرافت)

پشتیبانی فوق‌الذکر از مورخه ۶۴/۱۱/۲۳ الی ۶۴/۱۲/۲۵ با ۱۸۰ سورتی پرواز در ۵۰۰ ساعت که به طور کامل در شب و در سه مسیر به شرح زیر انجام گرفت:

- الف) در مرحله اول رودخانه بهمنشیر - نهر قاسمیه - پوزه جنوبی خور عبدالله (فاو)
- ب) در مرحله دوم بندر امام - نهر قاسمیه - پوزه جنوبی خور عبدالله (فاو)

الف - شرح عملیات :

ماموریت هواناوها در عملیات والفجر ۸ پس از شناسایی و بررسی منطقه عملیات که از ماهها قبل انجام شده بود در جغرافیای کاملاً متفاوت از آنچه

در عملیاتهای مختلف هوانا و مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود، انجام گردید .

عبور از رودخانه اروند که محل اصلی مأموریت هواناوها بود با جریان شدید آب و وجود باتلاقی و نیزار و کانالهای مصنوعی و طبیعی و همچنین سواحل نامناسب و وجود موانع طبیعی و موانع ضد هوانا و شامل انواع شاخکهای فلزی و نبشی می‌گردد به شکل هشتپر (خورشیدی) و انواع مین، یکی از خطرناکترین و پیچیده‌ترین عملیاتهای آب‌خاکی به ویژه این‌که با توجه به زمان انجام مأموریت در شب که خطر آسیب‌پذیری را چندین برابر افزایش داده بود به شمار می‌رفت .

عملیات پشتیبانی از نیروهای رزمنده، همزمان و بلافاصله پس از شروع عملیات اصلی آغاز و هواناوها با نیروهای خط‌شکن عملیات پشتیبانی را آغاز نمودند .

در تمام مدت مأموریت هواناوها، منطقه عملیات زیر آتش سنگین توپخانه و سلاحهای سبک و حملات شیمیایی و بمباران هوایی و موشکی بود . به نحوی که علی‌رغم حداکثر بهره‌گیری از اصول استتار و اختفاء حداقل تعداد ۲۰ فروند موشک با هدف از بین بردن هواناوها به محل استقرار و در مسیر تردد هواناوها شلیک گردید .

کارکنان ناو گروه هوانا و با وجود خطرات ناشی از گلوله باران توپخانه دشمن با خلوص نیت و در کوتاهترین زمان مأموریت‌های محوله را با موفقیت کامل به انجام رساندند .

ب - محموله‌های جابجا شده توسط هواناوها :

- (۱) ۲۱۲ تن انواع مهمات .
- (۲) ۱۴۰ دستگاه انواع خودرو .
- (۳) ۱۹۹۶ نفر نیرو و تجهیزات مربوطه .
- (۴) ۴ قبضه سلاح سنگین (توپ) .

نیروی دریایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۴۹

(۵) انجام ۱۵ مأموریت تجسس و نجات در دهانه خور موسی - بهمنشیر - اروندرود - سکوه‌های البکر و العمیه - خور عبدا . . .

ج - خسارات و تلفات :

صدمه دیدن ۳ فروند هواناو به علت برخورد ترکش موشک .

د - نتیجه :

غافلگیری و استفاده از شرایط جوی نامساعد در بدترین شرایط جغرافیایی و پیچیده‌ترین و وسیع‌ترین موانع برای رسیدن به خطوط دشمن عواملی بودند که هواناوها با دقت کامل و پشت سر گذاشتن موانع توانستند پشتیبانی همزمان با شروع عملیات را از عملیات والفجر ۸ با موفقیت کامل به انجام برسانند .

۲ - نصب توپخانه سنگین دریایی :

پس از فتح فاو، نصب توپخانه سنگین دریایی در دهانه فاو انجام گرفت که اثر پدافندی کاملاً مؤثر در پشتیبانی و حفظ منطقه ایفا نمود .

۳ - پشتیبانی و شناسایی توسط هوا دریا (بالگردها) :

در طول عملیات والفجر ۸ و فتح فاو تعداد دو فروند بالگرد نذاجا با ۲۶۳ سورتی پرواز در ۸۹ ساعت مأموریت پشتیبانی و شناسایی از عملیات را انجام دادند .

فصل سوم

دستاوردهای آموزشی

دستاوردهای آموزشی^۱

کلیات

یک شعار خوب آموزشی که بارها در کلاسهای نظامی تکرار می شود این است که:
عرق ریختن در میداین آموزشی از ریختن خون در زمان جنگ ممانعت می کند .

حال که جنگی خونین و با بهائی وافر رخ داده است ، این پرسش در باور هر تحلیلگر نظامی و یا هر ناظر غیر نظامی حک می شود که دستاورد خونهای پاک بزمین ریخته^۲ و منابع فراوان مادی از دست رفته چه می باشد .

صرف نظر از هر پندار دیگری ، اگر جنگ به درستی تحلیل و ارزیابی نگردد و نکات قوت و ضعف آن در هر مورد مشخص نشود ، بهره برداری از جنگ میسر نمی گردد و بدون تردید آیندگان از جنگی که بوسیله نیاکانشان اتفاق افتاده است اگر بی زاری نجویند حداقل به آن افتخار نمی کنند گرچه باید پذیرفت بی طرف ماندن در تحلیلها با توجه به حمیت ملی و نیتهای پاکی که وجود دارد برای کسانی که خود سهمی در این نبرد داشته اند کاری بس دشوار است ، اما به هر طریق اگر لازم است از رویدادها بهره برداری آموزشی شود بایستی ارزیابی آن هم تا حد امکان با برشمردن واقعیهایی که رخ داده است انجام پذیرد و از بزرگنمایی موفقیتهای کسب شده و نادیده انگاشتن ناکامیها به شدت خودداری گردد .

مد نظر داشتن این نکته که موشکافی علل و عوامل ناکامیها به اندازه جلوه دادن پیروزیها اهمیت دارد از دیگر مواردی است که در ارزیابی هر عملیاتی ضروریست حذف خونریزی بیشتر و کاهش چشمگیر آسیبها در جنگی دیگر بستگی مستقیم به دستاوردهای آموزشی جنگ دیروز ما دارد ، لذا بنا به گفته یک تحلیل گر جهانی:

“ ارتشی که بهترین ها را تربیت می کند و با بالاترین سرعت یاد می گیرد و بهترین ها را می داند ، برتری بزرگی دارد که بسیاری از نقصها را جبران خواهد کرد^۳ .

۱. برابر آنچه به دنبال خواهد آمد ، دستاوردهای ارائه شده بیشتر مربوط به یگانهای توپخانه است و این ناشی از تخصص نویسنده می باشد ، امیدوارم دیگر همکاران با عنایت به اهمیت تحلیلهای آموزشی ، به بررسی آموزشی عملیات بپردازند تا در چاپهای بعدی با نام آنان افزون گردد .

۲. آمار تلفات رزمی، شامل شهید، مجروح، به یک میلیون نفر رسید.

۳. تافلر، آلوین؛ جنگ و ضدجنگ؛ ص، ۱۴

با عنایت به آنچه گفته شد در این بخش از کتاب به تجزیه و تحلیل آموزشی توپخانه والفجر ۸ می پردازیم تا زمینه فراگیری هر چه بیشتر از جنگ را فراهم کنیم زیرا به خوبی می دانیم جنگهای آینده نیازمند جایگزینی تفنگ بدوشان متعارف و کم سواد با نیروهای هوشمند و تعلیم دیده ایست که بتوانند مغزشان را بکار برند و این وظیفه ما را که از نزدیک دستی بر آتش جنگ داشته ایم افزون تر می کند .

این پندار که نیروهای عراقی در جنگ خود با ایران از تسهیلات و پشتیبانیهای آمادی به طور کلی و به ویژه از نظر آماد مهمات از حجم بیشتری استفاده کرده اند. بر کسی پوشیده نیست و در مدارک موجود ثبت است.

یکی از تحلیلگران عراقی (سرلشکر وفیق السامرائی)؛ مصرف مهمات توپخانه در ارتش عراق را هفته ای ۹۰/۰۰۰ گلوله (یعنی ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ در طول جنگ) ذکر می کند^۱. اما این مهم نیست ما چند هزار گلوله بیشتر یا کمتر تیراندازی کرده ایم بلکه مهم این است که چه درصدی از گلوله های تیراندازی شده به هدف اصابت می کند و چه نتیجه ای به دست می آید^۲ و این فرایند به طور کامل بستگی به امر حیاتی آموزش پرسنل درگیر دارد . شاید آگاهی از این پندار است که ژنرال رومل نابغه جنگ دوم جهانی می گوید: آموزش به بهترین نحو ، بهترین وسیله رفاهی است که می توان در اختیار افراد قرار داد^۳. و امروزه نظریه پردازان علوم و فنون عقیده دارند که بهره‌وری سرمایه گذارهای آموزشی به مراتب بیشتر از سایر بخشهای اقتصادی است .

۱ . السامرائی، وفیق؛ ویرانی دروازه شرقی؛ ص، ۹۲

۲. در سال ۱۸۸۱ ، یک ناوگان انگلیسی ۳۰۰۰ گلوله توپ به دژهای نظامی مصر نزدیک اسکندریه شلیک کرد ، تنها ده گلوله به هدف اصابت کرد و یا خلبانان آمریکائی در جنگ ویتنام ، در حمله های ناموفق برای از کار انداختن پل تان هوا ۸۰۰ پرواز انجام دادند و ۱۰ هواپیما از دست دادند و موفق نشدند ، بعدها در اواخر جنگ چهار هواپیمای Fمجهز به بمبهای هوشمند تنها در یک پرواز پل را منهدم کردند..

۳ .رستمی، سرتیپ ستاد محمود؛ فرهنگ واژه‌های نظامی؛ ص، ۶۳۵

وقتی از سرتیپ ۲ سعید پورداراب خواستم^۱، مقایسه‌ای داشته باشد بین کارائی توپخانه‌های دو طرف جنگ، با اطمینان و تاکید گفت:

این درست است که حجم آتش توپخانه ارتش عراق همیشه بر ما برتری داشته است، اما این دقت تیر است که در جنگ نتیجه را تعیین می‌کند، خوشبختانه ندیده‌ام توپخانه‌های عراق دقت تیر داشته باشند و من آرزو می‌کنم دشمنان ما این چنین باشند.

درباره وضع توپخانه‌های خودی گفت:

من تقریباً از پشتیبانی مؤثر توپخانه در عملیات مطمئن بودم، اما می‌توانید اطلاعات بیشتری را از زبان دشمن و به‌ویژه زندانیان جنگی که منبع اطلاعاتی خوبی هستند و در کتابها ثبت شده است نقل کنید.

به کنکاش کتابهای معرفی شده از طرف ایشان که عمری را در خدمت صادقانه به این کشور عزیز گذرانده‌اند پرداختم و به واقعیت کلام پر بار ایشان پی بردم. در یکی از این کتابها آمده است:

« اسرای عراقی در اعترافات خود، آتش توپخانه را مناسب و باعث تلفات در نیروهای عراقی ذکر کرده‌اند، تلفات در برخی محورها به واحدهای زرهی عراق به ویژه در محور عین خوش، امامزاده عباس و گیلان‌غرب را در اثر تلاش توپخانه و هلی‌کوپترهای (هوانیروز) مورد تاکید اسرا است.^۲»

۱. سرتیپ ۲ سعید پورداراب به عنوان فرمانده همیشه در صحنه جنگ در تمامی عملیاتهای ل ۲۱ حمزه به عنوان فرماندهی گردان، فرماندهی تیپ حضور فعال داشته و تفنگ به دست پیشاپیش سربازان و همپای آنان می‌جنگیده است در قلب همه جای گرفته است. ایشان پس از بازنشستگی رزم بی‌امان خود را در جبهه فرهنگی جنگ ادامه داده و ضمن تدریس تجربه‌های گرانبهای خود در دانشگاه‌های نظامی، تاکنون موفق به تألیف چند اثر با ارزش با نامهای (سپتون تا شلمچه، قرارگاه نصر، عملیات محرم) شده و اکنون در گروه معارف جنگ ارتش مشغول بازنویسی رویدادهای جنگ ناخواسته هستند.

۲. جنگ، بازیابی ثبات؛ پاورقی صحنه ۴۷،

و یا در جایی دیگر در طرح پژوهش، آموزش دانشگاه هوائی از قول وفیق السامرائی در کتاب ویرانی دروازه شرقی می‌خوانیم:

“نیروهای ایرانی به کارگیری توپخانه را ماهرانه و در سطحی وسیع آغاز نمودند، افسران دیده بان کار هدایت آتش را به خوبی انجام می‌دادند و از این رو نیروهای ما در مواضع اشکار (اول جنگ) و شکننده به شدت کوبیده می‌شدند.^۱“

سرتیپ ۲ مسعود بختیاری^۲، توپخانه‌های ایران و عراق را چنین مقایسه می‌کند: عراقی‌ها از حجم آتش زیاد و دقت کم از توپخانه‌های خود استفاده می‌کردند، آنها توپخانه‌های متنوع‌تر و با برد بیشتری داشتند و به طور معمول به اجرای آتش پراکنده و دیده بانی نشده می‌پرداختند، در صورتی که توپخانه‌های ما، از دقت تیر بهتری برخوردار بودند و به نظر می‌رسید با رعایت نکات آموزشی، انضباط آتش و... کمبود حجم آتش خود را جبران می‌کردند.

گرچه باور داریم بسیار کسان دیگری هستند که نظراتی مشابه دو نمونه آورده شده دارند اما این حدیث را نباید از یاد برد که:

«ارتشها دوست دارند ناکارآمدی و ناتوانی‌های خود را مخفی نگاه دارند تا دشمن نتواند نقاط ضعفشان را هدف قرار دهد اما همان ممنوعیتهایی که دشمن را در جهل نگاه می‌دارد، اغلب باعث می‌شود که اطلاعات به دست کسانی نرسد که می‌توانند ناکارایی‌ها را از بین ببرند، بنابراین ضعفها خیلی دیر کشف می‌شود و شاید هرگز شناخته نشود.^۳»

جمع بندی این بخش از کتاب این نتیجه کاربردی را دارد که:

۱. السامرائی، وفیق؛ ویرانی دروازه شرقی؛ ص ۴۴۴.

۲. سرتیپ ۲ مسعود بختیاری برای تمامی افسرانی که موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه فرماندهی و ستاد شده اند، چهره آشنا و استادی مقتدر و با پشتوانه علمی بالایی است، ایشان یکی از طراحان عملیاتی‌های طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس بوده و سه اثر ارزنده به همین عناوین تألیف نموده که در مراکز علمی تدریس می‌گردند هم اکنون (۱۳۸۲) دوران بازنشستگی پر افتخار خود را به تألیف، تدریس و مشاوره در سطح عالی طی می‌نماید.

۳. تافلر، آلوین؛ جنگ و ضدجنگ؛ ص ۲۳۰.

با گذشت زمان که اطلاعات کهنه و سوخته می شوند لازم است در هر مورد از امور جنگ به طور تخصصی توانایی و ناکارآمدی ها شناسایی و در بی اثر کردن ضعفها و ارتقاء سطح کیفی تواناییها اقدام شایسته و جدی به عمل آید در این صورت است که میدان جنگ هشت ساله به میدان کسب آموزش و تجربه مبدل می گردد .
در پس این نتیجه گیری با برشمردن نکات مثبت و منفی به تحلیل آموزشی شرکت یگانهای توپخانه در عملیات والفجر ۸ می پردازیم.

۱. نکات مثبت

الف - شرکت در طرح فریب تاکتیکی

پوشش و فریب تاکتیکی کلیه اقداماتی است که به منظور پوشیده نگاه داشتن طرحها و گمراهی دشمن انجام می گردد و روشهای ان عبارتند از: تکهای فریبده، نیرنگها، دستبرد ، تظاهرات و تکهای پشتیبانی .

در اهمیت پوشش و فریب تاکتیکی همین بس که سون تزو در کتاب «هنر جنگ» خود، همه هنر جنگ را بر اساس فریب و اغفال استوار دانسته است^۱. بر این اساس شرکت یگانهای توپخانه در طرح پیروزمندانه فریب تاکتیکی از یک هفته الی ۱۰ روز قبل از عملیات آغاز گردید روش کار این بود که در آغاز روز آتشبارهای تیر بدون رعایت اصول حفاظتی به منطقه عمومی شلمچه حرکت می نمودند و با تهیه مواضع فریبده و درپاره اوقات با تیراندازیهای ایذائی و ثبت تیرهای آشکار سعی در جلب توجه دشمن می کردند و در پایان روز و شب هنگام با رعایت کامل اصول حفاظتی به مواضع اصلی خود بر می گشتند، این اقدام سبب گردید که دشمن تک قریب الوقوع رزمندگان را در منطقه شلمچه پیش بینی نماید تا آن جا که بعضی از یگانهای خود را به این منطقه گسیل داشت.
در پایان نامه یکی از مسئولان توپخانه سپاه در عملیات والفجر ۸ (سرهنگ پاسدار نوشادی) آمده است :

برای اجرای عملیات با توجه به اصل غافلگیری ضرورت داشت تا طرح فریبی برای دشمن به مورد اجرا گذاشته شود ، به همین منظور در منطقه عملیاتی بدر (هور) طرح فریب به اجرا گذاشته شد که توپخانه نیز در این باره برنامه هائی را

بعده داشت . گردانهای توپخانه ارتش جمهوری اسلامی در منطقه در مواضع انتظار استقرار داشتند ، سپس تردد های خود را در این منطقه با جابجائی آتشبارها افزایش دادند ، اقدامات توپخانه در طرح فریب به شرح زیر انجام گرفت:

- حرکت ستون های توپخانه در روز با طول زیاد ستون .
 - استقرار توپخانه ها در مواضع انتظار هور .
 - جابجائی آتشبارها .
 - احداث مواضع .
 - اقدام به ثبت تیر با گلوله های فسفر سفید
 - برقراری دکلهای دیدبانی
- در سایه این طرح فریب بود که به لطف خداوند این طرح با موفقیت روبرو شد^۱.

ستوانیکم مهربان کاظم زاده که در عملیات والفجر ۸ به عنوان رئیس توپ در گردان ۳۶۸ توپخانه شرکت داشته است در بخشی از خاطرات خود چنین نقل می کند:

... ما قبل از عملیات چند تغییر مکان دادیم و اقدام به ثبت تیر کردیم و کاری انجام دادیم که دشمن را متوجه خود کنیم این کار از نظر حفاظتی صحیح به نظر نمی رسید اما بعدها معلوم شد این کار برای جلب توجه دشمن و فریب او بوده است تا شاید دشمن فریب بخورد و نیروهایش را از جای دیگری که محل مورد نظر ماست جابجا کند و خود را آماده حمله از محلی غیر از منطقه اصلی کند^۲.

نامبرده در جواب این سؤال : آیا چنین واقعه ای اتفاق افتاد؟ می گوید:

” به لطف و کرم خداوند و درایت و کاردانی همکاران دشمن کاملاً فریب خورد“.

ب - تنوع و کثرت یگانها :

با نگرش به فهرست یگانهای توپخانه تلاش اصلی و تلاش پشتیبانی پیدا است که نزاجا با شرکت دادن ۲/۳ از ظرفیت آتش خود (۳۴ گردان توپخانه از انواع کالیبرهای مختلف و دو قرارگاه گروه) توان آتش بی نظیری را برای این عملیات فراهم نمود ، که

۱. نوشادی، پاسدار؛ پایان نامه؛ ص ۱۲ و ۱۳.

۲. نوار مصاحبه شماره، ۴.

هیچگاه در جنگ ناخواسته ایران و عراق سابقه نداشت، این اقدام بی سابقه آن هم در یک منطقه محدود با عرض ۳۰ الی ۴۰ کیلومتر آن چنان مؤثر افتاد که توپخانه‌های دشمن تقریباً در طول عملیات خنثی شدند و پاتکهای دشمن قبل از رسیدن به خطوط تماس تقریباً کارآئی خود را از دست می دادند. به باور کارشناسان و فرماندهان نزدیک به جبهه فاو، یگانهای پاتک کننده دشمن قبل از رسیدن به خطوط درگیری تقریباً ۴۰ الی ۶۰ درصد از توان رزمی خود را به علت حجم آتش و دقت تیر یگانهای توپخانه از دست می دادند، در نتیجه شکست این پاتک ها از قبل تضمین شده بود. توجه به پاره‌ای مدارک و گفته‌های متنوع به ما کمک می کند که اهمیت پشتیبانی آتش در رزم را به طور عملی درک نماییم.

در کتابچه تخصصی دانشکده فرماندهی و ستاد که عملیات والفجر ۸ را تحلیل کرده است آمده است :

“ از ویژگی های عملیات والفجر ۸ آتش زیاد نیروهای خودی بود که با ۳۰ گردان توپخانه انجام می شد به طوری که واحد های عراقی وقتی به پای کار می آمدند ۴۰٪ از استعداد خود را از دست می دادند^۱. ”

و یا در نمونه دیگری از کتاب خرمشهر تا فاو چنین می خوانیم :

حجم و قدرت آتش توپخانه آن چنان کوبنده و اثربخش بود که یکی از فرماندهان خط مقدم دشمن زبان به اعتراف می گشاید و می گوید: “ وضعیت ما بسیار بد و سخت می باشد، آتش توپخانه روی ما، بسیار مؤثر و تلفات نفرات با شمارش دقیقه افزونتر می شود، فعلاً در مواضع خود مقاومت می کنیم ولی بداد ما برسید^۲. ”

و یا در جایی دیگر از قول یک تحلیلگر که عملیات والفجر ۸ را در فاو ارزیابی می کند زیر عنوان آتش سنگین توپخانه آمده است :

“ در جریان حملات دشمن در محورهای ساحلی و میانی آتش توپخانه، نقش ویژه‌ای را در انهدام و عقب زدن نیروهای دشمن داشت زیرا نیروهای آنها از آخرین نقطه عقبه خود، که از محور ام الرصاص عبور می کردند تا خط تماس در فاو زیر

۱. کتابچه تخصصی دافوس؛ ص ۲۵

۲. از خرمشهر تا فاو؛ ص ۲۰۴

دید و تیر نیروهای خودی قرار داشتند. شدت آتش خودی بر روی دشمن، به حدی بود که تاب و توان مقاومت را از آنها، سلب می‌کرد. نیروهای عراقی که در طول ۵ سال جنگ، با چنین آتشی کمتر مواجه شده بودند، به شدت روحیه خود را باخته، به طوری که فرمانده یکی از تیپهای دشمن می‌گوید:

“ آتش توپخانه دشمن (ایران) وسیع و بسیار سنگین و مؤثر است. تعداد ۶ دستگاه تانک از کار افتاده است، توان رزمی به شدت پایین آمده، که بر اثر درگیری و آتش سه روز گذشته می‌باشد. توپخانه‌های دشمن (ایران) آزاد هستند. خواهش ما این است که آتش متقابل، روی منابع آتش دشمن زیاد شود تا از حجم آنها کاسته شود.”

در چنین وضعیتی و با توجه به پاتک های متوالی دشمن و شکست آنها و انهدام قابل توجه نیروهایش، روحیه ارتش عراق به شدت متزلزل گردید، به طوری که چند تن از فرماندهان رده بالا، خود را تسلیم نیروهای اسلام کردند.^۱

و یا سرباز عراقی که از نزدیک شاهد آتش پر حجم توپخانه بوده، تحت شرایط مطلوب بازجویی که نشان دهنده، رعایت اصول بین المللی رفتار با زندانیان جنگی^۲ و اخلاق اسلامی مسئول بازجویی قرار گرفته در جواب سئوالی به بازجو با بذله گوئی می‌گوید:

آقا بارون می بارید و بازجو می گوید در این چند روز هیچ بارانی نیامده است و اسیر در حالی که دستهایش را به هوا کرده بود گفت: “ چرا بارون می بارید، اما بارون گلوله که خیلی تندتر از بارون و شاید هم رگبار.”

تمام این تحلیلها، نقل قولها و اعترافات نشان می دهد که حجم آتش توپخانه نقش ارزنده و تعیین کننده‌ای در عملیات فاو داشته و موفقیت چشم گیر عبور از رودخانه خروشان اروند رود و تصرف شهر بندری فاو بدون وجود پر صلابت و مقتدر یگانهای توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران امکان پذیر نبوده است و انصاف است قلمهایی که در این راستا به تحلیل می پردازند از پرسنل فداکار، توانمند و خردمند توپخانه که پیروزی را رقم زده‌اند تمجید نمایند و حداقل در حد خسته نباشید از آنان تقدیر و تشکر گردد.

۱. همان؛ ص ۲۰۷.

۲. برابر آمارهای منتشره در اردوگاههای نازی در جنگ جهانی دوم از هر ۲۸ نفر اسیر فقط یک نفر زنده می ماند و جالب است بدانیم آن یک نفر تنها بدلیل امید به زنده ماندن نجات می یافت و نه شرایط زندگی در اردوگاه. نقل چنین آمارهایی و مقایسه شرایط زیست زندانیان جنگی ما در عراق و اسرای عراقی در اردوگاههای جمهوری اسلامی ایران عبرت آموز و افتخار آمیز است.

ج - پیش بینی و تهیه مواضع :

نقش استحکامات صحرائی در حفظ و حراست از جان رزمنده به‌عنوان ارزشمندترین عامل میدان جنگ و نگهداری از ابزار و تجهیزات جنگی بر کسی پوشیده نیست، لذا فرماندهان به فراخور زمان، مکان، مأموریت و امکانات در اختیار سعی در ایجاد استحکامات مناسب برای پرسنل و تجهیزات خود می‌نمایند در این میان فرماندهان جوانی بودند که به ویژه در سالهای اول جنگ با برداشت نادرست از اصول حاکم بر میادین جنگ و بی‌توجه به استفاده صحیح از زمین جان خود و پرسنل جمعی را به خطر می‌انداختند و بی‌دلیل ضایعات جبران‌ناپذیری را سبب می‌شدند، اما در نقطه مقابل بودند فرماندهان خردمندی که با به‌کار بستن اصول و آموزشهای کلاسیک در میادین عمل برای خود و دیگران امنیت و سرفرازی جاودانه خلق کردند^۱. یکی از اقدامات بسیار موثر در عملیات والفجر ۸ که

۱. در یک روز بسیار گرم و سوزان تابستان ۱۳۶۰ و در گرماگرم عملیات مسلم ابن عقیل در محور سومار در غرب کشور از طرف فرماندهی لشکر به‌عنوان راهنما به گیلانغرب رفتم تا در معیت ریاست محترم جمهوری وقت (شهید بزرگوار رجائی) برای بازدید از خطوط مقدم جبهه باشم. در طول مسیر در چند نوبت با اشاره به چند رزمنده که به‌طور پراکنده و نامناسب روی جاده در حرکت بودند مرا مورد خطاب قرار دادند، مگر چه خبر شده است که این رزمندگان جوان بدون سرپرست به عقب جبهه می‌روند، اجازه خواستم سؤال کنم، شاید به علت کمبود وقت اجازه نفرمودند و مسیر را به طرف قرارگاه عملیاتی پیمودیم، در قرارگاه، فرماندهی محترم لشکر (سرکار سرهنگ اسماعیل سهرابی) مقدمات استقبال از ریاست محترم جمهوری را فراهم کرده بودند که به‌سادگی انجام شد و بعد از توجیه اولیه روی نقشه وضعیت از فرماندهی لشکر خواستند از جبهه بازدید داشته باشند، مقصد دیدگاهی بود که با داشتن امنیت می‌توانستیم فعالیت نیروهای در خط را هم به‌طور کامل ببینیم، در طول مسیر متوجه شدم که خودرو پاترول حامل شهید بزرگوار و فرماندهی لشکر متوقف شده است من نیز بلافاصله از خودرو خود پیاده شدم و خود را به آنان رساندم، از یگانی که با سیم خاردار محصور شده بود سؤال کردند یکی از گردانهای تیپ ۵۵ هوابرد بود، علاقمند شدند این گردان را از نزدیک بازدید کنند بر خلاف معمول با ممانعت سرباز نگهبان مواجه شدیم، پس از چند لحظه سرکار استواری با ظاهری بسیار آراسته که از دیدن رئیس جمهور برق در چشمانش می‌درخشید و دستهایش روی شقیقه از شدت می‌لرزید، اجازه خواست که فرمانده گردان را از ورود آنان مطلع کند، و بدنبال یک تلفن چند ثانیه‌ای در حالی که سرکار استوار پیشاپیش خودرو پاترول فرمانده لشکر می‌دوید، ما را به سنگر فرماندهی گردان رساند، ظاهر کاملاً نظامی فرمانده گردان و چند نفر از افسران ستاد گردان آنچنان نمادین بود که گوئی آنان از ساعتها پیش خود را برای استقبال از رئیس جمهور آماده کرده بودند، در حالی که قبل از همه، شهید بزرگوار می‌دانستند که بدون برنامه و اطلاع قبلی وارد این یگان آرایش گرفته در خط مقدم جبهه شده‌اند، به همین انگیزه قبل از هر اقدام و رهنمود دیگری از نظم و انضباطی که فرمانده گردان در محدوده یگان خود ایجاد کرده بودند بسیار خرسند شدند و عملکرد رزمندگان یگان را در سایه مدیریت

پیش از آن هرگز به اجرا در نیامده بود پیش بینی و تهیه مواضع برای یگانهای توپخانه بود که به وسیله سپاه پاسداران و با استفاده از امکانات مهندسی جهاد سازندگی انجام شده بود .

این اقدام مثبت از آن جهت اهمیت دارد که زمین منطقه عملیات به علت ارتفاع پست به خصوص در فصل بارندگی اجازه تهیه موضع مناسب برای توپخانه را در زمان کوتاه فراهم نمی نمود ، برای مقابله با این شرایط از آبان ماه سال ۱۳۶۴ حداقل یک جاده با عرض ۲۰ متر و طول ۳ کیلومتر که حداقل یک متر از سطح زمین بالاتر باشد تهیه گردید و به جاده آسفالتی اصلی متصل شد ، بدین صورت ضمن تسهیل رفت و آمد ، امکان اشغال موضع سریع یگانهای توپخانه در شرایط اضطراری فراهم گردید ، در مصاحبه با پرسنل یگانهای توپخانه درگیر با عملیات ، معلوم گردید که مواضعی به طول ۲۰۰ متر و پهنای ۲۰ الی ۳۰ متر در خارج از جاده که گنجایش یک آتشبار داشته باشد قبلاً تهیه و تحویل فرماندهان آتشبار گردیده است و این در حالی است که فرماندهان دیگری اشغال موضع روی یک جاده را به طور خطی که مناسب نبوده است تایید می کنند ، افزون بر این اقدام به بعضی از آتشبارهای توپخانه سوله های پیش ساخته به پهنای دو متر که نصب آن فوق العاده ساده و به سرعت امکان پذیر بوده به عنوان

درست فرماندهی گردان ارزیابی فرمودند و آرزو کردند که تمام نیروهای مسلح از چنین نظم و ترتیبی برخوردار شوند ، من که از به وجد آمدن رئیس جمهور محترم تحت تاثیر قرار گرفته بودم در درون خود آرزو کردم ای کاش من هم بتوانم چنین عملکردی از خود نشان دهم و فرمانده گردان را الگو قرار دادم و در مورد او به تفحص پرداختم ، و اکنون پس از سالها به حکم قدرشناسی آنچه را که از او بیاد دارم با رعایت اختصار بیان می کنم .

او کیست ؟ نمی دانم ، در جبهه همکارانش او را عباس خیردار می نامیدند من هم به همین لقب اکتفا می کنم . هنر عباس خیردار ، رعایت کامل انضباط ظاهری در تمام ایام جنگ و تسری این کار پسندیده در محدوده فرماندهیش ، چه وقتی که فرمانده دسته بوده و چه در فرماندهی گروهان و حالا که فرمانده گردان است . استفاده از سنگر فرو رفته در عمق زمین ، استفاده از تجهیزات کامل در تمام طول شبانه روز ، خوابیدن با لباس ، استفاده صحیح از زمین و تهیه کردن انواع استحکامات صحرائی (سیم خاردار ، کانال رفت و آمد ، تونل ، سنگر سلاح های سنگین پیاده ، حفره روباه و ...) جزء مقررات او بود سربازان در ۱۰ الی ۱۵ روز اول خدمت در یگان ، عباس خیردار را ضد بشر می نامیدند ، اما بلافاصله به اهمیت و نیت او پی می بردند و تا حد پدری مهربان و فرماندهی دلسوز که برای جان فرزندان خود دل می سوزاند به او نزدیک می شدند و از او قدردانی می کردند نتیجه سخت گیری ها و قانون مندی او بسیار الگو پذیر است .

با وجود این که همیشه در نوک حملات در عملیات از واحد او استفاده می شد ، اما فقط و فقط به خاطر رعایت انضباط اصولی در جبهه ، تلفات رزمی یگان او پایین تر از همه بود و این جوابی است برای آنانی که ندانسته می گویند : انضباط ظاهری بد است .

سنگر پرسنل تحویل گرفته اند که با نصب سریع و ریختن خاک روی آن جان پناه نسبتاً مناسبی برای خود تهیه نموده اند ، این پیش بینیها در حفظ جان پرسنل و آرامش روحی رزمندگان بسیار اثر مثبتی داشته است و از نظر عملیاتی به آمادگی برای اجرای ماموریت در اسرع وقت کمک شایان نموده ضمن این که رعایت اصول حفاظتی برای رسیدن به غافلگیری را امکان پذیر نمود . لازم به ذکر است که آتشبارهای توپخانه قبل از اشغال مواضع اصلی در روزهای قبل از عملیات با توپها و حداقل پرسنل و تجهیزات در دو طرف رودخانه بهمن شیر از آبادان تا نزدیک چوپیده در داخل نخلها به استتار کامل خود مبادرت کردند این اقدام که به منزله مواضع انتظار بودند دارای شرایط خوبی از نظر پوشش و استتار نیز بودند به طوری که وجود آنان از نظر دیدبانان و نیروی هوایی عراق مخفی ماند و به اصل غافلگیری منتهی گردید .

سرتیپ ۲ حسین مهرآرا که به عنوان فرمانده گردان ۳۷۰ توپخانه در عملیات والفجر ۸ حضور فعالی داشته است می گوید :

” ... ما بدون شناسائی و آگاهی از مواضع جدید از طریق جاده آبادان به چوپیده وارد جزیره آبادان شدیم و به جاده ای رسیدیم که به طور موقت تهیه شده بود و روی این جاده به فواصل معین چندین ”پد“^۱ مهیا شده بود که هر کدام گنجایش یک آتشبار به طور فشرده را داشت جلو پد خاکریزی نه چندان بلند و در پشت پد کانالی به اندازه یک بیل مکانیکی آماده شده بود آتشبارها روی جاده مستقر و پرسنل در کانال مربوطه جای گرفتند.^۲“

در جایی دیگر ستواندوم رحمان میثاقیان در جواب این سؤال که به نظر شما به عنوان یک رئیس توپ با سابقه ، عملیات والفجر ۸ با سایر عملیاتها چه فرقی داشت؟ گفت:

” یک تفاوت را گفتم ، تیراندازی بی حساب و کتاب اما یک فرق دیگری داشت که من هیچگاه ندیده بودم ، تهیه مواضع قبل از رسیدن آتشبار ، آنها (سپاه پاسداران)

۱. ”Pad“ جاده یا راه که در اصطلاح نظامی، موضع کوچک ساخته شده برای استقرار اضطراری

هلی کوپتر، توپخانه یا تانک می باشد.

۲. نوار مصاحبه شماره، ۱۰.

تعدادی سنگر و حتی تعدادی سوله زده بودند و با لودر روی آن خاک ریخته بودند به طوری که اگر گلوله هم مستقیم روی آن می‌خورد چیزی نمی‌شد.^۱“

و یا در مدرک پیش گفته شده از قول پاسدار نوشادی می‌خوانیم :

“ برای احداث مواضع و خطوط مواصلاتی طرحی پیشنهاد گردید که شامل احداث جاده هائی به عرض ۳۰ متر و طول ۱۰ الی ۱۲ کیلومتر و هم چنین مواضعی (T) شکل به طول ۲۰۰ متر برای استقرار یک آتشبار بود ، همچنین جاده هائی به پهنای ۲۰ متر به موازات ارون رود در چند رده تهیه شده بود که این، جاده آسفالته اصلی را به هم وصل می کرد و تقریباً یک متر از سطح زمین بلندتر بود ، این طرح شامل احداث ۳۰ کیلومتر جاده توپخانه و تعریض ۱۶ کیلومتر جاده قدیمی می گردید . همچنین در حاشیه دو طرف رودخانه بهمن شیر از آبادان تا نزدیک چوبیده پدهائی به ابعاد ۲۰ × ۲۰۰ متر با استفاده از استتار و پوشش نخلستان ایجاد گردد. همچنین حدود یک هزار سوله به پهنای ۲ متر که نصب آن فوق العاده آسان و سریع بود که ساخت آن به جهاد سازندگی سفارش داده شده بود تا در مواضع نصب شود کلیه سنگر ها و سوله‌های نفرات از چند روز پیش از عملیات توسط نیروهای سپاه نصب شد. شبانه آتشبارهای ارتش و سپاه مواضع خود را به صورت آماده تحویل می‌گرفتند. “

در رابطه با اشغال مواضع یگانهای توپخانه نکته قابل توجه دیگر این که ترتیبی داده شده بود که آتشبارها به ترتیب تا روز قبل از عملیات وارد منطقه شوند و در غروب شب عملیات اشغال مواضع نمایند و تا روز ۶۴/۱۱/۲۰ هیچ‌گونه مواضع توپخانه به شکل اصلی اشغال نگردید و از عصر همان روز با استفاده از تاریکی شب آتشبارها از مواضع انتظار داخل نخلها خارج شده و توسط راهنما به طرف مواضع اصلی حرکت و اشغال مواضع نمودند، این تدبیر در راستای رعایت اصل غافلگیری اتخاذ شده بود که بسیار هم موثر افتاد.

د - رعایت اصول حفاظتی

تا نباشد در پس دیوار گوش
تا ندارد دشمن خونخوار گوش

پیش دیوار آنچه گوئی هوش دار
در سخن با دوستان آهسته باش

عدم رعایت اصول حفاظتی و بازگو کردن اطلاعات مربوط به جبهه و جنگ در سطح جامعه را می توان به عنوان یک نکته تاریک و عادت ناپسند برای رزمندگان یاد کرد که به دلیل عدم آموزش کافی و یا در پاره ای موارد با تفکر نادرست مردمی بودن جنگ انجام می گرفت که از این بابت آسیبهای مادی و معنوی بسیاری را متحمل شدیم .

گزاره ناخوشایند : “ آگاه شدن بقال سرکوجه از عملیاتها قبل از پرسنل در گیر در عملیات “ که بر سر زبانها بود . نه به علت افشای اطلاعات از روی عمد، بلکه به علت کم اهمیت دانستن اطلاعات بازگوشده و هم چنین فرهنگ خود بزرگ کردن و خود مهم جلوه دادن و شوق و شور حمله و هیجان پیروزی آینده است که در بیشتر موارد از روی عادت انجام می گیرد، رزمندگان ناخواسته می خواستند بگویند ما در جبهه بیکار ننشسته ایم بلکه به زودی بر دشمن می تازیم و برای اثبات گفته های خود به طور معمول و بدون اراده به بازگو کردن دانسته های ناقص خود می پرداختند و البته دشمن آموزش دیده از این فرهنگ نادرست به خوبی بهره برداری می کرد و ما شاهد وارد آمدن تلفات و خسارات قبل از شروع عملیاتها بودیم جالب است بدانیم وسائل ارتباط جمعی هم در این میان ناخودآگاه اطلاعاتی را در سطح وسیع افشا می کردند که بی تردید سبب بهره برداری دشمن قرار می گرفت و این در حالیست که در اکثر کشورهای جهان در زمان بحران با اعلان حالت فوق العاده وسائل ارتباط جمعی را موظف می کنند ، نوشته ها ، فیلمها ، خبرها و به طور کلی اطلاعات خود را قبل از پخش با ارتش هماهنگ کنند و این کار بایسته ایست که در جنگ ناخواسته کمتر به اجرا درآمد و شاید معتقد بودیم که باید سخاوتمندتر از آن باشیم که اطلاعات را فقط برای خود داشته باشیم !؟

به عنوان نمونه : در یک کار تخصصی در قرارگاه غرب کارشناسان اطلاعاتی از بررسی چند شماره یک روز نامه معروف به ۲۰۰ مورد نقص آشکار اصول حفاظتی پی بردند که به دشمن کمک می کرد ، ما را بهتر بشناسد این اطلاعات در ظاهر کم اهمیت در مجموع

منبع گران بهائی برای دشمن بودند ، این اطلاعات شامل : مبدأ نیرو ، مسیر نیرو ، مقصد و هدف نیرو ، تعداد نیرو ، ترکیب نیرو ، استعداد نیرو ، محل تجمع نیرو ، نکات ضعف و قوت ، تجهیزات ، آموزش ، مشخصات فرماندهان ، وسائل حمل و نقل ، امکانات و کمبودها بودند که در لابلای روزنامه ها دیده می شدند و از همه مهمتر در پاره ای موارد عملیاتی خاص از روی نقشه وضعیت به صورت تصویری تشریح و از تلویزیون پخش می گردید . اما در این آشفته بازار حفاظتی ، رعایت کامل اصول حفاظتی و اطلاعاتی به عنوان یکی از ویژگی های مثبت در عملیات والفجر ۸ مورد توجه طراحان و اجرا کنندگان این عملیات قرار گرفت .

این اقدام شایسته و قابل تقدیر و شاید کم نظیر مورد تأیید اکثر کسانی است که در این رابطه مورد پرسش قرار گرفته اند. این مهم آن چنان به اجرا درآمد که دشمن هرگز فکر نمی کرد ، نیروهای ایرانی قصد دارند از اروند بگذرند و به شهر فاو حمله کنند و لذا منطقه عملیات را جای دیگری پیش بینی کردند . اظهار نظر فرماندهان ارتش عراق که در صفحه ۳۸ و ۳۹ نقل گردیده است شاهد خوبی برای به اثبات رساندن این ادعا می باشد.

سرتیپ ۲ ستاد حسین مهرآرا که تمام سالهای جنگ را در جبهه های حق علیه باطل^۱ و در مشاغل مختلف فرماندهی و ستاد در لشکر ۷۷ پیاده گذرانده ، در ویژگی عملیات والفجر ۸ نسبت به سایر عملیاتها می گوید:

۱. گر چه گزاره بسیار معروف “ جنگ حق علیه باطل ” در شرایط بحرانی آنقدر تکرار شده است که امروزه به صورت عادت به جا و نابجا در هر نوشته و یا مصاحبه ای بیان می گردد ، اما به درستی این عنوان با الگوهای رفتاری رهبران جنگ در ایران و عراق قابل توجیه می باشد .

در جبهه حق هرگاه فرماندهان در هدایت جنگ به بن بست می رسیدند و راه کار مناسبی برای خروج از بن بست نمی یافتند و یا بر سر راه کاری به اتفاق نظر نمی رسیدند راه خروج از بن بست را مراجعه به حضرت امام خمینی (ره) و مشورت با ایشان تشخیص می دادند ، در یکی از این مراجعات که گویا برای رسیدن به تصمیمی واحد بین فرماندهان سپاه و ارتش بوده است ، شهید سپهبد صیاد شیرازی می گویند : حضرت امام خمینی با گذاشتن دست من و دست آقای رضایی از ما خواستند ، **ید واحده باشیم** . مقایسه این پندار پسندیده با رهبری صدام در **جبهه باطل** بسیار آموزنده است ، زیرا پس از آزاد سازی خرمشهر ، رهبر کبیر انقلاب به دلیل این که صدام را مسئول این جنگ می دانست خواهان عزل او می شود و صدام حسین در فروردین ۱۳۶۱ در جلسه هیأت دولت عراق چنین مطرح می کند ، « به نظر می رسد منظور (آیت الله) خمینی این است که اگر من استعفا کنم صلح برقرار می شود ، شاید حق با او باشد » این ترفندی بود که بارها صدام بدان متوسل شده بود تا به وسیله آن مخالفان بالقوه خود را در دستگاه دولتی

“ اولین ویژگی عملیات والفجر ۸ نسبت به عملیات هایی مانند ثامن الائمه و فتح المبين که من در آنها شرکت مستقيم داشتم ، رعایت کامل اصول حفاظتی در مخفی ماندن عملیات تا آغاز عملیات بود . که در نوع خود بی نظیر بود به طوری که هیچ یک از مقامات عراق جز یک ژنرال عراقی ، احتمال حمله و عبور از ارونه را نمی دادند ، تمام این تمهیدات سبب شد که تا مادامی که غواصان سپاه پاسداران از رودخانه خروشان ارونه عبور نکردند ، کسی به هدف عملیات پی نبرد و عملیات مخفی ماند ، انجام عملیات فریب تاکتیکی در منطقه شلمچه در مخفی ماندن هدف عملیات و رسیدن به موفقیت بسیار کارساز بود ، در هر حال ارتش عراق در این عملیات کاملاً غافلگیر شده بود و هیچگونه آمادگی برای برخورد با رزمندگان را نداشت و اصولاً تصور حمله را از این جبهه نمی کردند . ”

هـ - پشتیبانیهای مناسب (در ابتدا)

آماد مهمات

به مصداق « آفتاب آمد دلیل آفتاب » آنچه به دنبال خواهد آمد دلیلی برای جدا کردن آماد مهمات از سایر آمادها فرض نمائید .
آمار مهمات مصرفی : با وجود تلاش و مراجعات مکرر به مبادی مربوط بدلیل گذشت زمان و از بین بردن مدارک نتوانستیم آمار دقیقی از حجم مهمات مصرفی را تعیین کنیم، اما با مراجعه به بعضی مدارک موجود و مصاحبه با فرماندهان یگانهای توپخانه می توان به رقمی نزدیک به تعداد گلوله های که مصرف شده است رسید .

شناسائی کند ، حقه صدام کار خود را کرد . ریاض ابراهیم ، وزیر بهداری در پاسخ صدام گفت :
« شاید اگر عالیجناب چند ماهی کنار بمانید ، ما بتوانیم حرف ایرانی ها را محک بزنییم » صدام در پاسخ گفت : فکر خوبی است و باید به تفصیل درباره آن بحث کنیم ، صدام به دفتر خود رفت و وزیر بهداری را به آنجا فرا خواند ، لحظه ای بعد اعضای کابینه صدای گلوله ای را شنیدند ، صدام به جلسه هیأت دولت بازگشت و به محافظان مسلح خود دستور داد جسد ریاض ابراهیم را بیرون ببرند ، چند روز بعد خبر اعدام وزیر تیره بخت در بغداد پخش شد ، علت مرگ او را وارد کردن داروهای بد و آلوده و کشتن سربازان دلاور عراق ذکر کردند. (سوداگری مرگ؛ ص ۲۳۴ و ۲۳۵)

گرچه روز آماد مهمات در عملیات والفجر ۸ هرگز به یگانهای توپخانه ابلاغ نگردید اما برابر مدرک موجود در دانشکده فرماندهی و ستاد (پایان نامه سرهنگ پاسدار نوشادی) این مهم به وسیله مسئولان توپخانه سپاه به شرح زیر تعیین شده بود^۱.

روز آماد مهمات برای بیست روز اول عملیات والفجر ۸

تعداد	کالیبر
۱۰۰ گلوله	۱۰۵ میلیمتری
۲۰ گلوله	۱۲۲ میلیمتری
۴۰ گلوله	۱۳۰ میلیمتری
۴۰ گلوله	۱۵۲ میلیمتری
۱۰۰ گلوله	۱۵۵ میلیمتری
۳۰ گلوله	۲۰۳ میلیمتری
۱۲۰ موشک	کاتیوشا

از طرفی در همان مدرک پیش گفته شده ، مهمات مصرف شده در عملیات والفجر ۸ برای مدت ۷۰ روز (از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۵/۲/۱) یعنی از شروع عملیات تا تثبیت خطوط پدافند برابر جداول ۲ و ۳، صفحه ۱۷۱ و ۱۷۲ در مجموع ۵۵۵۰۱۴ گلوله اعلام گردیده است که بسیار کمتر از روز آماد مهمات می باشد . در صورتی که اگر یگانهای توپخانه ارتش فقط در حد مجاز تعیین شده اقدام به تیراندازی کرده باشند و مهمات در همین حد پیش بینی و تحویل شده باشد ، مجموع گلوله های مجاز برای تیراندازی ۱۶۲۸۲۰۰ گلوله می شود که در حد سه برابر میزان اعلام شده به وسیله سرهنگ پاسدار نوشادی است و این در حالیست که جداول ۲ و ۳ مجموع مهمات مصرف شده به وسیله توپخانه های سپاه و ارتش را نشان می دهد در حالی که جدول شماره ۴ فقط مربوط به توپخانه های ارتش می باشد .

۱ . نوشادی، پاسدار؛ پایان نامه؛ ص ۱۲ و ۱۳

دستاوردهای آموزشی / ۲۶۹

برای کسب آمار دقیق از مهمات مصرفی و یا حداقل نزدیک به واقعیت به مدیریت آماد مهمات معاونت لجستیکی نذاجا مراجعه و از این طریق مهمات تحویلی به یگانهای توپخانه نذاجا در جنوب را برابر جدول شماره ۵ اعلام گردید .

گرچه در جدول شماره ۵ نام یگانهای دریافت کننده مهمات مشخص نشده است اما با نگرش به این که بیشتر توپخانه های مستقر در جنوب برای پشتیبانی آتش از عملیات والفجر ۸ اعزام شده اند و باقی مانده توپخانهها در فاصله زمانی یاد شده در جدول شماره ۵ فعالیت قابل ملاحظه ای نداشته اند ، می توان با قبول چند درصد خطا همین مقدار را به عنوان مهمات مصرفی در عملیات منظور کرد که البته این یگانها قبل از اعزام مقداری مهمات بیش از بار مینا را همراه داشته اند که با همان چند درصد خطا برابری می کند،

جالب است بدانیم اظهار نظر شفاهی بعضی از فرماندهان که نسبت به دیگران از آگاهی قوی تری برخوردار هستند و همچنین گزارش کتبی بعضی از یگانها، آمار مصرفی را در حد آمار ارائه شده به وسیله معاونت لجستیکی می دانند به عنوان مثال گزارش گروه ۳۳ توپخانه نشان می دهد که گردانهای ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۷۲ به ترتیب ۹۰۰۰ گلوله ، ۱۲۰۰۰ گلوله و ۶۶۰۰ موشک تیر اندازی کرده اند .

با پذیرش چند درصد خطا (حداکثر ۵ درصد) همان جدول شماره ۵ را مبنای محاسبات خود برای بدست آوردن تناژ مهمات مصرفی در عملیات والفجر ۸ و در نهایت تعداد خودروهای مورد نیاز قرار می دهیم که حاصل این محاسبات در جدول شماره ۶ آمده است .

جدول شماره ۱ : آمار مهمات مصرفی ماه اول عملیات والفجر ۸ از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۲/۱۹

ردیف	نوع جنگ افزار	۵روز یک عملیات	۵روز دو عملیات	۵روز سه عملیات	۵روز چهار عملیات	۵روز پنج عملیات	۵روز شش عملیات	جمع یک ماه
۱	هوتیزر ۱۰۵م.م	۱۷۴۳۷	۱۴۴۶۴	۸۸۳۶	۶۳۶۰	۱۰۴۹۶	۱۲۹۲۷	۷۰۵۲۰
۲	هوتیزر ۱۲۲م.م	۹۵۲۱	۱۵۸۸	۵۴۷	۹۱۱	۱۸۳	۲۱۳۵	۱۶۵۶۳
۳	توپ ۱۳۰م.م	۲۵۲۱۲	۱۵۴۵۷	۱۰۱۵۰	۹۴۲۷	۱۲۹۴۳	۱۰۱۲۴	۸۴۱۱۴
۴	هوتیزر ۱۵۲م.م	۱۵۴۴	۹۵۲	۱۰۵۵	۱۰۷۷	۵۸۹	۸۱	۵۲۹۸

٢٧٠ / ارتش در فاو

٧٢٤٤٤	١٤٥٦٣	١٢٣٠٥	٨٩٨٦	٦٧٤٨	١٥٢٨٨٨	١٤٥٠٩	هوتيزر ١٥٥ م.م	٥
١٢٩٣٦	٢١٢٧	٢٠٩٥	٢٧٧٣	٢٠٢	٢٤٥١	١١٨٨	هوتيزر ٢٠٣ م.م	٦
٣٠١٩٤	٦٧٠ ؟	٧٤٣٩	٤٧٤٨	٥٢٤٩	٨٠٨٢	٨٨٥٠	كاتيوشا	٧
—	٤٨٦٦٢	٤٧٦٨١	٣٤٣٠٢	٣٥٧٣٥	٥٧٣٢٤	٧٨٣٠٢	جمع كل پنج روز	
جمع كل يك ماهه: ٣٠٢٢٠٥								

جدول شماره ٢: آمار مهمات مصرفی ماه دوم عملیات والفجر ٨ از تاریخ ٦٤/١٢/٢٠ الی ٦٥/١/١٩

ردیف	نوع جنگ افزار	٧روز٥ عملیات	٨روز٥ عملیات	٩روز٥ عملیات	١٠روز٥ عملیات	١١روز٥ عملیات	١٢روز٥ عملیات	جمع يك ماه
١	هوتيزر ١٠٥ م.م	١٥٧٠٠	١٣٢١٦	٧٤٨٩	١١١٢٢	٥٤٠٧	٤٦٣٣	٥٧٥٦٧
٢	هوتيزر ١٢٢ م.م	١٨٥٦	٢٠٦٤	١٢٩٣	١٥٧١	١٠١٢	٦٨٩	٨٤٨٥
٣	توپ ١٣٠ م.م	١٢١٥٩	٧٧٤٥	٣٢٨٧	٦٠٣٥	٢٩٦٢	٤٣٩٢	٣٦٥٨١
٤	هوتيزر ١٥٢ م.م	١٥٤	٤٥٠	٦٤	٥٣٠	٥٠٩	١٦٢	١٨٦٥
٥	هوتيزر ٢٠٣ م.م	٢٣٤٤	١٨٨٣	٦٥٧	١٤٩٢	٧٨٣	١٢٦٩	٨٤٢٨
٦	هوتيزر ١٥٥ م.م	١٤٦٧٢	١٢٤٩٤	٧٢٩٤	٨٢٢٧	٦٠٤١	٣٢٠٨	٥١٩٣٥
٧	كاتيوشا	٥٦١٣	٧٥١٣	٣٣٨٥	٦٠٥٨	٤٦٧٣	٥١٠٦	٣٢٣٥١
جمع كل پنج روز		٥٢٤٩٨	٤٥٣٦٥	٢٣٤٧٢	٣٥٠٣٥	٢١٣٨٨	١٩٤٥٩	جمع يك ماهه ١٩٧٢١٧

جدول شماره ۳: آمار مهمات مصرفی ماه سوم عملیات والفجر ۸ از تاریخ ۶۵/۱/۲۰ الی ۶۵/۱/۳۰ (پایان عملیات)

ردیف	نوع جنگ افزار	۵روز ۱۳ عملیات	۵روز ۱۴ عملیات	جمع یک ماه
۱	هوتیزر ۱۰۵ م.م	۵۴۲۶	۷۴۳۸	۱۲۵۶۴
۲	هوتیزر ۱۲۲ م.م	۱۱۶۶	۱۲۷۲	۲۴۳۸
۳	توپ ۱۳۰ م.م	۴۰۵۸	۲۳۴۹۹	۲۷۵۵۷
۴	هوتیزر ۱۵۲ م.م	۳۸۶	۸۷۴	۱۲۶۰
۵	هوتیزر ۱۵۵ م.م	۶۹۳۴	۸۹۸۷	۱۵۹۲۱
۶	هوتیزر ۲۰۳ م.م	۹۰۵	۱۱۴۶	۲۰۵۱
۷	کاتیوشا	۵۰۷۷	۶۶۲۳	۱۱۷۰۰
جمع کل پنج روز		۲۳۹۵۳	۳۱۸۳۱	
تعداد گلوله های مصرفی در عملیات والفجر ۸ ۵۵۵۰۱۴				جمع کل یک ماهه ۵۵۷۸۳

جدول شماره ۴: شرح مهمات مصرفی برابر روز آماد و و تعداد لوله های شرکت کننده در عملیات

ردیف	نوع مهمات	تعداد لوله	روز آماد	مدت	جمع
۱	۱۰۵ م.م	۶۶	۱۰۰	۷۰	۴۶۲۰۰۰۰
۲	۱۲۲ م.م کاتیوشا	۱۶	۱۲۰	۷۰	۱۵۴۴۰۰
۳	۱۳۰ م.م	۷۸	۴۰	۷۰	۲۱۸۴۰۰
۴	۲۰۳ م.م	۲۴	۳۰	۷۰	۵۰۴۰۰
۵	۱۵۵ م ک و خ ک	۱۲۵	۱۰۰۰	۷۰	۸۷۵۰۰۰
جمع					۱۶۲۸۲۰۰

جدول شماره ۵: شرح مهمات تحویلی به یگانهای مستقر در جنوب از تاریخ ۶۴/۱۰/۱ الی ۶۵/۶/۱

ردیف	شرح مهمات	تعداد	ملاحظات
۱	مهمات ۱۰۵ م.م شدید هوتیزر	۳۸۴۰۶۳ تیر	
۲	راکت ۱۰۷ م.م شدید	۴۴۸۲۶ تیر	
۳	مهمات ۱۱۵ م.م تانک تی ۶۲ و چون ماهو	۱۵۰۰ تیر	
۴	راکت ۱۲۲ م.م کاتیوشا	۴۱۷۲۹ تیر	
۵	مهمات ۱۳۰ م.م شدید	۱۲۷۶۸۶ تیر	
۶	مهمات ۲۰۳ م.م شدید	۳۶۸۸۴ تیر	
۷	مهمات ۱۵۵ م.م شدید	۴۲۲۵۵۴ تیر	
	جمع	۱۰۱۲۹۱۴ تیر	

آمار فوق به استناد کارتهای کنترل موجودی ف مهم آماد و پیش استخراج و ارائه گردیده است و در تاریخ ۸۱/۸/۲۱ توسط سرهنگ رستمیان تحویل شد.

جدول شماره ۶: وزن مهمات مصرفی

سلاح	تعداد	وزن با احتساب جعبه و خرج	وزن کل	تعداد خودرو مورد نیاز
هوتیزر ۱۰۵ م.م	۳۸۴۰۶۳	۳۰	۱۱۵۲۱۸۹۰	۲۵۰۰
موشک انداز ۱۲۲ م.م	۴۱۷۲۹	۵۰	۲۰۸۶۴۵۰	۴۰۰
توپ ۱۳۰ م.م	۱۲۷/۶۸۶	۵۰	۶۳۹۴۳۰۰	۱۲۰۰
هوتیزر ۲۰۳ م.م	۳۶۸۸۴	۱۰۰	۳۶۸۸۴۰۰	۷۳۰۰
هوتیزر ۱۵۵ م.م	۴۲۲۵۵۴	۵۰	۲۱۱۲۷۷۰۰	۴۲۰۰
جمع کل				۱۵۶۰۰

تذکر: اگر تمام این مهمات با خودروهای ۵ تن حمل شده باشد در تعداد خودرو مورد نیاز (۱۵۶۰۰) می شود که البته در بسیاری از موارد با خودروهای سبک تر به خصوص در داخل جزیره آبادان و منطقه فاو حمل شده اند.

تدارک مهمات

به دلیل حجم بالای آتش در عملیات والفجر ۸، تدارک مهمات رقم عمده پشتیبانیهای آمادی را سبب گردید، مهیا کردن این مقدار مهمات با توجه به وزن و دوری آمادگاههای اصلی و شرائط آبی خاکی منطقه بسیار دشوار و تا حدی غیر ممکن به نظر می رسید اما فرماندهان گردانهای توپخانه با وجود این که به طور عملی کنار گذاشته شده بودند و حتی برای رفت و آمد آنها مشکلاتی ایجاد شده بود، با احساس مسئولیت و درک صحیح از موقعیت و شرائط پیش آمده و توجه به اهمیت سیاسی، نظامی منطقه فاو و به طور کلی سرنوشت جنگ تلاش نمودند که به وظائف سازمانی خود عمل نمایند و به ویژه در تدارک مهمات به عنوان اصلی ترین نیاز آتشبارهای تیر وقفه‌ای ایجاد نگردد و به هر طریق و با هر وسیله ممکن، مهمات یگانها را در جزیره آبادان و در پاره ای از یگانها در مواضع آتشبارها تحویل نمایند.

تدارک مهمات از آنجا مهم جلوه گر بود که در ۱۰ روز اول عملیات که آتشبارهای تیر در اوج تیر اندازی بودند، پلهای سه گانه روی بهمن شیر چندین بار به وسیله هواپیماهای دشمن بمباران و تخریب گردید که شاید به گمان دشمن، در آماد رسانی یگانها تأخیر و نارسائی ایجاد گردد که در هر مورد با تلاش یگانهای مهندسی و با استفاده از پلهای آماده در کوتاه ترین زمان پلها مرمت و رفت و آمد برقرار گردید و آماد رسانی میسر گردید.

رئیس رکن چهارم گردان ۳۹۹ توپخانه (سرهنگ مرتضی سیستانی) در این رابطه چنین اظهار نظر می کند:

... چون گردان در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران عمل می کرد، سعی بر این بود مشکلات را نادیده بگیریم و به درخواست آتش بدون وقفه جواب دهیم مهمات با درخواست گردان و امریه قرارگاه جنوب از ماهشهر و حتی نقطه آماد باباعباس، خرم آباد آورده می شد ما به هر کجا می توانستیم مراجعه می کردیم و مهمات تهیه می کردیم با این هدف که معطل مهمات نشویم، یک روز ۴۰۰ جعبه مهمات از آمادگاه باباعباس گرفتیم، در هنگام برگشت با تخریب تمام پلها روی بهمنشیر مواجه شدم، پلهای ایستگاه ۷ و ۱۲ و ۳۷ تخریب شده بودند و تنها یک پل که آن هم داخل آب بود، برای رفت و آمد آماده بود، من و سربازی به نام سبزه پور مجبور

شدیم، این ۴۰۰ جعبه را با یک دستگاه توپوتا (هر بار ۱۰ جعبه) به مواضع برسانیم در شرایطی که منطقه زیر آتش توپخانه و حمله هوایی قرار داشت ۴۰ بار از پل گذشتیم و مهمات را به آتشبارها تحویل دادیم^۱.

با توجه به جدول شماره ۶ که وزن و تعداد خودروهای مورد نیاز را نشان می‌دهد تدارک این حجم از مهمات که ۳/۴ آن در یک ماهه اول عملیات انجام گرفت کاریست که پرسنل تدارکاتی گردانهای توپخانه با استفاده از امکانات ضعیف سازمانی و بیشتر از طریق رابطه با مراکزی که امکانات مردمی را در اختیار داشتند به انجام رساندند پرسنلی که با اشکال تردد مواجه بودند لازم به ذکر است در این عملیات به دلیل رعایت اصول حفاظتی برای پرسنل مجاز به رفت و آمد کارتهای ویژه‌ای صادر شده بود که هر از چندگاه عوض می‌شد، متأسفانه صدور این کارتها فقط برای پرسنل آتشبارهای تیر انجام گرفت و فرماندهان گردان و پرسنل ستادی گردان از داشتن چنین کارتهایی محروم بودند، در نتیجه برای عناصر تدارکاتی و ستادی موانع عمده‌ای در تردد و انجام وظیفه ایجاد شده بود.

سایر پشتیبانی‌ها

می‌دانیم آتشبار ارکان گردان‌های توپخانه به طور سازمانی مسئولیت انواع پشتیبانی آمادی آتشبارهای تیر را به عهده دارد اما برابر آنچه گفته شد ستاد و آتشبار ارکان گردانهای توپخانه به طور عملی به کار گرفته نشدند و آتشبارهای تیر به طور مستقل مورد بهره برداری تاکتیکی قرار گرفتند و چون آتشبارهای تیر امکان تدارک خود را برای مدت طولانی ندارند، در نتیجه چاره‌ای جز استفاده از امکانات جهادی و مردمی نداشتند. یگان پشتیبانی شونده (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) چون خود چنین شرایطی را رقم زده بود در ایجاد هماهنگی برای استفاده به موقع و مناسب از این امکانات، مسئولیت خود را به خوبی تشخیص و به اجرا گذاشت تا جایی که در یک ماه اول عملیات هیچگونه نارسائی و کمبودی گزارش نگردید. و در بیشتر موارد آتشبارهای تیر فارغ از هر گونه دغدغه تدارکاتی فقط به کار عملیاتی می‌پرداختند، برابر اظهار نظر بسیاری از شرکت کنندگان در عملیات والفجر ۸ پس از این که یگانهای توپخانه در کنترل عملیاتی قرار می‌گرفتند. با استفاده از

وسایل ترابری مناسب و کافی به جزیره آبادان نقل مکان می کردند و پس از پیاده شدن ، برای تهیه مواضع انتظار با هماهنگی رابطین توپخانه سپاه پاسداران از طریق جهاد سازندگی و سائل مهندسی سنگین دریافت می کردند و در پاره ای موارد مواضعی قبلاً برای آنها آماده شده بود . سپس به طور پیش بینی شده ، نسبت به تدارک آب ، سوخت و جیره غذایی اقدام می گردید . خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از بیمارستانهایی که برای کمک به رزمندگان مجهز شده بودند انجام می گرفت در این میان استفاده از کمکهای مردمی و نقش ایستگاههای نمادین صلواتی در تدارک رزمندگان مثبت ارزیابی شده است ، گفتنی است که ایستگاههای صلواتی صرفنظر از نقش تدارکاتی محدود خود ، بیشتر از نظر فرهنگی و حفظ روحیه و ایجاد تفاهم ملی موثر واقع می شدند . البته بیشتر فرماندهان و افسران ستاد گردان ها هیچ گاه به طور کامل از ایفای نقش هدایت ستادی خود سرباز زدند و موانع موجود را با احساس مسئولیت پشت سر می گذاشتند و با بازدیدهای گاه به گاه در فراهم کردن زمینه تدارکات لازم به خصوص آن دسته از تدارکاتی که سپاه پاسداران قادر به انجام آن نبود ، اقدام می کردند که می توان به تدارک مهمات و پشتیبانیهای تعمیراتی اشاره کرد .

بازگو کردن گفته‌های چند نفر از پرسش شوندهگان ما را در بیان اهمیت کاری که انجام گرفته است یاری می کند .

سرهنگ حسین گودرزی (فرمانده آتشبار وقت) می گوید:

در تاریخ ۶۴/۱۱/۱۹ راهنماهای توپخانه همراه با فرمانده لشکر (لشکر امام حسین ع) آمدند و با هم برای شناسایی موضع آتشبار به منطقه مینومی رفتیم ، موضع را تعیین و بلافاصله لودر و سوله (آماده) برای تهیه سنگر نفرات و مواضع توپها به من دادند!

منصور لرونند معاون آتشبار وقت از گردان ۳۶۴ می گوید:

در فاو امکانات بسیاری فراهم شده بود که به هیچ وجه با امکاناتی که ارتش تهیه می دید قابل مقایسه نبود و در مورد مسائل رفاهی خوشبختانه همه چیز بود و

ایستگاههای صلواتی فراوانی بودند که نوشابه، غذا، شیرینی و حتی حمام و... را فقط با فرستادن صلوات به رزمندگان خدمات می‌دادند.

به طور کلی در شهر فاو مانند یکی از شهرهای ایران امکانات فراهم شده بود و به نوبت شهرداران تهران با کارگران شهرداری می‌آمدند و خدمات شهری فراهم می‌نمودند به عنوان مثال بیمارستانی ساخته بودند که در کمتر شهری در ایران وجود داشت بیمارستان با کلیه امکانات پزشکی و پزشکان متخصص و فوق تخصص که کلیه خدمات پزشکی را به عموم ارائه می‌دادند.

نمونه دیگر این که یک حمام بسیار شیک ساخته شده بود که پیرمردی با خوشروئی به مراجعه کنندگان خیر مقدم می‌گفت و با دادن یک بسته شامل (حوله، صابون، شامپو، شانه، خمیردندان و...) از شما می‌خواست یک صلوات بفرستی و سپس یک دوش در اختیار شما می‌گذاشت.

از نظر جیره روزانه، وضعیت بسیار رضایت بخش بود، به طوری که یگانهای مستقر در منطقه با هم رقابت می‌کردند که از غذای آنان که بسیار هم مطلوب بود، استفاده کنیم.

به طور متوسط هفته ای دو یا سه بار چلوکباب یا چلو مرغ داده می‌شد و آب به صورت بسته بندی (آب مصرفی) برای خوردن داده می‌شد.

ایشان در پایان در جواب سئوالی درباره تدارک مهمات می‌گوید:

مهمات را خود با استفاده از خودروهای بنز ۱۰ تن سازمانی از نقطه آماد مهمات ارتش می‌گرفتیم و استفاده می‌کردیم.^۱

سرتیپ ۲ حسین رادمهر که با درجه سرگردی فرمانده گردان ۳۲۷ توپخانه را به عهده

داشت، در جواب این سئوال که گردان چه کمکی به آتشبارهای تیر می‌کرد؟ گفت:

ما از لحاظ لجستیکی کاملاً آتشبارها را پوشش می‌دادیم، ما در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران بودیم. ما به آنها جیره خشک می‌دادیم و غذای طبخ شده تحویل می‌گرفتیم.^۲

۱. نوار مصاحبه شماره ۱۱، ۱۱.

۲. نوار مصاحبه شماره ۱۰، ۱۰.

۲- نکات منفی

حذف فرمانده و ستاد گروه

برابر دستورالعملهای صادره از طرف نزاجا با توجه به حجم یگانهای توپخانه ، پیش بینی شده بود که قرارگاه گروههای ۲۲ و ۳۳ مسئولیت هدایت عملیاتی و هماهنگی های لازم اداری ، لجستیکی گردانهای اعزامی را عهده دار گردند ، اما از همان ابتدا معلوم گردید یگان پشتیبانی شونده برنامه ای برای استفاده از این امکان بالقوه را ندارد و هیچ گونه همکاری برای استقرار ستادهای این دو گروه به عمل نیامد و از این بابت آسیبهایی از ابعاد مختلف رزمی متوجه توپخانه های شرکت کننده در عملیات گردید . که در پاره ای اوقات جبران ناپذیر بود ، با توجه به این که ارکان ستاد و آتشبار ارکان و به ویژه گردان پشتیبانی گروههای توپخانه دارای امکانات بالائی از نظر عملیاتی ، اداری ، آمادی ، اطلاعاتی ، ارتباطی و . . . می باشد که در صورت بهره برداری سبب خواهد شد گردانهای زیر امر گروه با توان عملیاتی بیشتری در امر پشتیبانی آتش ظاهر شوند و هماهنگی پشتیبانی آتش اصولی و برابر استانداردهای موجود انجام خواهد گرفت که در نهایت استفاده بهینه را از منابع امکان پذیر می نماید .

به طور مشخص در مورد فعالیت گروه ۲۲ توپخانه در عملیات والفجر ۸ سرتیپ ۲ بازنشسته پرویز افراز تلفنی چنین اظهار نظر می کند:

به دستور شهید صیاد شیرازی (فرماندهی وقت نزاجا) من به عنوان افسر هماهنگ کننده توپخانه های اعزامی به برادر شفیع زاده (فرمانده وقت توپخانه سپاه) معرفی شدم که ابتدا قرار شد یک قرارگاه مشترک تهیه و کار هماهنگی پشتیبانی آتش به عمل آید اما با گذشت دو الی سه روز و شروع عملیات هیچ اقدامی به عمل نیامد و برادر شفیع زاده گفتند ، ما گردانها را مأموریت داده ایم که در اختیار یگانهای عمده سپاه باشند و نیاز به قرارگاه دیگری نیست ، من هم به همین طریق مراتب را به فرماندهی نزاجا گزارش دادم که فرمودند :

اگر گفته اند لازم نیست حتماً لازم ندانسته اند^۱.

با این وصف نیروی زمینی در ابتدای عملیات والفجر ۸ این گروه و بعداً گروه ۳۳ را مسئول هماهنگی پشتیبانی آتش گردان های توپخانه می داند و کلیه دستورات خود را به گردانها از طریق گروههای مذکور ابلاغ می کند ، و گروهها نقش یک را بطه بین قرارگاه جنوب و گردان های توپخانه را ایفا می کنند و ارتباط گروه با گردانها از ارتباط عملیاتی به ارتباط اداری آن هم فقط از طریق نامه نگاری مبدل می گردد .

حذف فرماندهی و ستاد و آتشبار ارکان گردانها

برابر اصول سازمان برای رزم بکارگیری آتشبارهای تیر به طور مستقل فقط در شرایط ویژه و در پشتیبانی گروه رزمی در مأموریتهای پاسدار عمومی و پاسدار رزمی قابل توجیه می باشد . در عملیتهای گسترده (به طور ویژه عملیات والفجر ۸) که از توانایی متجاوز از ۳۰ گردان توپخانه بهره برده شده است بکارگیری آتشبار مستقل و سازماندهی بر مبنای آتشبار عدم توجه به استانداردهای علمی سازمان برای رزم است که هیچ گونه توجیه تاکتیکی ندارد و معلوم نیست مبنای علمی و تخصصی چنین تفکری از کجا سرچشمه گرفته است و کدام نیاز تاکتیکی چنین سازماندهی غیر علمی را دیکته کرده است . لازم به گفتن است که نیاز آتشبارهای تیر به امکانات فراوان موجود در ستاد و آتشبار ارکان گردان ، مصداق نیاز ماهی به آب و واجب هوا برای موجود زنده است ، واجباتی چون پشتیبانی های اداری ، اطلاعاتی ، عملیاتی ، آمادی ، ارتباطی و از همه مهمتر فرماندهی فراتر از تشخیص یک شخص نا آگاه به مسائل تخصصی در محروم کردن آتشبار از این پشتیبانیها می باشد ، به طور تخصصی وقتی آتشبار را از گردان جدا می کنیم ؛ یعنی آتشبار را از نقش فرمانده و ستاد گردان در رهبری و هدایت آتشبار محروم کرده ایم ؛ به طور عملی نقش افسران رابط را در هماهنگی پشتیبانی آتش نادیده گرفته ایم از اهمیت رکن دوم و نقش هدایت تلاش جمع آوری اطلاعات به وسیله دیدبانان را صرفنظر کرده ایم ، به هر حال آتشبار تیر بدون گردان یعنی آتشبار بدون ، آب ، غذا ، بهداشت ، مهمات تعمیر و نگهداری ، ارتباط و مخبرات و در یک کلام آتشبار جدا شده از گردان یعنی آتشبار سرگردان و بی پناه و دست و بال بسته .

نگرش به این محرومیتها است که جز در موارد استثنا نباید آتشبارهای تیر را به تنهایی به کار گرفت که البته در چنین مواردی هم برابر مسئولیتهای ذاتی توپخانه یگان

پشتیبانی شونده در بخش تدارکاتی بایستی جایگزین آتشبار ارکان گردان شود و افسر رابط توپخانه وظیفه هدایت عملیاتی، آتشبار را به عهده خواهد گرفت با این وجود در عملیات والفجر ۸ به دلایل کاملاً ناشناخته، این کار به طور گسترده انجام گرفت و این در حالی بود که وجود تعداد زیادی توپخانه در یک منطقه محدود، ایجاب می‌کرد از حجم آتش هماهنگ شده به طور گردانی و حتی چند گردانی استفاده شود و از قدرت تخریب انبوه آتش که مورد تأکید مراکز علمی و دانشگاهی می‌باشد استفاده شود، برابر مطالب مندرج در نشریه ضد آتش که به عنوان یک کتاب تخصصی در دانشکده توپخانه صحرایی تدریس می‌گردد این یک اصل است که اجرای آتشهای انبوه قدرت تخریب را به مقدار زیادی افزایش می‌دهد، افزون بر این با اجرای آتشهای انبوه غافلگیر کننده می‌توان کارائی خودی را به حداکثر و آسیب پذیری های آنرا به حداقل رساند و با آتشهای انبوهی که از مواضع مختلف اجرا می‌گردد، برای مدت زمان کوتاهی، سیستمهای صوتی و رادار دشمن را منحرف کرد و در نتیجه خط کشف مواضع را قطع و احتمال تک به آنها را کاهش داد^۱.

برابر پژوهشهای علمی که در همان مدرک پیش گفته شده به آنها استناد گردیده است: " قدرت تخریب یک شلیک آتشباری (۶گلوله) برابر ۹ گلوله به طور توپ به توپ و قدرت تخریب یک شلیک گردانی (۱۸ گلوله) برابر توان تخریبی ۵ شلیک آتشباری (۳۰ گلوله) می‌باشد^۲ ".

لازم به ذکر است در جنگ ناخواسته جز در عملیات والفجر ۸ امکان استفاده از شلیک گردانی بدلیل تمرکز آتشبارهای تیر در یک منطقه بسیار محدود وجود نداشت و دریغ که این فرصت طلایی آموزشی از بین رفت. شاید ادعا شود که در عملیات والفجر ۸، مسئولان از توپخانه یگان پشتیبانی شونده پاره ای از مسئولیتهای فرمانده و ستاد گردانها را به عهده گرفته است.

۱. اسدی، هیبت‌الله؛ نشریه ضد آتش؛ ص ۹۷.

۲. همان

سرتیپ ۲ بازنشسته هوشنگ استکی که در عملیات والفجر ۸ فرمانده گردان بوده است در این باره چنین اظهار نظر می‌کند :

نگاه بد بینانه این است که به دلیل رعایت اصول حفاظتی نسبت به من و ستاد گردان سوء ظن وجود داشته باشد اما نگاه دیگر این است که با توجه به اصل غافلگیری ، رأی سپاه بر این بود که حتی الامکان تعداد کمتری از عملیات اطلاع داشته باشند به همین انگیزه واحدهای اجرائی (آتشبارها) به کار گرفته شد ، اما آنچه که اصل است رعایت اصل فریب تاکتیکی (اصول حفاظتی) نباید شامل فرمانده گردان شود به هر طریق در ادامه کار بدون این که من اطلاع پیدا کنم ، آتشبارهای گردان به منطقه ای در حوالی ایستگاه ۷ آبادان تغییر مکان پیدا کردند و در پشت رادیو تلویزیون و در داخل نخلها مستقر می شوند و به کسی هم اجازه خارج شدن از منطقه داده نشد^۳ و . . .

سرهنگ مهدی پاپلی رفسنجانی که با درجه ستوان یکمی به عنوان فرمانده آتشبار در عملیات والفجر ۸ شرکت داشته است در قسمتی از خاطرات خود گفت :

“ قرارگاه گردان در خارج از جزیره آبادان قرار داشت و هیچ گونه کنترل عملیاتی روی آتشبار نداشت ، فرمانده گردان (سرهنگ اسکندر زاده) فقط سعی می نمود مهمات مورد نیاز گردان را مهیا و تدارک نماید و در سایر موارد هماهنگی با سپاه پاسداران بود^۱ .

حذف رسد دیدبانی

چنین گفت با دیده بان پهلوان	که بیدار دل باش و روشن روان
بدو دیده بان گفت از هیچ روی	نبینم همین جنبش و جست و جوی

(فردوسی)

دیدبانی در یگانهای توپخانه چنان مهم است که به عنوان چشم و گوش معروف شده است. اجرای مأموریت پشتیبانی آتش رابطه مستقیمی با روش دیدبانی دارد؛ چنانچه

۳. نوار مصاحبه شماره ۱۰،۷.

۱. نوار مصاحبه شماره ۱۱،۱.

دیدبانهای ورزیده آموزش یافته و متهوری وجود داشته باشند مأموریت به نحو شایسته ای به انجام خواهد رسید و بر عکس اگر دیدبانان ضعیف باشند ، اجرای مأموریت به سختی میسر می گردد . دیدبان با هماهنگی فرمانده یگان مانوری هدف را تعیین و سپس درخواست آتش را تهیه و با استفاده از چانهای ارتباطی آنرا مخابره ، سپس با تنظیم تیر به هدف حمله می برد و در نهایت نتیجه را گزارش می نماید ، نقش دیدبان در کاربرد بهینه توپخانه و نتیجه ای که از هر گلوله به دست می آید تعیین کننده و قابل ملاحظه است . اشاره به پاره ای از وظائف دیدبانان در قبل ، حین و بعد از اجرای مأموریت ، در نمایاندن نقش و اهمیت توپخانه ما را یاری می دهد .

مراقبت دائم در منطقه عمل یگان پشتیبانی شونده ، آگاهی کامل از طرح مانور و برنامه های یگان پشتیبانی شونده ، حفظ ارتباط دائم با افسران رابط و یگان توپخانه مشخص نمودن نقاط ثبت تیر و نقاط برگشت و آماجها و محل آخرین آتشیهای حفاظتی روی زمین و نقشه ، تهیه لیست آماجها برای طرحریزی آتش توپخانه ، تهیه درخواست تیر ، هماهنگی با دیدبانهای مجاور ، بررسی قیفهای انفجار ، گزارش محل وسائل پشتیبانی آتش دشمن ، ارسال گزارشات نوبه ای منفی ، تهیه و ارسال گزارش اطلاعاتی مربوط به دشمن و در نهایت تعیین موقعیت هدف ، تهیه درخواست تیر و تنظیم تیر توپخانه از جمله وظایفی است که دیدبانان بایستی قبل ، حین و بعد از اجرای مأموریت انجام دهند نگاهی اجمالی به آنچه گفته شد نمایانگر اهمیت و نیازهای آموزشی دیدبان است ، و بر این اساس است که ، امر دیدبانی به فردی تحصیل کرده (در حد لیسانس) سپرده شده است .

اگر چه در ایام جنگ به علت کمبود افسر وظیفه ، از پرسنل وظیفه با حداقل مدرک دیپلم استفاده گردید و این پرسنل یک دوره آموزشی ۸ هفته ای در مرکز آموزش توپخانه را طی می کردند با این وصف مادامی که فرماندهان از آموزش دیدبانان خود مطمئن نمی شدند از گماردن آنان در امر دیدبانی به طور مستقل حتی الامکان خودداری می کردند انجام دیدبانی به وسیله افسران رابطه ، رؤسای رکن دوم و سوم ، فرماندهان آتشبار و معاونین آتشبار در مواقع حساس بارها و بارها در عملیاتیهای مختلف تکرار گردید و این نشاندهنده اهمیتی است که آگاهان در رسته توپخانه برای امر دیدبانی مد نظر دارند با این وصف

بعضی از فرماندهان که از نزدیک با مسائل توپخانه درگیر بودند، این میزان آموزش را کافی نمی دانند و گاه و بیگاه از وضعیت آموزش دیدبانها اظهار نگرانی می کردند.

سرتیپ ۲ هوشنگ استکی که پیشتر نظرات وی منعکس گردیده است در مورد آموزش

دیدبانان می گوید :

توپخانه در جنگ خوب عمل کرد، اما واقعیت این است که می توانست بهتر عمل کند، به نظر من دیدبانان به عنوان چشم توپخانه آن چنان مهم است که بایستی در آموزش آنان تجدید نظر به عمل آید، تا دیدبانانی مطمئن، آموزش داده شود، من در کمتر مواردی به دیدبان ورزیده که بتواند وظیفه خود را به درستی انجام دهد برخورد داشتم، دیدبانان از اصول پیروی نمی کردند، اصطلاحات من درآوردی و بی مورد استفاده می کردند، با فرمانده یگان مانوری هماهنگی نداشتند و در بیشتر موارد در خارج از یگان مانوری و مستقل عمل می کردند، که مصرف بالای مهمات تنها یکی از نتایج منفی این موضوع بود، آن وقت شکایت داشتیم که مهمات نداریم.

ایجاد انگیزه چاره کار است، ما باید برای پرسنل خرج کنیم تا وقتی جنگ می شود از این هزینه بهره برداری نمائیم، یک ارتش کوچک با تجهیزات عالی و پرسنل راضی و منسجم و آموزش دیده خوب چاره کار است، این چنین ارتشی هدف بازدارندگی دارد و از بیشتر رویدادها جلوگیری می کند، پاکستانیها ثروتمند نیستند، اما ارتش خوبی دارند انگیزه و آموزش خوب است. در میدان تیر درجه داری را دیدم که تمام گلوله هایش را به هدف زد، به شوخی به افسر فرمانده گفتم، شما این درجه دار را انتخاب کرده اید عصبانی شد و تفنگ را گرفت و ۱۰ گلوله به هدف تیراندازی کرد، تمام گلوله هایش به هدف خورد، آن وقت تفنگ را به یکی از همراهان ما داد و گفت نوبت توست البته خوشبختانه او نصف نصف به هدف زد، اما اگر به من می داد خدا اعلم^۱.

گر چه تمام سعی و کوشش فرماندهان در هنگامه کارزار استفاده از دیدبانان آموزش دیده بود اما با لحاظ کردن گفته های دلسوزانه همکار خوبمان (سرتیپ ۲ استکی) گاه به گاه به اجبار و به ویژه در جایگزینهای ناشی از تلفات رزمی و یا عدم توجه و یا نا آگاهی به طور

محدود اتفاق می افتاد که دیدبانی به کسانی که آموزش کافی نداشته اند ، واگذار شده است که متأسفانه در این میان ، عملیات والفجر ۸ یکی از موارد کم نظیر در امر دیدبانی می باشد ، در این عملیات به دلایل کاملاً نا مشخص برابر تصمیمات فرماندهان ارشد توپخانه در سپاه پاسداران از دیدبانان سازمانی آموزش دیده استفاده نگردید و به جای آنان از دیدبانانی استفاده گردید که آموزش کافی نداشته و در عمل از هیچ یک از اصول و استانداردهای علمی برای درخواست تیر استفاده نکردند . این دیدبانان بدون این که در مراکز تخصصی آموزش ببینید دیدبانی را به طور تجربی در دیدگاه با روش غیر علمی آزمون و خطا فرا گرفته بودند به طوری که برابر اظهار نظر فرماندهان آتشبار این دیدبانان با انتخاب چند هدف از پیش تعیین شده ، بدون اشاره به نوع هدف و استفاده از شماره گذاری هدف تنها با کلمه بزنید ، به درخواست تیر مبادرت می ورزیدند و هیچگاه از روش تنظیم تیر و فرم دیدبانی که در صرفه جویی مهمات و سرعت عمل نقش ارزنده ای دارد ، استفاده به عمل نمی آمد . این دیدبانان به طور کلی فرماندهان آتشبار را از نتیجه تیراندازی با خبر نمی کردند . حتی یک نمونه از شرکت در تلاش جمع آوری اطلاعات به ویژه در امر مهم ضد آتش برای کشف توپخانه دشمن گزارش نشده است و باید گفت تلاش اصلی این دیدبانان حجم آتش بود .

گر چه آنچه بیان گردید در حقیقت جمع بندی گفته های کسانی است که در عملیات شرکت داشته اند، اما به طور ویژه بهره برداری آموزشی از زبان فرماندهان آتشبار که مستقیماً با دیدبانان ارتباط داشته اند بهتر امکان پذیر می باشد .

از ستواندوم عبدالله فرزانه جمعی گردان ۳۷۶ توپخانه که در عملیات والفجر ۸ به عنوان رئیس توپ ۱۲۲ مم کاتیوشا خدمت می کرده است پرسیدم چند سال است رئیس توپ هستید؟
۱۷ سال است رئیس توپ کاتیوشا می باشم .

می توانید حدس بزنید چند موشک تیراندازی کرده اید؟

خدا می داند ، شاید ۱۵ هزار موشک که ۱۰ هزار آن در همین عملیات فاو بود .

چرا در این عملیات زیاد تیراندازی کرده اید؟

خودم هم نمی دانم، ولی هر چه دیدبان درخواست می کرد، مجبور بودیم بزنیم.

آنها عادت داشتند که ۴۰ تا ۴۰ تا بزنیم ، با این وصف گاهی من کمتر می زدم

مثلاً ۲۰ تا می زدم و صرفه جویی می کردم .

چرا فکر می کنید بایستی صرفه جویی می کردید؟

چون می دانستم هدفهای کاتیوشا بایستی بزرگ و مهم و حداقل یک گروهان تانک یا پیاده باشد. در صورتی که کمتر چنین هدفهایی وجود داشت، مگر در پاتکها، بارها اتفاق می افتاد که با دیده بان خودم صحبت می کردم و می گفتم اجازه بدهید برای روز مبادا کمی صرفه جوئی کنم و پس از چانه زدن به جای ۴۰ تا ۲۰ تا می زدم و اتفاقی هم نمی افتاد^۱.

و در جایی دیگر از سرگرد توپخانه مرتضی رجبی که در هنگام عملیات والفجر ۸ با درجه ستوان سومی در سیمت معاون آتشبار در گردان ۳۹۹ توپخانه ۱۳۰ م م خدمت می کرده است. از وضعیت دیده بانی سؤال کردم، گفتند:

هیچ گونه اصولی رعایت نمی گردید، گاهی گلوله به گلوله به فاصله چند دقیقه و گاهی می گفتند تا می توانید بزنید، بدون این که نوع هدف را تعیین کنند یادم هست یک روز با شهید کابلی از تیپ توپخانه ۶۳ قائم در همین باره بحث کردم من به ایشان گفتم، دیده بانان شما ضعیف هستند، گفت چرا؟ من گفتم، آنان گاهی هر ۲۰ دقیقه یک گلوله از ما درخواست می کنند و این سبب می گردد، که دشمن فرصت داشته باشد محل ما را شناسایی و ضد آتشبار اجرا نماید، ایشان قبول کردند فکر می کنم به دیده بانان در این رابطه دستوری داده بودند^۱.

سرهنگ مرتضی سینائی را که از حجم تیراندازی در عملیات والفجر ۸ شکایت داشت چنین مورد خطاب قرار دادم:

من و شما که افسر توپخانه هستیم به خوبی می دانیم گلوله ریختن به معنی خوب تیراندازی کردن نیست بلکه فرمانده باید نتیجه ای را که می گیرد در نظر داشته باشد.

آیا نتایج تیراندازیهای انجام شده از طریق دیده بانان گزارش می گردید؟

متأسفانه دیده بانان هیچ گونه گزارشی نمی دادند و چون آنان از سپاه پاسداران اعزام شده بودند ما نیز نمی توانستیم در این رابطه کاری انجام دهیم، خلاصه بگویم

۱. نوار مصاحبه شماره ۸.

۱. نوار مصاحبه شماره ۶.

من چند بار شاهد اصرار فرماندهان آتشبار بودم که از دیدبانان نتیجه تیراندازی را می خواستند، آنان به عنوان مثال می گفتند، چند اتوبوس با نفر آتش منهدم شده است.^۲

و در نهایت از یکی از فرماندهان با تجربه جبهه و جنگ که هم اکنون به عنوان رئیس رکن سوم توپخانه لشکر خدمت می کند (سرهنگ حسن طلوعی) سؤال شد .
دیده بانان از نظر آموزش در چه حدی بودند ؟

آموزش دیدبانان ضعیف بود، به عنوان مثال برقراری آخرین آتشیهای حفاظتی که بسیار مهم است و پس از گرفتن هر منطقه بایستی به سرعت انجام گیرد، اطلاعی نداشتند ، من مجبور شدم معاون آتشبار را برای آموزش به دیدگاه بفرستم .

چرا از دیدبانان آتشبار استفاده نکردید ؟

این سؤال من نیز هست، به طور کلی روش سپاه بود که از دیدبانان خودشان استفاده کنند، شاید به آنها اعتمادی بیشتر داشتند، البته این دیدبانان دوره آموزشی مصوبه‌ای ندیده بودند و بیشتر تجربی استفاده می کردند و مواردی هم بود که یک دیدبان می رفت و شخص عادی دیگری جای او را می گرفت و ما می فهمیدیم که شخص جدید هیچ آموزشی ندارد^۱.

حجم آتش غیر ضروری

واکاوای تخصصی جنگ در بخش توپخانه نشان می دهد که استفاده از آتش توپخانه به عنوان پشتیبانی از عملیاتهای آفندی و پدافندی برابر اصول آمده در آیین نامه های رزمی ، انجام نگرفته است بلکه فرماندهان یگانهای پشتیبانی شونده در بیشتر موارد از توپخانه به عنوان یک یگان بازدارنده استفاده کرده اند. نباید منکر این واقعیت بود که بهره برداری از حجم آتش از جمله راهکارهای تکنیکی جنگ محسوب می شود، اما از طرفی باید پذیرفت که توپخانه به هر حال یک سلاح پشتیبانی رزمی است و جایگزین کردن آن به جای نیروی پیاده یا زرهی تاکتیکی مناسب نیست و بایستی در

۲. همان.

۱. نوار مصاحبه شماره ۱، ۱۱.

شرایط ویژه انجام گیرد. باید توجه داشت کاربرد اصلی توپخانه در پدافند برای ایجاد سد آتش و در آفند برای شکستن مقاومت دشمن است و این در حالی است که ما از آتش توپخانه در آفند به طور اصولی کمتر استفاده می‌کردیم.

افسران توپخانه معتقد هستند که در پاره ای اوقات از توپخانه بی رویه و خارج از توان و استانداردهای علمی استفاده شده است و از این رهگذر آسیب‌هایی وارد شده است و دلیل اصلی استفاده نامناسب از توپخانه را برقرار نبودن مراکز هماهنگی پشتیبانی آتش^۲ و یا استفاده ضعیف از این مراکز عنوان می‌کنند و این در حالی است که تشکیل این مراکز با توجه به نقش ارزنده ای که دارند از رده گروهان تا سپاه با ترکیب‌های مناسب در سازمان پیش بینی شده است و وظائف هر یک از این مراکز به طور جدی در آموزش‌های تکمیلی افسران منظور گردیده است.

برابر اصول، تمام درخواستهای آتش بایستی از طریق این مراکز کنترل و هماهنگ گردد و سپس جهت اجرا به آتشبار تیر ابلاغ گردد. در صورتی که در جنگ تحمیلی حداقل ۹۰٪ درخواستها از طریق دیدبان و تصمیم فرمانده آتشبار بدون نظارت مراکز هماهنگی پشتیبانی آتش انجام می‌گرفت و همین ناهماهنگی سبب مصرف بی رویه مهمات و بدست نیامدن نتیجه مناسب از مهمات مصرف شده است.

درست است که قضاوت عمومی درباره کاربرد توپخانه در جنگ تحمیلی در مجموع مثبت ارزیابی شده است اما بهای پرداخت شده در پاره ای اوقات و در بعضی از عملیاتها متناسب با نتیجه کسب شده به درستی ارزیابی نمی‌شود.

به عنوان نمونه که مربوط به ماههای اول جنگ در جبهه سومار است چنین از حافظه خود یاری می‌طلبم:

۲. هماهنگی پشتیبانی آتش: عبارت است از طرحریزی هماهنگ شده و اجرای آتش به نحوی که تمام هدفها به اندازه کافی با وسائل پشتیبانی آتش مناسب مورد تک قرار گیرند. برای رسیدن به این هدف در رده‌های مختلف مراکز تشکیل می‌شود که مسئولیت اداره بهینه این مراکز با هماهنگ کننده پشتیبانی آتش می‌باشد. فرمانده گروهان در رده گروهان، افسر رابط توپخانه در رده گردان و فرمانده گردان کمک مستقیم در رده تیپ و فرمانده توپخانه لشکر (با افسر تطبیق آتشها) در رده لشکر مسئولیت این مراکز را دارند، در تمام این مراکز نمایندگان از نیروی عمل کننده (پشتیبانی شونده) و پشتیبانی کننده (توپخانه نیروی هوایی تاکتیکی و...) وجود دارند که بر استفاده موثر از وسایل پشتیبانی آتش و فراهم کردن آتش مورد نیاز یگانهای عمل کننده را نظارت می‌نمایند.

روزی به عنوان معاون رکن سوم توپخانه لشکر به همراه فرماندهی محترم لشکر ۸۱ زرهی^۱ برای بازدید از آتشبارهای گردان ۳۹۶ توپخانه در محور سومار رفته بودم فرمانده آتشبار که ستوانیکم جوانی بود با ظاهری نه چندان مناسب نزد فرمانده لشکر آمد و بی مقدمه گفت :
از دیشب تا حالا ۲۰۰۰ گلوله تیراندازی کرده‌ام و تمام لوله‌های توپ سرخ شده است.
فرمانده لشکر در حالی که با وی دست می داد با متانت گفت :
خسته نباشید ، آفرین ، مگر چه خبر شده است ؟
وی بر خلاف معمول گفت :
من چه می دانم؟! حتماً عراقیها حمله کرده اند! دیدبان درخواست کرده است.
فرمانده لشکر این بار با خونسردی گفت :
اما من می دانم، گزارش اطلاعاتی را خوانده‌ام، در حد یک دسته تانک تظاهر به تک کرده است، فکر می کنید لازم به تیراندازی ۲۰۰۰ گلوله بوده است؟ چه تلفات و خساراتی به دشمن وارد گردیده است؟
فرمانده آتشبار نتوانست جوابی بدهد و هیچ گزارشی از تلفات و خسارات وارده به دشمن نرسیده بود. با این وصف فرمانده لشکر دستهایش را روی شانه آن افسر گذاشت و گفت :
پسرم ، اگر چنین بی حساب و کتاب تیراندازی کنیم و نتیجه ای هم نگیریم ، معلوم نیست کار به کجا خواهد کشید .
و پس از خداحافظی براه افتادیم. و من که آن افسر را از نزدیک می شناختم ، مشکل او را در ضعف آموزش می دانستم ، زیرا آموزش اساسی ترین فرآیند و ارتقاء کرائی در هر یگان و در هر مورد می باشد .

گر چه بدون تردید هر کس که از نزدیک دستی بر آتش جنگ داشته است می تواند نمونه هائی از آنچه بیان شد نقل کند اما در این میان عملیات والفجر ۸ نمونه شناخته

۱. سرهنگ زرهی ستاد باوندپور دارای سابقه خدمتی درخشانی در یگان های لشکر ۹۲ زرهی و ۸۱ زرهی بود و به هنگام جنگ به عنوان فرمانده لشکر ۸۱ زرهی منصوب شدند. در هدایت لشکر در شرایط بحرانی از خود شایستگی لازمی را نشان داد. آموزش ، نگهداری تجهیزات و رعایت نظم و انضباط را شرط موفقیت در عملیات می دانست و در این مورد حساسیت داشت و در هر فرصتی آنها را به دیگر فرماندهان گوشزد می کرد .

شده‌ای از مصرف پر حجم آتش توپخانه که در هیچ عملیات دیگری در جنگ تحمیلی سابقه نداشته است ، به حساب می آید در این عملیات که در یک منطقه محدود انجام گرفت در مدت کمتر از یک ماه متجاوز از دو میلیون گلوله توپخانه تیراندازی گردید و به علت همین حجم غیر متعارف آتش بود که ۸ گردان توپخانه کارائی خود را از دست دادند و لوله‌های آنها صفر گردید . در همین راستا و برای حفظ مداومت آتش ، نزاجا مجبور گردید ، این گردانها را با گردانهای مشابه تعویض و آنها را برای تعمیرات اساسی و تعویض لوله به پشت جبهه تخلیه نماید ، کاری که هرگز در طول جنگ اتفاق نیفتاد . افزون بر این به سایر گردانها آسیب جدی وارد گردید و موجبات نگرانی فرماندهان فراهم شد و در حالی که عمر قانونی لوله ها به پایان رسیده بود ، اما آنان کماکان مجبور به ادامه مأموریت پشتیبانی آتش بودند . این نگرانی در سخنان فرماندهانی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند آشکار است .

سرهنگ حسن محمدی (معاون وقت آتشبار یکم گردان ۳۷۲ کاتیوشا) می گوید :

در این عملیات تدارک مهمات ، بسیار مهم بود ، زیرا حجم آتش آنقدر بود که پرسنل آتشبار و حتی آتشبار ارکان جوابگو نبودند و حدود ۱۲۰ نفر سرباز که آموزش مقدماتی خود را رها کرده بودند به ما دادند، خلاصه آتشبار ما در مدت ۴۰ روز اول عملیات تقریباً ۲۰۰۰۰ موشک تیراندازی کرد^۱.

استوار یکم غلامعلی احمدیان (رئیس توپ گردان ۳۳۲ توپخانه ۱۳۰ م) می گوید :

با شروع عملیات ، کار ما نیز شروع شد ، من هیچگاه به اندازه این عملیات گلوله تیراندازی نکرده بودم ، خلاصه بگویم ، توپ من که به تازگی لوله آن عوض شده بود ، به علت تیراندازی بیش از حد ، مجبور شدیم دوباره لوله اش را تعویض کنیم . یعنی در مدت یکماه ، یک لوله از بین رفت ، یادم است که قبل از تعویض لوله ، شعله پوش توپ ترکید و من مدتها با توپ بدون شعله پوش تیراندازی می کردم من در مدت یک ماه بیش از ۱۵۰۰ گلوله تیراندازی کردم^۲.

۱. نوار مصاحبه شماره، ۵.

۲. نوار مصاحبه شماره، ۸.

سرهنگ سینائی (رئیس رکن چهارم گردان ۳۹۹ توپخانه ۱۳۰ م م) بدنبال گفته‌های خود اضافه می‌کند:

گردان به علت تیراندازی بیش از حد لوله‌های خود را از دست داده بود، لذا ما مجبور شدیم تمام لوله‌های توپها را عوض کنیم .
سرهنگ سینائی علت تعویض لوله‌ها را چنین بیان می‌کند :
چون گردان زیر امر سپاه پاسداران عمل می‌کرد، سعی بر این بود، مشکلات را نادیده بگیریم و به درخواست آتش بدون وقفه جواب دهیم^۳.

پشتیبانی آمادی ضعیف در پایان

پشتیبانی آمادی (لجستیک) در طول تاریخ به عنوان رکن اساسی عملیات رزمی، مورد نظر فرماندهان بوده و هست و چه بسیار جنگهائی که تنها به علت کمبودهای آمادی به شکست انجامیده است و یا حداقل بهانه ای برای فرماندهان شده تا بدلیل عدم پشتیبانی مناسب شانه از زیر بار مسئولیت خالی کنند و شکست‌های خود را توجیه نمایند ، اما در جنگ ناخواسته نگاه به پشتیبانیهای آمادی کاملاً متفاوت بود، فرماندهان ما پیش از شروع هر عملیات در حد توان و امکان سعی در فراهم کردن آمادهای لازم برای کسب پیروزی می‌نمودند. اما در کمتر موردی کمبودها را بهانه ای برای ننگیدن و یا بد ننگیدن قرار می‌دادند.

به‌یاد داریم فرماندهان در شورهای ستادی به طور معمول با فهرست بلند بلای از نیازمندیها شرکت می‌کردند. اما فراهم نشدن اقلام مندرج در این فهرستها ، عملیاتی را ناممکن نکرد ، اگر قرار بود استانداردهای قید شده در جداول مربوط به اقلام آمادی رعایت گردد لفظ نظامی مورد استفاده تهیه کنندگان برآوردهای آمادی باید این می بود که : “ این عملیات از نظر آمادی قابل پشتیبانی نیست . ”

اما به دلیل اعتقاد به ننگیدن با حداقل امکانات ، به طور معمول این استانداردهای علمی نادیده گرفته می شد و عملیات با هر امکانی به سرانجام می‌رسید. البته به پشتیبانی آمادی در جنگ تحمیلی می‌توان از منظر دیگری نگاه کرد و آن جایگزین کردن

پشتیبانی‌های مردمی به جای پشتیبانی‌های سازمانی بود، که اگر به درستی تجزیه و تحلیل شود، شاید تجربه نوینی در تاریخ جنگها باشد. درست است هیچ جنگی در مقیاس جنگ ایران و عراق در تاریخ بدون پشتیبانی مردمی امکان پذیر نبوده و همیشه مردمان فداکار سهم ارزنده ای در کمک رسانی به نیروهای مسلح خود داشته اند، اما نباید فراموش کرد که کم دیده‌ایم، مردم خود جوش و ابتدا به ساکن در جنگ شرکت نمایند بلکه در اغلب کشورها استفاده از توان جامعه برای دفاع به طور سازمان یافته پیش‌بینی می‌گردد.

در دفاع مقدس چون این سازوکار از هم پاشیده شده بود و یا پیش بینی نشده بود فقط و فقط توان بسیج رهبر انقلاب، این امکان را فراهم کرد که مردمانی از تبار غیرت و عقیده، خودجوش بدون چشم داشت به حرکت در آیند و نیروهای مسلح را به خصوص در بخش آمادی (بجز مواردی که امکان تهیه آن در داخل کشور نبود) مساعدت و یاری نمایند، لازم به ذکر است، نبود یک مرکز سازمان یافته برای استفاده بهینه از این امکانات سبب شد که کمک‌های فراهم شده به وسیله مردم در اختیار ارتش یعنی بدنه نیروهای مسلح قرار نگیرد و متأسفانه در پاره ای از موارد دیده می‌شد حجم بیشتری از این کمک‌ها به علت افراط و تفریط ضایع و به هدر می‌رفت. نباید فراموش کرد که این پشتیبانی‌های منحصر به خورد و خوراک نمی‌شد بلکه وسائل مهندسی سنگین، ترابری سبک و سنگین، پوشاک، وسائل گرمای و خنک کننده، اقلام بهداشتی و فرهنگی، نیازمندی‌های ساختمانی و... یا هر وسیله دیگر که مهیا کردن آن در داخل کشور امکان‌پذیر بود را شامل می‌شد که در مجموع سبب می‌گردید رزمندگان با آرامش خاطر و امکانات بیشتری عملیات‌ها را به انجام برسانند و هم از مسئولیت‌های مادی دولت در حد هر چند کم کاسته شود و از همه مهمتر ارتباط معنوی و فرهنگی خوبی بین مردم و رزمندگان فراهم شده بود.

آنچه می‌ماند، از یک‌طرف ایجاد زمینه مناسب برای استفاده بهینه از امکانات بالقوه جامعه در اهداف نظامی برای زمان بحران می‌باشد و از طرف دیگر باید در هر فرصتی هر چند در حد این نوشتار از این همت و غیرت ملت فداکار قردانی‌گردد تا برای همیشه تاریخ ارتباط معنوی و تنگاتنگ بین نیروهای مسلح و مردم برقرارماند و باردیگر این شعار دیرپای انقلاب، یعنی ارتش فدای ملت و ملت برای ارتش از قوه به‌فعل درآید.

اتکا و دل بستن یگان‌های توپخانه شرکت کننده در عملیات والفجر ۸ به کمک‌های مردمی به‌خصوص در شروع عملیات سبب گردید که فرماندهان و ستاد گردانها از وظیفه

اصلی خود که همانا پوشش دادن پشتیبانی آتشبارهای تیر بود غافل شوند و در مواردی که یگان پشتیبانی شونده بدلائلی نمی‌توانست و یا نمی‌خواست کمکهای مردمی را در اختیار آتشبارهای تیر جدا شده از گردان بگذارد ، مشکلات زیادی برای آتشبارها بوجود آمد تا جائیکه با فروکش کردن اهمیت عملیات والفجر ۸ و ایجاد آرامش در جبهه مشکل تدارکات ابتدا برای یگانهای مستقر در شرق اروند رود و سپس به یگانهای داخل فاو تسری یافت ، به طوری که یگانها هم از چانل اصلی تدارکات خود بریده شده بودند وهم دیگر سپاه پاسداران از تدارک آنها که جزو وظایف ذاتی یگانهای پشتیبانی شونده می‌باشند سر باز می زد و این تجربه‌ای است برای یگان‌های توپخانه تا جز در مواردی که مأموریت ذاتی آنها حکم می کند به چانلهای غیر سازمانی اکتفا نکنند و فرماندهان گردانها در هر شرایطی بایستی با اتخاذ تدابیر تاکتیکی به فکر پشتیبانی آمادی از آتشبارهای تیر باشند و در استقرار ارکان و آتشبار ارکان طوری عمل کنند که امکان تدارک آتشبارهای تیر را داشته باشند .

مشکلات بوجود آمده در عملیات والفجر ۸ در اظهار نظر تعدادی از فرماندهان دیگر مشهود است .

عدم رعایت اصول تاکتیکی و تکنیکی

رعایت اصول که در کلاسهای آموزشی نظامی بویژه در آئین نامه های رزمی مورد تأکید فراوان است به مشهود و آشکار ، دانسته و ندانسته در جنگ بعضاً نقض و مورد بی توجهی قرار گرفت در پاره ای موارد آسیبهای آن روشنتر است ، به طور ویژه در بخش توپخانه در عملیات والفجر ۸ که بدلیل حجم بالای یگانهای شرکت کننده نسبت به سایر عملیاتها انتظار می رفت که اصول بیشتر و بهتر رعایت گردد ، اما بر عکس به نظر می رسد اضافه بر این که تجربه آموزنده ای کسب نگردید بلکه از تجربه های آموزنده آورده شده در آئین نامه‌های موجود هم بهره برداری لازم به عمل نیامد و در نهایت از این بابت آسیبهای مادی و معنوی به پیکره یگان های توپخانه وارد شد ، موارد تاکتیکی و تکنیکی در مأموریت ذاتی توپخانه که به طور وضوح با توجه به اظهار نظر پرسنل شرکت کننده در عملیات نقض گردیده اند به شرح زیر است:

۱. سازمان برای رزم برابر اصول انجام نگرفت و به فرماندهان تفهیم نگردید .
۲. ربط و ارتباط برقرار نشد .
۳. مرکز تطبیق آتشها ، اصولی و با شرکت تمام عناصر لازم تشکیل نگردید .
۴. جابجائیها ، بدون اطلاع قبلی و بدون رعایت اصول انجام می گرفت .
۵. قرارگاههای گروه و گردان فعال نشدند .
۶. ثبت تیر انجام نگرفت .
۷. درخواست تیر اصولی و با استفاده از چانل اصلی انجام نگرفت .
۸. مرکز عملیات تاکتیکی با شرکت عناصر رکن دوم و سوم توپخانه تشکیل نگردید.
۹. ضد آتش فعال نبود .
۱۰. نقشه برداری انجام نگرفت .
۱۱. هیچ طرح و دستوری به یگانهای توپخانه ابلاغ نگردید .
۱۲. مواضع بدون لحاظ کردن نظر فرماندهان یگانهای توپخانه انتخاب می گردید.
۱۳. امر تدارکات از چانلهای غیر اصولی و با افراط و تفریط انجام می گرفت .
۱۴. یگانهای توپخانه بدون دلیل تجزیه شدند .
۱۵. طرحریزی آتش اصولی انجام نمی گرفت .

پاره ای از مصادیق موارد گفته شده در اظهار نظر فرماندهان به شرح زیر آمده است:

سرتیپ ۲ استکی:

شب عملیات به من گفته شد امشب عملیات است و این در حالی بود که نه موضعی شناسائی شده بود و نه مقدمات کار فراهم شده بود و حتی من از طرح عملیات یگان های عمل کننده اطلاعی نداشتم^۱. روز بعد مواضع اصلی در روی جاده ای که برای همین کار به موازات اروند رود تهیه شده بود به ما نشان داده شد و قرار شد که در روی همین جاده که هیچگونه شرائط مواضع را نداشت مستقر شویم ، بدون این که برای پرسنل و توپها جانپناه و یا سنگری تهیه شده باشد^۲.

۱. نوار مصاحبه شماره ۷ و ۱۰.

۲. همان.

سرتیپ ۲ قطره سامانی:

گردان در جریان طرح عملیاتی یگان پشتیبانی شونده نبود و این از نظر اصولی درست نیست.^۳

سرتیپ ۲ خیرالله همتی:

مأموریت گردان (۳۱۷ توپخانه) کمک مستقیم لشکر بود که با اصول سازمان برای رزم تطابق ندارد.^۴ درباره مأموریت به طور شفاهی گفته شد شما عمل کلی سپاه هستید، اما معلوم نشد عمل کلی چه یگانی از سپاه پاسداران.^۵

سرهنگ امین (فرمانده دانشکده توپخانه صحرائی):

ما می‌دانیم کوچکترین واحد تاکتیکی توپخانه گردان است، در حالی که حتی یک مورد که از آتشیهای گردان هم زمان استفاده گردد سراغ ندارم، اگر از آتش گردانی استفاده می‌شد، ضمن بالا بردن تلفات و ضایعات دشمن، از مصرف بی‌رویه مهمات جلوگیری می‌شد.^۱

سرگرد لروند:

آتشبار زیر امر لشکر ۲۵ کربلا بود، ولی گاهی از لشکر ۷ ولیعصر از ما درخواست آتش داشتند و چون دیدبانان تجربه و آموزش کافی نداشتند، من شخصاً به دیدگاه می‌رفتم و دیدبانی می‌کردم و آموزش هم می‌دادم.^۲ از طرح ریزی آتش خبری نبود گاهی مسئولی می‌آمد و می‌گفت امشب برنامه داریم و شما فقط آتش تهیه بریزید تا ما آتش بس دهیم.^۳

۳. نوار مصاحبه شماره ۹.

۴. نوار مصاحبه شماره ۱۱.

۵. همان.

۱. نوار مصاحبه شماره ۷ و ۱۰.

۲. نوار مصاحبه شماره ۱ و ۱۱.

۳. همان.

سرهنگ گودرزی:

آتشبار در روز سوم عملیات به داخل روستای مینومی تغییر مکان دادیم و در محل بانک صادرات مستقر شدیم و من درخواست لودر و سوله کردم بر خلاف روز اول در اختیار قرار نگرفت.^۴

سرهنگ بانزاد:

من رئیس رکن سوم گردان بودم ولی از چون و کیف عملیات خبر نداشتم.^۵

سخن پایانی

در پایان این بخش از کتاب لازم می دانم به این نکته اشاره ای داشته باشم که به دلیل عدم دسترسی به اسناد و مدارک کافی درباره عملیات والفجر ۸، چاره کار را در این دیدم، از طریق ارتباط مستقیم با رزمندگان به جمع آوری اطلاعات مورد نیاز پردازم و در نهایت این کار با صرف وقت بسیار و قبول سفر در جای جای میهن اسلامی و حضور در محل کار و زندگی خصوصی بیش از ۱۰۰ نفر از همکاران که بیشتر آنان بازنشسته بودند، به سرانجام رسید. اگر چه هدف اولیه این گفتگوها بازگو کردن حقایق روزهای تلاش و مقاومت رزمندگان در مقابل دشمن متجاوز در یک منطقه ویژه بود اما با استفاده از فرصت پیش آمده و علاقه شخصی من به مسائل آموزشی، سعی گردید مسائل توپخانه در جنگ از زبان دست اندرکاران در حد توان تجزیه و تحلیل گردد و اینک با رضایت کامل از کاری که انجام گرفته، اعلام می دارم که گنجینه ای ارزشمند با جهت گیری آموزش تهیه و تدوین گردیده است این کار از آن جهت ارزشمند تلقی می گردد که در آن به جد از نخبه گرانی پرهیز گردیده و گفتگوها به طور عام در محیطی صمیمانه و بدون تشریفات و زمینه قبلی انجام گرفته است و از مصاحبه شوندگان خواسته شده است که نکات ضعف و قوت تواناییها و نا کامیها را که مشاهده کرده اند بدون کم و کاست بیان کنند تا مورد بهره برداری قرارگیرند. آنچه به دنبال و بعنوان حسن ختام خواهد آمد، یکی از مصاحبه های انجام

۴. نوار مصاحبه شماره ۷ و ۱۰.

۱. نوار مصاحبه شماره ۱۴.

شده است که فقط بدلیل این که اشاره ای به پایان عملیات والفجر ۸ دارد و به مصداق مشتی از خروار انتخاب گردیده است .

این بار در پی گیری هدف کسب اطلاعات جنگ ناخواسته به شهرستان شهرضا در استان اصفهان آمده ایم تا با یاران سلحشور گروه ۲۲ توپخانه هم صحبت شویم و گوشه ای از رشادت و ایثارگریهای آنان را ضبط و ثبت نمائیم اما قبل از هر اقدامی دریغ این که ، نام اصفهان آورده نشود و از نقش ارزنده و سرنوشت ساز مردم این دیار در دفاع مقدس و پشتیبانیهای انسانی مادی و معنوی از جنگ که بوسیله مردم با فرهنگ اصفهان به عمل آمد ، سخنی هر چند با ایما و اشاره گفته نشود، تقدیم دهههازار شهید به انقلاب اسلامی یکی از اشارات بجائی است که در کارنامه پر افتخار و خونبار ساکنین این استان برای همیشه تاریخ به ثبت رسیده است که نمی توان به سادگی از آن گذشت ، روان شهیدان شاد و افتخار باز ماندگان پرافزون .

در اولین گام با فرمانده گردان ۳۲۲ پدافند هوایی گروه ۲۲ گفتگو می کنیم ایشان در سال ۱۳۶۴ فرماندهی آتشبار سوم گد ۳۱۸ را عهده دار بوده اند و بقیه ماجرا را از زبان جناب سرگرد ایرانشاهی می شنویم^۱ :

برابر طرحهای ابلاغی از لشکر ۹۲، گردان ۳۱۲ توپخانه برای پشتیبانی آتش عملیات والفجر ۸ تعیین و اعزام گردید، اما بعد از حدود ۴۵ روز گردان ۳۱۸ توپخانه، گردان ۳۱۲ را تعویض نمود، من معاون آتشبار سوم بودم، در تاریخ ۶۵/۱/۳ در ساعت ۲ بعد از نصف شب فرماندهی گردان (سرگرد حجت الله توکلی). تلفنی فرمانده آتشبار را احضار کرد و چون ایشان در مرخصی بودند من رفتم، سایر فرماندهان آتشبارها آمده بودند ، فرمودند : برای شناسائی آماده شوید، صبح زود فردا حرکت می کنیم ، البته ماسک ضد گاز فراموش نشود، در برگشت سرگروه بان و سایر رؤسای رسدها را توجیه و دستورات لازم برای آماده شدن را صادر کردم و خود به قرارگاه گردان در ساعت مقرر برگشتم . گروه شناسائی سوار یک دستگاه جیپ استیشن غنیمتی از عراقیها شدیم و به سوی مقصد نا معلومی حرکت کردیم ، در بین راه فرمانده گردان مقصد و هدف از شناسائی را برای ما گفتند در مقصد بدون این که از خودرو پیاده شویم ، فرماندهی گردان محل تقریبی آتشبار را که نزدیک منبع آبی در

قصوه بود تعیین کرد و پس از تعیین محل تقریبی دو آتشبار دیگر از مسیری که رفته بودیم برگشتیم ، در برگشت ، من مسیر را با دقت شناسائی و برای خود نقاط کمکی راهنما انتخاب کردم و ساعت ۳ بعد از ظهر به قرارگاه رسیدیم و فرماندهی گردان گفت اولین یگان بایستی در تاریکی شب حرکت کند با توجه به لطفی که نسبت به بنده داشتند ! (خوب همشهری بودند و قد من هم از همه بلند تر بود) فرمودند : آتشبار سوم آماده حرکت باشد ، منم اطاعت کردم و به آتشبار نرسیده دستور جمع آوری دادم و با توجه به این که موضع در دید عراقیها بود و آمدن وسائل ترابری سنگین ممکن بود ، عراقیها را متوجه تخلیه آتشبار کند ، من با رعایت اصول حفاظتی ، آتشبار را به طور نفوذی به عقب هدایت کردم و آتشبار به سه راهی فتح حرکت و در آنجا منتظر آمدن کمر شکن برای حمل توپها ماندیم. به هر حال با رسیدن وسائل ترابری ، آتشبار به طرف سه راهی حمیدیه حرکت کردیم و پس از یک بازرسی کوتاه مقصد بعدی را پلیس راه اهواز - اندیمشک تعیین کرده، پس از آن در چهار شیر اهواز برای استراحت شبانه توقف نمودیم .

روز بعد ساعت ۶ صبح مجدداً براه افتادیم و این بار مقصد پادگان گلف اهواز بود. پس از سوخت گیری و صرف ناهار ، به طرف مقصد بعدی ایستگاه ۷ آبادان حرکت کردیم. با توجه به ترافیک سنگین در تاریکی شب رسیدیم . در تاریکی شب و زیر باران تگرگ بسیار شدید ، آتشبار سوم گردان ۳۱۲ را رها و خود جایگزین آنها شدیم . دستور این بود که نباید آتش پشتیبانی قطع شود ، لیست هدفها را از فرمانده آتشبار تعویض شونده گرفتم ، توپها را روانه و سنگر هدایت آتش را برقرار کردم و اعلام آمادگی نمودم .

آن شب را کسی نخوابید و با طلوع آفتاب موضع را مورد بررسی قرار دادم مشکلات ارتباطی و تا اندازه ای استحکاماتی را برطرف کردم و آنگاه نفسی راحت کشیدم، زیرا قبل از آن دلهره داشتم که اتفاق ناجوری رخ ندهد، آتشبار در بعد از ظهر آمادگی کامل اجرای مأموریت را داشت و هوای خوب بهاری هم روحیه مضائفی بخشیده بود. از نکات مثبت این که در همان بعد از ظهر یکی از برادران سپاهی وابسته به توپخانه ۱۵ خرداد به من مراجعه و ضمن خوشامدگویی و پرسش در موارد کمبودها ، مرا بخوبی در جریان منطقه ، چانلهای ارتباطی درخواست آتش، محل قرارگاه پشتیبانی شونده گذاشتند و برای شروع کار ، یک تانکر سوخت و مقداری جیره خشک غذایی به آتشبار دادند .

روز بعد در یک اقدام ناباورانه ، نماینده توپخانه ۱۵ خرداد به آتشبار آمدند و پس از خوش و بش گفتند ، جمع کنید و به دنبال من بیائید ، به همین سادگی من هم بدون این که چیزی بپرسم ، به همان سادگی ، به آتشبار گفتم “جمع کنید” راستش را بخواهید منم از این موضع به دلیل نزدیکی به قبرستان خوشم نمی آمد ، جمع کردیم و پشت سر برادر و کیلی که سوار بر موتور سیکلت بودند راه افتادیم ، برای اولین بار رود خروشان ارونند را مشاهده کردم و در ساحل آن بالاجبار متوقف شدیم ، معلوم شد بایستی به آن سوی ارونند برویم و از این که برای اولین بار بدون پاسپورت و دسته جمعی به یک کشور خارجی سفر می کردم ، خوشحال بودم و امیدوار بودم که دست خالی برنخواهم گشت .

وسائل ترابری برای عبور از رودخانه ، ۱۲ دستگاه قایق بودند که طارق نامیده می شدند ، آتشبار در دو نوبت به ساحل غربی تخلیه شد و از آنجا بدون توقف حرکت کردیم و پس از عبور از یک دو خیابان در شهر فاو ، از دروازه خروجی خارج شدیم و در ۸ کیلومتری دروازه شهر موضع گرفتیم ، البته در بین راه تابلو ، فو ام‌القصر را مشاهده کردم . و این تنها خبری بود که به فرماندهی گردان مخابره کردم .

موضع آماده شده بود و در یک طرف توپها گذاشته شده بود و از طرف دیگر تعدادی سوله فلزی که با خاک پوشانده بود برای استراحت پرسنل مهیا شده بود . مواضع توپها بیشتر به سکوی تانک شباهت داشت تا به سنگر توپ ، ولی اعتراض من به جایی نرسید و من هم سعی در بهبود شرایط موجود داشتم ، به همین انگیزه برای توپها خاکریز تهیه و مهمات را به ۵۰۰ متری آتشبار تغییر دادم و خودروها را جایی که زمین اجازه می داد پراکنده کردم . و با پرسنل تا جایی که توانستیم شرایط را به نفع خود تغییر دادیم و خود را محکم کردیم .

دستور کاری به ما داده شد ، ارتباط بی سیم چی با قرارگاه پشتیبانی شونده برقرار شد و از طریق این قرارگاه از ما درخواست آتش بعمل می آمد .

بازهم به عنوان یک نکته مثبت دیگر لازم است عرض کنم ، حسن این عملیات این بود که من به عنوان فرمانده آتشبار (البته در غیاب فرمانده آتشبار) هیچگونه استرسی از جهت تدارکاتی نداشتم ، بلکه آب یخ ، غذا ، سوخت ، وسائل مهندسی و ... خودبخود و اتوماتیک می رسید و معلوم هم نبود چطور و چگونه ، تنها نگرانی ، نگرانی شخصی من بود که مدت ۷۰ روز به مرخصی نرفته بودم و تازه داماد هم

بودم و خدا خیرش بدهد فرمانده محترم آتشبار هم بموقع از مرخصی بزن گشتند و ماه غسل مرا هم به تعویق انداختند! روزهای عید نوروز یکی پس از دیگری در فاو می گذشت و سیزده بدر را هم در کنار سنگر توپها بدر کردیم و روز چهاردهم بود که به فکر نظافت شخصی افتادم و آبی برای استحمام گرم کردم و مشغول شستن سر و تن خود بودم که پاترول فرمانده گردان را دیدم، با عجله خود را خشک و لباس پوشیدم و برای خوشامدگویی نزد ایشان رفتم، چشمم به جمال فرمانده آتشبار روشن شد و نوید رفتن به مرخصی به مشامم رسید.

نکته جالب این که، برخورد فرماندهی گردان بسیار دوستانه و محبت آمیز بود و از این که برای گردان در دسری ایجاد نکرده بودم بسیار خوشحال بودند و از من در چند نوبت تقدیر و تشکر (البته خشک و خالی) کردند. البته تعارفات زیاد طول نکشید و فرمانده گردان خطاب به من گفتند، «برو و آماده رفتن به مرخصی باش» فرماندهی آتشبار با شنیدن این حرف، خطاب به فرماندهی گردان گفتند: «اجازه بدهید یک دو روز مرا توجیه کنند و بعد بروند».

فرمانده گردان که به نظر می رسید از این که فرمانده آتشبار چند روزی دیرتر از وقت موعود از مرخصی مراجعت کرده بودند، عصبانی هستند، گفتند: «ستوان ایرانی‌شاهی از طلائی بدون توجیه حرکت کرده اند و اکنون در فاو هستند و کسی هم به ایشان کمک نکرده است و چیزی هم نگفته اند و اظهار ناراضیتی هم نکرده‌اند، آن وقت شما توجیه می خواهید. سر گروه‌بان شما را توجیه خواهد کرد» البته هدف فرماندهی آتشبار درست بود ولی فرمانده گردان شرایط مرا درک کرده بود و جایز نمی دانست بیشتر از این در موضع بمانم.

دستوراتی به فرمانده آتشبار داد و خداحافظی کرد و مرا نیز به همراه خود به پشت جبهه برد تا از آنجا به مرخصی چند روزه بروم.

بسیار خوب تا اینجا به قول خودتان انصافاً خوب صحبت کردید و هیچ نقطه ابهامی نگذاشتید، الحمدلله در سکوی پرتاب برای رفتن به خرم آباد که زیاد هم راه دوری نبود قرار گرفتید، البته این نکته را هم نباید فراموش کنیم که ماه عسلی (یا بهتر است با توجه به شرایط بگویم هفته یا حداکثر دهه غسل) در پیش بود که باز هم به قول خودتان انصافاً روحیه‌ای مضاعف به شما داد، اما من هم قبل از این که از مرخصی برگردید چند سؤال دارم که باز هم به قول خودتان دوست دارم انصافاً جواب دقیق بدهید.

- در فاصله ده روزی که در فاو بودید، حجم کاری آتشبار چگونه بود؟

قبول بفرمائید انصافاً حجم درخواست تیر آنقدر بالا بود که هیچ روزی کمتر از ۷۰۰ الی ۷۵۰ گلوله تیراندازی نمی‌شد، بنابراین ما مجبور شدیم به طور شیفت کارها را تقسیم کنیم تا هم بچه‌ها بتوانند استراحت کنند و هم بتوانیم توپها را نگهداری کنیم.

- هدفهای شما چگونه بودند؟

البته دیده بانان سپاهی نوع هدف را مشخص نمی‌کردند اما یگان در خط دشمن بطور دائمی زیر آتش ما بودند بطوری که امکان هر گونه حرکت را از آنان گرفته بودیم، منظوم تمام یگانهای توپخانه‌ای بودند که این عملیات را پشتیبانی می‌کردند.

- از دو آتشبار دیگر گردان چه خبر؟

انصافاً در این مدت وقت نکرده بودم که به آنها سر بزنم و حتی نمی‌دانستم کجا هستند اما بعدها معلوم شد آتشبار دوم در ۱/۵ کیلومتری جنوب ما بودند و در منطقه ای بنام خور عبدالله مستقر شده بودند و مأموریت آنها دریائی بود یعنی بر علیه هدفهای روی دریا که معمولاً قایق‌هایی بودند که از اسکله‌های البکر و الامیه رفت و آمد می‌کردند. و آتشبار یکم هم در جاده فاو البهار مأموریتی شبیه ما داشتند، انصافاً مأموریت ما از همه خطرناکتر بود، زیرا در چهار کیلومتری دشمن قرار داشتیم.

- فعالیت نیروی هوایی خودی و دشمن را هم مقایسه بفرمائید؟

فعالیت نیروی هوایی دشمن انصافاً بیش از حد بود و در روز چندین نوبت نه با یک فروند بلکه با ۴ فروند و در بعضی اوقات تا ۱۶ فروند را هم شمارش می‌کردیم، چندین بار مورد حمله قرار می‌گرفتیم که تلفات و ضایعاتی هم داشتیم. بیشتر اوقات از دریا می‌آمدند و در مرکز منطقه در جهات مختلف پخش می‌شدند و بمبهای خود را رها می‌کردند و چون منطقه آزاد شده فاو زیاد هم وسیع نبود در نتیجه بمبها به هر کی می‌خورد، هدف بود و تلفاتی کم و بیش ببار می‌آوردند.

- پدافند هوایی چه وضعیتی داشت؟

همراه بعضی از یگانهای توپخانه توپ ضدهوایی ۲۳ م م بودند اما در عمل کاری از آنان ساخته نبود، ناگفته نماند در این عملیات از پدافند اورلیکن مرکز توپخانه و سایت‌های موشکی نیروی هوایی در شرق اروند رود خوب استفاده شد و چندین

فروند هواپیما هم ساقط گردید اما حجم پرواز زیاد بود و زدن چند فروند محدودیت زیادی برای عراق ایجاد نمی کرد .

- از نیروی هوایی خودی بفرمائید ؟

بنظر من انصافاً نسبت به دشمن کمتر هواپیما داشتند. اولین شهید گروهان وظیفه‌ای به نام رسولی بود که شخصاً شاهد شهادت ایشان در اثر بمباران هوایی بودم. این شهید از ناحیه سر مورد اصابت ترکش بمب قرار گرفت و بلافاصله جان به جان آفرین تسلیم کرد .

- من سؤال خاصی ندارم ادامه ماجرا را بفرمائید .

همان طوری که عرض کردم من از اولین مسافرت خارج از کشور برگشتم و برخلاف معمول مجوز دو هفته اقامت در داخل کشور را گرفتم و به خرم آباد رفتم . انصافاً این دو هفته خوش گذشت . بفرمائید بیش از حد خوش گذشت .

همینطور است ، انصافاً دلم نمی خواست زمان بگذرد اما کسی قادر به متوقف کردن زمان نیست و دو هفته هم زمان زیادی نیست و گذشت و بار دیگر ساکم را بستم و سفر خارج کشور را دوباره از سرگرفتم ، این آمد و رفت ها چندین بار تکرار شد ، در مرداد ماه اتفاق ناگواری افتاد که نقل آن شاید لازم باشد روزی فرمانده گردان جناب سرگرد توکلی برای بازدید آمده بودند نهار را با ما و دیگر بچه های آتشبار صرف کردند و پس از بوسیدن همه درجه داران و چند نفر از سربازان به قصد آتشبار یکم با ما خداحافظی کردند.

هنوز متفرق نشده بودیم که صدای هواپیماهای دشمن ما را زمین گیر کرد و هواپیمائی شیرجه کنان چند بمب رها کرد و بمبها چند کیلومتر دورتر از آتشبار بر زمین اصابت کرد و از بخت بد ، بمبی نزدیک خودرو متوقف شده فرمانده گردان به زمین خورد و ایشان را به سختی مجروح می کرد. چند روز بعد متوجه شدیم که پای ایشان از بالای زانو قطع شده است و فرمانده گردان به همین انگیزه بازنشسته شدند و برای مدت کوتاهی سروان محمد مهدی آژیر سرپرست گردان شدند و بالاخره جناب سرگرد ناصر منتظر فرماندهی گردان شدند. درود به شرف این بشر، من از ایشان بسیار درس گرفتم، ایشان مشکلات بیش از حد گردان را یکی بعد از دیگری با صبر و درایت حل و فصل کرد ، آماده کردن توپهای از کار افتاده و خودروهای تعمیری را با توجه به روابط حسنه ای که با سلسله مراتب داشت به

دستاوردهای آموزشی / ۳۰۱

زودی انجام گرفت ، البته اطلاعات فنی ایشان زبان زد عام و خاص بود . به هر حال فرماندهی به تمام معنی بودند ، خداوند پشت و پناهمان باشد .

از این که قدر شناسی می کنید . بسیار متشکرم ، این نشانه درایت و تجربه خوب شما هم است . البته لازم است بدانیم ، باید از این چنین فرماندهانی درس بگیریم و با معرفی بهترینها ، خوب و بد مشخص شوند، این صحبت های شما در این راستا می باشد .

- حالا دوست دارم کمی درباره درجه داران آتشبار صحبت کنید ؟

اگر شما هم نگفته بودید من از این دسته از همکاران که سنگینی آتشبار روی دوش آنها استوار بود. برحسب وظیفه و از جهت قدردانی و قدر شناسی صحبت می کردم ، من شاید یکی از خوشبخت ترین فرماندهان آتشبار بودم که با ۲۲ درجه دار بسیار کار آزموده و رشید و با حمیت کار می کردم ، در هر توپ ۳ نفر درجه دار کادر با تجربه سازمان یافته بودند که در غیاب ستواینار ، از استوار و یا حداقل از یک گروهبان کاردان به عنوان رئیس توپ استفاده می کردم بعلت ارتباط خوبی که ایجاد شده بود ، هیچگاه وسیله ای بدون سرپرست نبود و هیچ گاه وسیله ای بدون نگهداری حتی در تاریکی شب ترک نمی شد . اکنون که سالهاست از جنگ می گذرد بهترین دوستان من در میان همین همکاران خوبم درجه به می باشند، آنها کم توقع و پر تلاش و خونگرم ظاهر شدند . خداوند یار و یاور آنها باشد . متأسفانه زبانم قاصر است که حق مطلب را ادا کنم امیدوارم آنانی که دست به قلم دارند در این باره قلم فرسائی کنند که شاید بشود گوشه ای از فداکاریها و جانبازیها و رشادتهای این عزیزان را برای ثبت در تاریخ و آیندگان ، نگارش گردد.

- از همکاران در آتشبار گفتید، از چگونگی پشتیبانی های فرمانده و ستاد گردان نیز

صحبت بفرمائید؟

من همین جا باید این نکته را بگویم با وجود این که قرارگاه گردان در شرق اروند و در مکانی مناسب و دارای امکانات خوبی بود اما فرمانده گردان با قبول خطر و زحمت فراوان بیشتر وقتش را با آتشبارها بود و از نزدیک بر کار آنها نظارت می کرد ، حداقل هر ۲ الی ۳ روز یکبار با فرصت در یک آتشبار حضور پیدا می کرد در نتیجه رؤسای ارکان ستاد هم مجبور به آمدن و سرکشی بودند و از این بابت مشکلات احتمالی بهتر و زودتر برطرف می شد با گذشت زمان نیاز ما به گردان

بیشتر و بیشتر می شد، من قبلاً گفتم در عملیات فاو، هیچ گونه مشکل تدارکاتی نداشتیم و بخصوص از نظر مواد غذایی، زیاده روی می شد، اما این وضعیت در سال ۱۳۶۶ کم کم تغییر کرد. از آنجایی که با گذشت زمان، اهمیت عملیات والفجر ۸ و آزاد سازی فاو کم و کمتر می شد، وجود نیروهای مستقر در فاو هم به فراموشی سپرده می شد تا جایی که تدارک یگانها حتی از نظر غذا و آب با مشکل روبه رو شد و دیگر نه از غذاهای آماده خبری بود و نه از کمکهای مردمی و دست و دلبازیهای سپاه پاسداران. مشکل به آنجا رسید که فرماندهان آتشبارها مجبور شدند از گردان تقاضا نمایند که به طور معمول ما را تدارک نماید. که البته با توجه به مسافت ۱۰۰ کیلومتری که گردان از آتشبارها داشت این کار بسیار مشکل و تقریباً غیر ممکن بود. به عنوان یک خاطره تلخ و در رابطه با تدارک عرض کنم، یک روز نهار سرباز مقسم به نام سیروس علی حسینی به من مراجعه کرد و گفت من نمی توانم غذا را تقسیم کنم، دلیل را پرسیدم، گفت باید ببینید رفتیم غذا را که یگان پشتیبانی شونده (توپخانه یونس) بما داده بود، ماکارونی بود و حداکثر برای ۵ الی ۶ نفر کفایت می کرد، من غذا را با دیگ مربوطه برداشتم و به آتشبار یکم که در نزدیکی ما بود رفتیم، آنها هم وصفی شبیه ما داشتند، همراه فرمانده آتشبار یکم به قرارگاه گردان رفتیم ماجرا را گفتیم، معاون گردان در غیاب فرمانده گردان که در مرخصی بودند، با متانت و اظهار نگرانی از این وضعیت گفتند چند روزی صبر کنید تا با آمدن فرمانده گردان فکری بکنیم، در نهایت این اعتراض عملی ما سبب شد که گردان یک آشپزخانه صحرایی به ما داد و ما آشپزخانه ای با کمک آتشبارهای یکم و دوم و به مسئولیت خود من در مدرسه شهر فاو دایر کردیم و از آن تاریخ وضعیت غذایی آتشبارها روی روال خود افتاد.

- جناب سرگرد ایرانشاهی، شما چند بار از فرمانده گردان تشکر کردید و از ایشان تعریف نمودید، البته این حق شماست که تعریف و تمجید کنید اما در رابطه با تخصص حرفه ای چند سؤال مطرح است که از شما می خواهم بدرستی به آن جواب دهید.

اول این که، چرا قرارگاه گردان با آتشبارهای تیر بایستی ۱۰۰ کیلومتر فاصله داشته باشد؟ و سؤال بعد این که چرا گردان نباید رسدهای غذاخوری را فعال کند و از شما بخواهد خود با استفاده از امکانات آتشبارها این کار را انجام دهید؟

در ابتدای عملیات، وجود آتشبار ارکان برای آتشبارهای زیاد محسوس نبود و اصولاً به آنها نیازی نبود، همین که مهمات آتشبارها را تهیه می‌کردند. کافی به‌نظر می‌رسید، البته یگان پشتیبانی شونده هم تمایل به آمدن قرارگاههای گردان و فعال شدن آنها نداشت، آنها فقط آتش می‌خواستند و ما هم جواب می‌دادیم. در نتیجه قرارگاه گردان در فاصله ۱۱۸ کیلومتری برقرار شده بود و امکاناتی هم فراهم کرده بودند و خودشان هم می‌آمدند و می‌رفتند و شاید نیاز هم نمی‌دانستند که به فاو بیایند، اما با گذشت زمان وضعیت فرق کرد و بایستی قرارگاه گردان تغییر مکان می‌داد که البته اظهار نظر در این باره در آن زمان با من ستوان نبود در مورد سؤال دوم، باید عرض کنم رسد غذاخوری گردان امکانات آنچنانی برای ریختن غذا و تدارک آتشبارها نداشت که من این مسئولیت را پذیرفتم و الحمدالله مشکل برطرف شد.

گرچه صحبت‌های شما همراه با حسن نیت است، اما این سؤال همچنان باقی است که گردان در مورد آتشبارهای خود با بی‌تفاوتی عمل کرده است. به هر حال سؤال بعدی من این است که بفرمائید ماندن در فاو چگونه ادامه پیدا کرد؟

به‌طور کلی عراقیها تا نیمه دوم سال ۶۵، ۳۳ بار اقدام به پاتک و حمله گسترده برای باز پس‌گیری فاو کردند اما عزم پاسداران و بسیجیان سلحشور و وجود توپخانه‌های قدرتمند نذاجا هر بار آنها را ناکام گذاشت و به یگانهای پاتک کننده که از کلیه امکانات هم برخوردار بودند تلفات و ضایعاتی وارد می‌کردند و آنها با ناکامی منطقه را ترک می‌کردند، از نیمه دوم سال ۶۵، جبهه فاو رو به آرامش گذاشت و شاید هم عراقیها به این نتیجه رسیده بودند که امکان موفقیت ندارند، و متأسفانه ما هم کم‌کم بی‌انگیزه شده بودیم و موضوع را با اهمیت تلقی نمی‌کردیم تا این‌که بار دیگر ارتش عراق در تاریخ ۶۶/۶/۲۰ اقدام به یک حمله سازمان داده شده کرد که این بار هم ناموفق ماند، در این رابطه در همان روز از طرف قرارگاه نوح ۱ که ما پشتیبانی آتش آن بودیم احضار شدم، به آنجا رفتم ملاحظه کردم سه نفر اسیر عراقی بازجوئی می‌شوند، از ستوانیکمی که دارای هیکل بسیار درشتی بود، پرسیدند، دلیل شکست امروز شما چه بود او بلافاصله گفت: تنها دلیل شکست ما، آتش پر حجم توپخانه بود که همه جا را گلوله باران کرد و دیگر نتوانستیم بمانیم و دستور عقب‌نشینی به مواضع داده شد.

- شما که از توپخانه تعریف می‌کنید من هم که یک توپچی هستم بر خود می‌بالم پس از این شکر خورد کردنها بفرمائید تا کی در فاو ماندید؟

تا روز ۶۷/۱/۲۸ یعنی روز تخلیه فاو، یگان ما و یا بهتر بگویم توپخانه ها اولین یگانهایی نبودند که وارد فاو شدند اما بدون شک آخرین یگان هائی بودند که فاو را تخلیه کردند و از این بابت درس مقاومت را تا آخرین لحظه از خود به یادگار گذاشتند. اجازه می‌خواهم ماجرا را بطور کامل تعریف کنم.

- حتماً این کار را بکنید و با توجه به اهمیت موضوع سعی بفرمائید. آنچه به یاد دارید لحظه به لحظه تعریف کنید، متشکر می‌شوم.

شب ۶۷/۱/۲۷ را با گفتگو و خوش و بش با چند نفر از درجه داران به پایان رساندیم. در همین شب درخواست چند نفر از درجه داران از جمله حسین علی تاجیکی را برای مرخصی دیدم اما ناخودآگاه، امضاء نکردم و آنرا برای فردا گذاشتم. روز بعد شروع شده بود یعنی ساعت از ۱۲ شب گذشته بود که به سنگر خود برگشتم هنوز خوابیده بودم که صدای چند انفجار را شنیدم. البته صدای گاه به گاه چند انفجار گلوله توپخانه چیز تازه ای نبود، خود شما می‌دانید جبهه جای انفجار و تیراندازی و زخمی و شهید است نه چیز دیگر، زیاد توجه نکردم دراز کشیدم که بخوابم که تلفن قورباغه ای با آن صدای نکره اش به صدا درآمد، سرباز شمس الدین کاکوئی متصدی تلفن گفت، جناب سروان، حال حسین علی تاجیکی (رئیس رسد مخابرات) خوب نیست و دارد می‌میرد پرسیدم چرا؟ گفت نمی‌دانم از سنگر بیرون بود. وقتی داخل سنگر شد افتاد و بسیار ناراحت است، بلند شدم، ساعت را نگاه کردم ساعت درست ۰۴۳۵ بود که از سنگر بیرون رفتم، آتش تهیه ارتش عراق با شدت تمام شروع شد و شدت آن طوری بود که نتوانستم خودم را به سنگر مخابرات برسانم، به سنگر خودم برگشتم، ۲ الی سه دقیقه بعد قصد رفتن کردم و خودم را به سختی به سنگر مخابرات که در مسافت ۲۵۰ متری بود رساندم با دیدن او متوجه فاجعه شدم، او شیمیایی شده بود و چشمانش از حذقه بیرون آمده بود و یارای نفس کشیدن نداشت و خون استفراغ می‌کرد، کار او تقریباً تمام شده بود و همچنین احساس می‌کردم من هم قادر به تنفس نیستم، به سرباز کاکوئی گفتم ماسک بزند و ماسک تاجیکی را نیز به من بدهد اما خود ماسک زد و نتوانست ماسک رئیس رسد مخابرات را پیدا بکند، از سرباز خواستم ماجرا را به گردان

دستاورد های آموزشی / ۳۰۵

گزارش کند و تقاضای کمک نماید. من در حالی که به سختی جایی را می دیدم بفکرم افتاد از فرمانده آتشبار یکم کمک بخواهم زیرا می دانستم تمام پرسنل آتشبار شیمیایی شده اند ، به او گفتم به داد ما برسد، و با این حال از سنگر بیرون رفتم که از وضعیت پرسنل با خبر شوم، به سختی قدم برمی داشتم در مسیر چند قدم دورتر دو سرباز را دیدم به صورت کتابی افتاده اند، آنچه یادم هست این است که توپهای آتشبار را به اندازه قوطی کبریت می دیدم، احساس می کردم دارم باد می کنم و سرم گیج می رفت و افتادم، در این موقع بود که فکر می کردم کارم تمام شده است از خداوند خواستم کاری کند که جسمم به میهن اسلامی باز گردد و بدست عراقی ها نیفتد، برابر معتقدات خود شهادتین را خواندم و دیگر چیزی نمی دانم تا ۸/۵ ساعت بعد که در بیمارستان به هوش آمدم.

– سرنوشت آتشبار به کجا کشید ؟

آنچه را که از این به بعد می گویم بعدها برایم نقل ، قول کرده اند و از زبان همکاران می گویم . فرمانده آتشبار یکم با تقاضای کمک من دست بکار می شود و با آمبولانس و چند نفر به آتشبار می آید و در چند نوبت ۳۰ الی ۴۰ نفر از پرسنل که کاملاً شیمیایی شده بودند را به بیمارستان فاو تخلیه میکند و آنطوری که خود برایم تعریف کرد در آخرین بار آمبولانس از کار می افتد و آنها مجبور می شوند پیاده به آتشبار خودشان برگردند ، من از این همکار فداکار و رشید در مقابل شما تشکر می کنم و او را ناجی ۳۰ الی ۴۰ نفر از پرسنل آتشبار خود می دانم .

جالب است که بدانید ، فرمانده آتشبار دوم نتوانسته بود مرا تخلیه کند ، زیرا ایشان می گفتند ، وضعیت پرسنل طوری بود که با دیدن آنها همه چیز و همه کس را فراموش می کردم و تنها کسانی را که می دیدم بلافاصله در آمبولانس می گذاشتم و با پر شدن آمبولانس حرکت می کردم . برایم فرق نمی کرد که کی را می برم و یا کی را باید ببرم .

با روشن شدن هوا تعدادی از درجه داران با غیرت آتشبار که کمتر صدمه دیده بودند بفکر نجات آتشبار می افتند و سراغ مرا می گیرند ، کسی به من گفت او را ببخشم ، گفتم چرا ، گفت من فکر می کردم، شما سوار جیب شده اید و ما را تنها گذاشته اید ، اما بعداً به اشتباه خود پی بردم ، زیرا ما جیب شما را کنار سنگر دیدیم و به جستجو پرداختیم ، شما را در ۱۰ الی ۱۵ متری سنگر مخابرات در

داخل گودالی دیدیم که کاملاً بیهوش هستید و خشک شده اید آنها مرا به بیمارستان فاطمیه در فاو و از آنجا با توجه به وضعیت وخیمی که داشته ام مرا به بیمارستان علی بن ابیطالب در سه راهی ماهشهر، آبادان می برند. وضعیت آتشبار را با عدد و ارقام ذکر می کنم.

از پرسنل آتشبار سه نفر شهید و متأسفانه جسد آنان جا ماند، اولی را خدمتتان عرض کردم، استوار یکم حسین علی تاجیکی به بیمارستان فاطمیه تخلیه می شود اما دیگر از وی خبری در دست نیست، نفر دوم گروهبان سوم وظیفه محمد علی فروتن که کسی او را ندیده است، و معلوم نشد که سرنوشت او به کجا کشیده است و آخرین نفر، سرباز حسن نیک بخت که جسدش در بیمارستان جا می ماند، بقیه پرسنل آتشبار به جز چند نفر به نامهای، استوار منصور حیدری، گروهبان کرم پرونده و سربازان منصور کوچک دزفولی و سرباز مخابرات و ۱ و ۲ سرباز دیگر کاملاً شیمیایی می شوند، این چند نفر که نام بردم با رشادت و خونسردی، پرسنل مصدوم را به بیمارستان تخلیه می کنند و سپس اجباراً وقتی می بینند اوضاع بسیار خراب است و پرسنل در خط در حال عقب نشینی هستند، خود سوار بر جیب کا-ام می شوند و همراه یگانهای در خط عقب نشینی می کنند. بنابراین از آتشبار سوم گردان فقط و فقط یک جیب به عقب آورده می شود. خوشبختانه پرسنل مصدوم از بیمارستان با استفاده از امکانات بیمارستان به بیمارستانهای ل ۹۲، بیمارستان علی بن ابی طالب، بیمارستان اهواز و جاهای دیگر تخلیه و نجات پیدا می کنند.

- از ۲ آتشبار دیگر گردان چه خبری دارید؟

متأسفانه وضعیت آتشبار دوم با وجود این که شرایط ما را نداشتند و البته مورد تک شیمیایی قرار نگرفته بودند، ولی بعلت نبودن فرمانده آتشبار و معاون آتشبار، ۱۱ نفر شهید بر جای گذاشتند که هرگز جسد این ۱۱ نفر پیدا نشد و آتشبار به طور کامل باقی ماند اما، آتشبار یکم، که در محور فاو البهار مستقر بود به همت فرمانده و پرسنل آتشبار کاملاً تخلیه شد و تنها یک نفر شهید بجای گذاشت البته مهمات این آتشبار و یک یا دو وسیله خراب نیز بجا ماند.

جناب سرگرد، گرچه می شود، جواب سوال بعدی را از گفته های شما استنباط کرد، اما برای نتیجه گیری بهتر شما فکر نمی کنید اگر استوار شهید تاجیکی مانند سرباز کوکائی از ماسک استفاده می کرد، هرگز شهید نمی شد؟ و یا اگر خود شما ماسک همراه داشتید قطعاً وضعیت آتشبار بهتر از آنچه گفتید می شد.

دستاوردهای آموزشی / ۳۰۷

من آدم رُکی هستم و این انتقاد را قبول دارم اما خدا را شاهد می‌گیرم، من بارها از پرسنل آتشبار خواسته بودم اگر با لباس نمی‌خوابند ولی دو چیز را در دسترس داشته باشند، اول تفنگ و بعد ماسک، بارها هم از این بابت با بسیاری از همکاران بگو مگو کرده بودم و شاید هم اگر ما شهید کمتری دادیم بعلت استفاده از ماسک بود که البته چون حجم مواد شیمیایی در آتشبار بسیار بالا بود، با وجود استفاده از ماسک پرسنل مصدوم شدند، ولی این‌که چرا خودم بی‌توجه بودم، فرصت پیدا نکردم و در لحظه بیرون آمدن از سنگر خواب آلود بودم.

- از دیگر یگانهای توپخانه مستقر در بندر فاو خبری دارید؟

آنچه بعداً معلوم شد هیچ یک از گردانهای توپخانه مستقر در فاو قبل از یگانهای در خط منطقه را ترک نکرده بودند و به دلیل این که عقب نشینی یگانهای مانوری یک عقب نشینی تاکتیکی نبود بلکه تحت فشار انجام گرفت تقریباً درصد بالایی از سلاحهای توپخانه در فاو باقی ماند. از جمله این یگانها می‌توان یک گردان ۱۵۵ م م از لشکر ۱۶، یک آتشبار ۲۰۳ م م از لشکر ۲۱، گردان تیپ هوابرد و یک آتشبار ۱۰۵ م م لشکر ۳۰ و یک گردان ۱۳۰ م م از لشکر ۳۰ اشاره کرد.

- آخرین سؤال این‌که: آیا یگان های سپاه پاسداران برابر سازمان رزمی تا هنگام

تخلیه در فاو مانده بودند؟

من از نظر درجه رقی نبودم که سازمان رزمی سپاه را بدانم، اما یگانهای اصلی سپاه یعنی لشکرهای ۱۴، ۲۵، ۲۷ و چند تیپ دیگر و قرارگاههای توپخانه ۱۵ خرداد و ۴۲ یونس و نوح ۱ در فاو بودند و فرماندهان آنها را می‌دیدم.

- ضمن تشکر از شما که با حوصله و دقت به سئوالات من پاسخ گفتید، اگر مطلب

خاصی دارید که بتواند ناگفته‌ای را بیان کند بفرمائید.

حرف و حدیث زیاد است برای هر روز از ۲۶ ماهی که در فاو بودم. می‌توان یک خاطره گفت، آنچه در پایان می‌گویم اینست که بردن توپخانه بداخل فاو مطابق اصول تاکتیکی نبود، به‌عنوان مثال تمام هدفهایی که از من درخواست گردید که بزنم از همان موضع قبلی (قصوه) می‌توانستم زیر آتش قرار دهم بنابراین دلیلی وجود نداشت که در ۳۰۰ متری خط مقدم قرار بگیرم.

- خسته نباشید، خداحافظ.

در رابطه با پژوهش دانشکده بهداشت و درمان نزاها

در بخش دستاوردهای آموزشی (ص ۲۳۷) یکی از اهداف اصلی کتاب، انعکاس دستاوردهای آموزشی عملیات والفجر ۸ بیان گردید. و با توجه به اهمیت تحلیلهای علمی، پژوهشی از همکاران درخواست گردید، نویسنده را در این مهم با هدف پربار کردن محتوای آموزشی کتاب یاری دهند.

خوشبختانه قبل از انتشار کتاب از طریق هیات معارف جنگ اطلاع پیدا کردم که گروهی از همکاران اندیشمند، صدیق و تلاشگر در دانشکده بهداشت و درمان نزاها در یک اقدام اساسی، بر روی مجروحین عملیات والفجر ۸ یک پژوهش ارزشمند انجام داده‌اند که حاوی دستاوردهای علمی قابل توجه‌ای می‌باشد. از این رو ضمن قدردانی از این همکاران، نتایج پژوهش انجام شده بدون هیچگونه اظهار نظری به عنوان پیوست ارائه می‌گردد که امیدوارم مورد بهره برداری برنامه ریزان دفاعی کشور قرارگیرد.

**نگرشی بر مجروحین عملیات والفجر ۸
دانشکده بهداشت و درمان مرکز آموزش بهداشت و درمان نزا جا
هیات معارف جنگ شهید صیاد شیرازی**

- ۱- سرتیپ ۲ بازنشسته دکتر نامجو نیک
- ۲- سرهنگ پزشک فریور متقی
- ۳- سرهنگ بهداشت و درمان داود مقیسه
- ۴- سرهنگ دوم پزشک حسن لباف قاسمی
- ۵- سرگرد پزشک مسعود دانشمند وزیری

چکیده:

فرماندهان در صحنه عملیات در برآوردهای مختلف خود همواره به این می‌اندیشند که تا حد امکان ماموریت‌های خود را با تلفات رزمی کمتری به سرانجام برسانند، از این رو پژوهشی از طریق دانشکده بهداشت و درمان نزا جا بر روی مجروحین عملیات والفجر ۸ به عمل آمد که نتایج آن بر اساس جداول و نمودارهای استخراج شده نشان‌دهنده نیاز رزمندگان به استفاده از وسائل حفاظتی در سطحی فراگیر است که در نهایت کاهش تلفات رزمی بویژه مجروحین میدان جنگ را سبب می‌گردد. لازم به ذکر است که اطلاعات موجود مربوط به گروهی از مجروحین می‌باشد که از فرودگاه اهواز تخلیه شده‌اند و این اطلاعات مربوط به مجروحین مرحله آفندی از مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۱/۲۴ می‌باشد.

روش تحقیق:

۱. جامعه آماری عبارت است از اطلاعات موجود از تعداد و نوع مجروحین عملیات والفجر ۸.
۲. روش نمونه گیری: استفاده از آمارهای موجود مجروحین تخلیه شده از فرودگاه اهواز از مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ لغایت ۶۴/۱۱/۲۴ و سپس دسته بندی اطلاعات تحت عناوین ذیل:
 - الف) جدول و مشخص کننده ترکش به اعضا بدن .
 - ب) جدول و مشخص کننده تیر به اعضا بدن .
 - ج) جدول و مشخص کننده نوع آسیب .
 - د) جدول و مشخص کننده نوع اعزام نیرو .

یافته‌ها

- ۱- آمار اصابت ترکش به کل اعضا بدن در عملیات آفندی والفجر ۸ در ۵ روز اول عملیات :
(دست : ۹۵۶) - (پا : ۱۴۴۳) - (شکم : ۳۲۹) - (صورت : ۳۲۰) - (سر : ۱۴) - (پشت : ۶۲۵) - (سینه : ۲۲۱) - (بدن : ۳۱) - (گردن : ۱۱۷)

جمع : ۴۵۲۲ مورد

- ۲- آمار مشخص کننده تیر به اعضا بدن :
(پا : ۱۷۵) - (شکم : ۵۰) - (دست : ۱۴۱) - (پشت : ۸۳) - (صورت : ۱۶) - (سر : ۱۴) - (سینه : ۲۲۱) - (گردن : ۸)

جمع : ۷۰۸ مورد

- ۳- آمار مشخص کننده آسیب :
(ترکش به اعضا : ۴۵۲۲) - (شیمیایی : ۸۴۳) - (کما : ۵۴) - (تیر به اعضا : ۵۲۰) - (شکستگی : ۹۵) - (موجی : ۲۹۵) - (متفرقه : ۱۴۵)

جمع : ۶۴۷۴ مورد

- ۴- آمار مشخص کننده نوع نیروهای مجروح شده :
(بسیجی : ۲۹۸۰) - (جهادی : ۴۷) - (افسر : ۲۲) - (پزشک و امدادگر : ۱۳) - (سرباز : ۱۷۶۱) - (درجه دار : ۴۰) - (مجهول الهویه : ۱۲۵) - (روحانی : ۱۳) - (متفرقه : ۲۷)

جمع : ۵۰۲۸ مورد

بحث و پیشنهاد

بنابر آنچه که در مطالعه جدول مشخص کننده اصابت ترکش به کل اعضا بدن در عملیات آفندی والفجر ۸ یعنی در پنج روز اول حاصل گشته است ، نشان می‌دهد که بیشترین مکان آسیب پذیر در این مجموعه ناحیه پا (۱۴۴۳ مورد) و سپس ناحیه دست (۹۵۶ مورد) بوده است ، بطوریکه جمع مجروحین از نواحی دست و پا (اندام‌ها) $(۹۵۶+۱۴۴۳=۲۳۹۹)$ نفر) بوده که بیشتر از نصف کل مجروحین (۴۵۲۲ مورد) از سایر نقاط بدن بوده است .

لذا برای کاهش پیک اول در جدول آسیب به نظر می‌رسد که آموزش استفاده صحیح از عوارض زمین ، توانایی انجام حرکات خیز ، اجرای نحوه صحیح آتش و حرکت در هنگام عملیات و از طرف دیگر استفاده از وسایل ایمنی مهمی مثل زانوبند ضد گلوله و کفش‌های ضد ترکش می‌تواند تا حدودی باعث کاهش پیک اول گردد.

در پیک دوم آسیب بیشتر متوجه شکم و پشت و تنه و در پیک سوم آسیب بیشتر متوجه قفسه سینه فرد می‌باشد که می‌تواند باعث فوت فرد مصدوم گردد .

لذا با استفاده از یک جلیقه ضد گلوله به راحتی می‌توان این ۳ محل آسیب پذیر را محافظت نموده و آمار مجروحین و تلفات را بشدت کاهش داد .

از آنجا که به ازای مصدومیت و مجروحیت هریک نفر ، حداقل ۲ نفر مشغول حمل مجروح گشته و یک نفر نیز به مداوا و امداد رسانی باید بپردازد و همچنین سیکل تخلیه مجروح باید انجام گردد که در این مسیر حتی در صورت عدم وجود معلولیت که نیاز به حمایت و پیگیری مداوم و گاهی تا آخر عمر مجروح خواهد داشت ، برای سیر مراحل درمان و بهبودی و بازتوانی هزینه‌های هنگفتی مورد نیاز است از طرف دیگر مجروحیت فرد باعث کاهش توان رزمی و احیانا ناتمام ماندن ماموریت فرد و یگان مربوطه می‌گردد . لذا بنظر می‌رسد انجام هزینه تامین و تجهیز یگانها با پوشش جلیقه و زانو بند ضد گلوله در جهت پیشگیری از مجروحیت و معلولیت از هر نظر مقرون به صرفه می‌باشد .

توجه به جدول اصابت تیر به اعضا بدن نشان می‌دهد که محافظت سر با کلاه آهنی

علی‌رغم آفندی بودن عملیات و در معرض تیر قرار گرفتن رزمندگان خط مقدم و تک‌کننده تا چه حد توانسته است از مجروحیت و معلولیت آنها جلوگیری نماید (تنها ۱۴ مورد از ۷۰۸ مورد) اما با این حال در جدول اصابت ترکش به اعضا بدن میزان اصابت به سر افزایش قابل توجه‌ای نشان داده است (۴۳۰ مورد). با توجه به این‌که یگانهای پشتیبانی بیشتر در معرض اصابت ترکش واقع می‌شوند لذا به‌نظر می‌رسد اولاً توجیه و آموزش رزمندگان در اهمیت استفاده از کلاه آهنی کافی نبوده است لذا طراحی کلاهی با وزن کمتر و فیزیک مناسبتر و قابل تحمل برای رزمنده و همچنین توجیه و آموزش کافی رزمندگان در اهمیت استفاده از کلاه آهنی و کنترل بیشتر فرماندهان در تحقق این امر می‌تواند باعث کاهش چشمگیر مجروحیت و معلولیت از این ناحیه گردد.

توجه به جدول نوع آسیب نشان می‌دهد ترکش به اعضا پیک اول جدول می‌باشد و بالاترین آمار را به خود اختصاص داده است. لذا توجه به نوع سنگرها، پوشش مناسب سنگرها، ایجاد خطوط رابط بین سنگرها برای حرکت و جابجایی رزمندگان و دیگر تدابیر مهم در این موارد می‌تواند باعث کاهش مجروحیت و معلولیت گردد.

پیک دوم در این جدول مربوط به مصدومین ش م ه می‌باشد. برای رفع این نقیصه نیز آموزش کافی و تمرین به دفعات و تجهیز کلیه رزمندگان چه در خط مقدم و چه در یگانهای پشتیبانی لازم به نظر می‌رسد. میزان آموزش، روشهای آموزش و تمرین باید در حدی باشد که کارکنان به این باور برسند که استفاده نکردن و یا اطلاع نداشتن از چگونگی استفاده از تجهیزات ضد ش م ه تا چه حدی می‌تواند برای آنان خطرناک باشد و به عکس در صورت استفاده صحیح از این تجهیزات تا چه حدی می‌تواند خود را از خطر برهانند.

در جدول نوع نیروی دچار مجروحیت پیک جدول مربوط به رزمندگان بسیجی و پس از آن سربازان ارتش می‌باشد. از آنجاییکه در این عملیات نیروهای خط شکن و عمل کننده از رزمندگان بسیجی بوده است و همچنین به سبب دوره‌های آموزشی کوتاه مدت این نوع نیروها، شاید میزان مجروحیتشان قابل توجیه باشد ولی با توجه به این که در این عملیات نیروهای ارتش از نوع یگان‌های توپخانه و پشتیبانی رزمی بوده‌اند، این تعداد مجروحیت سرباز از تعداد سربازانی که می‌توان برای مجروحیت پیش بینی نمود بیشتر است که برخی از علل آن توضیح داده شد. با این وصف به نظر می‌رسد میزان پیش بینی مجروحیت در یک یگان رزمی با پشتیبانی با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیکی و امکانات نظامی دشمن‌های احتمالی جمهوری اسلامی ایران نیاز به بازنگری داشته باشد و به عبارت دیگر ما هم باید توان دفاعی و مکانیزم‌های حفاظتی از کارکنان نظامی را در جهت کاهش تلفات افزایش دهیم و هم میزان انتظارمان را قبل از عملیات به واقعیت نزدیکتر نماییم. تا به هنگام تخلیه مجروحین با مشکل مواجه نگردیم و پیش بینی‌های لازم از قبل انجام شده باشد.

جدول مشخص کننده جراحات‌ها

ترکش به پا	ترکش به دست	ترکش به صورت	ترکش به شکم	ترکش به پشت	ترکش به سر	ترکش به بدن	ترکش به سینه	ترکش به گردن
۱۴۴۳	۹۵۶	۳۲۰	۳۲۹	۶۷۵	۴۳۰	۳۱	۲۲۱	۱۱۷
عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو

تیر به پا	تیر به دست	تیر به صورت	تیر به شکم	تیر به پشت	تیر به سر	تیر به سینه	تیر به گردن
۱۷۵	۱۴۱	۱۶	۵۰	۸۳	۱۴	۳۳	۸
عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو

موجی	کما	شکستگی	شیمیایی	متفرقه	قطع عضو	سوختگی بدن
۲۹۶	۵۴	۹۵	۸۴۳	۱۴۵	۲۶	۲۲
عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	نفر

جمع کل: ۶۵۲۳ - جمع کل تیر به اعضا: ۵۲۰ عضو - جمع کل ترکش به اعضا: ۴۵۲۲ عضو

جدول مشخص کننده نوع اعزام

۲۹۸۰ نفر	بسیجی
۱۷۶۱ نفر	سرباز
۴۷ نفر	جهادی
۴۰ نفر	درجه دار
۱ نفر	افسر ارشد
۲۱ نفر	افسر
۱۲۵ نفر	مجهول
۸ نفر	امداد درمان
۱۳ نف	روحانی
۵ نفر	دکتر
۲۶ نفر	متفرقه
۱ نفر	مجاهد عراقی
مجموعین ۵۰۲۸ نفر	جمع کل

منابع

- احمدی، سرهنگ ستاد؛ **عملیات والفجر ۸**: فاو؛ تهران: دافوس، ۱۳۷۸.
- استرآبادی، مهدی خان؛ **تاریخ جهانگشای نادری** اسدی، هیبت اله؛ **نشریه ضد آتش**؛ تهران: معاونت آموزشی نزاچا، ۱۳۷۰.
- السامرائی، وفیق؛ **ویرانی دروازه شرقی**؛ ترجمه عدنان قارونی؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز فرهنگی، ۱۳۷۷.
- تافلر، الوین؛ **جنگ و ضدجنگ**؛ ترجمه شهیندخت خوارزمی؛ تهران: سیمرغ، ۱۳۷۲.
- تیمرمن، کنت؛ آر؛ **سوداگری مرگ**؛ ترجمه احمد تدین؛ تهران: فرهنگ خدمات رسا، ۱۳۷۳.
- حسینیا، احمد، سرهنگ؛ **امیر خستگی ناپذیر**؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- حسینیا، احمد، سرهنگ؛ **صیاد دلها**؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- حسینی، سید یعقوب، سرهنگ؛ **تاریخ نظامی جنگ تحمیلی تا ۳۱ شهریور ۵۹**؛ **هیات معارف جنگ**؛ ۱۳۸۵.
- دانشگاه افسری امام علی؛ **نفس جنگ**، مجموعه مقالات سال تحصیلی ۸۱-۸۲ دانشجویان دانشگاه افسری؛ تهران دانشکده فرماندهی و ستاد؛ **نیروهایی مشترک و مرکب**؛ تهران: ۱۳۸۲.
- درودیان، محمد؛ **آغاز تا پایان**؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
- درودیان، محمد؛ **از خرمشهر تا فاو**؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
- درودیان، محمد؛ **فاو تا شلمچه**؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- درودیان، محمد؛ **جنگ، بازیابی، ثبات**؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸.
- درودیان، محمد؛ **شلمچه تا حلبچه**؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
- دهقان، احمد؛ **ناگفته‌های جنگ**، خاطرات سپهبد شهید صیاد شیرازی؛ خاطرات؛ تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۷۹.

- رستمی، محمود، سرتیپ؛ فرهنگ واژه‌های نظامی؛ تهران: سماجا، ۱۳۷۸.
- ریچادسون، اف ام؛ روحیه جنگی؛ تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۲.
- سمیعی، علی؛ کارنامه توصیفی عملیاتها؛ تهران: نسل کوثر، ۱۳۸۲.
- عقیدتی سیاسی ارتش؛ نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس؛ تهران: ۱۳۷۳.
- گروه پژوهش و نگارش انتشارات عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ارتش؛ اعجوبه قرن؛ تهران: ۱۳۷۷.
- لطفیان، سعیده؛ ارتش و انقلاب اسلامی؛ تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۸۰.
- مبلغ، محمد؛ مجموع خاطرات؛ تهران: ۱۳۷۷.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ گزارش سقوط فاو: سند شماره ۶۹۷.
- نداف، مجید؛ نبرد فاو: گزارش عملیات والفجر ۸: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹.
- نوшادي، پاسدار؛ توپخانه در عملیات والفجر ۸؛ پایان نامه دوره کارشناس ارشد، تهران: دافوس، ۱۳۷۶.
- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران معاونت عملیات، مرکز پژوهشهای دفاع مقدس؛ اطلس نبردهای ماندگار؛ عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس؛ تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران آجودانی، کتابچه لیست شهدای نزاچا؛ تهران:
- بهره برداری از تعدادی جراید داخلی و خارجی به شرح مندرج در کتاب
- بهره برداری از تعدادی مقالات دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) در سال تحصیلی ۸۱-۸۲
- هیئت معارف جنگ «شهید سپهد علی صیاد شیرازی» : مجموع نوارهای مصاحبه با کسانی که در این کتاب با آنان مصاحبه شده است؛ ۱۳۸۰
- کتاب فاو تا شلمچه از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران

نوشته‌ی درودیان - محمد

تاریخ نبردهای هوایی دفاع مقدس در دست تحقیق در دفتر مطالعات و تحقیقات نهجا

منبع ۳۱۷/

درگذرگاه هشت سال دفاع مقدس نوشته‌ی سعید مهر - حسنعلی و خورند - محمد تهیه

شده در ستاد فرماندهی پدافند هوایی نهاجا

حماسه‌های ماندگار هوانیروز در دفاع مقدس

پژوهش، مرکز پژوهش‌های نهاجا، طی نامه شماره ۳۴۱۰/۱/۲۷ رت مورخه ۸۳/۴/۲ به

دافوس ارسال شده است.

عملیات والفجر ۸، مجموعه مقالات، تنظیم حسن دری، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ،

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸

منابع دیگر بخش دوم از فصل دوم کتاب :

اسناد و مدارک عملیاتی، اطلاعاتی باقی مانده از دوران دفاع مقدس موجود در دفتر ویژه‌ی

نهاجا .

اسناد و مدارک موجود باقی مانده از دوران دفاع مقدس در معاونت اطلاعاتی نهاجا .

اسناد و تصاویر موجود در فرماندهی اطلاعات و شناسایی نهاجا.

اطلاعات موجود در بانک اطلاعاتی دفتر مطالعات و تحقیقات نهاجا .

نمایه

افراز، پرویز؛ سرتیپ ۲: ۱۲۰، ۱۲۹، ۲۶۱	آ
الامیه؛ اسكله: ۵۹، ۶۰، ۲۰۱، ۲۸۳	
البكر؛ اسكله: ۵۹، ۶۰، ۲۰۱، ۲۳۳، ۲۸۳	آبادان؛ شهر: ۵۶، ۵۸، ۶۱، ۸۷، ۹۵، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۸۰، ۱۸۸، ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۴، ۲۸۰، ۲۹۰
البهار، منطقه عملیاتی؛ عراق: ۱۷۵، ۲۸۳، ۲۹۰	آزیر، محمد مهدی؛ سروان: ۲۸۴
العماره؛ عراق: ۶۲، ۲۰۳، ۲۲۴، ۲۲۹	آمریکا، ۳۸، ۴۱
ام الرصاص، جزیره؛ عراق: ۵۹، ۶۰، ۷۱، ۸۶، ۱۸۴، ۲۴۳	ا
ام القصر؛ عراق: ۸۸، ۱۵۶، ۱۷۳، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۸۱	ابراهیم، ریاض؛ وزیر بهداشتی بغداد: ۲۵۱
امیر بیگی، غلامحسین؛ سرتیپ ۲: ۵۳	احمدی؛ سرهنگ: ۲۹۹
اندیمشک: ۲۸۰	احمدیان، غلامعلی؛ استواریکم: ۲۷۲
اهواز؛ شهر: ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۸۰، ۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۴	اردستانی، مصطفی؛ سرلشکر خلبان شهید: ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۹۰، ۱۹۲
ایران: اکثر صفحات	اروندرد: ۲۱، ۲۳، ۵۴، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۷۱، ۸۷، ۱۰۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۳۱، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵
ایرانشاهی؛ سرگرد: ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۶	استکی، هوشنگ؛ سرتیپ ۲: ۱۲۷، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۶
ب	اسدزاده، ابوالفضل؛ سروان خلبان: ۲۱۶، ۲۲۵
بابایی، عباس؛ سرلشکر خلبان شهید: ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۰۶	اسدی، هیبت‌الله؛ سرهنگ: ۱، ۲، ۴، ۱۲، ۲۶۳، ۲۹۹
بانژاد؛ سرهنگ: ۲۷۸	اسرائیل: ۶۲
باوندپور؛ سرهنگ: ۲۷۱	اسکندر زاده؛ سرهنگ: ۱۲۷، ۲۶۴
بختیاری، مسعود؛ سرتیپ ۲: ۵۳، ۱۷۴، ۲۴۰	اصفهان؛ شهر: ۳۸، ۳۸، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۷۲، ۱۸۹، ۲۰۴، ۲۷۹
برزیل: ۳۵	
بستان؛ شهر: ۵۳	
بصره؛ شهر عراق: ۴۰، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۷۷، ۸۸، ۱۱۹، ۱۷۳، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۲۹	
بغداد؛ شهر عراق: ۳۷، ۶۴، ۱۱۳، ۲۰۸، ۲۲۹، ۲۵۱	

۳۲۰ / ارتش در فاو

۲۱۳، ۲۱۶، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۶۸، ۲۷۱،

۲۸۱

تجلائى، على؛ برادر سپاهى: ۲۴

تفرشى، عيسى؛ سرتيپ ۲: ۵۳

تفنگ ۱۰۶ م: ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲

تفنگ ۵۷ م: ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲

تنگ بيچار، منطقه؛ آبادان: ۵۶

تهران: ۲۲، ۳۸، ۸۴، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۶۲،

۲۲۰، ۲۶۰، ۲۹۹، ۳۰۰

توپ ۲۰ م: ۱۵۱

تيپ ۵۵ هوايرد؛ شيراز: ۲۱، ۵۴، ۶۰، ۶۱، ۶۶،

۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵،

تيپ اميرالمؤمنين (ع): ۵۶

ج

جاودانى، ابوالقاسم؛ سرتيپ ۲: ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹،

۱۲۰

جديدى، محمدتقى؛ سرتيپ خلبان: ۱۷۵

جراحى؛ جاده: ۱۶۱، ۱۵۸

جمشيدى، حسينعلى؛ سرهنگ فنى هوايى: ۲۶،

۱۳۶، ۱۵۸

جهاد سازندگى: ۵۵، ۹۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۹

چ

چمران، مصطفى؛ دكتور شهيد: ۳۰

چنانه؛ منطقه: ۱۴۵، ۱۶۱، ۱۶۳

چنگوله؛ منطقه: ۵۶، ۵۷

چوئبيده؛ منطقه: ۸۷، ۲۰۴

چين: ۳۵، ۴۷، ۱۹۲

بمباران شيميايى: ۱۱۵، ۱۳۸، ۱۶۱

بندر امام خمينى (ره): ۱۸۲، ۱۹۰، ۲۰۲، ۲۰۴،

۲۰۶، ۲۱۷، ۲۳۱

بوارين؛ جزيره عراق: ۶۹، ۷۱، ۷۷، ۸۳، ۸۴،

۱۲۵، ۱۲۶

بيت المقدس؛ عمليات: ۵۴، ۱۸۷، ۲۴۰

بيمارستان الزهراء، اهواز: ۱۵۸، ۱۶۱

بيمارستان على بن ابيطالب؛ سه راهى آبادان-

ماهشهر: ۲۹۰

بيمارستان فاطميه، فاو: ۲۹۰

پ

پاپلى رفسنجانى، مهدى؛ سرهنگ: ۲۶۴

پادگان گلف؛ اهواز: ۱۲۰، ۲۸۰

پاوه؛ شهر: ۵۶

پاويز، نادر؛ سرهنگ خلبان: ۱۶۳

پدافند هوايى: ۵، ۶، ۵۲، ۹۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱،

۱۷۰، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۸،

۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۴،

۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۶، ۳۰۰

پرونده، كَرم؛ گروهبان: ۲۹۰

پشتيبانى هوايى: ۱۷۵، ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۶

پورداراب، سعيد؛ سرتيپ ۲: ۴، ۲۱، ۲۳، ۵۴،

۲۳۹

ت

تاجيكى، حسين على؛ رئيس رسد مخابرات:

۱۳۸، ۲۸۸، ۲۹۰

تاکتیک‌های ویژه: ۱۵۱

تانک: ۴۷، ۵۲، ۸۴، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۵، ۱۱۴،

۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۷۲، ۱۸۶، ۱۹۱

دانشگاه امام حسین (ع)، ۴۰، ۲۹۹

دانشمند وزیری: مسعود؛ سرگرد پزشکی، ۲۹۳

دجله: رود، ۶۲، ۶۴

دز: رودخانه، ۲۱، ۵۴

دزفول: شهر، ۲۲، ۱۱۷، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۸۶،

۱۸۹، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸،

۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۴، ۲۲۵

ر

رادفر: نصیر؛ خلبان، ۱۶۲

رأس البیشه: منطقه، ۵۹، ۶۰، ۲۰۰، ۲۰۱

رجبی: مرتضی؛ سرگرد، ۲۶۸

رستمی: شهرام؛ سرتیپ: ۱۷۱

رستمی، محمود؛ سرتیپ: ۲۷، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۹۹

رستمیان: سرهنگ، ۲۵۶

رسولی، گروهبان و ضیفه؛ شهید: ۲۸۴

رضایی، محسن؛ فرمانده وقت سپاه پاسداران: ۳۱

۲۵۰، ۱۱۶، ۵۹

رعد؛ قرارگاه: ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲،

۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۷،

۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۸، ۲۲۱،

۲۲۶

رمضان: عملیات: ۱۹، ۳۱، ۳۳، ۴۳، ۸۸، ۲۲۱

روحانی، حسن؛ دکتر، حجت الاسلام: ۱۱۷،

۱۱۸، ۲۱۴، ۲۹۴، ۲۹۸

س

سامرائی، وفیق؛ سرلشکر، رئیس اطلاعات نظامی

وقت عراق: ۳۶

سپاه پاسداران: اکثر صفحات

سروری، روح الله؛ سرتیپ ۲: ۵۳

سلطانی نیا؛ سرهنگ خلبان: ۱۵۲

ح

حسینی، سید یعقوب؛ سرهنگ: ۲۸، ۲۹، ۳۷،

۳۸، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۷۱، ۲۹۹

حق شناس، علیرضا؛ سرهنگ خلبان: ۱۶۰

حکیمی، رمضانعلی؛ ستوانیکم: ۸۷، ۸۸

حمیدیه؛ منطقه: ۲۸۰

حیدری، منصور؛ استوار: ۲۹۰

خ

خاتم‌الانبیاء (ص)؛ قرارگاه: ۸، ۲۴، ۲۹، ۵۳، ۵۹،

۶۰، ۶۳، ۶۶، ۸۶، ۹۰، ۹۱، ۱۱۶، ۱۱۷،

۱۴۵، ۱۷۱، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۰،

۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۴

خدابنده‌لو؛ حسن؛ خلبان: ۱۵۵

خرمشهر: ۱۹، ۴۷، ۵۳، ۵۵، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۸۲،

۸۷، ۹۴، ۹۵، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۷۲،

۱۸۳، ۱۸۷، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۴۳، ۲۵۰،

۲۹۹

خسرو آباد؛ آبادان: ۱۶۲، ۲۱۲

خلیج فارس: ۲۱، ۳۸، ۶۱، ۱۵۶، ۱۹۶، ۱۹۸،

۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹

خمپاره انداز ۱۲۰ م: ۸۷

خور موسی: ۲۰۱، ۲۳۲

خیبر؛ عملیات: ۱۹، ۴۲، ۶۱، ۱۹۵، ۲۰۲

د

دارخوین؛ منطقه: ۱۱۱، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۵۹،

۱۶۰، ۱۶۱

دانشکده فرماندهی و ستاد: ۲۵، ۲۶، ۳۹، ۵۰،

۵۳، ۶۱، ۶۳، ۷۱، ۱۲۰، ۲۴۳، ۲۵۲، ۲۹۹

دانشگاه افسری امام علی (ع)، ۵۰، ۲۲۹، ۲۹۹،

۳۰۰

۳۲۲ / ارتش در فاو

سمیعی؛ علی: ۶۲، ۱۷۳، ۱۸۴، ۳۰۰

سنجری پور، داود؛ سرتیپ ۲: ۷۱، ۸۹

سهرابی، اسماعیل؛ سرهنگ: ۲۴۵

سوسنگرد: ۶۲

سیستانی، مرتضی؛ سرهنگ: ۲۵۷

سینائی، مرتضی؛ سرهنگ: ۲۶۸، ۲۷۳

ش

شادمان، عطاء الله؛ خلبان: ۱۶۳

شاهان، محسن؛ سرتیپ ۲: ۴، ۵۳

شفیع زاده، فرمانده وقت توپخانه سپاه؛ شهید:

۱۱۷، ۱۲۰، ۲۶۱

شکیبا مقدم؛ سرتیپ ۲: ۵۳

شلمچه؛ منطقه: ۲۳، ۲۷، ۴۰، ۴۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱

۶۲، ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۱۱۰، ۱۲۵

۱۲۶، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۹، ۲۳۹

۲۴۱، ۲۵۱، ۲۹۹، ۳۰۰

شوروی: ۳۸، ۱۸۱

شیبانی؛ سرگرد: ۳۰

ص

صالح آباد؛ آبادان: ۵۶

صحتی، اسماعیل؛ خلبان: ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲

صیاد شیرازی، علی؛ سپهبد شهید: ۲، ۱۰، ۱۲

۱۳، ۱۹، ۳۹، ۴۳، ۵۳، ۹۱، ۱۱۸، ۲۵۰

۲۶۱، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۰

ع

عبادت، کریم؛ سرهنگ: ۲۲، ۲۳

عبدالرشید، ماهر؛ سرلشکر: ۶۲، ۲۱۶

عراق؛ اکثر صفحات

عین خوش؛ منطقه: ۶۱، ۱۱۳، ۱۴۵، ۱۶۱

۱۶۳، ۱۶۴، ۲۳۹

ف

فروتن، محمدعلی؛ گروه بانسوم وظیفه: ۱۴۲

۲۹۰

فکه؛ شهر: ۶۰، ۶۱، ۱۶۳، ۲۰۱

فلاحی، ولی الله؛ سرلشکر شهید: ۳۰، ۵۰

ق

قاسمی؛ سروان خلبان: ۱۷۵

قرائی، غلامحسین؛ سرتیپ ۲: ۵۳

قرارگاه جنوب: ۵۳، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۹۴، ۱۲۰

۲۵۷، ۲۶۲

قرارگاه کربلا: ۸، ۵۹، ۷۱، ۸۴، ۹۰، ۱۴۷، ۲۰۴

۲۱۴، ۲۱۸

قضات، رحمان؛ سرتیپ ۲ خلبان: ۱۴۹، ۱۵۲

۱۶۲

قطره سامانی؛ سرتیپ ۲: ۱۲۹، ۲۷۷

ک

کاظم زاده، مهربان؛ ستوانیکم: ۲۴۲

کاظمی، بهرام؛ سرهنگ خلبان: ۱۶۱

کاکوئی، شمس الدین؛ سرباز وظیفه: ۲۸۸

کثیری، حجت الله؛ سرهنگ: ۱۸۲

کربلای ۱: عملیات: ۵۳

کربلای ۲: عملیات: ۵۳

کربلای ۳: عملیات: ۵۳

کرخه: ۵۳، ۱۸۶

کرکوک؛ شهر عراق: ۱۱۳

کرمان؛ شهر: ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲

کره شمالی: ۱۸۱

کنجان چم؛ منطقه: ۵۶

مهرازا، حسین؛ سرتیپ ۲: ۱۲۸، ۱۷۳، ۲۴۷،

۲۵۰

مهران؛ منطقه عملیاتی: ۵۶

موشک تاو: ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳

موشک سه‌هند: ۱۱۰

موشک ماوریک: ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۲۱۳

میثاقیان، رحمان؛ ستواندوم: ۲۴۷

ن

نامجو نیک، خسرو؛ سرتیپ ۲ دکتر: ۲۹۳

نخعی، ناصر؛ سرتیپ ۲: ۵۳

نداجا: ۶، ۱۹۸، ۲۳۱، ۲۳۳

نداف؛ مجید: ۱۴۳، ۱۸۵، ۳۰۰

نهادا: اکثر صفحات

نهر کتیبان: ۶۰

نوابی، هوشنگ؛ سرتیپ ۲: ۵۳

و

ویتنام: ۲۳۸

ه

هاشمی رفسنجانی: ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۹، ۳۱، ۴۴،

۱۹۸، ۵۹

هلی برن: ۲۱، ۲۳، ۵۴، ۱۴۶، ۱۶۰

همتی، خیرالله؛ سرتیپ ۲: ۲۷۷

هوانیروز: ۷، ۲۱، ۲۳، ۵۲، ۵۹، ۸۸، ۹۸

۱۱۳، ۱۱۶، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷،

۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴،

۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱،

۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۳۹، ۳۰۱

هورالهیوز: ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۸۲

کوشک؛ منطقه: ۵۹، ۶۰، ۶۶، ۸۵، ۸۶

گ

گودرزی، حسین؛ سرهنگ: ۲۷۸، ۲۵۹

ل

لباف قاسمی، حسن؛ سرهنگ دوم پزشک: ۲۹۳

لروند، منصور؛ سرگرد: ۲۷۷، ۲۵۹

لشکر ۲۱ حمزه پیاده: ۸، ۶۹، ۷۱، ۸۲، ۸۹، ۹۰،

۱۱۱، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۹۱

لشکر ۷۷ پیاده خراسان: ۷۱، ۸۲، ۸۵، ۱۳۹،

۱۴۱

لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه: ۵۶، ۶۱، ۲۷۱

لشکر ۹۲ زرهی خوزستان: ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۷۱،

۲۷۹

لطفیان؛ سعیده: ۳۴، ۳۶، ۳۰۰

م

مالیوتکا؛ موشک انداز ضدتانک: ۹۴

ماهشهر؛ بندر: ۱۶۲، ۲۵۷، ۲۹۰

مبلغ؛ محمد: ۴۱، ۳۰۰

متقی، فریور؛ سرهنگ پزشک: ۲۹۳

محرّم نژاد؛ خلبان: ۱۶۲

محمدی، حسن؛ سرهنگ: ۲۷۲

مسجد سلیمان؛ شهر: ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۶۲

مسجد سلیمان؛ شهر: ۱۵۰

مصر: ۲۳۸

معین وزیری، نصرت‌الله؛ سرتیپ ۲: ۲۵، ۵۳

مفید، عبدالحسین؛ سرتیپ ۲: ۳۶، ۱۱۹، ۱۸۱

مقیسه، داود؛ سرهنگ بهداشت و درمان: ۲۹۳

منتظر، ناصر؛ سرگرد: ۲۸۴

منوچهری فر، احمد؛ خلبان: ۱۵۹



هیأت معارف جنگ
شهید سید علی صیاد شیرازی

Artesh Dar Fav

Col. Heybat-allah Asadi

**War Cognizance Committee Of
Martyr Lieutenant General Ali Sayyad Shirazi**